

فصلنامه پژوهش های جغرافیای سیاسی

(نشریه علمی)

ISSN: ۲۴۷۶-۳۱۳۶



- ۱ تبیین بنیان های واگرایی کشورهای اسلامی و ناکامی اندیشه وحدت اسلامی در دوره معاصر هادی ویسی
- ۲۱ فلسفه جغرافیای سیاسی از رهیافت اسلام محسن عابدی درچه
- تحلیل عوامل مؤثر بر مکان یابی پاسگاه های مرزی با استفاده از سیستم استنتاج فازی (نمونه موری مناطق مرزی استان خراسان رضوی و افغانستان) رضوی و افغانستان
- ۵۱ ملیحه اخباری، سیدهادی زرقانی، مسعود مینائی
- ۷۹ پیامدهای امنیتی شهرک سازی در کرانه باختری طی دوره ۲۰ ساله (۲۰۲۰-۲۰۰۰) ناصر رجب نژاد، محمد اخباری، علی بیژنی
- ۱۰۱ مؤلفه های فرهنگی مرزن نشینان و نقش آن در امنیت پایدار مناطق مرزی کرمانشاه نجات محمدی فر، علی مرادی
- ۱۲۵ ارزیابی اثرات تجارت مرزی بر شاخص های جمعیتی سکونتگاه های روستایی بازارچه مرزی تمرچین تانیا سانبار، ناصر سلطانی، حسن حیدری



دانشکده ادبیات و علوم انسانی

مجله علمی پژوهش‌های جغرافیای سیاسی (نشریه علمی)

صاحب امتیاز: دانشگاه فردوسی مشهد

مدیر مسئول: دکتر هادی اعظمی

سرمدیر: دکتر محمدباقر قالیباف

هیئت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا):

دکتر زهرا احمدی پور (استاد جغرافیای سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس)
دکتر جواد اطاعت (دانشیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه شهید بهشتی)
دکتر هادی اعظمی (دانشیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد)
دکتر محسن خلیلی (استاد علوم سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد)
دکتر هادی زرقانی (دانشیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد)
دکتر محمد باقر قالیباف (دانشیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه تهران)
دکتر زهرا احمدی پور (استاد جغرافیای سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس)
دکتر جواد اطاعت (دانشیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه شهید بهشتی)
دکتر حمیدرضا دستجردی (محقق مرکز CeADAR، دUBLIN، ایرلند)

کارشناس اجرایی: زهرا بنی اسد

ویراستار علمی و ادبی: منصوره اسکندران

دستیار سردبیر: منصوره اسکندران

حروفنگاری و صفحه‌آرایی: الهه تجویدی

نشانی: مشهد، دانشگاه فردوسی مشهد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دکتر علی شریعتی، کد پستی: ۴۸۸۴۹۱۱۱۹

<http://pg.um.ac.ir/index.php/pg/index>

E-mail: pg@ferdowsi.um.ac.ir

نشانی اینترنتی:

این مجله در پایگاه‌های زیر نمایه می‌شود:

- پایگاه استنادی علوم جهان اسلام (ISC)
- پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی (SID)
- پایگاه بانک اطلاعات نشریات کشور (Magiran)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

داوران این شماره به ترتیب حروف الفبا

سیدعباس احمدی (استادیار جغرافیای سیاسی دانشگاه تهران)

علی امیری (استادیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه لرستان)

حمداله سجاسی قیداری (استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه فردوسی مشهد)

محمدرفوف حیدری‌فر (استادیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه پیام نور تهران)

ابراهیم رومینا (دانشیار جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک، دانشگاه تربیت مدرس)

یوسف زین العابدین عموقین (دانشیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی رشت)

احسان لشگری تفرشی (دانشیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه یزد)

اسکندر مرادی (دانشیار جغرافیای سیاسی دانشگاه پیام نور کردستان)

فاطمه سادات میراحمدی (دکتری جغرافیای سیاسی، دانشگاه تهران)

محمدحسن نامی (دانشیار ژئوپلیتیک، عضو هیات علمی دانشگاه علوم و فنون فارابی)

شرایط تدوین مقاله

۱. فصلنامه جغرافیای سیاسی تنها مقالاتی را ارزیابی می‌کند که در حوزه جغرافیای سیاسی باشد. همچنین مقالات مربوط به حوزه روابط بین‌الملل، علوم سیاسی، علوم استراتژیک و سایر رشته‌ها و گرایش‌های وابسته نیز در صورتی که با رویکرد ژئوپلیتیک باشد، در تحریریه مجله قابل بررسی می‌باشد.
 ۲. مقاله باید تحقیقی و حاصل کار پژوهشی نویسنده یا نویسندگان باشد و لزوماً به تولید علم و معرفت جدید منجر شده باشد. فصلنامه از مقاله‌های استخراج‌شده از رساله دکترا، پایان‌نامه‌های برجسته و همچنین طرح‌های تحقیقاتی مستقل در صورتی که مشتمل بر اصول و روش تحقیق در حوزه مربوط به آن باشد، استقبال می‌کند.
 ۳. مقالات برگرفته‌شده از پایان‌نامه‌های دانشجویی با نام استاد راهنما، دانشجو و مشاوران به صورت مشترک و با مسئولیت استاد راهنما منتشر خواهد شد.
 ۴. مقاله علمی - پژوهشی لزوماً دارای اجزای ساختاری زیر است که به ترتیب عبارتند از: **چکیده ۲۵۰ تا ۳۰۰ کلمه** به زبان فارسی و چکیده مبسوط انگلیسی و ترجمه صحیح، **کلیدواژه‌ها**، **مقدمه نظری و توجیهی**، **روش تحقیق**، **یافته‌های تحقیق**، **تجزیه و تحلیل**، **نتیجه‌گیری**، **قدردانی و فهرست منابع**. رعایت این ساختار از سوی ارائه‌کنندگان مقاله ضروری است.
- مقالات ارسالی باید دارای چکیده (abstract) ویرایش شده به زبان انگلیسی و مشتمل بر موارد زیر باشد:
- Introduction, Methodology, Result and discussion, Conclusion, key word.**
۱. مجله از مقاله‌های نظری که به ابداع یا ارائه نظریه‌های علمی و نیز نقد و بررسی عالمانه نظریه‌های موجود به وسیله اساتید و صاحب‌نظران برجسته می‌پردازند، استقبال می‌نماید.
 ۲. مقاله ارسال‌شده در نشریه دیگری چاپ نشده و یا همزمان برای سایر مجلات ارسال نشده باشد. ارسال تعهدنامه کتبی از سوی نویسنده در این رابطه به همراه مقاله ضروری می‌باشد. مقالات همایش‌های علمی مشروط به اینکه با تغییرات قابل توجه و افزودن مطالب جدید همراه باشد، قابل بررسی است.
 ۳. مقالات به دو زبان فارسی و انگلیسی قابل پذیرش است.
 ۴. در مقالاتی که بیش از یک نویسنده دارند، نویسندگان باید یک نفر را به عنوان نویسنده عهده‌دار مکاتبات مشخص کنند. در غیر این صورت نفر اول، نویسنده عهده‌دار مکاتبات شناخته خواهد شد.
۱۰. مقالات ارسالی با قلم B Lotus و حداکثر در ۲۰ صفحه و ۶ هزار کلمه باشد و از طریق سایت اینترنتی مجله به نشانی <http://jm.um.ac.ir/index.php/pg/index> ارسال شود.
۱۱. شیوه ارجاع در مقاله باید به سبک APA و تماماً به لاتین و منابع مورد استناد در داخل متن با ذکر نام‌خانوادگی نویسنده، سال انتشار و شماره صفحه داخل پرانتز آورده شود. مانند: (میرحیدر، ۱۳۸۶: ۲۲)

ترجمه صحیح (Mirhaydar, 2007:22) همچنین شیوه نگارش مشخصات منابع و مراجع در انتهای مقاله براساس حروف الفبا بایستی به صورت نمونه‌های زیر با ترجمه دقیق و در انتها در داخل کروشه ذکر [Persian] باشد.

کتاب: نام خانوادگی، نام نویسنده (نویسندگان) یا مترجم، (سال انتشار)، عنوان کتاب، محل انتشار، ناشر و DOI مربوطه.

- Hafeznia, M.R., (2006). Principles and Concepts of Geopolitics. Iran, Mashhad: Papoli Publications. [In Persian],

مجله: نام خانوادگی، نام نویسنده (نویسندگان)، (سال انتشار)، عنوان مقاله، نام مجله، شماره مجله و DOI مربوطه.

اینترنت: نام خانوادگی، نام نویسنده (نویسندگان)، (سال انتشار یا دسترسی)، عنوان اثر، شناسه (آدرس) سایت / پایگاه و DOI مربوطه.

۱۲. در تنظیم جداول، نمودارها و شکل‌ها رعایت نکات زیر الزامی است:

الف) اطلاعات جداول نباید به صورت شکل و یا نمودار در مقاله تکرار شوند. شماره و عنوان جداول در بالا و شماره و عنوان نقشه‌ها، اشکال و نمودارها در پایین آنها ذکر گردد و در صورت اخذ آنها از منابع دیگر، ذکر منبع در زیر آنها الزامی است. همچنین ابعاد آنها باید متناسب با ابعاد فصلنامه ژئوپلیتیک باشد.

ب) هر ستون جدول باید دارای عنوان و واحد مربوط به خود باشد، چنانچه تمام ارقام جدول دارای واحد یکسان باشند، می‌توان واحد را در عنوان جدول ذکر نمود.

ج) تصاویر و نقشه‌ها باید واضح، خوانا، دارای مقیاس و با کیفیت مناسب تهیه شده باشند. (در صورت نیاز به چاپ رنگی نقشه‌ها و نمودارها هزینه آن جداگانه محاسبه و دریافت می‌شود).

۱۳. حتی المقدور DOI منابع الکترونیکی مورد استفاده، در پایان مشخصات آن ذکر شود، مانند (doi:10.1000/182):

۱۴. مقالات دریافت شده پس از بررسی اولیه در مسیر فرآیند داوری علمی قرار گرفته و رأی نهایی درخصوص پذیرش یا رد آن توسط هیأت تحریریه صادر می‌شود.

۱۵. فصلنامه حق رد یا قبول و ویرایش مقالات را برای خود محفوظ می‌دارد و از بازگرداندن مقالات دریافتی معذور است. مسئولیت صحت و سقم مطالب مقاله به لحاظ حقوقی بر عهده صاحب و یا صاحبان مقاله می‌باشد.

- ۱ تبیین بنیان های واگرایی کشورهای اسلامی و ناکامی اندیشه وحدت اسلامی در دوره معاصر هادی ویسی
- ۲۱ فلسفه جغرافیای سیاسی از رهیافت اسلام محسن عابدی درچه
- ۵۱ تحلیل عوامل مؤثر بر مکان یابی پاسگاه های مرزی با استفاده از سیستم استنتاج فازی (نمونه موری مناطق مرزی استان خراسان رضوی و افغانستان) ملیحه اخباری، سیدهادی زرقانی، مسعود مینائی
- ۷۹ پیامدهای امنیتی شهرک سازی در کرانه باختری طی دوره ۲۰ ساله (۲۰۲۰-۲۰۰۰) ناصر رجب نژاد، محمد اخباری، علی بیژنی
- ۱۰۱ مؤلفه های فرهنگی مرزن نشینان و نقش آن در امنیت پایدار مناطق مرزی کرمانشاه نجات محمدی فر، علی مرادی
- ۱۲۵ ارزیابی اثرات تجارت مرزی بر شاخص های جمعیتی سکونتگاه های روستایی بازارچه مرزی تمرچین تانیا سانپار، ناصر سلطانی، حسن حیدری



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)
doi <https://doi.org/10.22067/pg.2022.68679.1018>
پژوهشی

تبیین بنیان‌های واگرایی کشورهای اسلامی و ناکامی اندیشه وحدت اسلامی در دوره معاصر

هادی ویسی (دانشیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران)

hadiveicy@pnu.ac.ir

صص ۲۰-۱

چکیده

جهان اسلام که سابقه تاریخی تمدن درخشان در چارچوب دولت یکپارچه اسلامی دارد، در دوره معاصر با فروپاشی نظام خلافت و در مواجهه با مدرنیته و نظام دولت - ملت، دچار تجزیه و ملی‌گرایی شد. در سده اخیر، برخی مصلحان و فعالان سیاسی اسلامی متأثر از آموزه «امت واحده»، اتحاد جهان اسلام را برای بازساخت و نوزایی تمدن اسلامی و مقابله با قدرت‌های سلطه‌گر غربی مطرح کردند. علیرغم برخی اقدامات انجام‌شده تاکنون هیچ‌گونه دستاورد مهمی از اتحاد و همگرایی کشورهای مسلمان مشاهده نشده است. هدف این پژوهش، بررسی ریشه‌ها و زمینه‌های اصلی واگرایی کشورهای مسلمان و پاسخ به چرایی ناکامی اندیشه وحدت اسلامی است. پژوهش حاضر به روش توصیفی - تحلیلی و استفاده از داده‌های کتابخانه‌ای انجام‌شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که ابهام مفهومی جهان اسلام، عدم هم‌تکمیلی اقتصادی کشورهای اسلامی، وابستگی به جهان خارج از اسلام، رقابت و تضادهای ایدئولوژیکی درون جهان اسلام و دخالت قدرت‌های فرامنطقه‌ای و جهانی، باعث غلبه قاطع نیروهای واگرا بر نیروهای همگرا شده است. **واژگان کلیدی:** جهان اسلام، کشورهای اسلامی، همگرایی، واگرایی، امت واحده.

۱- مقدمه

در طول تاریخ، نقشه جغرافیای سیاسی جهان بارها و بارها تغییر کرده و از واحدهای سیاسی بزرگ و یکپارچه به واحدهای سیاسی کوچک‌تر و یا ادغام واحدهای سیاسی کوچک و تبدیل به واحد سیاسی بزرگ تغییر یافته است. به‌طور معمول، ادغام و یکپارچگی سرزمینی و تشکیل دولت بزرگ (امپراتوری/ فدراسیون/ شاهنشاهی) از طریق جنگ، قدرت‌طلبی و فتح سرزمین‌های جدید به وجود می‌آمد و تجزیه سرزمینی و شکل‌گیری واحدهای سیاسی کوچک ناشی از افول قدرت‌های بزرگ، سر برآوردن قدرت‌های محلی و دخالت‌های قدرت رقیب بوده است. در دوره معاصر و عمدتاً پس از جنگ جهانی دوم، مناسبات بین‌المللی بر اساس نظم جدید وارد مرحله تازه‌ای شد که فتح سرزمینی و کشورگشایی قدرت‌ها منسوخ شد و فرایندهای همگرایی و واگرایی معنا و مفهوم تازه‌ای یافت. در این چارچوب، دهقانی فیروزآبادی معتقد است که مناسبات و روابط بین‌الملل همواره شاهد فرایندهای متضاد و متعارض بوده است. از یک‌سو، منازعات و مناقشات بین کشوری جنگ و ستیز در سطح بین‌المللی را در پی داشته و تعارضات و اختلافات درون کشوری نیز جنگ‌های داخلی و واگرایی ملی را برانگیخته است و از سوی دیگر، اشتراکات و انتظارات مشترک بین ملت‌ها و کشورها همکاری بین‌المللی و همگرایی منطقه را به بار آورده است (Dehghani Firoozabadi, 2015: 1).

یکی از واحدهای سیاسی بزرگ یکپارچه و یکی از قدرت‌های بزرگ جهانی در دوره‌های گذشته «دولت اسلامی» یا «خلافت اسلامی» بود که منطبق بر مناطق بزرگی از آسیای غربی، شبه‌جزیره عربستان، شمال آفریقا، آسیا صغیر و در برهه‌هایی تا بخش‌هایی از آسیای مرکزی و مرز چین و جنوب اروپا (اندلس) گسترش یافت. پیروان دین اسلام و برخی اشتراکات دینی و میراث گذشته فرهنگی و تاریخی اسلامی از ویژگی‌های مشترک این گسترده وسیع جغرافیایی است. این محدوده وسیع بعلاوه بخش‌های از جنوب و جنوب شرق آسیا، در دوره جدید «جهان اسلام» نامیده شده است.

در اوایل سده نوزدهم میلادی، افول و فروپاشی امپراتوری عثمانی (۶۹۸-۱۳۴۰ هـ. ق/ ۱۲۹۹-۱۹۲۲ م) به‌عنوان آخرین حکومت بزرگ اسلامی و نظام سیاسی خلافت و اجرای توافقنامه سایکس-پیکو^۱ و تقسیم بسیاری از اراضی امپراتوری عثمانی میان فرانسه و انگلیس در منطقه غرب آسیا باعث شد تا سرزمین‌های اسلامی وارد دوره‌ای از تاریخ شود که حکومت‌های قدرتمند و بزرگ اسلامی به پایان رسید و دوره جدیدی که مبتنی بر واحدهای سیاسی خرد و کوچک با اندیشه‌های ملی‌گرایانه و بر اساس نظام سیاسی تمدن غربی یعنی نظام دولت-ملت^۲ بود، آغاز گردید. نظام استعماری و سلطه قدرت‌های غربی بر اقوام و ملت‌های مسلمان، پاره‌پاره شدن، گسستگی، وابستگی و انفعال جوامع مسلمان و حکومت‌های استبدادی آنان باعث شد تا برخی فعالان سیاسی مذهبی و مصلحان اسلامی طرح «وحدت اسلامی» و «اتحاد امت اسلامی» بر مبنای آموزه قرآنی «امت واحده»^۳ مطرح کنند. هدف از آن هم‌افزایی و تجمع نیروها و فرصت‌های

1. Sykes-Picot Agreement

2. Nation-State

۳. إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً (قرآن کریم سوره الانبیا، آیه ۹۲).

کشورهای مسلمان برای توسعه و توانمندسازی خود و برای مقابله با نظام سلطه غربی بود که از دل آن‌ها مفهوم «جهان اسلام» به معنای امروزی به وجود آمد و کاربرد آن گسترش یافت.

سید جمال‌الدین اسدآبادی (۱۲۵۴-۱۳۱۴ هـ. ق/ ۱۸۳۸-۱۸۹۷ م) از معماران و پیشگامان وحدت اسلامی و اندیشه همگرایی اسلامی در دوره معاصر بود (Movaseghi, 2009; Tabatabaei, 2001). او به دنبال بیداری مسلمانان و نوزایی تمدن اسلامی و مقابله با استعمار و استبداد بود و سپس اندیشمندانی نظیر محمد عبده، محمد اقبال لاهوری، امام خمینی و آیت‌الله مطهری این اندیشه را توسعه دادند (Movaseghi, 2017).

اعلامیه بالفور^۱ و سپس شکل‌گیری رژیم صهیونیستی اسرائیل و اشغال بیت‌المقدس و آوارگی مسلمانان فلسطین، انگیزه‌های اتحاد و همکاری میان مسلمانان را گسترش داد. «اتحادیه عرب» و «سازمان اجلاس اسلامی^۲» که بعداً به نام «سازمان همکاری اسلامی^۳» تغییر نام داد، از دل اندیشه‌های وحدت اسلامی و گفتمان همگرایی و همکاری اسلامی و در برابر تهدید مشترک کشورهای اسلامی به وجود آمد.

اگرچه سازمان همکاری اسلامی در اساسنامه، سطح نسبتاً بالایی از همگرایی و همکاری کشورهای اسلامی هدف‌گذاری کرده است (Charter of the Organization of Islamic Cooperation, 1972: Article 1)، اما تاکنون جزء برگزاری نشست‌های سران و جلسات وزرای خارجه و محکوم کردن یا تأیید کردن برخی رویدادهای سیاسی اقدام مهمی در راستای همگرایی و همکاری جهان اسلام نداشته است. بدین ترتیب این پرسش شکل می‌گیرد که چرا جهان اسلام همگرا و متحد عمل نمی‌کند؟ چرا داعیه‌داران وحدت و همگرایی جهان اسلام تاکنون نتوانسته‌اند دستاورد مهمی برای اتحاد جهان اسلام داشته باشند؟ مشکل اصلی کجاست و ریشه‌های آن کدام است؟ ریشه‌های واگرایی جهان اسلام چیست؟ چرا جریان‌های واگرا بر اندیشه‌های هم‌گرایانه اسلامی غلبه دارند؟ در این پژوهش تلاش شده تا به این سؤال‌ها پاسخ مناسب داده شود.

۲- پیشینه پژوهش

پژوهش‌های مختلفی در خصوص واگرایی و عدم یکپارچگی و زمینه‌های همگرایی و وحدت در جهان اسلام انجام شده است. اکبری و فرهمند (2005) به همگرایی اقتصادی کشورهای اسلامی با استفاده از روش اقتصادسنجی فضایی پرداخته‌اند و معتقدند که وابستگی فضایی مثبت کشورهای اسلامی می‌تواند نرخ رشد اقتصادی کشورهای جهان اسلام را بالا ببرد. همین نتیجه از سوی کسرائی (2007) در مطالعه کشورهای عضو سازمان اجلاس اسلامی تکرار شده و معتقد به وابستگی فضایی و رشد منطقه‌ای است. ولایتی و سعید محمدی (2010) در تحلیل تجارب همگرایی در جهان اسلام به این نتیجه رسیده‌اند که استبداد داخلی و سلطه استعمار از مهم‌ترین عوامل اخلال در روند همگرایی جهان اسلام است که زمینه‌ساز بروز و تقویت سایر موانع همگرایی در میان کشورهای اسلامی شده است. نتایج پژوهش حافظ نیا و زرقانی

1. Balfour Declaration
2. Organization of the Islamic Conference
3. Organization of Islamic Cooperation

(2012) و حافظ نیا و همکاران (2012) نشان داد که نیروهای ژئوپلیتیکی واگراساز نسبت به نیروهای هم‌گراساز از وزن بیشتری در جهان اسلام برخوردارند و این نیروها باعث عدم همگرایی کشورهای مسلمان شده است. در این زمینه، بزرگمهری و همکاران (2016) تنش‌های جدی میان قطب‌های قدرت در جهان اسلام را عامل عدم همگرایی کشورهای اسلامی می‌دانند. اما عزیزی فر (2017)، توسعه گردشگری بین‌المللی میان کشورهای جهان اسلام را به‌عنوان راه‌کاری مهم برای همگرایی جهان اسلام ارائه داده است.

در جدیدترین پژوهش‌های خارجی، لیو و فان^۱ (2018) معتقدند که اختلافات، تناقضات و نابرابری‌های میان کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی بیش از آن است که آنان بتوانند به‌عنوان یک موجودیت و نهاد هماهنگ و متحد اقتصادی و سیاسی تبدیل شوند. درجایی دیگر، لیو^۲ (2018) بیان کرده است که اندیشه دولت اسلامی در مقابل اندیشه دولت ملی مدرن قرار دارد و بر اساس نظریه‌های دولت اسلامی و وحدت اسلامی، هویت ملی، مرزهای ملی، حاکمیت ملی در دولت اسلامی جایی ندارند و در مقابل هویت دینی و حاکمیت خداوند و وحدت امت اسلامی معنا می‌یابد. محور اندیشه وحدت اسلامی از نگاه رابرتس^۳ (2019) بیت‌المقدس است که به لحاظ تاریخی به‌عنوان نماد و موضوع کانونی برای اندیشه وحدت اسلامی مطرح بوده است. در پژوهشی جامع‌تر و مرتبط‌تر با پژوهش حاضر، شهاب احمد و اکبرزاده (2021) به این نتیجه رسیده‌اند که اگرچه اندیشه سازمان همکاری اسلامی برای وحدت سیاسی کشورهای اسلامی بوده است اما اغلب با رقابت‌های سیاسی و هویتی قدرت‌های رقیب در درون جهان اسلام این آرمان و اهداف به چالش کشیده شده و تحقق وحدت جهان اسلام را دور از دسترس قرار داده است.

بررسی پیشینه پژوهش نشان می‌دهد که برخی پژوهشگران برای همکاری و همگرایی جهان اسلام توصیه‌هایی نظیر وابستگی فضایی اقتصادی و یا توسعه گردشگری ارائه کرده‌اند و برخی دیگر به برخی از زمینه‌ها و عوامل واگرایی کشورهای اسلامی پرداخته‌اند. وجه تمایز پژوهش حاضر با پژوهش‌های انجام‌شده این است که از منظر ژئوپلیتیکی و نگرش انتقادی با نگاهی جامع و رویکرد واقع‌گرایانه، ریشه‌ها و عوامل واگرایی جهان اسلام و ناکامی اندیشه وحدت اسلامی را تبیین و تحلیل کرده است.

۳- روش انجام پژوهش

پژوهش حاضر به لحاظ ماهیت و قابل استفاده بودن، جزء پژوهش‌های کاربردی است. این پژوهش به روش توصیفی و تحلیلی انجام شده است. مباحث نظری و اطلاعات و داده‌های لازم در خصوص جهان اسلام و کشورهای اسلامی به روش کتابخانه‌ای گردآوری شده است. تلاش شده است با دیدگاه رئالیستی و با استفاده از نگرش ژئوپلیتیکی مسئله پژوهش

1. Liu & Fan

2. Liu

3. Roberts

مورد کندو کاو قرار گیرد. همچنین از نگرش انتقادی برای تحلیل و ارائه پاسخ‌های مناسب به مسئله تحقیق استفاده شده است.

۴- مبانی نظری: همگرایی و واگرایی

همگرایی^۱ و واگرایی^۲ مفاهیم کلی و مرتبط با حرکت پدیدارهای طبیعی یا اجتماعی به سوی یک هدف یا مرکز و یا دور شدن از آن هدف یا مرکز است. این مفاهیم، در مسائل اجتماعی - سیاسی، طیف بسیار گسترده‌ای از همکاری‌های نزدیک و درهم تنیده پدیدارها تا جدایی و پراکندگی کامل آن‌ها شامل می‌شود. اما به‌طور معمول، در ادبیات سیاسی و ژئوپلیتیکی، همگرایی و واگرایی برای مناسبات بین‌المللی میان واحدهای سیاسی که طیف گسترده‌ای از فرایندهای رسمی و غیررسمی است، به کار می‌رود. در این زمینه حافظ نیا (2006) معتقد است که همگرایی و واگرایی دو رفتار متضاد در روابط دولت‌ها و بازیگران سیاسی است که شکل‌گیری، بقا یا سقوط همگرایی و واگرایی تابعی از تلقی دولت‌ها و بازیگران نسبت به منافع ملی و جمعی یا فردی آن‌ها است.

به‌طور کلی، منظور از همگرایی، وضعیتی است که در آن گروه‌ها، سازمان‌ها، نهادها و یا کشورها برای حفظ منافع جمعی به‌صورت داوطلبانه و آگاهانه به همکاری گسترده با یکدیگر بپردازند و به‌سوی نوعی وحدت گام بردارند (Kazemi, 1991: 22). ارنست هاس از پیشگامان اندیشه کارکردگرایی جدید در روابط بین‌الملل در تعریف همگرایی معتقد است که «فرایند چندین بازیگران سیاسی سطح ملی که وفاداری، انتظارات و فعالیت‌های سیاسی خود را به‌سوی مرکز جدید سوق می‌دهند تا از طریق نهادهایش بر مسائل ورای دولت ملی تصمیم‌گیری کند، همگرایی گفته می‌شود» (Haas, 1958: 16). آشکار است که در عرصه بین‌المللی، همگرایی در خصوص همکاری نزدیک و پیوند میان دولت‌ها و کشورها به کار می‌رود. در صورتی که تعدادی از کشورها به‌منظور حفظ و تأمین اهداف و منافع جمعی با حذف یا کم‌رنگ کردن عوامل تفرقه‌انگیز و برجسته‌سازی عوامل وحدت‌بخش و به‌منظور دفع خطر و تهدید با یکدیگر در چارچوب ساختار و نهاد منطقه‌ای و بین‌المللی همکاری کنند، همگرایی می‌گویند. در صورت تداوم و تکامل همکاری و پیوند نزدیک میان اعضا و همگرایی همه‌جانبه و وحدت‌آفرین، مفهوم یکپارچگی^۳ شکل می‌گیرد که هدف اصلی فرایندهای همگرایی است.

هرتموت میر^۴ معتقد است که مصالحه^۵ و اعتماد^۶ دو مفهوم زیربنایی و دو پیشران اصلی فرایندهای همگرایی منطقه‌ای است. او تأکید ویژه‌ای بر اعتماد دارد. از نظر میر، عنصر حیاتی برای همکاری درون منطقه‌ای و برون منطقه‌ای، اعتماد است.

1. Convergence
2. Divergence
3. Integration
4. Hartmut Mayer
5. Reconciliation
6. Trust

اعتماد در روابط بین‌الملل پیش‌شرط حیاتی و پیشران اصلی برای هر نوع کارکردی در نظام همگرایی منطقه‌ای است (Mayer, 2015: 54). بر این اساس است که رابرت پوتنام «اعتماد را روان‌کننده همکاری می‌داند» (Putnam, 1993: 171). از این رو، همکاری و همگرایی از دل اعتماد بیرون می‌آید و به تدریج بالنده می‌شود. اما باید دقت داشت که اعتماد در مناسبات بین‌المللی تصادفی نیست و یک شبه به وجود نمی‌آید. اعتماد متأثر از حافظه تاریخی و رفتار و کنش متقابل دولت‌ها و بازیگران سیاسی است. فیلومنا مورا (Murray, 2015: 27) نیز به‌مانند میر بر عناصر مصالحه و اعتماد تأکید می‌کند و این دو را شرط لازم برای جامعه سازی منطقه‌ای می‌داند. اما فلمس (Flemes, 2010) و فاوست (Fawcett, 2015: 39) بر نقش مهم و کلیدی کشورهای هسته^۱ در منطقه برای شکل دادن و رهبری کردن فرایندهای همگرایی تأکید دارند و آن را پیشران اصلی منطقه سازی و همگرایی می‌دانند. اندیشمندان دیگری نظیر اسلکوم و فن لنگنهوف (Slocum & Van Langenhove, 2005: 137) معتقدند که همگرایی و منطقه‌گرایی بدون وجود هویت منطقه‌ای^۲ به وجود نمی‌آید و شرط لازم برای شکل‌گیری همگرایی، شکل‌گیری هویت منطقه‌ای است.

آشکار است که همگرایی میان کشورها نیازمند برخی پیش‌شرط‌ها، زمینه‌ها و بسترهای مشترک است که بتواند تفاهم و منافع مشترک جمعی را ایجاد کند. برخی ویژگی‌های مشترک طبیعی، انسانی، تاریخی و فرهنگی لازمه شکل‌گیری منطقه و منطقه‌ای شدن است. اما صرف داشتن ویژگی‌های مشترک باعث ایجاد همگرایی و اتحادیه منطقه‌ای نمی‌شود. برای ایجاد همگرایی و اتحادیه منطقه‌ای بیش از همه چیز نیاز به داشتن احساس هویت مشترک، عقلانیت و اراده سیاسی رهبران سیاسی، اشتراک در منافع و کم‌رنگ شدن منابع تضاد و تنش در کشورهای منطقه است.

به‌طور کلی، فلسفه اندیشه همگرایی در نظام ژئوپلیتیک منطقه‌ای و جهانی و در روابط بین‌الملل ناظر بر این است که نظام سیاسی دولت - ملت که بنیان آن بر ایدئولوژی ناسیونالیسم یا ملی‌گرایی است باعث واگرایی و ایجاد تعارض و کشمکش میان واحدهای سیاسی شده و اهداف جمعی، منطقه‌ای و جهان‌شمول از سوی دولت‌ها نادیده گرفته می‌شود. در حقیقت نظریه یا دیدگاه‌های همگرایی، واکنش و پاسخی به بی‌توجهی نظام دولت - ملت به منافع جمعی است که از طریق ایجاد احساس مسئولیت و وفاداری به هویت جمعی و منطقه‌ای به وجود آمده است. بر این اساس، اندیشمندان حوزه همگرایی مدافع توسعه نهادهای فراملی جهت افزایش همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی برای افزایش قدرت منطقه‌ای، توسعه و صلح هستند. فلسفه همگرایی دولت‌ها و کشورها با کارکردهای اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و امنیتی که دارای یک هویت جمعی شده‌اند علاوه بر همکاری، صلح و توسعه درون منطقه‌ای میان اعضا، برای افزایش وزن ژئوپلیتیکی گروه همگرا و مقابله با قدرت‌های رقیب و تهدیدهای مشترک فرامنطقه‌ای نیز می‌باشد.

نقطه مقابل همگرایی، واگرایی است که کشورهای بر اثر تضاد و تعارض منافع دچار اختلاف، کشمکش، تنش، منازعه و حتی جنگ می‌شوند و از هم دور می‌شوند. واگرایی دولت‌ها در ساختارهای فضایی منطقه‌ای به عوامل گوناگونی بستگی

1. Core States

2. Regional Identity

دارد. گسیختگی فضایی و جغرافیایی و فقدان بستر و کالبد یکپارچه، تضاد و تعارضات فرهنگی و ایدئولوژیکی، تعارض منافع ملی و جمعی، بروز تعارضات درون ساختی و نگرش رقابت‌آمیز اعضا نسبت به یکدیگر، محو شدن اهداف و تهدیدات مشترک و وجود سازه‌های ائتلافی رقیب و یا متداخل بخشی از زمینه‌ها و عوامل مهم واگرایی میان واحدهای سیاسی - فضایی در مناطق جغرافیایی فراملی است (Hafeznia et al, 2012: 61-62). در این زمینه، بورزل و رایس معتقدند که نه تنها تعارضات منافع و اختلافات میان کشورها باعث واگرایی می‌شود؛ بلکه در سایه سیاست‌های منطقه‌ای ضعیف، واگرایی پدید می‌آید (Borzel & Risse, 2016: 21).

آشکار است همگرایی نیازمند پیش‌شرط‌های هویت‌سازی و اعتمادسازی منطقه‌ای و اشتراک در منافع است که از طریق سیاست‌های فعالانه منطقه‌ای به‌ویژه از سوی کشورهای رهبر و پیشرو در منطقه برای شکل دادن به فرایندهای رسمی منطقه‌گرایی و همگرایی صورت می‌گیرد. در مقابل، نبود سیاست‌های منطقه‌ای، همگرایی را بی‌معنا می‌کند. اگر تعارض منافع و تضاد سیاسی و ایدئولوژیکی نیز میان کشورهای منطقه وجود داشته باشد، واگرایی تشدید می‌یابد. طبیعی است که غلبه نیروهای همگرا بر نیروهای واگرا باعث همگرایی و در مقابل غلبه نیروهای واگرا بر نیروهای همگرا باعث واگرایی واحدهای سیاسی و کشورها خواهد شد.

۵- همگرایی و واگرایی در جهان اسلام

ایده اتحاد، وحدت مسلمین، انسجام و همبستگی مسلمانان، پرهیز از تفرقه، همکاری در زیر یک پرچم و یک دولت اسلامی، از اصول اندیشه سیاسی اسلام است که ریشه‌های آن در قرآن آمده است^۱ و سلطه و حکومت غیرمسلمان بر مسلمان را نفی می‌کند.^۲ سابقه حکومت در اسلام در سده‌های نخستین منطبق بر این دیدگاه بوده است. حکومت پیامبر اسلام (ص) و خلفای راشدین (۱۱-۴۰ ه.ق) و سپس حکومت امویان (۴۱-۱۳۲ ه.ق) در چارچوب حکومت واحد و دولت اسلامی یکپارچه به وجود آمد و اجرا شد. اما با فتح ممالک و سرزمین‌های مختلف و انبساط فضایی قلمرو اسلامی و برآمدن حکومت عباسیان (۱۳۲-۶۵۶ ه.ق) و شکل‌گیری حکومت‌های نیمه‌مستقل در برخی سرزمین‌های اسلامی نظیر ایران، اداره امور سیاسی فضایی قلمرو جهان اسلام به‌صورت واحد و یکپارچه با چالش‌هایی مواجه شد. با این وجود، اگرچه برخی واحدهای سیاسی فضایی نیمه‌مستقل در جهان اسلام شکل گرفت اما همچنان حاکمان دولت‌های محلی برای مشروعیت بخشی به حکومت خود نیاز به تأیید خلیفه عباسی داشتند و بر این اساس سرزمین آنان بخشی از قلمرو خلافت به حساب می‌آمدند. البته ناگفته پیداست که حکومت درازمدت خلفای عباسی در سده‌های آغازین با سده‌های میانی یا پایانی تفاوت چشمگیری داشت و میزان قدرت و استقلال و پیروی واحدهای سیاسی و حکومت‌های تابعه از حکومت

۱. وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا (قرآن کریم سوره آل عمران، آیه ۱۰۳) - إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً (قرآن کریم سوره الانبیا، آیه ۹۲).

۲. وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا (قرآن کریم سوره نساء، آیه ۱۱۴).

مرکزی (دارالخلافه) بسیار متفاوت بود. اما جهان پهناور اسلام حتی در دوره فترت عباسیان به صورت سبلیک، وحدت حکومت اسلامی را حفظ کردند و همه اجزا و عناصر حکومت خود را منتسب به دستگاه خلافت می دانستند.

از آغاز اسلام تا پایان حکومت و خلافت عباسیان، اصل «قریشی بودن حاکم» و خلفای اسلام به عنوان یکی از شروط اصلی مشروعیت حاکم و حکومت اسلام بود. این اصل مهم اگرچه با ارزش‌های جهان کنونی و گستردگی و تنوع جهان اسلام قابل پذیرش نیست اما در آن زمان به عنوان یک استراتژی مهم برای وحدانیت و یکپارچگی حکومت در اسلام طراحی شد و استمرار زیادی یافت. با سقوط عباسیان، حکومت ترکان عثمانی (۶۹۸-۱۳۴۰ هـ. ق/ ۱۲۹۹-۱۹۲۲ م) در خارج هسته مرکزی جهان اسلام و جهان عرب در آناتولی و امدار حکومت اسلامی و خلافت شد و به تدریج بر بخش‌های زیادی از جهان اسلام و جهان عرب سیطره یافت و حکومت کرد. عثمانیان برای بیش از شش سده، نماد حکومت اسلامی یکپارچه بزرگ و اتحاد بخش جهان اسلام بود و تا آغاز سده بیستم ادامه یافت. اگرچه بعد از حکومت امویان هیچ‌گاه تمام قلمرو جهان اسلام زیر لوای یک حکومت واحد و متمرکز اداره نشد اما همواره تا ابتدای سده بیستم، حکومت بزرگ اسلامی و در چارچوب نظریه حکومت خلافت وجود داشت و بخش‌های وسیعی از جهان اسلام زیر نظر یک حکومت بزرگ اداره می شد. از پایان حکومت امویان، سرزمین ایران و ملت ایران در راستای حفظ و پاسداری از فرهنگ و زبان خود در برابر تهاجم زبان و گفتمان عربی، از یکپارچگی کامل با حکومت اسلامی امتناع کردند و با ظهور صفویان، ایران به طور کامل از قلمرو خلافت و حکومت اسلامی خلافت خارج شد و حکومت اسلامی با خوانش اندیشه سیاسی شیعی به وجود آمد. این رویداد زمینه را برای دیگر حکومت‌های اسلامی خارج از قلمرو خلافت نظیر گورکانیان هند فراهم کرد. در این زمان جهان اسلام میان سه قدرت بزرگ اسلام یعنی امپراتوری عثمانی (۶۹۸-۱۳۴۰ هـ. ق/ ۱۲۹۹-۱۹۲۲ م) در آسیای صغیر و آسیای غربی و شمال آفریقا، صفویان (۹۰۷-۱۱۴۸ هـ. ق/ ۱۵۰۱-۱۷۳۶ م) در فلات ایران و گورکانیان (۹۳۲-۱۲۷۳ هـ. ق/ ۱۵۲۶-۱۸۵۷ م) در شبه‌قاره هند تقسیم شده بود. نکته قابل تأمل این است که حکام هر سه قدرت جهان اسلام، دارای ریشه‌های ترکی - مغولی بودند و عرب‌ها به عنوان خاستگاه جهان اسلام از سده پانزدهم میلادی نقش مهمی در تحولات سیاسی جهان اسلام نداشتند و در حاشیه قرار گرفتند. هم‌زمان با تکثر قدرت‌های اسلامی، نوزایی و خیزش تمدن غربی نیز آغاز گردید و به تدریج قدرت جهانی شرق و سرزمین‌های اسلامی رو به افول رفت و قدرت‌های جهانی غربی ظاهر شدند.

گسترش اسلام به جنوب شرق آسیا به وسیله تجار و بازرگانان شبه‌قاره هند و ایران در اواخر سده سیزدهم و در قرون چهاردهم و پانزدهم، و وجود سه دولت اسلامی بزرگ عثمانی، صفوی و گورکانی (مغولان هند)، یکپارچگی سیاسی و وحدت جهان اسلام را مشکل و عملاً غیرممکن کرد.

فروپاشی امپراتوری عثمانی در سال ۱۹۲۲ م و اجرای توافقنامه سایکس - پیکو و تقسیم بسیاری از اراضی امپراتوری عثمانی میان فرانسه و انگلیس و سپس جنبش‌های استقلال طلبانه و ملی گرایانه ملت‌های مسلمان در غرب آسیا و شمال و مرکز آفریقا و افول قدرت‌های استعماری انگلیس و فرانسه باعث استقلال و ظهور کشورهای متعدد مسلمان در جهان شد

و عملاً حکومت بزرگ اسلامی و یکپارچگی سیاسی جهان اسلام از بین رفت. در بخش هسته مرکزی سرزمین عثمانی، آتاتورک با منسوخ کردن نظام خلافت و اعلام نظام سکولاریسم و حمایت از اندیشه‌های پان‌ترکیسم و ملی‌گرایی، کشور ترکیه نوین را بنیان گذاشت و به سرعت در بسیاری از کشورهای اسلامی اندیشه‌های ملی‌گرایی و سکولاریسم گسترش یافت و جهان اسلام واقعیت عینی خود را از دست داد.

گرایش‌های استقلال خواهانه و تکثر دولتی‌های اسلامی (پلورالیسم) و انشقاق و ضعف سیاسی و اقتصادی در جهان اسلام باعث شد تا برخی آرمان‌گرایان اسلامی با نگرش بنیادگرایانه به دنبال بازساخت اسلام بر اساس «امت واحده» و «امت اسلامی» و به منظور «همبستگی جهان اسلام» و «اتحاد جهان اسلام» برای رهایی از استعمار و نفوذ قدرت‌های جهانی و قدرت‌یابی و تأثیرگذاری جهان اسلامی در هندسه جهانی قدرت و نظام سیاسی و اقتصادی جهانی مطرح کنند. سید جمال‌الدین اسدآبادی (۱۲۵۴-۱۳۱۴ هـ. ق/ ۱۸۳۸-۱۸۹۷ م)، محمد عبده (۱۲۶۶-۱۳۲۳ هـ. ق/ ۱۸۵۰-۱۹۰۶ م)، محمد اقبال لاهوری (۱۸۷۷-۱۹۳۸ م) و در دوره جدید امام خمینی (۱۲۸۱-۱۳۶۸ ش) و مرتضی مطهری (۱۲۹۸-۱۳۵۸ ش) جزء صاحب‌نظران و فعالان این حوزه بوده‌اند.

سید جمال از پیشگامان اندیشه سیاسی وحدت اسلامی و همگرایی ملت‌های مسلمان بود. هدف او بیدارسازی مسلمانان و نوزایی و نوسازی تمدن اسلامی و مقابله با استعمار و استبداد بود. محمد عبده (۱۲۶۶-۱۳۲۳ هـ. ق/ ۱۸۵۰-۱۹۰۶ م) از مریدان و شگردان سید جمال، اندیشه سید جمال را در مصر دنبال کرد اما مشی صلح‌جویانه داشت. محمد اقبال لاهوری (۱۸۷۷-۱۹۳۸ م) از بزرگان مصلحان اسلامی است. او به دنبال بازساخت اندیشه سیاسی اسلام برای وحدت و تقویت جهان اسلام بود. برون^۱ (2011: 262) معتقد است که اقبال به دنبال نوعی «جامعه مشترک‌المنافع اسلامی» بود. در دوره جدید امام خمینی (۱۲۸۱-۱۳۶۸ ش) بیش از دیگران بر مبنای «امت اسلام» و «امت واحده» بر همبستگی و اتحاد مسلمانان و مبارزه با استعمار تأکید داشت. مطهری معتقد است که رواج اندیشه قومیت پرستی و ملیت پرستی و به اصطلاح ناسیونالیسم که به صورت‌های پان‌عریسم، پان‌ایرانیسم، پان‌ترکیسم، پان‌هندوئیسم و غیره در کشورهای اسلامی با وسوسه استعمار تبلیغ شد، و همچنین تشدید نزاع‌های مذهبی شیعی و سنی، و همچنین قطعه‌قطعه کردن سرزمین اسلامی به صورت کشورهای کوچک و قهراً رقیب، همه برای مبارزه با آن اندیشه ریشه‌کن کننده استعمار یعنی «اتحاد اسلام» بوده و هست (Motahari, 2003: 31).

نباید فراموش کرد که شکل‌گیری رژیم صهیونیستی اسرائیل و اشغال بیت‌المقدس و آوارگی بخش زیادی از مسلمانان فلسطین، انگیزه‌های اتحاد و همکاری میان مسلمانان را گسترش داد. اگرچه جنبش ملی‌گرایی عرب زمینه‌ساز شکل‌گیری «اتحادیه عرب» در نیمه دهه ۱۹۴۰ م شد، پیدایش رژیم اسرائیل انگیزه‌های اتحاد ملت عرب را در برابر دشمن مشترک تقویت کرد و جنگ‌های اعراب با اسرائیل در این چارچوب قابل ارزیابی است.

شکست اعراب در جنگ‌های با اسرائیل و به آتش کشیدن مسجدالاقصی در سال ۱۹۶۹م باعث شد که عربستان سعودی به‌عنوان خاستگاه جهان اسلام که به‌جز در صدر اسلام، نقش مهمی در تحولات سیاسی منطقه‌ای نداشت داعیه‌دار رهبری جهان اسلام گردد و از فضای پیش‌آمده در جهت همکاری و همبستگی مسلمانان استفاده کند. پس از آنکه اجلاس اسلامی با حضور رهبران و نمایندگان ۲۴ کشور در رباط پایتخت مراکش در سال ۱۹۶۹م برگزار شد، عربستان وزرای امور خارجه کشورهای اسلامی را در جده گرد هم آورد و «سازمان اجلاس اسلامی»^۱ که بعداً به نام «سازمان همکاری اسلامی»^۲ تغییر نام داد، تأسیس کرد. ۵۷ کشور اسلامی عضو سازمان همکاری اسلامی شدند و پس از سازمان ملل و سازمان جنبش عدم تعهد، بزرگ‌ترین سازمان بین‌المللی شکل گرفت.

بر اساس ماده اول اساسنامه سازمان همکاری اسلامی، هدف از تشکیل این سازمان، تقویت و تحکیم همبستگی و برادری میان کشورهای عضو، حفاظت از منافع مشترک اعضا، حمایت و توانمندسازی مردم فلسطین برای اعمال حقوقشان برای تأسیس حاکمیتشان بر بیت‌المقدس به‌عنوان پایتخت کشور فلسطین، تقویت همکاری‌های اقتصادی و تجاری میان کشورهای عضو اسلامی و ایجاد همگرایی اقتصادی برای تأسیس بازار مشترک اسلامی و ارتقاء همکاری‌های فرهنگی، علمی و اجتماعی میان کشورهای عضو تأکید شده است (Charter of the Organization of Islamic Cooperation, 1972: Article 1).

با توجه به هدف‌گذاری و اهداف مهم سازمان همکاری اسلامی در اساسنامه که سطح نسبتاً بالایی از همگرایی و همکاری میان کشورهای عضو تعیین کرده است اما تاکنون کمترین نشانه از همکاری‌های کشورهای اسلامی مشاهده نشده است. عربستان سعودی به‌عنوان مبتکر و بنیان‌گذار اصلی سازمان همکاری اسلامی که بر مبنای احساسات ضد اسرائیلی و دفاع از حقوق فلسطینیان این سازمان را به وجود آورد، در سال‌های اخیر در کنار کشورهای شورای همکاری خلیج فارس با رژیم اسرائیل وارد مذاکرات صلح و عادی‌سازی روابط سیاسی شده‌اند و عملاً فلسفه وجودی و یکی از ارکان اصلی شکل‌گیری سازمان همکاری اسلامی از بین برده‌اند.

تلاش‌های امام خمینی (ره) در راستای وحدت مسلمانان و مقابله با استکبار جهانی، دستور برگزاری مراسم «برائت از مشرکان» در مراسم حج داد و آخرین جمعه ماه رمضان را «روز قدس» نامید که نشان وحدت مسلمانان و مبارزه علیه صهیونیسم به‌عنوان دشمن درجه یک اسلام باشد. رهبر ایران آیت‌الله خامنه‌ای نیز در راستای حمایت از وحدت و انسجام جهان اسلام ابتکار تشکیل «مجمع تقریب بین مذاهب اسلامی» در سال ۱۳۶۹ داد. سیاست‌های نوعثمانی‌گرایی رئیس‌جمهور ترکیه نیز نوعی دیگری از تلاش زعمای کشورهای اسلامی برای شکل دادن به سیاست‌های منطقه‌ای جهان اسلام و همبستگی مسلمانان در چارچوب میراث امپراتوری عثمانی است.

1. Organization of the Islamic Conference
2. Organization of Islamic Cooperation

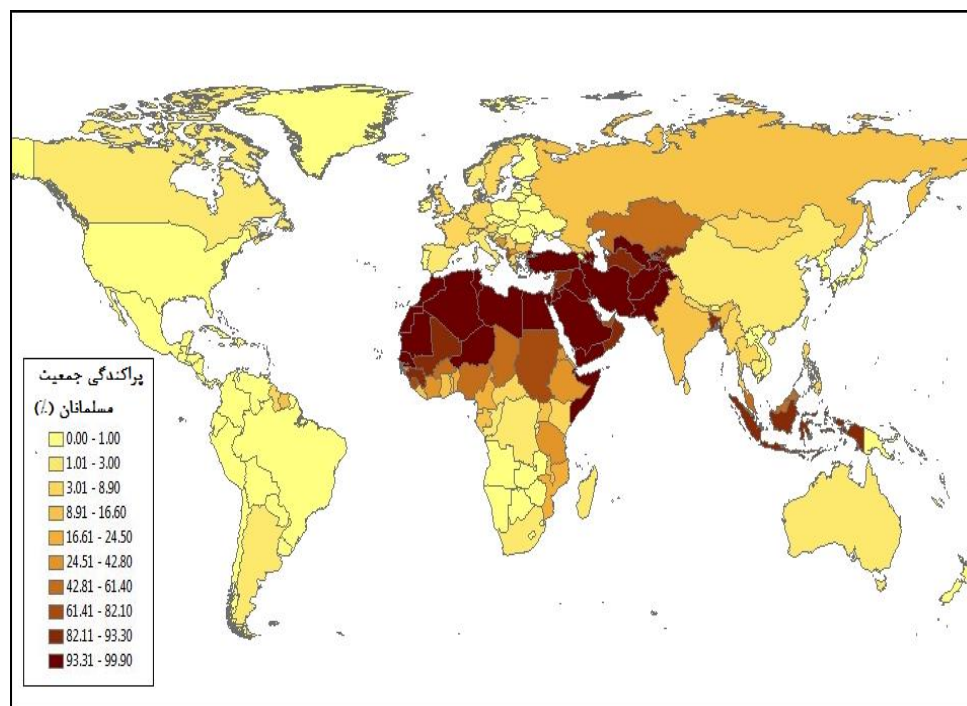
مجموع اقدامات صورت گرفته در دوره معاصر نه تنها وحدت و همگرایی را میان کشورهای اسلامی ایجاد نکرده است، بلکه بسیاری از این اقدامات باعث ایجاد حساسیت‌های جدید و چالش‌های سیاسی و ایدئولوژیکی میان قطره‌های اصلی جهان اسلام شده و باعث افزایش بی‌اعتمادی میان آنان و واگرایی بیشتر کشورهای اسلامی شده است و بر دامنه آن‌ها افزوده است.

۶- یافته‌های پژوهش: عوامل ریشه‌ای واگرایی در جهان اسلام

اگرچه ملت‌های مسلمان در دوره سده‌های نخستین اسلامی دولت یکپارچه اسلامی را تجربه کردند و تمدن باشکوه اسلامی را به وجود آوردند که به دوره عصر طلایی اسلام مشهور است، اما در سده‌های اخیر دچار واگرایی، تجزیه و تفرقه شده‌اند و به قریب ۶۰ کشور تقسیم شده‌اند. آنچه امروز از وحدت اسلام سخن به میان می‌آید بر پایه اشتراک دین اسلام (مسلمان بودن)، قبله مشترک و حج و پیامبر مشترک است که می‌تواند بر پایه امت واحد به وجود آید. آیا با توجه به شرایط سیاسی و بین‌المللی جهان مدرن، برای همگرایی و اتحاد ۶۰ کشور می‌توان فقط به اصول آیین اسلام اکتفا کرد و همگرایی را شکل داد. عوامل ریشه‌ای و زمینه‌ای واگرایی کشورهای مسلمان بسیار زیاد و قدرت و وزن آن بسیار بیشتر از عوامل همگرا است.

عوامل ریشه‌ای واگرایی در جهان اسلام عبارت‌اند از:

۶-۱- ابهام مفهومی جهان اسلام: مفهوم «جهان اسلام» تا حدودی زیادی مبهم و نارسا است. پاسخ به این سؤال که جهان اسلام چیست و مرزهای آن کجاست کار چندان آسانی نیست. آشکار است که زیستگاه پیروان دین اسلام را به عنوان جهان اسلام می‌شناسند اما این زیستگاه به طور دقیق مشخص نیست. پهنه سرزمینی وسیع اسلام به هم پیوسته و یکپارچه نیست. در درازای تاریخ، به تدریج دین اسلام تقریباً به تمام جهان گسترش یافته و مسلمانان در سراسر جهان پراکنده شده‌اند.



شکل ۱. نقشه پراکنش مسلمانان جهان

(منبع: Pew Research Center on Religion & Public Life, 2009)

جمعیت زیادی از مسلمانان در کشور هند زندگی می‌کنند. به‌اندازه جمعیت کشور پاکستان به‌عنوان دومین کشور پرجمعیت جهان اسلام در هند زندگی می‌کنند. حیدرآباد به‌عنوان یکی از کلان‌شهرهای مهم هند پایگاه مهم مسلمان هند محسوب می‌شود. یکی از حکومت‌های پرفروغ اسلامی و شاخه تمدنی اسلام در شبه‌قاره هند شکل گرفته است (گورکانیان هند). بااین‌وجود، هند جزء کشورهای اسلامی به‌حساب نمی‌آید. قریب ۵۰ درصد از جمعیت بوسنی و هرزگوین را مسلمانان تشکیل می‌دهند اما این کشور جزء کشورهای اسلامی نیست. جامعه مسلمانان در فرانسه و یا ایالات متحده امریکا قابل‌توجه‌اند. حدود ۸ درصد از جمعیت فرانسه به‌عنوان مهد تمدن غربی، پیروان دین اسلام را تشکیل می‌دهد (Pew Research Center, 2009). آلمان و انگلیس نیز جزء مراکز مهم اسلامی در اروپای غربی است. ترکستان شرقی (اوغورستان) یا استان سین کیانگ در سرزمین‌های غربی چین کاملاً مسلمان هستند. نواحی مهمی از فدراسیون روسیه مسلمان‌نشین هستند. جمهوری‌های داغستان، تاتارستان، اینگوش و چچن از مراکز مهم مسلمانان روسیه هستند. اما هیچ‌کدام از این کشورها بخشی از جهان اسلام به‌حساب نمی‌آیند. اندلس (اسپانیا و پرتغال) بخشی از میراث فرهنگی و تمدنی اسلام بوده است و آثار مهمی از دوره اسلامی در این منطقه به‌جای مانده اما امروز جزء جهان اسلام نیست. تانزانیا مهم‌ترین پایگاه مسلمان و بخش زنگبار آن از زیستگاه‌های مهم مسلمانان قاره آفریقا و بخش مهمی از میراث تمدن اسلامی است اما این کشور نیز جزء جهان اسلام نیست. در مقابل، در میان کشورهایی که جزء جهان اسلام هستند جمعیت‌های

بزرگ و مهمی که غیرمسلمان هستند نیز در این کشورها زندگی می‌کنند. کشور لبنان به‌زحمت نیمی از جمعیت آن مسلمان است و مابقی مسیحی یا سایر ادیان هستند اما این کشور یکی از کشورهای مهم جهان اسلام به‌حساب می‌آید. بنابراین تعریف مشخص و جامع و مانعی برای جهان اسلام وجود ندارد. اگرچه تردیدی نیست که منطقه جنوب غرب آسیا خاستگاه و کانون اصلی جهان اسلام است و در وهله بعد شمال آفریقا، آسیای صغیر، آسیای مرکزی، جنوب آسیا (پاکستان) و جنوب شرقی آسیا (مالزی و اندونزی) از مراکز مهم جهان اسلام هستند، اما این مناطق در برابر مفهوم کلان جهان اسلام اخص و محدود است.

روشن نیست که جهان اسلام بر اساس چه معیار و شاخصی تعیین و تعریف شده است. اگرچه برخی منابع تلاش کرده‌اند تعریفی از جهان اسلام بر مبنای محدوده جغرافیایی، جهات جغرافیایی یا گستره عقیدتی و تمدنی اسلام تعریف کنند (Mostofi Al-Mamalaki, 2002؛ Ezzati, 2000؛ Golizavareh, 1997؛ Safavi, 2008)، اما همچنان با مفهومی پیچیده و مرکب مواجه هستیم که ابعاد مختلفی از آن نامعین است. آیا باید به مناطق سکونتگاهی و زیستگاه مسلمان استناد کرد یا به قلمرو تمدنی و تاریخی اسلام؛ اگر مناطق سکونتگاهی و زیستگاهی مسلمانان معیار باشد چه نسبتی از جمعیت مسلمان به غیرمسلمان تعیین‌کننده مناطق اسلامی است. آیا باید غلبه با جمعیت مسلمان باشد اگر جمعیت مسلمان غالب بود اما حکومت و قدرت و ضوابط اجتماعی و فرهنگی غیر اسلامی بود تعیین محدوده اسلامی چگونه می‌شود. بر مبنای مفهوم دارالاسلام آیا جهان اسلام جایی است که حکومت اسلامی برپاست و در آنجا احکام شریعت و قرآن اجرا می‌شود یا جایی است که ساکنان آن به برخی از احکام اسلامی پایبند هستند. بنابراین مفهوم جهان اسلام کاملاً مبهم و نارسا است. چگونه می‌توان مفهومی که دقیق و روشن نیست برای توسعه و پیشرفت آن استراتژی داد و برنامه‌ریزی کرد.

۶-۲- مفهوم ژئوپلیتیک جهان اسلام و فعال کردن اندیشه‌های مقابل: تقسیم‌بندی جهان سیاسی و ژئوپلیتیکی بر اساس شاخصه‌ای توسعه (کشورهای توسعه‌یافته، در حال توسعه و توسعه‌نیافته)، یا متأثر از ایدئولوژی‌های سیاسی قدرت‌های جهانی در دوره جنگ سرد (کشورهای جهان اول، جهان دوم و جهان سوم و یا بلوک شرق و بلوک غرب و عدم تعهد) و یا بر مبنای حوزه تمدنی (تمدن شرق و غرب) و یا حوزه‌های اقیانوسی (پاسفیک و آتلانتیک) و یا مرکز محوری غرب و دوری و نزدیک به مرکز (خاور دور، خاورمیانه و خاور نزدیک) بوده است. تاکنون در ادبیات جغرافیایی، فرهنگی، سیاسی و ژئوپلیتیکی، تقسیم‌بندی جهان بر مبنای پیروان ادیان مرسوم نبوده است. یعنی ما جهان مسیحیت، یا جهان یهودیت، یا جهان کنفوسیوسم، یا جهان شیئتوئیسم یا جهان هندوئیسم را نداریم که به موازات آن جهان اسلام نیز شکل گرفته باشد. بنابراین، اگرچه بر اساس معنای ظاهری، جهان اسلام بر اساس اندیشه دینی و مسئله ایمانی و باوری الهی اسلام شکل گرفته است و بیانگر قلمرو جغرافیایی پیروان دین اسلام است، اما معنای سیاسی، ژئوپلیتیکی و هویتی آن بیش از معنای جغرافیایی آن در نهاد اصطلاح «جهان اسلام» نهفته است. بنابراین، اصطلاح جهان اسلام، ذاتاً یک مفهوم سیاسی و ژئوپلیتیکی است. به دیگر سخن، به نظر می‌رسد که جهان اسلام به معنای مصطلح بیش از آنکه یک قلمرو جغرافیایی مشخصی را بیان کند

بیانگر یک مفهوم ژئوپلیتیکی، سیاسی و هویتی است که از ابتدای سده بیستم از سوی اندیشمندان و مصلحان فرهنگی و سیاسی اسلام برای بیداری و اتحاد مسلمانان در برابر تمدن غرب مطرح شده است. آشکار است که برخلاف دولت اسلامی و تمدن اسلامی که سابقه طولانی و درازایی در تاریخ به اندازه نام و واژه اسلام دارد، به نظر می‌رسد که سابقه طرح مفهوم و موضوعی «جهان اسلام» واژه‌ای جدید است که عمدتاً از سوی جنبش‌های اسلامی و در تقابل با غرب به وجود آمده است. بر همین اساس است که ساموئل هانتینگتون^۱ (۱۹۹۶) نظریه برخورد تمدن‌ها که اساس آن برخورد دو تمدن اسلامی و تمدن غربی (مسیحی) - و نه سایر تمدن‌ها دیگر - بود، ارائه کرد. در معنای مستتر ژئوپلیتیکی از مفهوم جهان اسلام، نوعی ایجاد حساسیت و هشدار به سایر حوزه‌های تمدنی ایجاد می‌کند که بر اساس آن فراخوان مقابله و مبارزه با اتحاد جهان اسلام خواهد بود. کشاکش‌های جهان غرب با کشورهای اسلامی علاوه بر ریشه‌های تاریخی، ناشی از مفهوم اندیشه ژئوپلیتیکی جدید جهان اسلام است که غرب در قالب گفتمان «جهان آزاد و مقابله با تروریسم» و یا مقابله با بنیادگرایی، حوزه نفوذ و گسترش خود را در خاورمیانه و بسیاری از کشورهای اسلامی گسترش داده است.

۶-۳- گسیختگی جغرافیایی و تعدد و تداخل مناطق جغرافیایی: کشورهای و جوامع اسلامی از نظر سرزمینی و جغرافیایی پیوسته و متصل نیستند و دچار گسیختگی فضایی هستند. گستره وسیع کشورهای اسلامی باعث شکل‌گیری مناطق متفاوت جغرافیایی شده است. در منطقه‌گرایی و فرایندهای همگرایی بین‌المللی اصل و مقیاس بر اساس منطقه همگن یا نسبتاً متجانس پیوسته است. نمی‌توان جهان اسلام را یک منطقه نامید. جهان اسلام مناطق جغرافیایی و ژئوپلیتیکی است. مناطق مختلف جهان اسلام شامل منطقه خلیج فارس، منطقه شبه‌جزیره عربستان، منطقه آسیای غربی، منطقه آسیای مرکزی، منطقه قفقاز، منطقه آسیای صغیر، منطقه شمال آفریقا، منطقه آفریقای صحرای و زیر صحرای، منطقه آفریقای غربی، منطقه شاخ آفریقا، منطقه جنوب شرقی آفریقا، منطقه جنوب آسیا، منطقه جنوب شرق آسیا و منطقه مسلمانان بالکان می‌باشد. سیاست‌های خارجی کشورهای اسلامی در وهله نخست درگیر مسائل منطقه‌ای خود هستند و با منطقه خود احساس قرابت و نزدیکی بیشتر دارند تا مفهوم مبهم و بسیار موسع جهان اسلام. دولت‌ها و کشورهای اسلامی احساس تعلق و اشتراک منافع را در منطقه خود بیش از جهان اسلام دارند. بنابراین، دغدغه دولت‌ها و کشورهای مسلمان، جهان اسلام نیست.

۶-۴- جهان اسلام به عنوان جهان گوناگونی‌ها، جهان تضادها و تعارض‌ها: جهان اسلام، جهان تفاوت‌ها، تضادها و تعارض‌هاست. جهان اسلام جهان وحدت و یکپارچگی نیست بلکه جهان تفاوت‌ها، تضاد، اندیشه‌های گوناگون، فرق مختلف، ملت‌ها و اقوام مختلف و به‌طور کلی جغرافیای تفاوت‌ها و تضادها است. طبیعی است که قلمرو وسیع جغرافیای کشورهای اسلامی (عضو سازمان همکاری اسلامی) که نزدیک به ۳۲ میلیون کیلومتر مربع است و کمی بیشتر از یک‌پنجم کل خشکی جهان (۱۴۹ کیلومتر مربع) است و در بیش از ۵۷ کشور پراکنده شده است متنوع و متضاد باشد. جمعیت

1. Samuel Huntington

کشورهای مسلمان حدود ۱/۸ میلیارد نفر برابر با ۲۴ درصد از جمعیت کل جهان است. کشورهای اندونزی، پاکستان، نیجریه، بنگلادش جز کشورهای پرجمعیت و بالای ۱۵۰ میلیون نفر جمعیت است و کشورهای زیادی نیز در جهان اسلام وجود دارد که بسیار کم جمعیت‌اند و کمتر از یک میلیون نفر جمعیت دارند نظیر: برونئی، مالدیو، سورینام، گویان و کمور (OIC, 2018: 32). ارزش‌ها و اولویت‌ها مردمان عربستانی، ایرانی، ترکیه‌ای، پاکستانی، مالزیایی، اندونزیایی، مصر، تونس و موزامبیک یکسان نیست. اقوام، زبان‌ها، ایدئولوژی‌ها، فرهنگ‌ها، آداب و رسوم، نوع حکومت‌ها و دولت‌ها بسیار متفاوت هستند. بیش از ۷۳ فرقه اسلامی وجود دارد که هر یک اندیشه خود را بر حق و دیگری را در راه باطل می‌دانند. دو مذهب شیعه و سنی و ده‌ها شاخه فرقه‌ای منشعب از آن‌ها هر کدام در مسائل دینی، فقهی، حکومتی، اقتصادی، سیاسی و بین‌المللی مواضع متفاوت و متضاد دارند. تعداد معدودی از کشورهای مسلمان از نظر اقتصادی و شاخصه‌ای توسعه وضع نسبتاً مناسبی دارند و بر همین اساس آنان دغدغه مصلحان اسلامی را برای اتحاد جهان اسلام ندارند. مخالفان معتقدند که چرا و با کدام منطق باید امنیت و منابع خود را صرف شهروندان کشورهای فقیر اسلامی کنند. به‌طور مثال کشورهای ثروتمند عربی حوزه خلیج فارس نظیر قطر با ۶۰ هزار دلار، امارات متحده عربی با ۳۷ هزار دلار و کویت ۲۷ هزار دلار سرانه ناخالص داخلی و در مقابل کشورهای بسیار فقیر سومالی با ۹۲ دلار، نیجر با ۳۶۴ دلار و موزامبیک با ۳۷۹ دلار سرانه ناخالص داخلی بسیار متفاوت و نابرابرند (OIC, 2018: 255). بسیاری از کشورهای اسلامی بر اساس تعریف منافع ملی با کشورهای همسایه مسلمان خود در بعد مرزی و سرزمینی دچار اختلاف و تنش و واگرایی هستند. منابع پایدار ژئوپلیتیکی در میان کشورهای مسلمان به‌وفور یافت می‌شود که حل آن‌ها بسیار مشکل و حتی در بسیاری لاینحل است. این‌ها فقط بخشی از مواردی هستند که کشورهای اسلامی را پراکنده، دور از هم و پاره‌پاره کرده است.

۶-۵- تضاد و رقابت‌های ایدئولوژیکی قدرت‌های منطقه‌ای جهان اسلام: در عصر حاضر، سه ایدئولوژی اسلامی به جریان فعال و غالب در جهان اسلام تبدیل شده‌اند. سلفی‌گری با خاستگاه عربستان سعودی، ایدئولوژی اسلام سکولار یا سکولاریسم اسلامی با خاستگاه ترکیه و اسلام انقلابی با خاستگاه ایران دارای اندیشه‌های کاملاً متضاد و متناقض در امور مختلف حکومتی، سیاسی، امنیتی، فرهنگی، حقوقی، منطقه‌ای، بین‌المللی و جهانی هستند. هر سه نیز مدعی وحدت و همگرایی جهان اسلام بر اساس خوانش خود از دین اسلام هستند. گزافه نیست اگر گفته شود بسیاری از بحران‌های سیاسی امنیتی و ژئوپلیتیکی درون جهان اسلام ریشه در رقابت‌های میان این سه ایدئولوژی سیاسی دارد که دارای عقبه‌هایی در کشورهای دیگر نیز بوده و ممکن است نگرش‌ها و شاخه‌های مختلفی نیز داشته باشند. اسلام سکولار که مبتنی بر شخصی بودن دین، حکومت غیردینی، تساهل گر و مداراگرا است، اسلام را به‌عنوان تنظیم‌کننده مسائل عرفی جامعه قبول دارد در مقابل اندیشه سلفی‌گری قرار دارد که اساس آن بر نقل و نفی عقل است و دیدگاهی متحجرانه و تنگ‌نظرانه از اسلام بدون توجه به تحولات عصر مدرن ارائه می‌دهد. اسلام انقلابی ضمن تعهد به احکام شریعت اسلام متأثر از مکتب شیعی و عاشورا

اولویت نخست خود را مبارزه با استکبار و صهیونیسم بین‌المللی و دفاع از مظلوم و مستضعفین اسلام می‌داند. طبیعی است این سه ایدئولوژی متباین در یک ظرف سیاسی به نام وحدت و همگرایی اسلام نمی‌گنجد.

۶-۶-۷- عدم هم تکمیلی اقتصادی کشورهای مسلمان: اگرچه جهان اسلام یک مفهوم تمام‌عیار ژئوپلیتیکی است اما همگرایی تا حدود زیادی مفهوم اقتصادی و ژئواکونومیکی است. یکی از بنیادین‌ترین مشکل همگرایی در جهان اسلام عدم هم تکمیلی اقتصادی یا عدم وابستگی متقابل کشورهای اسلامی است. بر اساس نظر بسیاری از کارشناسان و اندیشمندان همکاری کشورهای اسلامی می‌بایست از همکاری‌های اقتصادی شروع گردد. اگرچه در چارچوب مفهوم جهان اسلام، همکاری سیاسی بیشتر اهمیت می‌یابد اما عدم هم تکمیلی اقتصادی و بی‌نیازی کشورهای به لحاظ محصولات تجاری به یکدیگر باعث عدم شکل‌گیری زمینه همکاری شده است. تقریباً تمامی کشورهای اسلامی نیازمند محصولات فناورانه، تکنولوژی‌های سرمایه‌ای، محصولات صنعتی و نظایر آن‌ها هستند و در مقابل کشورهای اسلامی تأمین‌کننده مواد خام و اولیه هستند. اگرچه ۵۸ درصد ذخایر انرژی نفت و گاز جهان و ۴۵ درصد ذخایر و ۳۳ درصد تولید گاز طبیعی جهان متعلق به کشورهای سازمان اجلاس اسلامی است (OIC, 2018: 92; OIC, 2017: 2-3)، اما فقط چند کشور عضو این سازمان سهم عمده از انرژی جهانی دارند. نیمی از ذخایر نفت جهان در ۶ کشور جهان اسلام است (عربستان سعودی، عراق، ایران، کویت، امارات متحده عربی و لیبی) و ۴۴ درصد از ذخایر تثبیت‌شده گاز جهان در ۶ کشور ایران، قطر، عربستان سعودی، ترکمنستان، امارات متحده عربی و نیجریه است (OIC, 2017: 2-3). عملاً سایر کشورهای سازمان همکاری اسلامی سهم چندانی در سبد انرژی جهان اسلام و جهان ندارند. بدیهی است که کشورهای محدود دارای ذخایر عظیم انرژی بهتر می‌توانند با یکدیگر همکاری کنند. هرچند همین تعداد حداقل نیز همکاری خوبی با یکدیگر ندارند. سایر کشورهای مسلمان که صنعتی نیستند نیز مکمل خوبی برای کشورهای نفتی جهان اسلام نیستند و مقصد صادرات نفت کشورهای اسلامی، کشورهای صنعتی غربی و شرقی و خارج از جهان اسلام است. کشورهای اسلامی در محصولات کشاورزی، صنایع غذایی و برخی صنایع خرد و پوشاک ممکن است مراودات اقتصادی با یکدیگر داشته باشند اما این موارد سهم مهمی در تجارت بین‌المللی ندارد.

۶-۷- وابستگی فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، امنیتی و علمی به خارج از جهان اسلام: کشورهای مسلمان در ساختار و هرم قدرت جهانی نقش تعیین‌کننده‌ای ندارند. هیچ یک از کشورهای اسلامی جزء کشورهای عضو دائم شورای امنیت و یا جزء کشورهای توسعه‌یافته و یا جزء کشورهای در حال توسعه با قدرت اقتصادی بالا و متحول‌کننده (نظیر چین یا هند) نیستند. بر اساس نظریه امانوئل والرشتاین^۱ (1974) در نظریه تحلیل نظام‌های جهانی^۲ و به‌طور کلی در نظریه‌های وابستگی، تقریباً تمام کشورهای اسلامی در بخش حاشیه‌ای و پیرامونی سیستم جهان قرار دارند. کشورهای مسلمان از شبکه جریان سرمایه‌داری جهانی (اروپای غربی، آسیای پاسفیک و امریکای شمالی) خارج مانده‌اند و متأثر از تحولات جهانی شدن به بعد جهانی شدن

1. Immanuel Wallerstein

2. World-Systems Analysis

مصرف پیوسته‌اند و به تدریج برخی یا بسیاری از آن‌ها دچار بحران هویت شده‌اند. تقریباً هیچ یک از شهرهای جهانی در محدوده کشورهای اسلامی قرار ندارند و هیچ شرکت چندملیتی و یا برند تجاری، صنعتی، فرهنگی یا خدماتی که در مقیاس جهانی فعال و مشهور باشد متعلق به کشورهای اسلامی نیست. به‌طور کلی، کشورهای جهان اسلام، جریان‌ساز، الگوساز و پیشرو نیستند و تقریباً در تمامی زمینه‌های فرهنگی، اقتصادی، علمی و سیاسی نگاه به بیرون دارند و وابسته به بخش جهان توسعه‌یافته و دنباله‌رو کشورهای صنعتی و قدرتمند هستند. این مسئله بهترین دلیل و انگیزه برای همگرایی، هم‌افزایی، متحدشدن و قوی‌شدن کشورهای اسلامی است اما توان همکاری، هماهنگی، مدیریت و روش انجام رسیدن به این مهم در میان آنان دیده نمی‌شود.

۶-۸- مداخله قدرت‌های فرامنطقه‌ای و جهانی: به دلیل بار معنایی و پیش‌فرض ژئوپلیتیکی اندیشه وحدت و همگرایی جهان اسلام که در برابر نظام سلطه و قدرت‌های غربی تعریف می‌شود، قدرت‌های جهانی غرب در برابر این بازی ژئوپلیتیکی بیکار ننشسته و نمی‌نشینند چراکه منافع آنان در تفرقه و پراکندگی کشورهای اسلامی است. به‌طور کلی، تشکیل سازه اتحاد و همگرایی کشورهای اسلامی خطری بزرگ برای غرب محسوب می‌شود. از زمانی که دولت‌های بزرگ اسلامی در شرق افول کردند، دوره آغاز طلوع و ظهور قدرت‌های غربی شد. بنابراین، هیچ‌گاه قدرت‌های جهانی غرب و حتی شرق دور به راحتی اجازه عرض اندام و بازساخت قدرت را در قالب وحدت کشورهای اسلامی نخواهند داد. ساختارهای قدرت جهانی و نظام سلطه و هژمون غرب و تقسیم‌کار بین‌الملل، دست‌کم در کوتاه‌مدت اجازه قدرت‌نمایی به کشورهای اسلامی نخواهد داد. بر همین اساس، اگرچه گسل‌های ژئوپلیتیک و ایدئولوژیک زیادی در درون جهان اسلام وجود دارد، اما دخالت قدرت‌های فرامنطقه‌ای و جهانی در فعال‌سازی و تشدید این شکاف‌ها و واگرایی‌ها نقش مؤثری داشته است. کشورهای قدرتمند غربی و به‌ویژه آمریکا و در سال‌های اخیر گسترش حوزه نفوذ چین و حتی دخالت‌های روسیه، کشورهای مسلمان را به جولانگاه و میدان بازی رقابت‌های ژئوپلیتیک قدرت‌های جهانی تبدیل کرده‌اند و بر این اساس منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا به عنوان بخش هسته جهان اسلام به صورت مداوم محل کشمکش، جنگ و بحران‌های سیاسی و داخلی بوده که یک‌طرف ماجرا دخالت‌های مستقیم قدرت‌های جهانی بوده است. رد پای ایالات متحده آمریکا و هم‌پیمانان غربی آن، در ایجاد و گسترش بحران‌های ژئوپلیتیکی ده‌های اخیر در کشورهای اسلامی نظیر مصر، لیبی، سوریه، عراق و افغانستان و ناکامی آرمان‌های بهار عربی دیده می‌شود. در چنین فضای سیاسی و ژئوپلیتیکی و با توجه به زمینه‌های پیش‌گفته صحبت از اتحاد کشورهای اسلامی و همگرایی جهان اسلام، کاملاً خوش‌بینانه و به‌دوراز واقعیت‌های میدانی است.

۷- نتیجه‌گیری

جهان اسلام که در سده‌های نخست اسلامی به شکلی همگرا و هم‌افزا، تمدن باشکوهی را در چارچوب حکومت یکپارچه اسلامی تجربه کرده بود، در دوره معاصر پس از افول و فروپاشی نظام حکومتی خلافت اسلامی و در مواجهه با

مدرنیته و اندیشه سیاسی مسلط غرب بر اساس نظام سیاسی دولت - ملت، دچار تجزیه، قوم‌گرایی و ملی‌گرایی شد و در قالب دولت‌های ملی کوچک و متوسط تقسیم شد. به گونه‌ای که در نیمه دوم سده بیستم به حدود ۶۰ کشور اسلامی رسید. ضعف اقتصادی و وابستگی کشورهای اسلامی، بحران مشروعیت و استبداد حاکمان بسیاری از کشورهای اسلامی، سلطه و نفوذ قدرت‌های غربی در کشورهای مسلمان، خودباختگی فرهنگی و غرب‌زدگی، و پیدایش رژیم صهیونیستی اسرائیل در قلب جهان اسلام باعث شد تا در سده اخیر برخی مصلحان مسلمان و برخی رهبران سیاسی کشورهای اسلامی با انگیزه‌های گوناگون و بر اساس نظریه امت واحده به فکر احیاء و بازساخت اندیشه اتحاد، همگرایی و وحدت جهان اسلام باشند. علیرغم برخی اقدامات صورت گرفته تاکنون هیچ دستاورد مهمی برای همگرایی و اتحاد اسلام صورت نگرفته است. همگرا نشدن و غلبه نیروهای واگرا در جهان اسلام ریشه‌های بنیادین و اساسی دارد که بدون حل و توجه به آن‌ها همگرایی و وحدت جهان اسلام صرفاً آرزو و خیال و موضوعی ذهنی باقی خواهد ماند.

مهم‌ترین عوامل ریشه‌ای و زمینه‌ای واگرایی در جهان اسلام که مانع وحدت و همگرایی کشورهای مسلمان شده و می‌شود عبارت‌اند از:

- مفهومی جهان اسلام به لحاظ معنایی دچار ابهام و نارسایی اساسی است. چیزی که مبهم باشد و گویا نیست و شناخت کاملی از آن نباشد نمی‌توان برای آن به‌خوبی برنامه‌ریزی و هدف‌گذاری کرد.
- جهان اسلام به‌جز در چند شاخصه اسلامی (پیامبر، قبله و حج، کتاب آسمانی واحد و مشترک) جهان تضادها و تعارض‌ها است.
- جهان اسلام یک مفهوم ژئوپلیتیکی تمام‌عیار است و خودبه‌خود واکنش حوزه‌های تمدنی و قدرت‌های جهانی برای مقابله با مسئله اتحاد و همگرایی را برمی‌انگیزد.
- کشورهای اسلامی دچار گسیختگی جغرافیایی و تعدد و تداخل مناطق جغرافیایی هستند و دولت‌های ملی کشورهای اسلامی تعلق به مناطق خود دارند و مسئله جهان اسلام اولویت چندم آن‌ها خواهد بود.
- همگرایی به‌عنوان مفهومی که بار معنایی اقتصادی بیشتری دارد به دلیل عدم اصل هم تکمیلی اقتصادی کشورهای مسلمان یا عدم وابستگی متقابل اقتصادی بستر و زمینه اقتصادی آن در جهان اسلام فراهم نیست.
- تضاد و رقابت‌های ایدئولوژیکی قدرت‌های منطقه‌ای کشورهای مسلمان عامل بنیادینی در واگرایی جهان اسلام است. سه اندیشه ایدئولوژیکی سلفی‌گری اسلامی، سکولاریسم اسلامی و اسلام انقلابی با محوریت کشورهای عربستان سعودی، ترکیه و ایران باعث بحران‌های سیاسی و واگرایی‌های عمیق در جهان اسلام شده است.
- وابستگی فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، امنیتی و علمی کشورهای اسلامی به قدرت‌های غربی و شرقی باعث انفعال و وابستگی کشورهای اسلامی شده و قدرت تصمیم‌سازی و تحول‌آفرینی را از آن‌ها گرفته است.

- همگرایی و اتحاد جهان اسلام برخلاف منافع قدرت‌های جهانی است. نظام ژئوپلیتیک جهانی و قدرت هژمون تمدن غربی، به راحتی اجازه تحقق آرمان وحدت و همگرایی جهان اسلام را نخواهد داد.
- بنابراین باوجود مؤلفه‌ها و عوامل بنیادین واگرایی در جهان اسلام، نیروهای واگرا قدرتمندانه بر گرایش‌های همگرایانه غلبه دارد. لذا اندیشه وحدت اسلامی همچنان در قالب آرزو و آرمان اسلامی باقی خواهند و شرایط برای تحقق آن مهیا نیست.

کتابنامه

1. Brown, D.W., (2011). *A New Introduction to Islam*. New Jersey: John Wiley & Sons.
2. Dehghani Firoozabadi, S.J., (2015). *Theories of Regional Convergence and International Regimes*. Iran, Tehran: Mohkatab Publishing. [In Persian].
3. Ezzati, E., (2000). The Geopolitics of the Islamic World and the Status of North African Countries. *African Studies*, 5(2), 2-21. [In Persian].
4. Fawcett, L., (2015). Drivers of regional integration: historical and comparative Perspectives, In Book: *Drivers of Integration and Regionalism in Europe and Asia*. Edited by Louis Brennan and Philomena Murray, London: Routledge.
5. Ffemes, D., (2010). *Regional Leadership in the Global System*. Farnham: Ashgate Publishing Company.
6. Golizavareh, G., (1997). *The Land of Islam: Recognition of Islamic Countries and Muslim Areas of the World*. Qom: Islamic advertisement Office of Qom Seminary. [In Persian].
7. Hafeznia, M.R., Ghorbaninejad, R., & Janparvar, M., (2012). Geopolitical Analysis of Convergence and Divergence Factors in the Islamic World. *Quarterly Journal of Islamic World Studies*, 1(2), 56-72. [In Persian].
8. Huntington, S., (1997). *The Clash of Civilizations and the Remaking of World Order*. Penguin Books India.
9. Kazemi, A.A., (1991). *Theory of Convergence in International Relations*. Tehran: Qoms Publishing. [In Persian].
10. Liu, Z., & Fan, P., (2018). Islamic Factors in Inter-State Cooperation of the OIC Members. *Asian Journal of Middle Eastern and Islamic Studies*, 12(1), 1-15.
11. Liu, Z., (2013). Commentary on "Islamic State" Thoughts of Islamism. *Journal of Middle Eastern and Islamic Studies*, 7(3), 22-42.
12. Mayer, H., (2015). Historical narratives as normative drivers of integration and disintegration in Europe and Asia, In Book: *Drivers of Integration and Regionalism in Europe and Asia*. Edited by Louis Brennan and Philomena Murray, London: Routledge.
13. Mostofi Al-Mamalaki, R., (2002). The Islamic World and the Distribution of Islamic Lands and Population. *Al-Zahra University Humanities Quarterly*, 12(43), 162-183. [In Persian].
14. Motahari, M., (2003). *Imamate and Leadership*. Tehran: Sadra Publications. [In Persian].
15. Movaseghi, S.A., (2009). *Sayed Jamal Asadabadi: a thinker and politician*. Qom: Qom Book Garden. [In Persian].
16. Movaseghi, S.A., (2017). *Contemporary Islamic Movements*. 16th Edition. Tehran: SAMT. [In Persian].
17. Murray, P., (2015). Drivers of Regional Integration: Some Comparative Considerations, In Book: *Drivers of Integration and Regionalism in Europe and Asia*. Edited by Louis Brennan and Philomena Murray, London: Routledge.

- 18.OIC (Organisation of Islamic Cooperation) (2017). OIC Environment Report 2017, Statistical, Economic and Social Research and Training Centre for Islamic Countries (SESRIC).
- 19.OIC (Organisation of Islamic Cooperation) (2018). OIC Economic Outlook 2018, challenges and Opportunities towards Achieving the OIC-2025. Statistical, Economic and Social Research and Training Centre for Islamic Countries (SESRIC).
- 20.Pew Research Center (2009). *Mapping the Global Muslim Population*. Washington, D.C.: the Pew Forum on Religion & Public Life.
- 21.Putnam, R., (1993). *Making Democracy Work: Civic Traditions in Modern Italy*. Princeton: Princeton University Press.
- 22.Roberts, N.E., (2019). Making Jerusalem the center of the Muslim World: Pan-Islam and the World Islamic congress of 1931. *Contemporary Levant*, 4(1), 52-63.
- 23.Safavi, S.Y., (2008). Political Geography of the Islamic World. *Sepehr*, 67, 13-17. [In Persian].
- 24.Slocum, N., & Van Langenhove, L., (2005). Identity and Regional Integration, In Book: *Global politics of Regionalism: an introduction*. edited by Mary Farrell et al, London: Pluto Press.
- 25.Tabatabaei, M., (2001). *Seyed Jamaluddin Asadabadi and the Eastern Awakening*. Qom: Shorouq Kolbeh. [In Persian].
- 26.Wallerstein, I., (1974). *The Modern World-System*. New York: Academic Press.



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)
doi <https://doi.org/10.22067/pg.2022.69952.1036>

پژوهشی

فلسفه جغرافیای سیاسی از رهیافت اسلام

محسن عابدی درجه (دانش‌آموخته دکتری، جغرافیای سیاسی، پردیس البرز دانشگاه تهران و مدرس دانشگاه حضرت

امیرالمؤمنین (علیه السلام)، تهران، ایران)

abedi.mohsen.dor@ut.ac.ir

صص ۴۹-۲۱

چکیده

جغرافیای سیاسی یکی از شاخه‌های دانش جغرافیا است. علم جغرافیای سیاسی به‌عنوان معرفت درجه اول و فلسفه علم جغرافیای سیاسی به‌عنوان معرفت درجه دوم شناخته می‌شود. در این پژوهش به بررسی فلسفه جغرافیای سیاسی از رهیافت اسلام پرداخته شده است. بنابراین با مفروض قرار دادن این که اولاً اسلام در تمامی زمینه‌های سیاسی و اجتماعی از مبانی نظری قابل دفاعی برخوردار بوده و ثانیاً، به دلیل خلأ موجود در حوزه فلسفه جغرافیای سیاسی از منظر تفکر اسلامی، چنین تحقیقی انجام شده است. بر این اساس، ضمن مراجعه به متون و منابع اسلامی از جمله قرآن کریم، منابع روایی، متون فقه سیاسی، تاریخی و نیز آثار اندیشمندان مسلمان در این رابطه، صورت‌بندی لازم با محتوایی مستدل از جغرافیای سیاسی اسلامی تدوین گردیده است. تحقیق حاضر به روش توصیفی-تحلیلی به‌ویژه تحلیل محتوا انجام گرفته و نتایج حاصله نشان می‌دهد که اندیشه اسلامی در حوزه علوم اجتماعی و به‌طور خاص در رشته جغرافیای سیاسی، مبتنی بر رهیافتی موسوم به رهیافت عقلانیت وحیانی است.

واژگان کلیدی: فلسفه جغرافیای سیاسی، رهیافت اسلام، هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، روش‌شناسی.

۱- مقدمه

امروز مسئله شناخت یا نظریه شناخت نظیر فلسفه‌های اجتماعی، مکتب‌ها، ایدئولوژی‌ها و ایسم‌ها اهمیت فوق‌العاده‌ای پیدا کرده‌اند و با یکدیگر در نبرد و ستیز هستند و هر کسی که می‌خواهد نوعی تفکر داشته باشد و زندگی خود را براساس یک منطق خاصی بنا نماید، صحبت از مکتب و ایدئولوژی می‌کند. جنگ افکار و عقاید همیشه در دنیا بوده، عده‌ای گفته‌اند فلسفه، جهان‌شناسی نیست، شناخت‌شناسی است، و به اصطلاح فرنگی‌اش اُتولوژی^۱ نیست، اپیستمولوژی^۲ است. دنیای امروز، دنیای مکتب و ایدئولوژی است و هر ایدئولوژی زاده جهان‌بینی خاصی است و جهان‌شناسی‌ها زاده شناخت‌شناسی‌ها هستند، پس باید قبل از هر چیز شناخت‌شناس بود تا جهان‌شناس شد، تا تکلیف خود را در پیوستن به یک مکتب و ایدئولوژی روشن نمود (Motahhari, 2001: 12-37). فلسفه مسلمانان با بحث وجود آغاز می‌شود و به‌طور معمول فیلسوفان در آغاز کتاب‌های خود به این بحث به‌طور مفصل پرداخته و موضوع این دانش را وجود می‌دانند (Ebn Sina, 1984, 13; Sadr al-Motoalehin, 1998:1-24). لغت «فلسفه» را مسلمین به معنی «مطلق دانش عقلی» به‌کاررفته بردند. «فلسفه» در اصطلاح شایع مسلمین نام یک فن و دانش خاص نیست، همه دانش‌های عقلی را در مقابل دانش‌های نقلی از قبیل لغت، صرف، نحو، معانی، بیان، بدیع، عروض، تفسیر، حدیث، فقه، اصول، تحت عنوان کلی «فلسفه» نام می‌برند (Motahhari, 2004: 128). فلسفه به طرح عام‌ترین مسائل، واکاوی کلی‌ترین روابط میان اشیاء، پدیده‌ها و روندها، کشف عام‌ترین قانون‌ها جهان هستی در حوزه طبیعت، انسان، اندیشه و غیره می‌پردازد. فلسفه علم به‌عنوان یکی از گرایش‌های فلسفه بُعد یا موضوع خاصی از مقوله وجود یا هستی را می‌کاود به‌گونه‌ای که ادبیات و مسائل پژوهشی‌اش، آن را از ورود به قلمروهای دیگر باز می‌دارد (Hafeznia & Kavianirad, 2014: 17). علم حوزه گسترده‌ای از رشته‌ها و نظریه‌های مختلف است و فلسفه علم روش‌های پژوهش مورد استفاده علوم مختلف را بررسی می‌کند (Okasha, 2008: 14). به‌طور کلی علم از نظر جریان غالب فلسفه علم، شبکه درهم‌تنیده‌ای از گزاره‌هاست و دانشمندان پیوسته بر ابعاد این شبکه می‌افزایند. بر این پایه، کار ویژه فیلسوف علم استنتاج گزاره‌های جدیدی است که با معیار صدق، مطابقت کند و از رهگذر تحلیل منطقی، درست را از نادرست بازشناسد (Mousavi, 2008: 144). در این میان رشته جغرافیا نتوانسته است در سپهر معرفت‌شناسی بشر و نیز در سپهر نقش‌آفرینی در تأمین نیازهای عمومی و خصوصی انسان‌ها جایگاه منطقی‌اش را بیابد. از این رو، بنیادی‌ترین نیاز رشت جغرافیا و شاخه‌های تخصصی‌اش، تبیین فلسفه علمی آن شامل ماهیت و موضوع، هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و هدف غایی آن‌هم به‌صورت منسجم و مکمل همدیگر است (Hafeznia, 2014: 28). تبیین فلسفه جغرافیای سیاسی از رهیافت اسلام نه در حوزه مباحث علمی است و نه فلسفی؛ بلکه در زمره فلسفه علم می‌گنجد.

-
1. Ontology
 2. Epistemology

مبانی نظری و فلسفی آن در ابعاد سه گانه هستی شناسی، معرفت شناسی و روش شناسی قابل توضیح است. هستی شناسی به بیان موضوع، تعریف، حیطه و قلمرو، ذات و ماهیت این علم؛ معرفت شناسی بر پایه معرفت دینی، به دنبال ابزار، منابع و محیط، امکان شناخت، منافع و شیوه های شناخت و روش شناسی در پی کشف روش و اُسلوب فکری، شناخت ابعاد مختلف وجودی و عملکردی جغرافیای سیاسی می باشد.

۲- روش پژوهش

مقاله حاضر، جزء پژوهش های بنیادی است که با استفاده از منابع اسنادی و کتابخانه ای شامل قرآن و سایر کتب دینی عالمان دین اسلام و آثار اندیشمندان حوزه جغرافیای سیاسی می باشد. این پژوهش مبتنی بر رویکرد واقع گرایی آرمان گرایانه از موضع عقلانیت و حیانی به بررسی ماهیت فلسفه جغرافیای سیاسی پرداخته است.

۳- مبانی نظری پژوهش

۳-۱- مفاهیم فلسفه، علم و فلسفه علم

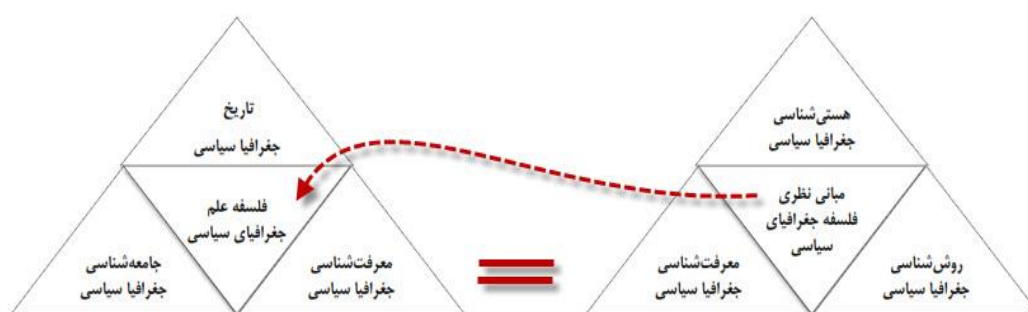
فلسفه معرفتی است مبتنی بر روش برهان و تعقل و موضوع آن هستی (موجودات محسوس و نامحسوس) است. به علم در مفهوم کلی و عام آن Knowledge ولی از واژه علم مفهوم خاصی نیز تعبیر شده و آن Science است (Soroush, 1978: 5-6). علم در لغت به معنی یقین، معرفت و دانش است (Amid, 1985). واژه علم در مفهوم کلی خود بر هر نوع آگاهی نسبت به اشیاء، پدیده ها و روابط اطلاق می شود، اعم از آنکه در حوزه جهان مادی قرار داشته باشد یا مربوط به عالم معنا و ماوراء الطبیعه باشد، که مقصود آن بخشی از دانستنی ها و آگاهی های نوع بشر است که به روش های تجربی قابل اثبات و تأیید باشد و بیشتر مترادف با علوم تجربی، طبیعی و انسانی است که در جهان خلقت قابل آزمایش می باشند و نتایج پژوهش های آن ها دارای ما به ازای خارجی است (Hafeznia, 2012: 34). بینش وسیع و گسترده انسان درباره جهان، تحت ضوابط و قواعد و منطق خاصی درآمده که «علم» نام دارد و به معنای اعم (یعنی مجموع تفکرات بشری درباره جهان که شامل فلسفه هم می شود) نظم خاص منطقی یافته است (Motahhari, 2003: 11-12). به عبارت دیگر، فلسفه عبارت است از یک سلسله مسائل براساس برهان و قیاس عقلی که از مطلق وجود و احکام و عوارض آن گفتگو می کند.

علوم حقیقی اصطلاحاً در مقابل علوم اعتباری گفته می شود و علوم اعتباری همان هاست که سابقین «علوم عملی» می نامیدند. علوم عملی شامل اخلاق، تدبیر منزل و سیاست مُدُن بوده است. فلسفه غیر از علم است. بین این دو رابطه خاصی برقرار است که هم علم از فلسفه استفاده می کند و هم فلسفه از علم. درواقع، جمیع قوانین کلی علمی قانون بودن و قطعی بودنشان متوقف به یک سلسله اصول کلی است که فقط فلسفه می تواند عهده دار صحت آن اصول باشد (Tabatabaee, 2002: 44-50). مسلمین آنگاه که می خواستند تقسیم ارسطویی را درباره علوم بیان کنند کلم «فلسفه» یا کلم

«حکمت» را به کار می‌بردند، می‌گفتند: فلسفه (یعنی علم عقلی) بر دو قسم است: نظری و عملی. «فلسفه نظری» آن است که درباره اشیاء آن‌چنان‌که هستند بحث می‌کند، و «فلسفه عملی» آن است که درباره افعال انسان آن‌چنان‌که باید باشد، بحث می‌کند. فلسفه عملی نیز به نوبه خود تقسیم می‌شود به علم اخلاق، علم تدبیر منزل و علم سیاست مُدُن (Motahhari, 128-129: 2004). فلسفه هر رشته علمی بنیادی‌ترین و مهم‌ترین موضوع و مسئله آن رشته است. برخی رشته‌های علمی به دلیل بدیهی بودن موضوع و ماهیتشان، شاید چندان نیازی به تبیین فلسفی نداشته باشند؛ مانند جامعه‌شناسی، اقتصاد، روان‌شناسی، زمین‌شناسی و فیزیک که به ترتیب موضوع آن‌ها جامعه انسانی، معیشت انسان‌ها، روان انسان‌ها، ساختمان و جنس کره زمین، و ماده و انرژی است و به‌عنوان موضوعات بدیهی و واقعی در جهان خلقت شناخته شده‌اند و تردیدی در آن‌ها وجود ندارد.

ولی برخی رشته‌ها به‌ویژه جغرافیا به دلیل ابهام در موضوع آن و وجود نظرهای متفاوت در این زمینه، به تبیین فلسفی نیاز دارند (Hafeznia, 2014: 27-28). فرایند تحقیق علمی فرایندی تعقلی و تجربی است. داور علم، تجربه و داور فلسفه، برهان و تعقل است. در فلسفه، حکمیت در باب صحت و سقم گزاره‌های فلسفی با تعقل و استدلال عقلانی است. در معرفت علمی دانشمند در سطح نظری، تحقیق علمی نیازمند استدلال عقلانی است. موضوع معرفت درجه اول واقعیت است؛ درحالی‌که فلسفه علم از نوع معرفت درجه دوم است. موضوع معرفت درجه دوم، معرفت دیگر و روش دآوری آن استدلال منطقی¹ است. فلسفه علم مسبوق به علم است. در فلسفه علم، سخن از علم‌شناسی و سؤالات آن از نوع معرفت‌شناختی است. علم از نوع معرفت درجه اول است. موضوع علم واقعیت‌ها و روش دآوری آن تجربه است؛ اما فلسفه از نوع معرفت درجه دوم است. موضوع این معرفت، علم و روش آن استدلال منطقی است. پرسش‌های علم ناظر بر واقعیت‌های اجتماعی و طبیعی و پرسش‌های فلسفه علم از نوع معرفت‌شناختی است (Saeie, 2013: 17-18). بنابراین، علم و فلسفه جزء معرفت‌های درجه اول محسوب می‌شوند و هر دو به مطالعه جهان خارج از ذهن می‌پردازند. اما فلسفه علم به مطالعه علم پرداخته و جزء معرفت‌های درجه دوم است (Wasegh, 2016). فلسفه عملی و همچنین جغرافیای سیاسی درباره رفتار و عملکرد انسان آن‌چنان‌که باید باشد صحبت می‌کند. به عبارت دیگر، سیاست مُدُن، سیاستی است که به تدبیر و تصمیم برای مدینه یا همان شهر، حکومت، سرزمین یا کشور مُنجر خواهد شد. جغرافیای سیاسی نیز متأثر از همین شاخه فلسفه عملی یا حکمت عملی است. علم جغرافیا و علم فلسفه، جزء معرفت‌های درجه اول، اما فلسفه جغرافیا جزء معرفت‌های درجه دوم است. در فلسفه علم جغرافیای سیاسی، معرفت‌شناسی، تاریخ، جامعه‌شناسی و در مبانی نظری فلسفه جغرافیای سیاسی؛ هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و روش‌شناسی و همچنین کاربردهای علم جغرافیا مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرند. جغرافیای سیاسی هم در زمره علوم عملی و کاربردی بوده و لذا شامل علوم اعتباری

است. از سوی دیگر فلسفه هر علمی، دانشی است که طی آن به تاریخ و جامعه‌شناسی علم و عالمان آن رشته و ساختار معرفت‌شناسی آن علم پرداخته می‌شود.



شکل ۱. ابعاد فلسفه جغرافیای سیاسی؛ (منبع: نگارنده)

۳-۳- تاریخ و جامعه‌شناسی اسلامی جغرافیای سیاسی

جُستارهای جغرافیای سیاسی پیشینه‌ای به عمر علم جغرافیا دارند که کمابیش به دو هزار و پانصد سال پیش بازمی‌گردند. از سده پنجم پیش از میلاد، موضوع جغرافیای سیاسی با عنوان مطالعه روابط حکومت‌ها و کشورها با محیط طبیعی‌شان توسعه یافت که در قالب آن رابطه حکومت و دولت با اوضاع طبیعی و سرزمین، کانون اندیشه جغرافی‌دانان، مورخان، و فلاسفه‌ای همچون هردوت، افلاطون، ارسطو و استرابو در یونان بود. هردوت به‌عنوان مورخ به‌طور ضمنی به پیوند گروه‌های انسانی با محیط طبیعی‌شان توجه داشت. افلاطون در کتاب «جمهوری» پرسش‌هایی بنیادی خاصی درباره رابطه دولت با سرزمین مطرح کرد. ارسطو فیلسوف یونانی یکی از قدیمی‌ترین جغرافیدانان سیاسی در کتاب «سیاست» درباره گوناگونی مردم در نتیجه تنوع آب و هوایی مناطق مختلف نوشت. دانشمندان مسلمان و ازجمله ابن خلدون نقش مهمی در حوزه جغرافیای سیاسی داشتند. وی در کتاب «مقدمه» (مقدمه تاریخ) قبیله و شهر را به‌عنوان دو سازمان سیاسی و اقتصادی در محیط بیابانی بررسی کرد (Hafeznia & Kavianirad, 2014: 91-94).

در قرون وسطی با تسلط کلیسا بر مراکز علمی شخصیت‌های برجسته‌ای همچون سن آگوستین کوشیدند تا معتقدات مسیحیت را با مبانی فلسفی، به‌خصوص آراء افلاطون و نوافلاطونیان، تبیین کنند ولی نسبت به افکار ارسطو بی‌مهری می‌شد. با تسلط مسلمانان بر اندلس و نفوذ فرهنگ اسلامی در اروپای غربی، از طریق افکار فلاسفه اسلامی مانند ابن‌سینا و ابن‌رشد با آراء ارسطو آشنا شدند (Mesbahe Yazdi, 2004: 36). در طول تاریخ تمدن اسلامی اساس کار فلاسفه و متکلمان، قبل از توجه به حکمت نظری و سایر علوم، به حکمت عملی در هر سه بخش آن بوده و هم کتاب‌هایی که در

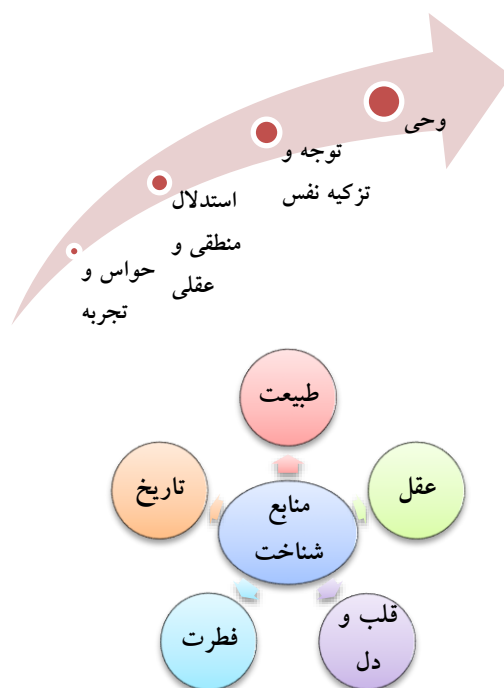
باب حکمت عملی و به‌ویژه سیاست ملک‌داری نوشته‌شده، توسط اشخاصی مانند نظام‌الملک، غزالی (احیاء علوم‌الدین و نصیحه‌الملوک)، خواجه نصیرالدین طوسی (اخلاق ناصری) و غیره بوده است (Farabi, 2000: 94). بنابراین، در حکمت عملی اسلام که به لحاظ تاریخی و جامعه‌شناسی نیز اکثر اندیشمندان بر شئون آن صحه گذاشته‌اند، سه بخش کلی اخلاق، تدبیر منزل و سیاست مدن، از وجوه اساسی هستند و جغرافیای سیاسی نقشی انکارناپذیر در سیاست مدن و حکمرانی آن دارد.

۴- بحث و یافته‌های پژوهش

۴-۱- اهمیت و جایگاه «تجربه، عقل و وحی» در معرفت‌شناسی اسلامی

یکی از وسایل و ابزارهای شناخت برای انسان «حواس» است. انسان برای شناختن، به نوع یا انواعی از تجزیه و تحلیل نیاز دارد که کار عقل است. این کار به اصطلاح با تجزیه و همچنین ترکیب کردن به شکل خاصی، که منطق عهده‌دار کارهای تحلیلی و کارهای ترکیبی است، صورت می‌گیرد. برای شناسایی، ابزار حس، شرط لازم است، و نه کافی، یک نیرو و قوه دیگری هم به نام قوه عاقله است. آن قوه‌ای که تجرید، تعمیم، تجزیه و ترکیب می‌کند، که حتی کلیات را تجزیه و ترکیب می‌کند. بنابراین حس یکی از ابزارهاست، قوه دیگر عقل است. حواس، ابزاری برای منبع طبیعت است. ابزار دوم شناخت، استدلال منطقی و عقلی (آنچه منطق آن را قیاس یا برهان می‌نامد) می‌باشد که یک نوع عمل است که ذهن انسان آن را انجام می‌دهد. منبع سوم قلب و دل می‌باشد. راه دل یعنی راه تزکیه نفس، راه تزکیه قلب یکی از راه‌هاست. عده‌ای از علمای جدید مانند پاسکال ریاضیدان معروف، ویلیام جیمس روانشناس و فیلسوف معروف آمریکائی، الکسیس کارل و برگسون دل را ابزار شناخت می‌دانند. یک منبع دیگر که مخصوصاً امروز به آن اهمیت می‌دهند و قرآن نیز به آن اهمیت زیادی داده است تاریخ است، یعنی از نظر قرآن غیر از طبیعت و عقل و دل، یک منبع دیگر هم برای شناخت وجود دارد که آن عبارت از تاریخ است (Motahhari, 2001: 38-113). شناخت نیازمند سه ابزار شهود، حس و عقل است که دو ابزار اخیر که شناخت بی‌واسطه از طبیعت و امر طبیعی را فراهم می‌کنند از اهمیت بسیار برخوردار هستند. ابزار حسی از رهگذر مشاهده، آزمایش، اندازه‌گیری و محاسبه نمود می‌یابند و ابزار عقل با درک رابطه علی، مقایسه و شمارش مشابهت و تفاوت به شناخت طبیعت می‌پردازد (Kasierer, 1993: 87). به عبارت دیگر حس و تجربه، عقل و قوه استدلال، قلب، تزکیه نفس و وحی و الهام از ناحیه خداوند از راه‌های معرفت‌شناسی در علوم اجتماعی و رفتاری هستند. درواقع معرفت‌های حسی با علوم تجربی و عقلی سنجش شده و معرفت‌های وحیانی با علوم دینی (نقلی) و عقلی قابل سنجش و ارزیابی هستند. بنابراین، معرفت‌شناسی در رشت جغرافیای سیاسی به مطالعه شناخت، امکان، شیوه‌ها، ابزار، منابع، منافع و دیگر مباحث مربوط به شناخت جغرافیای سیاسی می‌پردازد. معرفت ناظر بر فلسفه جغرافیای سیاسی از رهیافت اسلام در این پژوهش، معرفتی مبتنی بر رهیافت اسلام با عنوان معرفت دینی می‌باشد. اما هیچ شخصی از ابتدای خلقت، شناختی نسبت به این دنیا

و هر آنچه در آن است نداشته، همان طور که قرآن می فرماید: «والله اخرجکم من بطون امهاتکم لا تعلمون شیئاً و جعل لکم السمع و الابصار و الافئده» (Nahl/78)؛ درواقع خداوند در اینجا برخی از ابزار شامل دنیای وجودی انسان (انفسهم) و طبیعت (آفاق)، را به عنوان منبع و محیط شناخت برای انسان معرفی می نماید. همچنین که در حدیثی از معصوم OAI داریم: «معرفة النفس انفع المعارف»؛ و یا در قرآن «سنریهم آیتنا فی الافاق و فی انفسهم» (Foselat/53)؛ یکی از دعوت های قرآن به مشاهده با ابزار چشم این آیات است: «افلا ینظرون الی الابل کیف خلقت* و الی السماء کیف رفعت* و الی الجبال کیف نصبت* و الی الارض کیف سطحت» (Ghashieh/17-20) و یا «فلینظر الانسان مم خلق» (Taregh/5)؛ این مشاهدات با ابزار چشم اتفاقاً ماهیتی جغرافیایی از نوع پوزیتیویسمی دارد و منطق با سیر آفاقی است زیرا در رابطه با انسان، حیوانات، گیاهان و جمادات (آسمان، کوه ها و زمین) است. در جایی دیگر قرآن می فرماید: «و لا تقف ما لیس لک به علم ان السمع و البصر و الفواد کل اولئک کان عنه مسئولا» (Esrae/36). همچنین می فرماید: «قل سیروا فی الارض» (Anam/11؛ Naml/69؛ Ankabut/20؛ Rum/42)؛ یا می فرماید: «افلم یرسروا فی الارض» (Ghafer/82؛ Mohamad/10). این آیات علاوه بر بیان حس و تجربه به عنوان ابزار شناخت تأکید بر عقل و قلب نیز دارد.



شکل ۲. ابزار و منابع شناخت در معرفت دینی؛ (منبع: نگارنده)

۴-۲- جغرافیای سیاسی و ویژگی‌های آن در اندیشه اسلامی

هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و روش‌شناسی عناصر سه‌گانه حاضر در کسب شناخت (معرفت) هستند که به ترتیب به عامل شناخت یا شناسنده (ذهن)، موضوع شناخت (هستی) و جریان شناخت می‌پردازند. پایه‌ای‌ترین و بنیادی‌ترین مسئله در کسب هر نوع معرفت مستلزم پیوند استوار میان این ارکان سه‌گانه است (Eftekhari, 2002: 14).

۴-۳- هستی‌شناسی جغرافیای سیاسی از رهیافت اسلام:

هستی‌شناسی مطالعه آن چیزی است که هست و وجود دارد (Lawson, 2004). هستی، حقیقتی است که همیشه تحقق دارد و در آن زندگی می‌کنیم. هستی‌شناسی، علم وجود است از آن‌جهت که وجود دارد (Saliba, 2002: 459-460). نوع برداشت و طرز فکری که یک مکتب درباره جهان هستی عرضه می‌دارد و تکیه‌گاه فکری آن مکتب به شمار می‌رود از آن به هستی‌شناسی تعبیر می‌شود و مطالعه شاخه‌ای از علم فلسفه است که به حقیقت هستی می‌پردازد (Sobhani, 2008: 489). نوع نگاه به هستی و پدیدآورنده آن، در نگاه به سیاست و فلسفه سیاسی، اثر دارد. سیاست یا عمل سیاسی را از آن‌رو که موجود است و از اقسام مطلق وجود است و همچنین از آن‌رو که متعلق اراده اختیار و قدرت انسان است، می‌توان معقول عملی تلقی کرد (Haeri Yazdi, 2005: 462). نظام هستی دارای مبدأ، معاد و مسیری است، یعنی تمامی معارف دین بدون واسطه یا باواسطه به همین سه بخش برمی‌گردد؛ آغاز هستی‌شناسی، توحید و انجام آن معاد و مسیر آن، رسالت است (Javadi Amoli A, 2010: 23). در تفهیم هستی‌شناسی الهی، عالمان دین، به‌ویژه علمای شیعه از راه‌های مختلف کوشیدند تا مبدأ هستی را به آدمیان بشناسانند، و در این راه از هم ابزارهای معرفتی، همانند حس و تجربه، برهان عقلی، شهود قلبی و اشراق باطنی، فطرت و وحی بهره گرفتند (Javadi Amoli, 2009: 71). اندیشه‌وران مادی، هستی را در قلمرو ماده محدود می‌دانند. بنابراین رمز مکتب الهی در مقابل مکتب الحادی، پذیرفتن دو قسم مادی و مجرد هستی است (Javadi Amoli B, 2010: 110). هستی یک شیء یا عینی و یا ذهنی است. هستی عینی یعنی هستی خارجی که مستقل از ذهن انسان است. مثلاً کوه و دریا و صحرا در خارج ذهن ما و مستقل از ذهن ما وجود دارند. پس وجود آن‌ها عینی است و از مفاهیم جغرافیایی می‌باشند. ولی همین وجودی هم در ذهن ما دارند. آنگاه که ما تصور می‌کنیم آن‌ها را، در حقیقت آن‌ها را در ذهن خود وجود می‌دهیم. وجودی که اشیاء در ذهن ما پیدا می‌کنند «وجود ذهنی» نامیده می‌شود. اما این تصور و وجود ذهنی منشأ آگاهی است و به‌نوعی وجود یافتن ماهیت اشیاء خارجی است در ذهن ما؛ ولی از آن نظر که ذهن انسان واقعاً یک نشئه دیگر از وجود است و سبب می‌گردد که هستی در ذات خود دو گونه گردد: ذهنی و عینی (Motahhari, 2004: 170-171).

از سوی دیگر، جغرافیا به‌عنوان یک علم از یک‌سو بر بنیادهای کمابیش ثابت و پایدار طبیعت (ژئو) استوار است از دیگر سو، انسان جغرافیایی است که طبیعت وجودی‌اش در حوزه نیازهای مادی و معنوی، او را به نگارش و توصیف

(گرافیا) پدیده‌های طبیعی سوق داده است (Hafeznia & Kavianirad, 2014: 17). فرض بنیادی در جغرافیا، اعتقاد به تأثیر متقابل میان رفتار انسان و محیط زندگی اوست و مسئله اصلی در جغرافیای سیاسی عبارت است از بررسی نقش و تأثیر رفتار و تصمیم‌های یک سازمان سیاسی بر محیط و به‌طور متقابل، آثار محیط طبیعی و انسانی بر رفتار و تصمیم‌گیری‌های افراد، گروه‌ها و سازمان سیاسی فضا (حکومت) (Wasegh & Et.al, 2016: 390). همچنین گریفیت تیلور جغرافیا را علم روابط متقابل میان انسان و طبیعت می‌داند (Shokouei, 2010: 18). جغرافیا علمی است که به مطالعه محیط انسانی کره زمین یا کره زمین از دیدگاه فضای انسانی می‌پردازد. به‌بیان دیگر، جغرافیا عبارت است از مطالعه علمی روابط انسان و محیط. همچنین سیاست به معنی «تدبیر» و به کار گرفتن تدبیر در کار کشورداری یا مدیریت سیاسی اجتماع است. اما جغرافیای سیاسی عبارت است از «مطالعه اثرگذاری تصمیمات سیاسی انسان بر فضای جغرافیایی»؛ مانند تقسیمات سیاسی کشور و مرزسازی‌های سیاسی روی صحنه جغرافیا (Mojtahedzadeh, 2013: 21- 22). جان اگنیو، جغرافیای سیاسی را «مطالعه چگونگی هم‌کنشی سیاست و جغرافیا و درواقع آثار جغرافیا بر سیاست» می‌داند (Agnew, 2003: 603). هستی‌شناسی جغرافیای سیاسی از رهیافت اسلام نیز صحبت پیرامون روابط انسان و محیط است که همه براساس واقعیات عینی است.

موضوع جغرافیای سیاسی

موضوع هر علمی عبارت است از آن چیزی که در آن علم از احوال و عوارض او گفتگو می‌شود و قضایای مربوط به او حل می‌شود. آنچه موضوع یک علم نامیده می‌شود همواره دارای انواع و اقسامی است که یک سلسله احکام، عوارض و حالات مخصوص به خود را دارد. عوارض و احکام بر دو قسم است: عوارض اولیه یا ذاتیه، و عوارض ثانویه یا غریبه؛ در مسئله تمایز و تشابه علوم و طبقه‌بندی آن‌ها نکته حساسی که از نظر منطقی هست همانا تمیز و تشخیص عوارض ذاتیه از عوارض غریبه است. عوارض ذاتیه هر موضوعی همواره به نحوی است که ذهن یا مستقیماً و بلاواسطه رابطه آن را با موضوع درک می‌کند یعنی احتیاج به دخالت حد وسط و اقامه برهان ندارد و یا اینکه با مداخله حد وسط رابطه وی با موضوع روشن می‌شود. قهراً رابطه بین هر موضوعی و عوارض ذاتیه وی باید واقعی و نفس‌الامری باشد (نه اعتباری) و قهراً باید آن موضوع کلی باشد (نه جزئی) و علوم اعتباریه که رابطه بین موضوعات و محمولات در آن علوم وضعی و قراردادی است و نه واقعی و نفس‌الامری مانند حقوق و همچنین علوم که یک سلسله قضایای شخصیتی مسائل آن‌ها را تشکیل می‌دهد مانند تاریخ و جغرافیا از محل کلام منطقیون خارج است (Tabatabaee B, 2033: 20- 23).

آن گروه از علومی که به مطالعه در احوال پدیده‌های فاقد ذات می‌پردازند، جزء علوم اعتباری محسوب می‌شوند؛ نظیر علوم اجتماعی و ازجمله جغرافیا؛ بنابراین در علومی نظیر جامعه‌شناسی و جغرافیا، پدیده‌هایی همچون جامعه، کشور، ملت، دولت، سازمان و نهادها، فضاها و نظایر آن‌ها که پدیده‌هایی برساخته و اعتباری بوده فاقد ذات و صفات ذاتی هستند. بر این

اساس می‌توان گفت علم جغرافیا به دلیل مطالعه پیرامون پدیده‌های فاقد ذات (اعتباری)، فاقد موضوع می‌باشد (Wasegh 177-176: 2018, & Et.al). بر همین مبنا، علوم در یک تقسیم‌بندی کلی به دو دسته تقسیم می‌شوند: علوم حقیقی (فلسفه، منطق، ریاضیات و علوم طبیعی) که معمولاً به آن‌ها علوم نظری نیز می‌گویند و دارای ذات و موضوع می‌باشند و علوم اعتباری (شامل برخی علوم طبیعی که آن‌ها را علوم کارکردی می‌نامند) و علوم اجتماعی که ماهیتی کارکردی و حل مسئله دارند و فاقد موضوع می‌باشند، زیرا علومی که وضعی و قراردادی هستند، عوارض آن‌ها غریبه بوده و نه ذاتی و قضایای آن‌ها یک سلسله مسائل شخصیه هستند، مانند جغرافیای سیاسی که جزء علوم اجتماعی و در زمره علوم اعتباری است و مسائل آن وضعی و قراردادی، عوارض آن ثانویه و نه ذاتی و قضایای آن شخصیه و موردی هستند، لذا جغرافیای سیاسی فاقد موضوع خاص می‌باشد. البته این مسئله به صورت مطلق نبوده و برخی موضوعات اعتباری که ذاتی نیستند را در حوزه تصمیمات سیاسی که بر روی جغرافیا تأثیرگذار هستند را می‌توان به صورت نسبی به عنوان موضوعات اعتباری جغرافیای سیاسی اعتبار کرد.

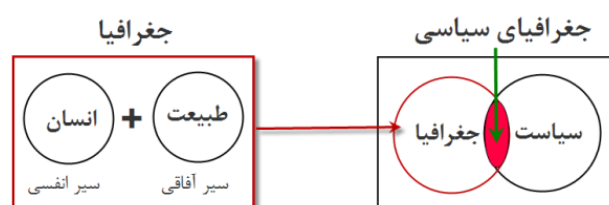
ماهیت جغرافیای سیاسی

«ماهیت» مرداف فارسی آن «چیستی» است. مفاهیم ماهوی، مفاهیمی هستند که ذات مصادیق خود را بیان می‌کنند که اشیاء خارجی، «چه چیزی» هستند. پس ماهیت در پاسخ از سؤال «این چیست؟» بیان می‌شود. ذهن ما در هر چیز دو حیثیت را تشخیص می‌دهد: حیثیت وجود، حیثیت ماهیت، و از این دو حیثیت، حیثیت وجود اصیل است و حیثیت ماهیت اعتباری می‌باشد (Shirvani, 2008: 97-107). حیثیت ماهیت اختصاص به دسته خاصی از اشیاء دارد، مثلاً: انسان یا اسب یا درخت؛ یعنی هر ماهیتی بر دسته خاصی از واقعیات حمل می‌شود و نه بر همه آن‌ها. اما حیثیت وجود، مشترک میان هم واقعیات و بر همه آن‌ها حمل می‌شود (Shirvani, 2008: 78-80). شکل سطح زمین و فرایندهای (طبیعی و انسانی) که بدان وارد می‌شوند، ماهیت جغرافیا را تشکیل می‌دهند. بر این اساس، کش متقابل محیط طبیعی و انسان همیشه در کانون مسائل جغرافیایی قرار داشته است (Matthews & Herbert, 2012:27). از آنجایی که جغرافیای سیاسی جزء علوم اعتباری، قضایای آن شخصی و قابل تجربه و کارکرد آن حل مسئله می‌باشد، لذا ماهیت آن تجربی و کارکردی است.

حیطه و قلمرو جغرافیای سیاسی

علم معرفتی است که قلمرو موضوعی آن واقعیت‌های اجتماعی و طبیعی است (Sorush, 1978: 6). همچنین ساعی می‌نویسد: «قلمرو موضوعی علم، واقعیت‌های اجتماعی و طبیعی است. قلمرو موضوعی معرفت دینی نیز هستی‌شناسی است که بخشی از آن را واقعیت‌های اجتماعی و مادی تشکیل می‌دهد» (Saeie, 2013: 18). درواقع حیطه و قلمرو جغرافیای سیاسی شامل دو عنصر انسان و طبیعت برای جغرافیا و سیاست می‌باشد. عنصر انسان خود دو ساحتی است، ساحت مادی و ساحت معنوی. قلمرو ساحت مادی بدن اوست متکی بر علم تجربی و قلمرو ساحت غیرمادی و معنوی

(روحی) او غیرمحدود و براساس روش و حیانی قابل تحقیق است. عنصر طبیعت ابعاد مختلفی دارد و حیطه قلمرو آن وسیع است از جمله مجموعه موجودات در هوا کره، زمین کره، آب کره و یا به نحوی دیگر زیست کره که برخی از روش تجربی و قسمی از آن‌ها مبتنی بر روش و حیانی قابل بررسی می‌باشد. اما سیاست ذات و جوهری ندارد، لذا اعتباری است، مادی نیست و بنابراین قلمرو آن طیف وسیعی از موضوعات محدود تا کلان را شامل می‌شود. در یک جمع‌بندی کلی حیطه و قلمرو جغرافیای سیاسی که علمی اعتباری است، فضاها و سیاسی واقع در سطح سیاره زمین است که توسط انسان اعتبارشده و ذاتی نیستند. بنابراین حیطه و قلمرو جغرافیای سیاسی نیز همانند موضوع آن اعتباری بوده و ذاتی نیست.



شکل ۳. مدل مفهومی حیطه و قلمرو جغرافیای سیاسی؛ (منبع: نگارنده)

تعریف جغرافیای سیاسی

تعریف، گزاره‌ای است که ماهیت موضوع تعریف را نشان می‌دهد یا به دیگر سخن، پاسخی به چیستی آن موضوع است (Hafeznia & Kavianirad, 2014: 143). حافظ‌نیا و کاویانی‌راد به نقل از پیت می‌نویسند: «از دیرباز تعریف جغرافیا به عنوان مطالعه روابط میان جامعه (انسان) و محیط طبیعی» بوده است (Hafeznia & Kavianirad, 2014: 49). جغرافیای سیاسی دانشی کاربردی و مسئله محور است. لذا تعریف آن براساس کارکرد جغرافیا و حل مسئله است. در تعریف دانش جغرافیای سیاسی می‌توان گفت عبارت است از دانش تولید و مدیریت سیاسی فضا؛ در تولید فضا مدیران و کارشناسان فضاها و جغرافیای تقسیمات سیاسی فضا را سازمان‌دهی و یا ساماندهی می‌کنند و از این قبیل فعالیت‌ها، اما در مدیریت سیاسی فضا، فضای سیاسی تولیدشده و موجود را مدیریت و اداره خواهند کرد، مثل کلیه فعالیت‌هایی که کارگزاران یک کشور در حوزه امورات وزارت کشور و استانداری‌ها انجام می‌دهند.

۴-۴- معرفت‌شناسی جغرافیای سیاسی از رهیافت اسلام

معرفت‌شناسی گرایشی از فلسفه علم است که به بررسی ماهیت، منشأ و اعتبار شناخت و معرفت می‌پردازد که گاه از آن به عنوان «نظریه شناخت» هم یاد می‌کنند (Le roy Finch, 2005: 145). معرفت‌شناسی به مطالعه شناخت، امکان، شیوه‌ها، ابزار، منابع، منافع و دیگر مباحث مربوط به شناخت می‌پردازد یا آن‌که شاخه‌های مختلف دانش را پس از پیدایش

و گسترششان با توجه به هویت جمعی و تاریخی‌شان بررسی می‌کند (Hafeznia & Kavianirad, 2014: 24). معرفت‌شناسی پیرامون مسایل مختلف شناخت از جمله مفهوم شناخت، امکان شناخت، ملاک و معیار شناخت (حقیقت)، یقین یا حدس و گمان در شناخت؛ بنابراین مبانی اصلی معرفت‌شناسی به باور، صدق و توجیه قضایا و گزاره‌ها بازگشت می‌کند. در معرفت‌شناسی، ابزارهای شناخت از نظر مکاتب مختلف، متفاوت است اما به‌طور کلی، حواس، عقل، فطرت و دل از منابع مهم شناخت تلقی می‌شوند که از طریق تجربه، استدلال عقلی (تعمیم، تحلیل و ترکیب و تجرید، قیاس، برهان و غیره) و توجه، ترکیه و گواهی و وحی، انسان را به معرفت نائل می‌کنند (Security S. G, 2008: 116). امام خمینی (ره) عقل و تجربه بشری را برای شناخت امور طبیعی دارای صلاحیت می‌داند و اعتقاد دارند وحی این شناخت را در امور طبیعی و ماورای طبیعی کامل می‌کند. البته وحی الهی برای یک عده‌ای از اشخاصی که کمال پیدا کرده‌اند (Imam Khomeini, 2007: 190). خداوند در قرآن کریم در آیات متعددی از نشانه‌های خود جهت شناخت انسان از خود، دنیای اطرافش و در نهایت شناخت غایی که همان شناخت خداوند است سخن به میان آورده است. در یکی از این آیات چنین می‌فرماید: «سنریهم ءایتنا فی الفاق و فی انفسهم حتی یتبین لهم انه الحق اولم یکف بربک انه علی کل شیء شهید» (Foselat/53)؛ فرموده «سنریهم»، یعنی علاوه بر نشانه‌هایی که در دسترس است، در آینده نیز نشانه‌هایی را به آنان نشان خواهیم داد. پیشرفت علوم، گامی برای خداشناسی است. تمام هستی، کلاس خداشناسی است و خداشناسی با توجه به نزدیک‌ترین موجود (خود انسان) تا دورترین نقطه هستی ممکن است (Qaraati, 2004: 365). خداوند نیز در آیه مذکور، نشانه‌های خود را برای شناسایی هستی سیر در آفاق و انفس یعنی تحقیق در عالم وجودی (انسان) و عالم خارج از انسان (طبیعت) معرفی می‌نماید. به عبارت دیگر سیر در عالم وجودی انسان (سیر انفسی) و برای شناسایی طبیعت سیر در عالم خارج از وجود انسان (سیر آفاقی) را معرفی می‌نماید. تجمیع این دو عنصر در کنار هم جغرافیا را تشکیل می‌دهد که تأثیر سیاست بر جغرافیا و فصل مشترک این دو، ساختار رشت جغرافیای سیاسی را به وجود می‌آورد.

مفاهیم کلی، معقولات و اعتباریات در جغرافیای سیاسی

مفاهیم کلی که در علوم عقلی از آن‌ها استفاده می‌شود به سه دسته تقسیم می‌گردند: مفاهیم ماهوی یا معقولات اولی مانند مفهوم انسان، مفاهیم فلسفی یا معقولات ثانیه فلسفی مانند مفهوم علت و معلوم و مفاهیم منطقی یا معقولات ثانیه منطقی مانند مفهوم عکس مستوی. این تقسیم سه‌گانه از ابتکارات فلاسفه اسلامی است. مفهوم کلی یا قابل حمل بر امور عینی است و به اصطلاح اَتِّصاف آن خارجی است، مانند مفهوم انسان که بر حسن و حسین حمل می‌گردد و یا قابل حمل بر امور عینی نیست و تنها بر مفاهیم و صورت‌های ذهنی، حمل می‌گردد و به اصطلاح اَتِّصاف آن ذهنی است. دسته دوم را که تنها حمل بر امور ذهنی می‌شود «مفاهیم منطقی» یا «معقولات ثانیه منطقی» می‌نامند. اما مفاهیمی که حمل بر اشیاء خارجی می‌شوند به دو دسته تقسیم می‌گردند: یک دسته مفاهیمی که ذهن به‌طور خودکار از موارد خاص، انتزاع می‌کند.

چنین مفاهیمی را مفاهیمی ماهوی یا معقولات اولی می‌نامند. دسته دیگر مفاهیمی هستند که انتزاع آن‌ها نیازمند به‌کندوکاو ذهنی و مقایسه اشیاء با یکدیگر می‌باشد مانند مفهوم علت و معلول و رابطه آتش و حرارت که پس از مقایسه در ذهن انتزاع می‌شود. این‌گونه مفاهیم را «مفاهیم فلسفی» یا «معقولات ثانیه فلسفی» می‌نامند. و اصطلاحاً می‌گویند: معقولات اولی هم عروض‌شان خارجی است و هم اُتصاف‌شان؛ معقولات ثانیه فلسفی عروض‌شان ذهنی ولی اُتصاف‌شان خارجی است؛ معقولات ثانیه منطقی هم عروض‌شان ذهنی است و هم اُتصاف‌شان. ویژگی هر یک از اقسام معقولات عبارت‌اند از: مفاهیم منطقی که فقط بر مفاهیم و صورت‌های ذهنی حمل می‌گردند؛ مفاهیم ماهوی که از ماهیت اشیاء حکایت می‌کنند و حدود وجودی آن‌ها را مشخص می‌سازند و به‌منزله قالب‌های خالی برای موجودات هستند. این مفاهیم «قالب‌های مفهومی» بوده که در علوم مختلف حقیقی کاربرد دارند و مفاهیم فلسفی که بدون مقایسه و تحلیل‌های عقلی به دست نمی‌آیند و هنگامی که بر موجودات، حمل می‌گردند از انحاء وجود آن‌ها (نه حدود ماهوی آن‌ها) حکایت می‌کنند. مفاهیم فلسفی «مابازاء عینی» ندارند، یا عروض‌شان ذهنی است. درازای آن‌ها مفاهیم و تصورات جزئی، وجود ندارد. مثلاً چنین نیست که ذهن ما یک صورت جزئی از علیّت داشته باشد (Mesbahe Yazdi, 2004: 198-200). ادراکات و مفاهیم ذهنی نیز در نظر فیلسوفان سه دسته هستند: ۱- «حقایق» یعنی مفاهیمی که در خارج مصداق واقعی دارند؛ ۲- «اعتباریات» یعنی مفاهیمی که در خارج مصداق واقعی ندارند لکن عقل برای آن‌ها مصداق اعتبار می‌کند یعنی چیزی را که مصداق واقعی این مفاهیم نیست مصداق فرض می‌کند؛ ۳- «وهمیّات» یعنی ادراکاتی که هیچ‌گونه مصداقی در خارج ندارند و باطل محض می‌باشند. مانند تصور غول و سیمرغ (Tabatabaee, 2002: 38).

از سوی دیگر مفاهیم موجود در ذهن شامل معقولات اول (ماهیات)، معقولات ثانیه فلسفی (اعتباریات) و معقولات ثانیه منطقی (قوانین منطقی شامل قانون علیّت و تناقض) می‌باشد. «انتزاع دسته‌ای از مفاهیم کلی که منطبق به محسوسات می‌شود از قبیل مفهوم انسان، اسب و درخت مستقیماً از راه تجرید و تعمیم جزئیات محسوسه برای عقل حاصل شده و عیناً همان صور محسوسه هستند که از راه یکی از حواس وارد ذهن شده‌اند و سپس عقل با قوه تجریدی که دارد از آن صور محسوسه یک معنای کلی ساخته که به این دسته در اصطلاح فلسفه معقولات اولیه می‌گویند. اما دسته‌ای دیگر با انتزاع بدیهیات اولیه و مفاهیم عامه از دسته اول به نحو دیگری انتزاع شده و مستقیماً از راه حواس وارد ذهن نشده‌اند بلکه ذهن پس از واجد شدن صور حسیّه با یک نوع فعالیت و ترتیب خاصی این مفاهیم را از آن صور حسیّه انتزاع می‌کند که به آن‌ها معقولات ثانیه می‌گویند و همین معقولات ثانیه فلسفی است که بدیهیات اولیه منطقی و موضوعات غالب فلسفه اولی را تشکیل می‌دهند، و درهرحال چه معقولات اولیه و چه معقولات ثانویه مسبوق به ادراکات جزئیّه حسیّه‌اند» (Tabatabaee, 2003: 20). در جغرافیای سیاسی مفاهیم عام کوه، دریا و جنگل جزء معقولات اول و مفاهیمی از قبیل سرزمین، حاکمیت و مرز جزء معقولات ثانیه فلسفی (اعتباریات) هستند. به عبارت دیگر، اعتباریات شامل مفاهیم کلی ذهنی و انتزاعی

هستند که از ابتدا فاقد مابه‌ازاء خارجی هستند، لیکن براساس واقعیت‌های بیرونی و نیاز جوامع و انسان‌ها در ذهن ساخته و اعتبار می‌شوند. اما جغرافیای سیاسی مشتمل بر طبیعت، انسان و سیاست است. از برهم‌کنش متقابل این سه عنصر موضوعاتی پدید می‌آید که قوام دهنده جغرافیای سیاسی است. هر یک از این عناصر سه‌گانه ریزعنصری دارند، طبیعت از قبیل: کوه، دریا، رودخانه، دشت و غیره که کلی‌های طبیعی را شامل می‌شوند و کلی‌های عقلی که مفاهیم جغرافیای سیاسی هستند. جغرافیای سیاسی بیشتر متشکل از دو نوع این کلی‌ها می‌باشد؛ بخش جغرافیایی آن‌که ویژگی عینی دارد شامل کلی‌های طبیعی است که منشأ خارجی و واقعی دارند و بخش سیاسی آن‌که خصوصیات ذهنی دارد شامل کلی‌های عقلی (موقعیت جغرافیایی و ژئوپلیتیکی، مرز، امنیت، قدرت، مدیریت فضا) که اعتباری است. اعتباریات نیز شامل دو دسته می‌شوند: اعتباریات عقلی (وصفی و خبری)، اعتباریات محض یا ارزشی (توصیه‌ای، تجویزی و انشائی)؛ اعتباریات عقلی باملاحظه و مقایسه میان اشیاء و پدیده‌های عینی و واقعی به‌صورت مفهومی کلی (کلی‌های عقلی) در ذهن پدید می‌آیند و انتزاع می‌شوند، همچنین گزاره‌های اعتباری عقلی منطبق با واقعیات و منطق بوده و قابل استدلال می‌باشند، مفاهیمی مانند (مکان، فضا، ناحیه، سرزمین، قلمرو)؛ اعتباریات محض منشأ خارجی و واقعی ندارد و ریشه در تمایلات و انگیزه‌های انسان‌ها دارد و معمولاً برخاسته از نفس و فزونی طلبی انسان‌هاست. اما بخشی از اعتباریات عقلی آن دسته از واقعیات خارجی است که خاستگاه آن وحی و تعالیم دینی است و براساس خلقت تکوینی نیازی است که به هر دلیلی به منصفه ظهور نرسیده است. هنگامی که قرآن و متون دینی از مفاهیم اعتباری همچون حکومت، خلافت، امنیت، امت، قریه و بلد صحبت می‌کنند، درواقع از معقولات ثانی فلسفی سخن می‌گویند که شامل کلی‌های عقلی بوده و براساس مفاهیم معقولات اول در ذهن انسان انتزاع می‌شوند.



شکل ۴. اعتباریات، اقسام و ادبیات آن در جغرافیای سیاسی؛ (منبع: نگارنده)

قضایا و گزاره‌ها در جغرافیای سیاسی

معرفت علمی ناظر بر اصول، گزاره‌ها یا قضایای خاصی است که جهان واقعی را توصیف می‌کنند و دربردارنده دسته‌ای از قضایا یا گزاره‌های وصفی و اخباری هستند که موضوعات مورد مطالعه آن پدیدارهای عینی و حقیقی است (Kamran & Wasegh, 2006: 74). اما براساس تقسیم‌بندی اعتباری‌ها، گزاره‌ها و قضایا را هم می‌توان در دو دسته

گزاره‌های وصفی یا اخباری و گزاره‌های تجویزی دسته‌بندی کرد. خاستگاه گزاره‌ها و قضایای تجویزی میل‌ها و رغبت‌های فردی و اجتماعی و خاستگاه گزاره‌ها و قضایای توصیفی و اخباری عقل و آموزه‌های دینی و وحیانی است. بنابراین گزاره‌های دینی و اخلاقی در اسلام قصد تحکّم و اعمال ضرورت اجرای بایدها بر هست‌ها به صورت غیرمعتولانه و غیرمنطقی را ندارد، زیرا احکام طبیعی و اجتماعی اسلام (بایدها و نبایدها) انطباق کامل با واقعیات عقلی و منطقی دارد و می‌تواند به شکل عینی و واقعی بروز و ظهور داشته باشد. به اعتقاد مسلمانان مدینه فاضله‌ای که منطبق بر گزاره‌ها و قضایای هنجاری اسلام است در زمان حکومت حضرت ولی عصر «عج» به صورت عینی به واقعیات تبدیل خواهد شد. به عبارت دیگر «در اکثر موارد بایدها و نبایدها مبنای ضرورت بالقیاس بین سبب و مسبب و علت و معلول است یعنی تا کار مخصوصی (علت) تحقق نیابد نتیجه آن (معلول) تحقق نخواهد یافت» (Mesbahe Yazdi, 2004: 204). از طرف دیگر، جغرافیای سیاسی را می‌توان به نوعی سیاست مدّتی دانست که جزئی از حکمت عملی است و به کشورداری و مباحث مربوط به آن می‌پردازد. لذا گزاره‌ها و قضایا در جغرافیای سیاسی شامل دو دسته توصیفی-خبری یا تحلیلی، توصیه‌ای-تجویزی می‌باشند. بخشی از گزاره‌ها که انشائی است برخاسته از امیال و رغبت‌های فردی یا اجتماعی و از نوع تجویزی و توصیه‌ای هستند اما بخش دیگری از گزاره‌ها اخباری است که در آن بیان علت‌ها و معلول‌ها وجود داشته، مانند گزاره‌های دینی و سیاسی در اسلام که عقلی می‌باشند. در مثال‌هایی که به نقل از نهج‌البلاغه امیرالمؤمنین OAH یک گزاره توصیفی (دینی) است: «کارگزاران دولتی را از میان مردمی باتجربه و باحیا، از خاندانی پاکیزه و باتقوا، که در مسلمانی سابقه درخشانی دارند، انتخاب کن، زیرا اخلاق آنان گرامی‌تر، آبروی‌شان محفوظ‌تر، طمع‌ورزی‌شان کمتر و آینده‌نگری آنان بیشتر است» (Dashti, 2005: 411). گزاره توصیفی-خبری: انتخاب کارگزاران دولتی باتجربه و سابقه درخشان برای ایجاد حکمرانی خوب و جلوگیری از فساد اقتصادی و سیاسی امری ضروری است؛ گزاره توصیه‌ای-تجویزی: انتخاب کارگزاران دولتی باید براساس تجربه و سابقه درخشان باشد. مثال دوم: گزاره توصیفی (دینی): «باید تلاش تو در آبادانی زمین بیشتر از جمع‌آوری خراج باشد، که خراج، جز با آبادانی فراهم نمی‌گردد، و آن‌کس که بخواهد خراج را بدون آبادانی مزارع به دست آورد، شهرها را خراب، و بندگان خدا را نابود، و حکومتش جز اندک مدّتی دوام نیاورد» (Dashti, 2005: 413). گزاره توصیفی-خبری: تلاش در جهت توسعه کشاورزی و اخذ مالیات در توسعه پایدار، رضایت‌مندی مردم، حکمرانی متعالی و اقتدار حکومت‌ها تأثیرگذار می‌باشد؛ گزاره توصیه‌ای-تجویزی: برای توسعه پایدار و اقتدار حکومت‌ها می‌بایستی اخذ مالیات و توسعه کشاورزی و صنایع را مدنظر قرار داد. یک نمونه دیگر گزاره عقلی-دینی از قرآن کریم: «انما الصدقات للفقراء و المسکین و العملین علیها و المؤلفه قلوبهم و فی الرقاب و الغرمین فی سبیل الله و ابن السبیل» (Tobe/60)؛ «خذ من اموالهم صدقه تطهرهم و تزکیم بها و صل علیهم» (Tobe/103)؛ این دو گزاره هرچند هنجاری-دینی است، اما انطباق بر براهین عقلی و واقعیت دارد و از جانب خدای عالم به غیب و آشکار است؛ بنابراین علی‌رغم

این‌که گزاره ظاهری هنجاری دارد درعین‌حال نوعی گزاره توصیفی - عقلی می‌باشد که اکثر کشورها در قالب سیاست‌های اقتصادی به‌صورت دیگر در حال اجرای آن هستند.

تبیین در جغرافیای سیاسی

علم طبیعی مبتنی بر تبیین تجربی است. در علم اجتماعی علاوه بر تبیین، تفسیر نیز صادق است. تفسیر راه‌حلی برای فهم پیچیدگی روابط اجتماعی است که ریشه در علم اجتماعی دارد (Saeie, 2013: 14). تشریح، تحلیل، تعلیل و تفسیر چگونگی بروز پدیده‌ها و فرایندها در جغرافیا را تبیین گویند. تبیین جزء مباحث علمی است که در پاسخ به چرایی و چگونگی است (Wasegh, 2016). تبیین، روابط علت و معلولی را بیان می‌کند. در علوم اجتماعی و از جمله آن جغرافیای سیاسی، تبیین‌های مختلفی وجود دارد که عبارت‌اند از:

- تبیین‌های علی: از نظر ارسطو تبیین علی تبیینی است که یک یا چند علت از علل چهارگانه را که در طبیعت وجود دارند و مطابق با معانی پرسش چرا هستند ذکر می‌کند: علت مادی، علت صوری، علت فاعلی و علت غایی. تحلیل علت و معلولی، رهیافت تبیین علمی در جغرافیاست که براساس علل پیشین، می‌توان پدیدارهای قابل مشاهده را بررسی کرد. درواقع، علیت ارتباط متقابل دو عین خارجی و یا رابطه متقابل بین مجموعه‌ای از رویدادها را بیان می‌کند (Shokouei, 2010: 99). در آیه «و ما کنا مهلکی القری الا و اهلها ظالمون»، و ما هرگز شهرها را هلاک نکنیم، مگر آن‌که اهلش ظالم باشند (Ghesas/59)؛ شهر، مردم و عدالت که نقطه مقابل ظلم است سه استعاره‌ای هستند که در جغرافیای سیاسی کاربرد فراوان دارند، خداوند هلاکت شهرها و اهلش را در سیر ظلم تاریخی حاکمان به مردم و مردم به مردم تبیین می‌فرماید.
- تبیین‌های غایی (کارکردی): تبیین‌های کارکردی تبیین‌هایی هستند که وجود چیزی (مثلاً قلب) را با ذکر کارکردشان (تلمبه کردن خون) تبیین می‌کنند. چنین تبیین‌هایی در زیست‌شناسی و علوم اجتماعی غالباً ارائه می‌شوند. تبیین‌هایی که با توسل به هدف انجام می‌شود، تبیین‌های غایت‌انگانه نام دارند. البته بعضی، تبیین‌های غایت‌انگانه را محدود به تبیین‌های ناظر به رفتار هدفمند نکرده‌اند و شامل تبیین‌های کارکردی نیز دانسته‌اند (Kevin & Oliyan, 2002: 145). هر علمی هدف غایی مشخصی دارد. هدف کلی علم جغرافیا از تولید معرفت و دانش، رفع حواج و نیازهای فضایی و شیوه درست زیستن برای بشریت می‌باشد. در حوزه کاربردی نگرش جغرافیدانان سیاسی، برآوردن نیازهای مادی و معنوی بشریت است. علمی می‌تواند ماندگاری خود را تضمین کند که در خدمت نیازهای فردی و اجتماعی انسان‌ها قرار گیرد. منظور از حوزه اجتماعی، کاربرد معرفت و گزاره‌های علمی جغرافیای سیاسی برای رفع نیازهای سازمان‌های اجتماعی، نهادهای عمومی، شرکت‌های تولیدی، خدماتی و از همه مهم‌تر، حکومت‌ها و سازمان‌های دولتی است (Hafeznia & Kavaniarad, 2014: 59- 74). از آنجاکه جغرافیا

در زمره علوم اعتباری و کاربردی است، لذا بخش عمده تبیین‌های جغرافیایی از سنخ تبیین‌های غایی و کارکردی هستند و تبیین علّی به منزله مقدمه برای دستیابی به تبیین‌های غایی به شمار می‌روند، از این رو درصد تبیین‌های علّی در قیاس با تبیین‌های غایی در علوم اجتماعی از قبیل جغرافیای سیاسی کمتر است (Wasegh, 2016). برای تنویه ذهن دو مثال از تبیین‌های علّی و غایی را در زیر بیان می‌نمایم.

- تبیین علّی: اقتدار نظامی و آمادگی نیروهای مسلح تأثیر زیادی در افزایش سطح امنیت کشور دارد. «و اعدوا لهم ما استطعتم من قوه و من رباط الخیل ترهبون به عدو الله و عدوكم» (Anfal/60)؛ تقویت نیروهای مسلح علّتی برای معلول ایجاد امنیت و فقدان تهدید است.
- تبیین غایی: حضور و مداخله ایالات متحده آمریکا در غرب آسیا باهدف مقابله با جبهه مقاومت اسلامی می‌باشد.



شکل ۵. مدل مفهومی رابطه تبیین‌های علّی و غایی؛ (منبع: نگارنده)

عینیت، اعتبار و معیارهای ارزیابی (صدق و کذب) قضایا در جغرافیای سیاسی

یکی از مفاهیمی که در فلسفه علم و مخصوصاً در علوم اجتماعی بسیار حائز اهمیت است، مسئله عینیت است. نکته اصلی در این بحث تمییز گذاشتن میان چیزی است که در ذهن ماست با چیزی که بیرون از ذهن ما می‌گذرد (Fi, 2002: 349). یکی از مباحث مهم در علم (اجتماعی و طبیعی) میزان عینیت است. عینیت را نیز باید در مقام داوری جستجو کرد. در باب مسئله عینیت در علم اجتماعی می‌توان گفت در چهارچوب رهیافت معرفت‌شناختی استقراگرایی (تجربه‌گرایی محض) پدیده‌های اجتماعی، پدیده‌های انسانی‌اند. پدیده‌های انسانی نیز ارزشی و ایدئولوژیک‌اند. از طرف دیگر یکی از ویژگی‌های علم عینیت^۱ آن است (Saeie, 2013: 14). حکمای اسلامی هر چند تحت عنوان «ارزش و اعتبار علم» بحثی نکرده‌اند اما آنچه درباره وجود ذهنی گفته و اختیار کرده‌اند همان نتیجه را می‌دهد (Motahhari, 2002: 265). مراد از تجربی و عینی بودن آن است که مفهومی همگانی داشته باشد. به عبارت ساده‌تر، تجربه مشاهداتی که مبنای تولید ادراک و

شناخت علمی است، تجربه و دریافتی است که در دسترس همه قرار داشته و تکرارپذیر باشد (Popper, 2002: 60- 61). مصباح‌یزدی در خصوص تقسیم‌بندی اعتبارات گزاره‌ها و قضایا از نقطه‌نظر لفظی، ادبی و روانشناسی ذهنی می‌نویسد: «قضایای اخباری، قضایایی هستند که قابل صدق و کذب و صحت و خطا است و قضایای انشائی، قضایایی است که درستی و نادرستی درباره آن‌ها معنی ندارد» (Mesbahe Yazdi, 2004: 203). در یک جمع‌بندی می‌توان گفت: منظور از عینیت در مطالعات جغرافیای سیاسی، عبارت از آن است که اولاً پدیده‌های جغرافیایی، پدیده‌هایی عینی و واقعی می‌باشند، نظیر سرزمین و دولت؛ ثانیاً معنای دیگر این است که پژوهش‌های جغرافیایی، پژوهش‌های عمومی و همگانی می‌باشد و مطالعه درباره پدیده‌های جغرافیایی در دسترس همه قرار دارد و امری تفسیری و صرفاً ذهنی یا پدیدار شناختی نیست. ثالثاً معیارهای ارزیابی و داوری در مورد فرضیه‌ها و نظریه‌های جغرافیایی واجد عینیت خارجی می‌باشد (Wasegh, 2016). پدیده‌های جغرافیای سیاسی هم پدیده‌هایی عینی و واقعی و پژوهش‌های آن‌هم، عمومی و همگانی و در دسترس همه می‌باشند، و امری کارکردی و عینی، قابل ارزیابی و داوری بوده بنابراین عینیت خارجی دارند.

قانونمندی در جغرافیای سیاسی

قانون شدن یک مسئله برای اذهان در درجه اول متوقف است به معرفت موضوع و محمول آن مسئله و در درجه دوم متوقف است به دلیل و حجتی که سند قضاوت واقع شود و بتواند ذهن را قانع و ملزم کند (Tabatabaee B, 2003: 23- 24). قانون، تعمیمی با اعتبار و صدق فراگیر می‌باشد. عده‌ای قانون را، کل‌های غیرمقید در زمان و فضا می‌دانند (Shokouei, 2010: 40). امروزه اتفاق حاصل است که کم‌ترین شرط ضروری برای قانون‌گرا بودن عبارت علمی، این است که تعمیمی کلی باشد (Sorush, 1993: 19). فرد کورت شیفر می‌گوید: «فرموله کردن قوانینی که پراکندگی فضایی چهره‌های سطح زمین را تبیین کند جغرافیا را در ردیف علوم قرار می‌دهد» (Adhikari, 1992: 14). اما در مورد علوم اعتباری نظیر جغرافیا، جامعه‌شناسی، اقتصاد حقوق و نظایر آن‌ها، وجود مصادیق بی‌شمار برای کلیت یا قانون بودن گزاره‌ها و قضایا لزومی ندارد؛ به‌طوری‌که در علوم اعتباری، چنانچه حتی یک قضیه و گزاره شخصی داشته باشیم که میان موضوع و محمول آن، رابطه علی و معلولی برقرار باشد، همان گزاره شخصی در حکم قانون و قابل تعمیم به گزاره‌ها و قضایای دیگر است (Mesbahe Yazdi, 2000: 120- 123). مسئله قانونمندی در جغرافیا از دیرباز موضوع مجادلات بسیاری بوده و در سطحی گسترده‌تر در حوزه فلسفه علوم طبیعی و اجتماعی مطرح شده است.

از آنجاکه جغرافیا جزء علوم اعتباری است نه حقیقی، قانونمندی بر فراوانی مصادیق نیست. بنابراین جغرافیا در زمره علوم قانونمند است که این مسئله با اتکا به رویکرد رئالیستی و به کمک تحلیل‌های منطقی و معرفت‌شناختی اثبات شده است (Wasegh & Mohammadi, 2018). جغرافیا یک دانش اعتباری است، لذا لزومی ندارد که موضوع گزاره‌های آن کلی باشد. همچنین برای قانونمند بودن جغرافیا لازم نیست که موضوعات دارای مصادیق متعدد بیرونی باشند و کافی است

روابط علت و معلولی مابین گزاره‌ها حاکم باشد، لذا قواعد، روابط و قوانین حاکم در یک مکان جغرافیایی خاص، می‌تواند به‌عنوان اصول عام و فراگیر، قابل تعمیم به سایر مکان‌ها و فضاها باشد. از این رو به‌رغم تفاوت و اختلافات طبیعی و انسانی میان مکان‌ها و فضاها، جغرافیایی اصولی عمومی نظیر مدیریت سیاسی فضا، آمایش و سازمان‌دهی و غیره بر هم مکان‌ها حاکم است (Wasegh, 2016). تفاوت ماهوی علوم حقیقی و اجتماعی در حوزه قانون این است که قوانین علوم حقیقی، در طبیعت وجود دارد و کشفی هستند و قوانین علوم اجتماعی وضعی و ساخته دست انسان هستند. به عبارت دیگر قوانین علوم اجتماعی (جغرافیای سیاسی) بر ساخته انسان بوده و مابین جوامع بشری اعتبار می‌یابد. اما برخی قوانین ذاتی و از طرف خداوند می‌باشد مانند آیات «ان العزه لله جميعا» و «الا ان لله من فی السموات و الارض» (66, Yunos/65). منشأ و صاحب عزت، اقتدار، فرمانروایی و مالکیت که از مباحث اصلی جغرافیای سیاسی است از آن خداوند است، لذا هر قدرتی در این دنیا تحت این قانون قابل حل است. برخی آیات نیز پیش‌بینی می‌کنند مانند: «و نريد ان نمّن علی الذین استضعفوا فی الارض و نجعلهم ائمه و نجعلهم الوارثین و نمکن لهم فی الارض»؛ (6- Ghesas/5)، در این آیات کلمات (ارض، سرزمین)، (استضعاف، ضعیف)، (ائمه، پیشوا یا حکمروا) و (وارث، جانشین حاکم)، (نمکن، قدرت) از ادبیات جغرافیای سیاسی بوده و حکومت بر یک سرزمین را در آینده خبر می‌دهند.

دانش و ارزش در جغرافیای سیاسی

باور به جدایی دانش از ارزش ریشه در آثار هیوم دارد. وی در کتاب رساله‌ای در باب طبیعت بشر استدلال می‌کند که از امر واقع نمی‌توان به باید رسید (Sadeghi, 2014: 9). اما کانت که متأثر از اندیشه‌های هیوم است به این نتیجه رسید که عقل نظری، توان حل مسائل متافیزیکی را ندارد و احکام عقلی در این زمینه، فاقد ارزش علمی است (Mesbahe Yazdi, 2004: 4). روش علم راهی برای احراز عینیت آن است و ارزش‌ها در تدوین روش‌شناسی نیز دخالت دارند. به‌عنوان نمونه پوزیتیویست‌ها زمانی که دانش جدای از ارزش را به‌عنوان آرمان فعالیت علمی معرفی می‌کنند، باید دیگران را در خصوص ارزش و مطلوبیت چنین آرمانی قانع کنند. به تعبیر پوپر فارغ از ارزش بودن حتی اگر ممکن باشد باز یک ارزش جدید است (Popper, 2000: 172). دانشمند تجربی یک ذهن خالص جدای از ارزش‌ها نیست و ارزش‌های او در تعیین پرسش‌ها و اهداف علم دخالت دارد (Popper, 1989: 7). پوپر همچنین استدلال می‌کند که حتی مشاهده علمی نیز متأثر از مسائل، ترس‌ها، امیدها، نیازها و مهر و کین فرد مشاهده‌گر است (Popper, 1993: 78). عینیت این نیست که از پدیده‌های اجتماعی ایدئولوژی‌زدایی کنیم و دانشمند علم اجتماعی خود را از ارزش‌های فردی تهی سازد. لازمه دستیابی به عینیت خالی‌سازی ذهن نیست. چنین کاری غیرممکن است. دانشمند علم طبیعی نیز به دلیل انسان بودن نمی‌تواند ذهنش را خالی سازد؛ مگر این که هویت اجتماعی او را نادیده بگیریم (Saeie, 2013: 14). هر فضا، هر محیط و پدیده‌های جغرافیایی، نمادی از یک شیوه تفکر خاص یا عملکردی از ایدئولوژی نظام اجتماعی - حکومتی است. لذا، منطقی است که در هر

تبیین جغرافیایی، ابتدا روی میزان قدرت و توان فلسفه سیاسی و ایدئولوژی حاکم بر محیط‌های جغرافیایی اندیشه کنیم (Shokouei, 2009: 54). در حکمت عملی اسلام که جغرافیای سیاسی در قالب سیاست مَدُن یکی از مصادیق امروز آن می‌باشد، بین جغرافیای سیاسی به‌عنوان دانش و دین اسلام به‌عنوان ارزش دینی یا ایدئولوژی فاصله‌ای وجود ندارد، بلکه بین این دو واژه قرابت و همبستگی بسیار زیادی وجود دارد. ایدئولوژی‌ها و ارزش‌هایی دینی، بایدها و نبایدهای دینی با تکیه بر وحی منتقد به هست‌ها و شرایط موجود جامعه سیاسی هستند و در پی هدایت و سوق دادن آن به سمت شرایط ایده‌آل و آرمانی می‌باشند که این خود هستی‌شناسی علم است. اما اگر منظور از ارزش، انگیزه، سود و منفعت شخصی افراد و گروه‌ها باشد، اسلام هم بین دانش و ارزش ارتباطی را قائل نیست.

۴-۵- روش‌شناسی جغرافیای سیاسی از رهیافت اسلام

روش‌شناسی بخشی از فلسفه علم است که به بررسی و تحلیل روش‌های مورد استفاده در یک علم می‌پردازد (Haghighat, 2007: 33). مباحث روش‌شناسی بر چگونگی و روش کسب علم و درک نسبت به پدیده‌های هستی تأکید دارد (Security S. G, 2008: 46). مکاتب فلسفی مغرب زمین به دو دسته کلی تقسیم می‌شوند: عقل‌گرایان و حس‌گرایان، نمونه بارز دسته اول در قرن نوزدهم ایده‌آلیسم هگل بود که حتی در انگلستان هم طرفدارانی پیدا کرد و نمونه بارز دسته دوم پوزیتیویسم بود که تا امروز هم رواج دارد و ویتگنشتاین و کارنپ و راسل از طرفداران این مکتب‌اند (Mesbahe Yazdi, 2004: 42). اما بر پایه بنیاد فلسفی و هستی‌شناختی رشته جغرافیای سیاسی سه نوع روش‌شناسی عمده عبارت‌اند از:

- روش استقراء‌گرایی یا پوزیتیویسم: در اوایل قرن نوزدهم میلادی اگوست کُنت فرانسوی که «پدر جامعه‌شناسی» لقب یافته یک مکتب تجربی افراطی را به نام «پوزیتیویسم» (اثباتی، تحصّلی، تحقّقی) بنیاد نهاد. البته قبلاً توسط «کنت دوسن سیمون» متأثر از افکار کانت پیشنهاد شده بود. اساس آن را اکتفا به داده‌های بی‌واسطه حواس، تشکیل می‌داد و از یک نظر، نقطه مقابل ایدآلیسم بشمار می‌رفت (Mesbahe Yazdi, 2004: 50). اگوست کنت خود را واضع فلسفه‌ای می‌داند به نام «پوزیتیویسم» Positivism که آن را فلسفه تحقّقی (یا ثبوتی یا وضعی یا ظاهری) ترجمه کرده‌اند (Tabatabaee B, 2003: 28). منطق و نظریه تجربی مدعی است که اولاً احکام بدیهی اولی نداریم و ثانیاً اساس فعالیت ذهن سیر از احکام جزئی به احکام کلی است (Tabatabaee A, 2003: 106). حواس و تجربه که شامل تجربه‌گرایی، اثبات‌گرایی و اثبات‌گرایی منطقی است به قدرت تجربه و آزمایش پدیده‌ها و مسائل اصالت داده می‌شود و با رویکرد استقراء یا ترکیب قیاس و استقراء، مسائل راه‌کاریابی، معرفت علمی کشف و گزاره‌های علمی از طریق تعمیم تولید می‌شوند و بر نظریه‌آزمایی و اصلاح نظریه‌ها و نیز تولید نظریه‌های علمی نو تأکید دارد (Hafeznia &

81: Kavianirad, 2014). در این روش به توصیف داده‌ها از بیرون پرداخته‌شده و ویژگی‌های ظاهری قابل مشاهده و محاسبه است (Wasegh, 2016). این رهیافت به جای استدلال قیاسی بر استدلال استقرائی و روش‌های علوم تجربی (مشاهده، پردازش فرضیه، آزمون‌پذیری و رسیدن به قانون در راستای فرضیه) تأکید دارد (Khoramshahi, 1982: 29). از دیدگاه استقراء گرایان سطحی دو فرض مهم درباره مشاهده وجود دارد: اول اینکه علم با مشاهده آغاز می‌شود، دیگر اینکه مشاهده اساس وثیقی فراهم می‌کند که می‌توان از آن معرفت به دست آورد (Chalmers, 2016: 34). در علم تجربه‌گرا، هم داده‌ها از مشاهده مستقیم جهان واقعی، دلایل و شواهد تجربه به دست می‌آید و تنها منبع شناخت و دانش ما را تجربه تشکیل می‌دهد. در این دیدگاه، هم پدیده‌های جغرافیایی باید از طریق مشاهده مستقیم، تجربه و آزمایش مورد بررسی قرار بگیرند. از بنیان‌گذاران این روش، می‌توان فرانسیس بیکن، آگوست کنت، دیوید هیوم، جان لاک و جورج برکلی را نام برد. تحلیل تجربی، در ابتدا در علوم طبیعی به کار گرفته شد و بعداً در تحلیل واقعیت‌های اجتماعی از آن استفاده شد. اساس روش تجربی، بر مکتب اثبات‌گرایی (پوزیتیویسم) تکیه دارد و از روش‌های منطق استقرایی، شامل ریاضیات و آمار بهره فراوان می‌گیرد (Shokouei, 2010: 122). این روش مبتنی بر حواس و تجربه بوده و به تجربه و آزمایش پدیده‌ها و مسائل اصالت داده و با رویکرد استقرائی مشاهدات آزمون و مسائل راه‌کارایی، معرفت علمی کشف و گزاره‌های علمی از طریق تعمیم تولید می‌شوند.



شکل ۶. مدل مفهومی روند استقرایی تجربه‌گرایی یا روش پوزیتیویسمی؛ (منبع: نگارنده)

- روش تفسیری یا هرمنوتیکی: واژه هرمنوتیک^۱ از فعل یونانی Hermeneuein به معنی تفسیر و تأویل کردن گرفته‌شده است (Rikhteh Garan, 2008: 15). امروزه هرمنوتیک روش تفسیر و تأویل متن برای کشف حقیقت است و به بسیاری از حوزه‌های علوم انسانی نیز راه‌یافته است. در روش‌شناسی هرمنوتیک یا تفسیر متن، معنی و مفهوم نهفته در آن کشف و راز و رمز آن گشوده می‌شود (Haghighat, 2007: 310). درواقع هرمنوتیک تفسیر و تحلیل از طریق معنایابی و معناکاوی پدیده‌ها و رفتارها است (Wasegh, 2016). روش‌شناسی‌های مبتنی بر فهم شامل روش‌های استنباطی، تحلیل گفتمان، هرمنوتیک و تفسیری که طی آن

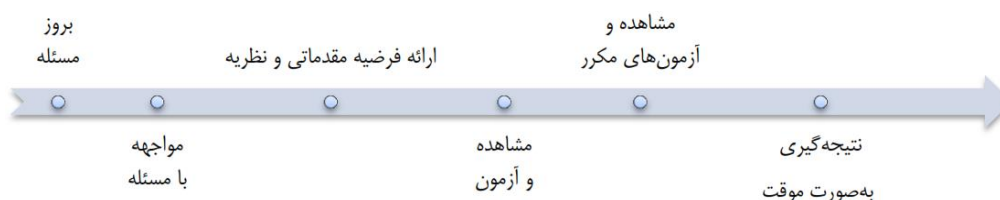
به قدرت فهم و ذهن مکاشفه‌ای پژوهشگر اصالت داده می‌شود و با رویکرد کیفی و تحلیل محتوا، ماهیت پدیده‌ها، متن‌ها، زمینه‌ها و انگیزه‌های پیدایش آن‌ها کشف و تبیین می‌شوند و از رهگذر آن‌ها به تولید معرفت خاص و عام کمک می‌شود (Hafeznia & Kavianirad, 2014: 81). برخی از مهم‌ترین آراء این مکتب درباره روش علم عبارت‌اند از: درون فهمی علوم اجتماعی در برابر برون فهمی علوم طبیعی، علت‌گرایی و علت‌کاوی در علوم طبیعی در مقابل دلیل‌گرایی و معناکاوی در علوم اجتماعی، تفسیر در علوم اجتماعی در برابر تبیین در علوم طبیعی، قاعده‌مندی در علوم اجتماعی در مقابل قانون‌مندی در علوم طبیعی، حقیقی بودن قوانین طبیعی در مقابل اعتباری بودن قواعد اجتماعی، تأکید بر فهم درونی و هرمنوتیکی در مرحله گردآوری داده‌ها و تأکید بر فهم جمعی و قاعده‌مندی در مرحله دآوری و ارزیابی نظریات (Nabavi, 2010: 200). روش‌شناسی‌های مبتنی بر فهم به قدرت فهم و ذهن مکاشفه‌گر پژوهشگر اصالت داده و با دیرینه‌شناسی و تبارشناسی رویکرد کیفی و تحلیل گفتمان، ماهیت پدیده‌ها، متن‌ها، زمینه‌ها و انگیزه‌های پیدایش آن‌ها کشف و تبیین می‌شوند.



شکل ۷. مدل مفهومی روند تفسیری و تفهیمی روش هرمنوتیکی؛ (منبع: نگارنده)

- روش فرضی - استنتاجی: استنتاج یعنی ذهن از یک حکم کلی یک حکم جزئی را نتیجه بگیرد و به اصطلاح از کلی به جزئی پی ببرد (Tabatabaee, 2002: 45). سیر از کلی به جزئی، یعنی نخست، محمولی برای یک موضوع کلی، ثابت شود و براساس آن، حکم جزئیات موضوع، معلوم گردد. چنین سیر فکری که در منطق «قیاس» نامیده می‌شود (Mesbahe Yazdi, 2004: 109). چهارچوب این روش به قدرت تعقل در تولید فرضیه‌ها و نظریه‌های معرفتی و علمی اصالت داده و با رویکرد قیاسی و استدلال منطقی، مسائل، راه‌کاریابی و گزاره‌های علمی استنتاج می‌شوند. در فرضیه‌سازی منطق تبیین قیاسی - قانونی^{۲۱} حاکم است. به‌طور کلی در فرضیه‌سازی محصول استدلال قیاسی است (Saeie, 2013: 67-68). در علوم اجتماعی نظیر جغرافیای سیاسی روش‌شناسی متکی به دستگاه مرکب از «قیاس - استقراء» بوده و بر شیوه «فرضی - استنتاجی» استوار است. در این روش هم از مشاهده موارد جزئی و از طریق تعمیم یافته‌های خاص به قوانین و اصول کلی

می‌رسند و هم متقابلاً از اصول و قوانین کلی به نحوی قیاسی موارد و مصادیق جزئی را تشریح می‌نمایند (Lazi, 1998: 2). نظریه منطق تعقلی شامل سه قسمت اساسی است: اولاً پاره‌ای از احکام ذهنی بدیهی اولی‌اند؛ ثانیاً ممکن است ذهن همان احکام بدیهی اولی را پایه و مبنا قرار دهد و با روش استنتاج^۱ و قیاس عقلی نتایج تازه به‌دست آورد و باز آن نتایج به‌دست‌آمده را پایه و مبنا برای نتایج جدید قرار دهد؛ ثالثاً احکام تجربی هنگامی به‌صورت «قانون کلی علمی» درمی‌آید که یک نوع قیاس عقلی مرکب از «بدیهیات اولیه عقلیه» مداخله کند به این معنی که در مورد تمام مسائل علمی تجربی همواره وجود یک قیاس عقلی، مفروض و مسلم است و اگر آن قیاس را مفروض نگیریم مشاهدات و تجربیات ما نتیجه کلی و عمومی نمی‌تواند بدهد (Tabatabaee B, 2003: 105-106). در رشته جغرافیای سیاسی داده‌های عینی و قابل مشاهده از طریق مطالعات میدانی تنظیم و دسته‌بندی می‌گردند و سپس به‌عنوان مقدمه برای تحلیل‌های «استقرایی» و به‌خصوص «قیاسی» در نظر گرفته می‌شوند و در نهایت به اصول و قوانین تعمیم‌یافته جغرافیایی در قالب گزاره‌ها و قضایای علمی منتهی می‌گردند (Kamran & Wasegh, 2006: 85). در این روش به فرضیه و نظریات پیش از مشاهده و همچنین مشاهده، آزمون و تجربه و مزایای تفاسیر هرمنوتیکی اهمیت داده می‌شود. معتقدین به این روش برآنند که در مرحله گردآوری داده‌ها هیچ محدودیتی در روش وجود ندارد، لیکن پس از گردآوری داده‌ها، نوبت به داوری و ارزیابی آن‌ها می‌رسد و در این مرحله دو روش بوزیتیویسمی و هرمنوتیکی و نیز تحلیل گفتمانی کارآیی لازم را نداشته و می‌باید از روش فرضی-استنتاجی تبعیت نمود. اما مبنا در علوم اجتماعی و انسانی حرکت از حکم کلی به حکم جزئی است و لذا روش‌شناسی جغرافیای سیاسی از رهیافت اسلام، روشی است که واقعیات و پدیده‌های عینی و گزاره‌های نظری را به قضایا و احکام کلی عرضه می‌کند و براساس فرضیه قبلی، استنتاج لازم را انجام می‌دهد. فرض‌های قبلی هم منطبق بر مبانی نظری (عقلی و وحیانی) اسلام می‌باشد. بنابراین، همان‌گونه که گفته شد در هیچ کجای عالم، دانش از ارزش جدا نیست، لذا روش‌شناسی نیز از سیاست و ایدئولوژی مجزا نیست.



شکل ۸ مدل مفهومی روش فرضی-استنتاجی؛ (منبع: نگارنده)

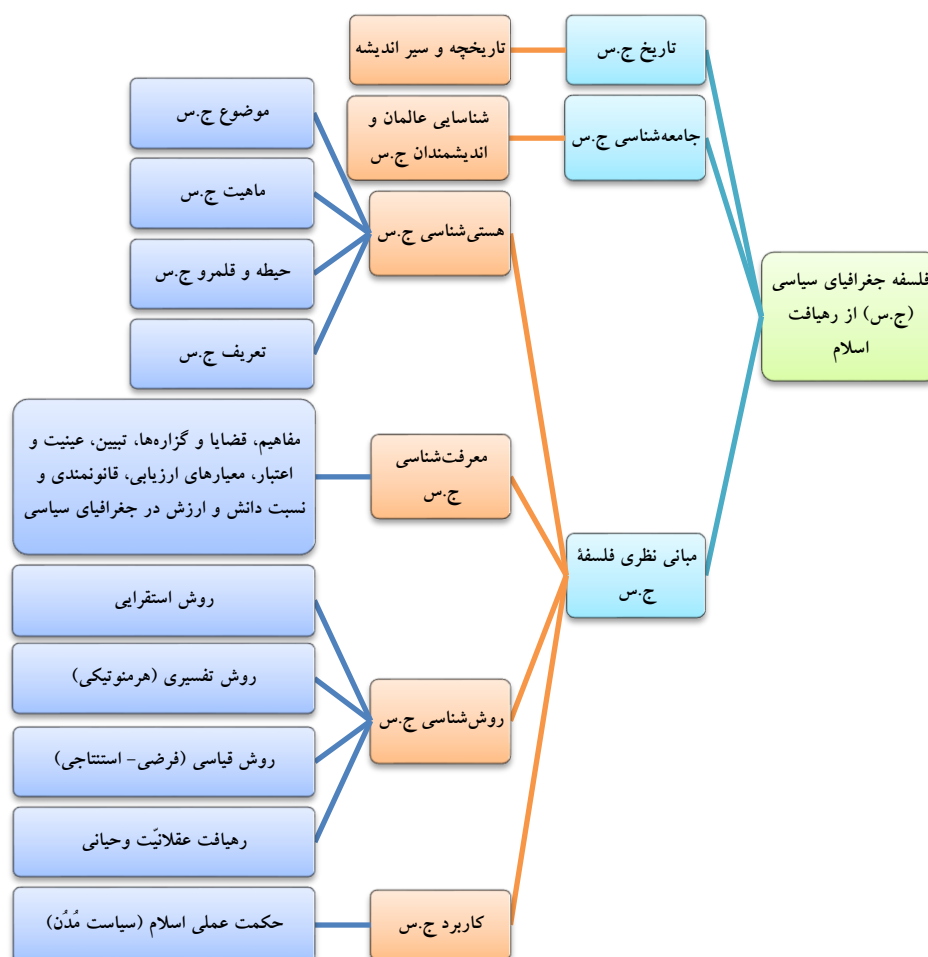
1. Deduction

۴-۶- کاربردهای عملی جغرافیای سیاسی از رهیافت اسلام

فارابی در نوشتن حکمت عملی و سیاست مدنیّه و روش ملک‌داری در جهان اسلام پیش‌کسوت بوده و احیاناً ابن‌مسکویه‌ها و جاحظ‌ها و خواجه نظام‌الملک‌ها، همه مقلد و پیرو او بوده‌اند. عبدالرحمن ابن‌خلدون، فیلسوف و جامعه‌شناس اسلامی، ضمن بیان قواعد و ضوابط کشورداری، ملت‌های مختلف را از لحاظ خوی و عادت و مدنیت مورد بحث قرار داده و مسایلی که در مقدمه ابن‌خلدون، در باب اجتماعیات وجود دارد عمدتاً با رویکرد جغرافیای سیاسی است (Farabi, 2000: 32- 60). جغرافیا و جغرافیای سیاسی، بیشتر در خدمت حکومت‌ها و دولت‌ها بوده‌اند. به دیگر سخن، موجودیت کاربردی خود را در پیوند با حکومت و سازمان‌های مرتبط و به عبارتی بخش حکومتی اشتغال تعریف کرده است. هرچند این بخش، قدرت و توانش بالایی در جذب کارشناسان این رشته و تولید اشتغال دارد، اما جغرافیای سیاسی همواره از زمینه‌های اشتغال بخش خصوصی و نیازهای فردی جامعه که بیشتر از بخش حکومتی است، فروگذاری کرده و جغرافیدانان سیاسی کمتر خود را در پیوند با بخش خصوصی و راه‌کاری برای تنگناها و نیازمندی‌های آن تعریف کرده‌اند. بخش خصوصی و عمومی (شهرداری‌ها، بانک‌ها، بیمه‌ها و غیره) از توانش کارآفرینی و اشتغال بالاتری نسبت به بخش حکومتی برخوردار هستند، به‌ویژه زمانی که حکومت‌ها تصمیم می‌گیرند از تصدی‌گری امور فاصله بگیرند (Hafeznia & Kavianirad, 2014: 73- 74). اما رفع نیازمندی‌ها با ظهور و بروز یک مسئله، نیاز یا دغدغه برای حکومت، دولت، سازمان و یا نهاد خاصی به وجود می‌آید. چون جغرافیای سیاسی جزئی از حکمت عملی و سیاست مدّن در فلسفه عملی است، لذا دانشی کاربردی برای حل مسئله است. دانش جغرافیا در عرصه‌های گوناگون به‌عنوان مطالعات زمینه‌ای مورد استفاده قرار می‌گیرد که اهمّ آن عبارت‌اند از: سیاست که به منظور مدیریت و سازمان‌دهی سیاسی فضا و در عرصه تقسیمات و پهنه‌بندی‌های سیاسی و اداری و طراحی استراتژی‌های جغرافیایی در مقیاس‌های محلی، ملی، منطقه‌ای و جهانی کاربرد دارد. در اقتصاد مطالعات جغرافیایی پیرامون شناخت و ارزیابی و پراکنش منابع محیطی باهدف سازمان‌دهی اقتصادی، توزیع بهینه منابع و رفع نیازمندی‌ها و ضرورت‌های زندگی در قالب برنامه‌های توسعه اقتصادی به‌کار گرفته می‌شود. در فرهنگ از دانش جغرافیا در جهت شناسایی قلمروهای فرهنگی به منظور سازمان‌دهی و مدیریت فرهنگی فضا استفاده به عمل می‌آید. در امنیت به منظور تأمین نیازهای امنیتی فضا در زمینه کاربردهای نظامی و امنیتی حاصل از عوارض محیطی به منظور سازمان‌دهی امنیتی استفاده می‌گردد. در محیط‌زیست در جهت سازمان‌دهی و مدیریت بهینه منابع محیطی باهدف تأمین نیازها همراه با حفظ ذخایر، منابع و بنیادهای زیستی برای تأمین آسایش جهت ساکنان فضاهای جغرافیای استفاده می‌شود. اما در مدیریت، برنامه‌ریزی و آمایش سرزمین با به‌کارگیری داده‌های جغرافیایی در جهت مدیریت مطلوب محیط باهدف تأمین نیازهای مردم و برقراری توسعه و توازن فضا در مقیاس‌های محلی، ملی، منطقه‌ای و جهانی استفاده می‌گردد.

۵- نتیجه‌گیری

یکی از شاخه‌های مهم علم یا دانش جغرافیا، جغرافیای سیاسی است. علم جغرافیا و جغرافیای سیاسی از معرفت‌های درجه اول و فلسفه علم جغرافیا و به‌طور خاص فلسفه علم جغرافیای سیاسی از معرفت‌های درجه دوم می‌باشد. فلسفه جغرافیای سیاسی از دیدگاه فلسفی مکاتب مختلف مورد بررسی و تبیین قرار گرفته است، اما تمامی مکاتب مذکور در تشریح و تبیین فلسفی جغرافیای سیاسی به‌صورت ناقص عمل کرده‌اند. در این تحقیق به توضیح فلسفه جغرافیای سیاسی از رهیافت اسلام در سه حوزه هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و روش‌شناسی پرداخته شده است. در هستی‌شناسی موضوع، تعریف، حیطه و قلمرو، ذات و ماهیت، گزاره‌ها و قضایا و قانونمندی را در قالب دو سیرانفسی و آفاقی به بحث گذاشته شد؛ در معرفت‌شناسی ابزار شامل حواس و تجربه، استدلال منطقی و عقلی، توجه و تزکیه، گواهی و وحی؛ منابع شامل طبیعت، عقل، قلب و دل، فطرت و تاریخ؛ امکان‌شناخت، منافع و شیوه‌ها را در حوزه معرفت دینی بحث کردیم؛ در روش‌شناسی روش و اسلوب شناخت، روش فرضی - استنتاجی متکی به رهیافت عقلانیت و حیانی معرفتی شده است.



شکل ۹. مدل مفهومی فلسفه جغرافیای سیاسی از رهیافت اسلام؛ (منبع: نگارنده)

کتابنامه

1. Adhikari, S., (1992). *Fundamentals of Geographical Thought*. Chaitanya.
2. Agnew, J., (2003). Contemporary Political Geography: Intellectual Heterodoxy and Its Dilemmas. *Political Geography*, No. 22, 603- 606.
3. Amid, H., (1985). *Amid Encyclopedia*. Tehran: Amir Kabir Publishing, [In Persian]
4. Chalmers, A.F., (2016). *What is the science: Introduction on Philosophical Philosophy Schools*. (Zibaklam. S., Trans.). Tehran: SAMT Publishing. [In Persian]
5. Dashti, M., (2005). *Translation of Nahj-al-Balaghe*. Qom: Amir-Al-Momenin Cultural Research Institute. [In Persian]

6. Ebn Sina, (1984) *Al-Shefa. Check it out and give it*. Ebrahim Madkour, Grand Ayatollah Al-Marashi Al-Najafi Lecture notes, Qom. [In Pershian]
7. Eftekhari, A., (2002). Structure and Interpretation of Security (Introduction on Interpretative Methodology). *Strategic Studies Quarterly*, No. 15. [In Pershian]
8. Farabi, A.N.M. E. M., (2000). *Civic Politics*. (Sajjadi, S.J., Trans.). Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance Publishing. [In Pershian]
9. Fi, B., (2002). *Modern Philosophy of Social Sciences*. (Deyhami Kh. Trans.). Tehran: Tarhino Publishing. [In Pershian]
10. Haeri Yazdi, M., (2005). *Philosophical Papers*. Tehran: Research Institute of Philosophy and Philosophy of Iran. [In Pershian]
11. Hafeznia, M. R., & Kavianirad. M., (2014). *Philosophy of Political Geography*. Tehran: Publishing of Strategic Studies Research Center. [In Pershian]
12. Hafeznia, M. R., (2014). Explaining the Philosophy of Geography science. *Quarterly of Planning and space planning*, 18(2), 56- 27. [In Pershian]
13. Hafeznia, M.R., (2012) *Introduction to Research Method in human Sciences*. Tehran: SAMT Publishing. [In Pershian]
14. Haghighat, S.S., (2007). *Methodology of Political Science*. Qom: Mofid University Publishing. [In Pershian]
15. Imam Mousavi Khomeini, R., (2007). *Sahifeh*. Tehran: Institute for the Publishing of Imam's Works. [In Pershian]
16. Javadi Amoli, A., (2009). *Rights and Duties in Islam*. Qom: Asra Publishing. [In Pershian]
17. Javadi Amoli, A., (2010A). *Thematic Interpretation*. Vol. 17, Qom: Monotheism in the Quran, Asra Publishing. [In Pershian]
18. Javadi Amoli, A., (2010B). *Thematic Interpretation*. Vol. 2, Society in the Quran. Qom: Asra Publishing. [In Pershian]
19. Kamran, H., & Wasegh, M., (2007). Logic and Scientific Method in Political Geography. *Geography and Development Quarterly*, 5(10), 88-73. [In Pershian]
20. Kasierer, E., (1993). *The Enlightenment Philosophy*. (Dariabandari, N., Trans.). Tehran: Kharazmi Publishing. [In Pershian]
21. Kevin, D.V., & Oliyan, J.S., (2002). *Believe Network*. (Divani A., Trans.). Tehran: Soroush Publishing. [In Pershian]
22. Khoramshahi, B.al-D., (1982). *Logical Positivism*. Tehran: Scientific and Cultural Publishing. [In Pershian]
23. Lawson, T. (2004). A Conception of Ontology. At: http://www.csog.group.cam.ac.uk/A_Conception_of_Ontology.pdf.
24. Lazi, J., (1998). *Historical Income to the Philosophy of Science*. (Miyandari H., Trans.). Tehran: SAMT Publishing. [In Pershian]
25. Le Roy Finch, H., (2005). *Epistemology*. USA: Macmillan Reference.
26. Matthews, J., & Herbert D., (2012). *Fundamentals of Geography*. (Riyahi V., Trans.). Tehran: Tarbiyat Moallem University Publishing. [In Pershian]
27. Mesbahe Yazdi, M.T., (2000). *Society and History from the Perspective of the Quran*. Tehran: Publishing of Islamic Propaganda Organization. [In Pershian]
28. Mesbahe Yazdi, M.T., (2004). *Philosophy Education* (Vol. I). Tehran: Amir Kabir Publishing. [In Pershian]

29. Mojtahedzadeh, P., (2013). *Political Geography and Geographic Policy*. Tehran: SAMT Publishing. [In Persian]
30. Motahhari, M., (2001). *Issue of Recognition*. Tehran: Sadra Publishing. [In Persian]
31. Motahhari, M., (2002). *Philosophical Papers*. Qom: Sadra Publishing. [In Persian]
32. Motahhari, M., (2003). *Introduction to Islamic Worldview (1): Man and Faith*. Tehran: Sadra Publishing. [In Persian]
33. Motahhari, M., (2004). *General Islamic Sciences (Vol. I). Logic-Philosophy*. Qom: Sadra Publishing House. [In Persian]
34. Mousavi, A., (2008). Investigation and Analysis of the Concept of Scientific Origin. *Quarterly of human Sciences Methodology*, No. 4. [In Persian]
35. Nabavi, L. al-l, (2010). *Foundations of Logic and Methodology*. Tehran: Tarbiyat Modarres University Publishing. [In Persian]
36. Okasha, S., (2008). *Philosophy of Science*. (Panahandeh, H., Trans.). Tehran: Contemporary culture Publishing. [In Persian]
37. Popper, K. R., (1989). *Guesses and Falsities: The Growth of Cognitive Science*. (Aram, A., Trans.). Tehran: Public Joint Stock Company. [In Persian]
38. Popper, K. R., (1993). *Realistic and Purpose of Science*. (Aram, A., Trans.). Tehran: Soroush Publishing. [In Persian]
39. Popper, K. R., (2000). *The Myth of the Framework: In Defense of Science and Rationality*. (Paya, A., Trans.). Tehran: New Design Publishing. [In Persian]
40. Popper, K.R., (2002). *Logic of Scientific Discovery*. (Kamali, H., Trans.). Tehran: Science and Culture Publishing. [In Persian]
41. Qaraati, Mo., (2004). *Interpretation of Light*. (Vol.10). Tehran: Cultural Center Lessons from the Quran. [In Persian]
42. Rikhteh Garan, M.R., (2008). *Logic and The Topic of hermeneutic Science*. Tehran: Congress Publishing. [In Persian]
43. Sadeghi, R., (2014). Valuable Knowledge and the Objectivity Questionnaire. *Quarterly of Methodology of Human Sciences*, 20(81), 7-29. [In Persian]
44. Saeie, A., (2013). *Research Method in Social Sciences; With the Approach of Critical Rationality*. Tehran: SAMT Publishing. [In Persian]
45. Saliba, J., (2002). *Philosophical Culture*. (Sanei Darehbidi, M., Trans.). Tehran: Hekmat Publishing. [In Persian]
46. Security S. G., (2008). *Security Theory in the Islamic Republic of Iran*. Tehran: National Defense University Publishing. [In Persian]
47. Shirazi, S. al-Din., (Sadr al-Motoalehin), (1998). *Judgment Transcendent in the Four Mental Journeys*. Beirut: Dar al-Ehya al-Arabi. [In Persian]
48. Shirvani, A., (2008). *General Philosophy*. Qom: Dar al-fekr Publishing. [In Persian]
49. Shokouei, H., (2009). *New Thoughts in Geography Philosophy; Environmental Philosophy and Geography Schools*. Tehran: Institute of Geography and Cartography of Gitology. [In Persian]
50. Shokouei, H., (2010). *New Thoughts in Geography Philosophy*. Tehran: Institute of Geography and Cartography of Gitology. [In Persian]
51. Sobhani, J., (2008). *Truth Guidance*. Tehran: Mashar Publishing. [In Persian]
52. Soroush, A.al-k., (1978). *What is science and what is philosophy*. Tehran: Serat Cultural Institute. [In Persian]

-
53. Soroush, A.al-k., (1993). *Philosophical Science*. Tehran: Institute for Cultural Studies and Research. [In Pershian]
54. Tabatabaee, M. H., (2002). *The Principles of Philosophy and the Method of Realism (1)*. (Introduction and Footnote by Motahhari. M.). Tehran: Sadra Publishing. [In Pershian]
55. Tabatabaee, M. H., (2003A). *The Principles of Philosophy and the Method of Realism (2)*. (Introduction and Footnote by Motahhari. M.). Tehran: Sadra Publishing. [In Pershian]
56. Tabatabaee, M. H., (2003B). *The Principles of Philosophy and the Method of Realism (3)*. (Introduction and Footnote by Motahhari. M.). Tehran: Sadra Publishing. [In Pershian]
57. The Holy Quran, (2004). *Translating Mahdi Ellahi Qomshehei*. Qom: Khoshro Publishing. [In Pershian]
58. Wasegh, M., & Mohammadi, A., (2019). *Philosophy of Political Geography*. Tehran: University of Tehran Press. [In Pershian]
59. Wasegh, M., (2016). *Philosophy and the Way of Thought in Political Geography*, Phd dissertation, Faculty of Geography, University of Tehran. [In Pershian]
60. Wasegh, M., Badiie-Azandahi, M., Nabavi, L.A., & Mohammadi, A. (2018). A Reflection on the Subject of Geography. *Geopolitical Quarterly*, 14(1), 221-176. [In Pershian]
61. Wasegh, M., Hosseini N.S., & Jafari, M., (2016). Political Geography as An Empirical Science. *Quarterly of Human Geographic Research*, 48(2), 405-389. [In Pershian]



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)
doi <https://doi.org/10.22067/pg.2022.70106.1042>

پژوهشی

تحلیل عوامل مؤثر بر مکان‌یابی پاسگاه‌های مرزی با استفاده از سیستم استنتاج فازی (نمونه موری مناطق مرزی استان خراسان رضوی و افغانستان)

ملیحه اخباری (کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران)

m.akhbari@stu.um.ac.ir

سیدهادی زرقانی (دانشیار جغرافیای سیاسی، گروه جغرافیا، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران، نویسنده مسئول)

h-zarghani@um.ac.ir

مسعود مینائی (دانشیار جغرافیا، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران)

m.minaei@um.ac.ir

صص ۷۷-۵۱

چکیده

امنیت مرزی به معنای جلوگیری از هرگونه اعمال خلاف قانون در طول مرزهای یک کشور و قانونی کردن تردد اشخاص و حمل و نقل کالا و حیوانات اهلی با رعایت ضوابط قانونی و از طریق دروازه‌های مجاز مرزی است. تلاش همه حکومت‌ها این است تا حد امکان مرزهای آن‌ها جز در برخی گذرگاه‌های توافق شده و مجاز غیرقابل نفوذ باشد. عوامل متعددی بر امنیت مرزهای یک کشور تأثیر می‌گذارند، از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر کارکرد امنیتی مرزها، طرح‌ها و سیاست‌هایی است که کشورها در مورد کنترل مطلوب و مؤثر مرزهای خود به کار می‌برند. در این بین، مکان‌گزینی دقیق پاسگاه‌ها و مراکز انتظامی مرزی یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر در کنترل و مدیریت مطلوب مرز و استقرار امنیت در مرز و مناطق مرزی می‌باشد. این پژوهش درصدد بررسی و تحلیل عوامل مؤثر بر مکان‌گزینی پاسگاه‌های مرزی با استفاده از نرم‌افزارهای سنجش‌ازدور و سیستم اطلاعات جغرافیایی می‌باشد. جهت استخراج، بررسی و تحلیل اطلاعات موردنیاز از تصاویر ماهواره لندست، سنجنده OLI در سال ۲۰۱۸، نرم‌افزار ENVI 5.3 و فنون سنجش‌ازدور و همچنین نرم‌افزار سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS) و سیستم استنتاج فازی و AHP استفاده شده است. در نهایت نقشه خروجی در سه کلاس کاربری‌های مناسب، متوسط و نامناسب طبقه‌بندی گردیده است. شایان‌ذکر است برای انجام تحلیل‌ها از ۱۳ معیار؛

کاربری اراضی، شیب، حریم خط مرزی، حریم پاسگاه‌های موجود، حریم مناطق حفاظت‌شده، دسترسی به جاده‌ها، حریم شهر، حریم روستا، خطوط انتقال نیرو، پهنه‌های آبی، آبراهه‌ها، خط آهن و گسل استفاده گردیده است.

واژگان کلیدی: امنیت مرزی، پاسگاه، سنجش‌ازدور، سیستم اطلاعات جغرافیایی، RS & GIS

۱- مقدمه و بیان مسئله

نخستین شرط زندگی سالم اجتماعی، استقرار و برقراری امنیت در جامعه است و انسان‌ها همواره در تلاش برای تأمین امنیت در زندگی خود هستند، به نحوی که پس از تشکیل جوامع انسانی یکی از انگیزه‌های مهم تشکیل حکومت‌ها تأمین امنیت بوده است. با برقراری امنیت، اقتصاد شکوفا می‌شود و اجتماعات به سمت نظم و رفاه پیش می‌روند (Karimi & Vafaei, 2013: 99). تحلیل مفهوم و مصداق امنیت یا ناامنی در سطح سیستمی عمدتاً بر اساس عامل تهدید مطرح می‌گردد و تهدید عامل تعیین‌کننده‌ای در رفتار کشورهای مختلف در مسائل امنیتی محسوب می‌شود (Walt, 1994: 20). یکی از شرایط و ضرورت‌های تأمین امنیت در یک کشور تأمین امنیت مرزهای بین‌المللی پیرامونی آن کشور است و هر مرز با توجه به ویژگی‌های خاص خود از قابلیت‌های مشخص و متمایزی از دیگر مرزها برای دفاع و تأمین امنیت برخوردار است (EbadiNejad, BahramAbadi, 2016: 64).

امنیت مرزی به معنای جلوگیری از هرگونه اعمال خلاف قانون در طول مرزهای یک کشور و قانونی کردن تردد اشخاص و حمل‌ونقل کالا و حیوانات اهلی با رعایت ضوابط قانونی و از طریق دروازه‌های مجاز مرزی است (Khatabi, 1995: 85). در امنیت مرزی با اصطلاحات و مفاهیمی چون «صیانت» و «جلوگیری» روبرو هستیم، از این‌رو می‌توان گفت رابطه مستقیمی بین نفوذپذیری مرز و امنیت مرز وجود دارد (Zarghani, 2016: 44). تأمین امنیت مرزها و مناطق مرزی به دلیل تماس با محیط‌های گوناگون داخلی و خارجی از ویژگی‌های خاصی برخوردار است. وجود تماس‌ها، مبادلات و پیوندهای فضایی دو سوی مرز بین کشورهای مجاور از سویی و آسیب‌پذیری و وجود تهدیدات مختلف در این مناطق از سوی دیگر اهمیت ویژه‌ای در فرآیندهای برنامه‌ریزی‌های توسعه و امنیت و آمایش کشور به مناطق مرزی داده است (Akhbari, 2001: 69). در واقع مرزهای بین‌المللی، محل برخورد و منطقه تماس دو حکومت و حاکمیت مستقل هستند. از این‌رو برخلاف مناطق داخل کشور، امنیت مرز و مناطق مرزی هم وابسته به ویژگی‌های جغرافیایی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و... داخل کشور است و هم شرایط جغرافیایی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور همسایه تأثیر مستقیمی بر استقرار امنیت در این مناطق دارد (Zarghani, 2019: 69). از این‌رو استقرار امنیت پایدار در مناطق مرزی، در مرحله اول مستلزم بررسی و تحلیل عوامل و زمینه‌های مؤثر بر امنیت مرز و مناطق مرزی می‌باشد. یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر در مدیریت و کنترل بهینه مرزهای بین‌المللی، مکان‌گزینی دقیق و استقرار مناسب مراکز انتظامی و پاسگاه‌های مرزی می‌باشد. استفاده از دانش نظری و نرم‌افزارهای کاربردی چون سیستم اطلاعات جغرافیایی، می‌تواند تنوع در به‌کارگیری

مواردی همچون کارتوگرافی، اخبار و اطلاعات، مدیریت و رهبری میدان نبرد، تجزیه و تحلیل صحنه عملیات، کنترل از راه دور داده‌ها و مشاهدات، برقراری در مدیریت عملیاتی، دیده‌بانی، هدایت نیروها، کنترل مرزها و خطوط مواصلاتی را در برداشته باشد. در این بین، اطلاعات مکانی می‌تواند نقش اساسی در انتخاب مناسب‌ترین و مطلوب‌ترین مکان در استقرار یک موضع دفاعی و پدافندی داشته باشد. فرماندهان و طراحان نظامی با کمک این سامانه علاوه بر کسب اطلاعات بروز و کارآمد، عوارض سطح زمین در منطقه عملیات را به‌خوبی کنترل نمایند (Hanafi & Hatami, 2013: 109). در مبحث مکان‌یابی پاسگاه‌ها و مراکز انتظامی هم با کمک فناوری سنجش‌ازدور و سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS & RS) می‌توان تمام ویژگی‌ها و اطلاعات موردنیاز در زمینه مکان‌یابی پاسگاه‌ها و محل استقرار و عملیات نیروهای نظامی را مورد واکاوی قرار داده و در نتیجه بهترین مکان‌ها جهت امور خاص نظامی را انتخاب نمود. چنانچه مکان‌یابی صحیح، اصولی و مبتنی بر استفاده مناسب از عوارض طبیعی و اشکال زمین انجام گیرد، هزینه‌های اجرایی سایر اصول را کاهش و کارآمدی آن‌ها را افزایش می‌دهد و نسبت به اصول دیگر مقدم‌تر است (Moghipi, et al. 2012: 79). از این‌رو؛ این پژوهش درصدد بررسی و تحلیل عوامل و متغیرهای مؤثر بر مکان‌یابی پاسگاه‌های مرزی و تهیه نقشه‌های خروجی برای مکان‌های مناسب استقرار پاسگاه‌های مرزی می‌باشد. محدوده مورد مطالعه این پژوهش شامل نوار مرزی خراسان رضوی و افغانستان است.

۲- روش تحقیق

این پژوهش از حیث ماهیت و روش جزء تحقیقات توصیفی-تحلیلی محسوب می‌شود و با توجه به هدف آن در زمره تحقیقات کاربردی قرار می‌گیرد. مسئله اصلی پژوهش این است که چه معیارهایی برای مکان‌گزینی مناسب پاسگاه‌های مرزی وجود دارد. بر این اساس، به بررسی و ارزیابی عوامل تأثیرگذار بر مکان‌یابی مطلوب پاسگاه‌های مرزی با استفاده از داده‌های اسنادی-کتابخانه‌ای، تجارب میدانی، کارتوگرافی، مدل‌سازی نرم افزار پرداخته شده است. در ابتدا معیارها و شاخص‌های مکان‌گزینی مناسب گردآوری شد، سپس عملیات فازی سازی بر روی هر کدام از موارد اعمال شد و بعد از آن معیارها وزن دهی شده و همپوشانی گردیدند و نقشه نهایی مکان‌های مساعد جهت استقرار پاسگاه‌های مرزی در نوار مرزی خراسان رضوی و افغانستان به دست آمد. برای دستیابی به نتایج دقیق و شناخت و آگاهی از قوانین حاکم بر مرز جهت جانمایی و مکان‌یابی پاسگاه‌ها و مواضع دیده‌بانی از دستورالعمل جانمایی پاسگاه‌های مرزی و قوانین مصوب و مقالات و پایان‌نامه‌ها استفاده شده است. همچنین از تصاویر ماهواره‌ای Landsat، Aster و Google Earth به منظور شناخت منطقه و تطبیق داده‌ها و نرم‌افزارهای ENVI و ARC GIS برای تحلیل داده‌ها و تولید نقشه‌ها استفاده گردیده است. همچنین پژوهش مبتنی بر تصمیم‌گیری چندمعیاره است و در تمام مراحل آن از تئوری‌های مدل فازی استفاده شده است و پس از تهیه اطلاعات و نقشه موردنیاز، عملیات استانداردسازی روی لایه‌ها صورت گرفته و با روش AHP وزن دهی و همپوشانی لایه‌ها انجام شده است. جهت به دست آوردن معیارهای تأثیرگذار در امر مکان‌یابی پاسگاه‌های مرزی از

دستورالعمل جانمایی و مکان‌یابی پاسگاه‌های مرزی و نظر کارشناسان و متخصصین و همچنین مطالعات پیشین مرتبط استفاده شده است. معیارهای کاربری اراضی، شیب، حریم شهرها، حریم روستاها، دسترسی به جاده و راه‌های مواصلاتی، حریم خط مرزی، فاصله پاسگاه‌های موجود از یکدیگر، حریم گسل‌ها، راه‌آهن، خطوط انتقال نیرو، آبراهه‌ها، پهنه‌های آبی و مناطق حفاظت‌شده و گسل‌ها با استفاده از سیستم استنتاج فازی موردسنجش قرار گرفت.

۳- پیشینه پژوهش

در طول تاریخ ایران نقاط مرزی کشور به‌عنوان یکی از عوامل آسیب‌زای امنیت ملی مطرح بوده است. از ایران باستان تا دوران معاصر حفاظت از مناطق مرزی و کاهش آسیب‌های ناشی از هجوم بیگانگان به این مناطق به‌عنوان معضل اساسی همه حکومت‌های ایرانی موردبحث بوده است (RaesoSadat, et al. 2015: 72). در این میان اندیشه کنترل مرز به شیوه‌های مختلف از جمله احداث دیوار به چندین سده قبل بازمی‌گردد به‌طوری‌که در امپراطوری‌های چین و روم به‌منظور حفاظت امپراطوری از حملات اقوام وحشی اقدام به کشیدن دیوار می‌کردند، دیوار چین نمونه بارزی از کنترل مرز(به شیوه انسداد فیزیکی) به‌منظور حراست از سرزمین خود بوده است. با توجه به ویژگی‌های جغرافیایی و راهبردهای کشور و با عنایت به نظام سیاسی، مدیریتی، شرایط مرزها، فضاهای داخلی و محیط پیرامونی، همچنین با در نظر گرفتن تحولات جهانی و منطقه‌ای در رابطه با مدیریت و کنترل مرزی و راهبردهای متنوعی وجود داشته است (Akhbari, 2009: 43). همچنین مواردی همچون تردهای مرزی غیرقانونی، روند رو به افزایش قاچاق مواد مخدر، انسان و کالا، تردد اشرار و مجرمین، ضعیف بودن کارکردهای مرزی به‌ویژه کارکرد دفاعی-امنیتی را به‌خوبی نمایان می‌نماید (Mohamad Hosseini & AliPour, 2012: 164).

تعیین و شناسایی مکان مناسب برای انجام سکونت و فعالیت کارچندان ساده‌ای نیست، برای این منظور برنامه ریزان باید عامل‌های محیطی، اقتصادی، اجتماعی، امنیتی و جمعیتی و... را درعین حال، مسائل سیاسی و خط‌مشی‌های بالادست و هدایت‌کننده را در نظر داشته باشند، در این میان انتخاب مکان‌های بهینه دارای سابقه طولانی است و قدمتی به درازای تاریخ بشری دارد به‌طوری‌که از دوران پیش از تاریخ یکی از موضوع‌هایی که ذهن انسان را همواره به خود مشغول می‌کرده، انتخاب مکان مناسب برای زندگی و فعالیت‌هاست (Shamsodini & Dehghani, 2014: 64). در حقیقت سابقه مکان‌یابی، برای اولین بار توسط فون تونن در سال ۱۸۲۶ میلادی و در زمینه فعالیت‌های کشاورزی ابداع گردید و اولین چارچوب علمی این نظریه به‌طور رسمی توسط الفرد وبر در سال ۱۹۰۹ معرفی شد، او مسئله مکان‌یابی یک انبار واحد را با هدف کم کردن مجموع فواصل سفر بین انبار و مجموعه‌ای از مشتریان موردبررسی قرار داد، از آن زمان تاکنون مطالعات متعدد و متنوعی در خصوص مکان‌یابی انجام شده است (Jabalamel, 2010). مکان‌یابی با توجه به معیارهای موردنظر قابل انجام است، لذا پژوهش‌های مختلفی نیز با معیارهای متفاوت صورت پذیرفته است. عبادی نژاد و همکاران در مقاله خود تحت

عنوان واحدهای ژئومورفولوژیکی در مکان‌یابی پاسگاه‌های مرزی و تعیین مناطق مستعد نفوذ (مورد مطالعه: محدوده نوار مرزی شهرستان در میان خراسان جنوبی) جانمایی و مکان‌یابی پاسگاه‌ها و مواضع دیده‌بانی نوار مرزی شهرستان در میان در استان خراسان جنوبی با کشور افغانستان را با استفاده از نقشه، عکس هوایی و تصاویر ماهواره‌ای و نرم افزار و مدل‌ها انجام داده‌اند و نتایج پژوهش آن‌ها نشان می‌دهد که مناطق مرزی شهرستان در میان، مستعد نفوذ است و بر اساس نقشه نهایی که در مقاله آن‌ها موجود است، مکان‌یابی و برآورد قابلیت‌ها و محدودیت‌های واحدهای ژئومورفولوژیکی، استقرار ۹ پاسگاه و یا موضع دیده‌بانی به‌منظور افزایش توانمندی‌های دفاعی و عملیاتی در این منطقه پیشنهاد شده است. حنفی و حاتمی نیز در مقاله‌ای تحت عنوان مکان‌یابی مناطق مساعد برای استقرار نیروهای نظامی در منطقه مرزی مهران با استفاده از GIS مکان‌یابی مناطق مناسب برای دفاع عامل و غیرعامل نیروهای نظامی و شناسایی قابلیت‌ها و محدودیت‌های محیطی در منطقه مهران با استفاده از تصاویر ماهواره‌ای، نقشه‌های توپوگرافی و زمین‌شناسی در محیط GIS انجام داده‌اند. نتایج حاصل نشان داد که مناطق کوهستانی واقع در شرق و مرکز منطقه مهران شرایط مناسبی برای استقرار یگان‌های نظامی دارد اما مناطق واقع در جنوب مهران و تپه‌های جبل حمزین و برخی مناطق خیلی مرتفع در شمال منطقه، شرایط مناسبی برای استقرار یگان‌های نظامی ندارند. در مقاله‌ای دیگری با عنوان مکان‌یابی پاسگاه‌های مرزی و تعیین مناطق مستعد نفوذ با استفاده از سیستم استنتاج فازی و GIS (مطالعه موردی: محدوده نوار مرزی شهرستان نهبندان) عبادی نژاد و بهرام‌آبادی (۱۳۹۵)، جانمایی و مکان‌یابی پاسگاه‌های نوار مرزی شهرستان نهبندان با کشور افغانستان را با استفاده از سیستم استنتاج فازی انجام داده‌اند. نتایج آن‌ها نیز نشان می‌دهد که مناطق مرزی نهبندان مستعد نفوذ می‌باشند. بر اساس نقشه‌های نهایی مکان‌یابی و برآورد قابلیت‌ها و محدودیت‌های واحدهای ژئومورفولوژیکی در مرز نهبندان با کشور افغانستان با جانمایی ۱۶ پاسگاه و یا موضع دیده‌بانی، حداکثر استفاده و به‌کارگیری از این واحدها در مقابله با نفوذ نیروی متخاصم و نفوذ اشراق، کنترل مرز با هدف جلوگیری از قاچاق کالا و مواد مخدر به منطقه را پیشنهاد داده‌اند. زرکانی و اعظمی (۱۳۹۰) در مقاله خود تحت عنوان تحلیل ملاحظات نظامی-امنیتی در آمایش و مکان‌گزینی مراکز و استقرارگاه‌های نظامی با تأکید بر استان خراسان رضوی، با روش توصیفی-تحلیلی تبیین اهمیت و جایگاه ملاحظات دفاعی-امنیتی در طرح‌های آمایش خراسان رضوی پرداخته‌اند. بر این اساس تهدیدات نظامی و مهم‌ترین کانون‌های این نوع تهدیدات برای استان موردبررسی قرار گرفت و سپس جایگاه و نقش ملاحظات دفاعی-امنیتی در استقرار و مکان‌گزینی مراکز و تأسیسات نظامی استان خراسان رضوی تجزیه و تحلیل شد. با توجه به مطالب گفته‌شده مکان‌یابی پاسگاه‌های مرزی در مناطق مرزی دیگر ایران با استفاده از معیارهای مختلف صورت پذیرفته است، لیکن در مبحث مکان‌یابی پاسگاه‌های مرزی شرق کشور که دارای معیارهای کامل و جامعی در زمینه مکان‌یابی مشاهده نگردید و همچنین به دلیل نقش تأثیرگذاری که این پاسگاه‌ها در تأمین امنیت شهرها و روستاهای این مناطق دارد نیاز است که عوامل انسانی و طبیعی در یک سیستم و با توجه به اولویت‌های

مؤثر موردبازنگری قرار گیرند، از این رو این مقاله با توجه به ۱۳ معیار انسانی و طبیعی و با استفاده از سیستم استنتاج فازی که یک سیستم تصمیم‌گیری چندمعیاره است با هدف مکان‌یابی مناطق مساعد جهت استقرار پاسگاه‌های مرزی نوار مرزی خراسان رضوی و افغانستان صورت گرفته است.

۴- مبانی نظری

۴-۱- تعریف و مفهوم مرز

مرز به پدیده‌ای فضائی اطلاق می‌شود که منعکس‌کننده قلمرو حاکمیت سیاسی یک دولت بوده و مطابق قواعدی خاص در مقابل حرکت انسان، انتقال کالا، نشر افکار و... مانع ایجاد می‌کند (Drysdale, 1995: 101). مرزهای سیاسی مهم‌ترین عامل تشخیص و جدایی یک واحد سیاسی از واحدهای دیگر است و خطوط مرزی خطوطی اعتباری و قراردادی هستند که به منظور تحدید حدود یک واحد سیاسی بر روی زمین مشخص می‌شوند (Mirheydar, et al. 2015: 95). با نگاهی اجمالی به تعریف مرز که حد قلمرو زمینی، هوایی و دریایی و آغاز حکومت هر کشور که حفظ، مراقبت و کنترل آن یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین وظایف هر دولتی است که محدوده فعالیت مرزبان را با کشور همسایه مشخص می‌نماید؛ می‌توان به اهمیت آن در نقش امنیت پایدار پی برد. تأمین امنیت در شهرها و مناطق مرزی، یکی از موضوعات مهم و کاربردی محسوب می‌گردد، به‌طوری‌که مرزها به‌عنوان شاخصی از حاکمیت ملی که اقتدار یا ضعف یک ملت و دولت در تثبیت آن‌ها، معرف شدت و ضعف حاکمیت ملی تلقی می‌گردد (EbadiNejad, BahramAbadi, 2016: 76).

۴-۲- امنیت مرزی

امنیت مرزی به معنای جلوگیری از هرگونه اعمال خلاف قانون در طول مرزهای یک کشور و قانونی کردن تردد اشخاص و حمل‌ونقل کالا و حیوانات اهلی با رعایت ضوابط قانونی و از طریق دروازه‌های مجاز مرزی است (Khatabi, 1995: 85). به عبارت دیگر، در صورتی که کنترل مرز از لحاظ جلوگیری از ورود و خروج افراد، کالا و ... مشکل باشد و امکان بالقوه برای تردد غیرمجاز و قاچاق کالا، مواد مخدر و ... بیشتر گردد اصطلاحاً می‌گوییم مرز آسیب‌پذیری بیشتری دارد (sotode, 2010: 14). برای امنیت مرزی و مظاهر و شاخص‌های آن می‌توان مواردی را ذکر کرد؛ مهم‌ترین این شاخص‌ها عبارت‌اند از: تردد اشخاص از دروازه‌های رسمی و غیررسمی مطابق با آئین‌نامه‌های تصویب‌شده؛ حمل‌ونقل کالا از دروازه‌های مجاز و مطابق با آئین‌نامه‌های گمرکی؛ عدم حمل مواد مخدر و سایر کالاهای غیرمجاز از مرزهای غیرمجاز؛ همکاری مرزبانان دو کشور همسایه در زمینه‌های مختلف توافق شده؛ برهم نخوردن آرامش مرزی و عدم درگیری‌ها و اختلافات مرزی؛ وجود ارتباطات و مبادلات قانونی میان مردمان دو سوی مرز؛ اجرای قوانین و آئین‌نامه‌های مرزی مصوب برای مأمورین مرزی و دیگران (Zarghani, 2019: 58). بر همین اساس می‌توان شاخص‌های ناامنی و تهدید مرزی را نیز

مورد بررسی قرار داد. به عنوان نمونه می‌توان به تهدید مرزها از طریق زمینی، دریایی و هوایی توسط کشورهای همسایه به صورت تجاوزات زمینی، تهدید کارکنان پاسگاه‌های مرزی از طریق تطمیع، ترس، خیانت، فریب، تهدید تردد و عبور و مرور قاچاقچیان و اشرار مسلح، تهدید شنودها و ارتباطات یا نفوذ الکترونیکی در مرزها و سیستم‌های ارتباطی، فقر و توسعه نیافتگی مناطق مرزی و مرز نشینان، سطح پایین شاخص‌های بخش سلامت عمومی در منطقه و تهدید سلامت مرز نشینان، سوء استفاده از مرز نشینان جهت قاچاق کالا، جاسوسی، عضویت در گروه‌های تروریستی و تجزیه طلب، شکاف‌های اجتماعی- قومی و مذهبی در بین مرز نشینان، مهاجرت مرز نشینان و تخلیه جمعیت بومی مناطق مرزی، تهدید حضور نیروها و پایگاه‌های کشورهای دشمن و رقیب در خاک کشور همسایه، کمبود امکانات و تجهیزات دفاعی- انتظامی، مرزبانی، محرومیت پاسگاه‌های مرزی و تهدید شاخص‌های سلامت عمومی مرزبانان و مواردی از این دست اشاره کرد (Zarghani, 2013; Ahmadi, 2005; Asgari, 2003; Roshandel, 2003, Dehshiri, 2003). امنیت مرزها پستوانه محکم برای امنیت با ابعاد متنوعش در داخل کشور است و هرگونه ناامنی در مرز، می‌تواند در سیستم‌های اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و نظامی داخل کشور اختلال ایجاد نماید و در مقابل امنیت مطلوب قادر است در حد خود در امنیت مرزی و داخلی کشور سهم بسیار برجسته و مهمی را به خود اختصاص دهد (Khatabi, 1995:85). از این رو سعی کشورها بر این است تا حد امکان مرزهای آن‌ها جز در برخی گذرگاه‌های توافق شده و مجاز غیرقابل نفوذ باشد تا به این وسیله حاکمیت آن‌ها بر سرزمین خود دچار خدشه نشده و امنیت کشور در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی آسیب نبیند. به طور کلی عوامل متعددی بر امنیت مرزها تأثیر می‌گذارند که از آن جمله می‌توان به ساختار نظام حکومتی و تضادهای ایدئولوژیک، وضعیت ژئوپلیتیکی و حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای، نوع نگرش و رفتار حکومت‌ها نسبت به مرز، ذخایر و منابع موجود در منطقه مرزی و ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی حکومت‌ها و ملت‌ها در دو سوی مرز، نحوه پراکندگی اقلیت‌ها و.. اشاره کرد. یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر کارکرد امنیتی مرزها، طرح‌ها و سیاست‌هایی است که کشورها در مورد کنترل مطلوب و مؤثر مرزهای خود به کار می‌برند (Zarghani, et al. 2013:89).

۴-۳- مکان‌یابی

مکان‌یابی عبارت است از دخالت آگاهانه و ارادی، سازمند کردن رابطه انسان، فعالیت‌ها و فضا به منظور انتظام بخشیدن به آن‌ها (Marsosi, 2009:32). به عبارتی مکان‌یابی با در نظر گرفتن تأثیرات اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی یکی از فاکتورهای کلیدی در برنامه‌ریزی‌های منطقه‌ای است (soror & Yahya Pour, 2014: 81)، در واقع مکان‌یابی صحیح مراکز تصمیم‌گیری است که می‌تواند توسعه پایدار در منطقه را تحت تأثیر قرار دهد (Ruiz Puente et al, 2007). مکان‌یابی (Site Selection) فرآیندی است که از طریق آن می‌توان بر اساس شرایط تعیین شده برای یک کاربری مشخص و با توجه به منابع و امکانات موجود، بهترین محل مناسب را تعیین نمود. مکان‌یابی در واقع تجزیه و تحلیل توأمان اطلاعات فضایی و

داده‌های توصیفی به‌منظور یافتن یک یا چند موقعیت فضایی با ویژگی‌های توصیفی موردنظر می‌باشد (Mahmoud Baboee, 2013: 3). هدف از مکان‌یابی انتخاب مکان مناسب برای استقرار تجهیزات سرویس رسان بوده به‌طوری‌که بهترین عملکرد با توجه به اهداف موردنظر پروژه حاصل شود (Bischoff & Klamroth, 2007). برای انجام مکان‌یابی یا از روش انتخاب نقاط نمونه و پردازش‌های آماری و ریاضی استفاده می‌گردد و یا با پردازش توأمان داده‌های جغرافیایی در سطح منطقه با تجزیه و تحلیل استعدادهای مکانی و توصیفی جهت انتخاب مکان مناسب برای کاربری خاصی صورت می‌گیرد. به عبارت دیگر می‌توان برای انجام مکان‌یابی از روش‌های بر مبنای پردازش داده‌های فضایی (GIS) و یا پردازش‌های آماری ریاضی و یا روش‌های ترکیبی استفاده گردد. مکان‌یابی بر اساس پارامترهای مختلفی انجام می‌گیرد که این متغیرها نسبت به اهداف و اهمیت پروژه و یا عوامل جانبی مؤثر در پروژه از قبیل آلودگی، دسترسی به امکانات زیربنایی و... تغییر خواهد کرد. به بیان دیگر نمی‌توان یک دستورالعمل برای پروژه‌ها و کاربردها تعریف نمود و می‌بایست ابتدا کاربردهای مختلف و عوامل مؤثر در انتخاب مکان استخراج گردیده و سپس عوامل فوق دستورالعمل‌های لازم جهت مکان‌یابی تهیه گردد. مکان‌یابی مناسب تأسیسات و ابنیه فنی و یا راه‌های دسترسی و غیره یکی از اصول اساسی پدافند غیرعامل می‌باشد و در صورت انجام آن بر اساس روش‌های علمی و برنامه‌ریزی شده می‌تواند باعث مصون ماندن تأسیسات و پادگان‌ها و یا حداقل کاهش آسیب‌دیدگی در موقع بحران گردد (Mahmoud Baboee, 2013: 4). اصولاً در فرآیند مکان‌یابی تمامی خصوصیات و ویژگی‌های منطقه موردنظر برای آن کاربری خاص مورد مطالعه قرار می‌گیرد و بی‌شک چنانچه این کاربری مرتبط با مسائل نظامی باشد از اهمیت صدچندان برخوردار خواهد شد (Agha taher, et al. 2015: 84).

۴-۴- سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS) و سنجش از دور (RS)

سامانه‌های اطلاعات جغرافیایی نقش محوری در فعالیت‌ها و کاربری‌های اقتصادی، اجتماعی، نظامی و انتظامی دارند. امروزه با پیشرفت‌هایی که در سامانه‌های اطلاعات جغرافیایی صورت گرفته است، شناخت دقیق زمین نسبت به گذشته بسیار آسان‌تر شده است و به‌خصوص در بعد انتظامی و نظامی این سامانه‌ها یک ابزار عالی برای فرماندهان و نیروهای درگیر در عملیات می‌باشند. ضمن اینکه استفاده از این سامانه امکان ترکیب عوامل و متغیرهایی چون کارتوگرافی، اطلاعات و داده، مدیریت و رهبری میدان رزم، تجزیه و تحلیل منطقه عملیات، کنترل از راه دور داده‌ها و مشاهدات، برقراری مدیریت عملیاتی، دیده‌بانی و... را می‌تواند در برداشته باشد (Bahram Abadi, 2009). از این رو، سامانه اطلاعات جغرافیایی با تلفیق داده‌ها در کنار تصاویر ماهواره‌ای مکان‌های بالقوه برای فرود بالگرد، تعیین راه‌ها و مسیرهای مواصلاتی، میدان دید، مسیر خط سیر سلاح‌های تیر منحنی، به‌خصوص توپخانه و جهت‌یابی و ناوبری را برای یک منطقه مشخص می‌نماید. این سامانه در عملیات نظامی و مانورها می‌تواند به انتخاب مکان مناسب برای استقرار پل‌های متحرک، انتخاب مکان فرود بالگرد، نقاط آمادی سوخت و مهم‌ترین راه‌های تاکتیکی در منطقه را با توجه به نوع خاک، بافت خاک، نوع اختفا عوارض

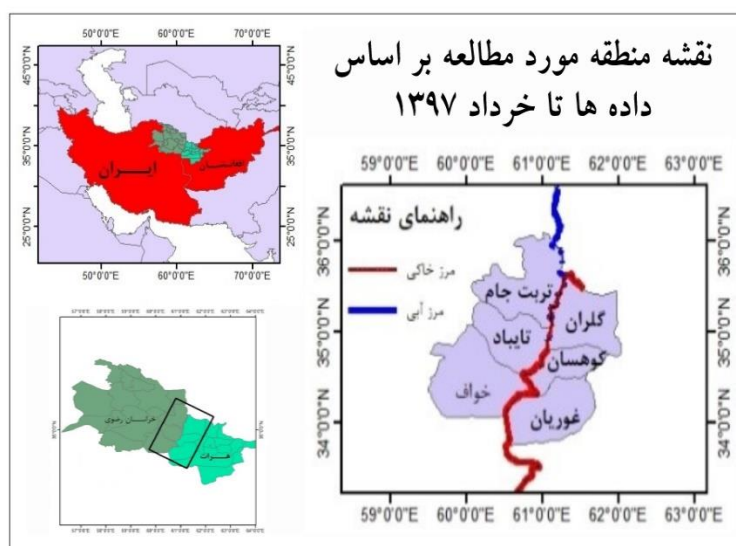
و لندفرم‌های سطح منطقه، سطوح ارتفاعی و منابع آبی سطحی و زیرزمینی را مشخص نماید) (Baygel, et al. 2006; Hanafi & Hatami, 2013:109). تجزیه و تحلیل عوارض سطح زمین و اخبار و اطلاعات منطقه نبرد آن‌چنان مهم است که بر قابلیت مانور تانک‌ها، نفربرها، دیگر ادوات خودرویی و تاکتیک و تکنیک نیروها تأثیرگذار است، با توجه به این فرماندهان می‌توانند با کمک سامانه اطلاعات جغرافیایی، ضمن داشتن اطلاعات بروز و کارآمد، عوارض سطح زمین عملیات و منطقه مانور را به‌خوبی کنترل و هدایت نمایند (Baygel, et al. 2006; Hanafi & Hatami, 2013:109).

سنجش‌ازدور نیز به فرایند یا روش کسب اطلاعات در مورد شی، ناحیه و یا پدیده از طریق تحلیل داده‌های به‌دست‌آمده به‌وسیله ابزاری بدون تماس مستقیم با آن‌ها گفته می‌شود (چاندر، ۲۰۰۲). این امر شامل تفسیر مقادیر انرژی الکترومغناطیسی بازتابیده و یا گسیل‌شده از هدف که از موقعیت مناسب اندازه‌گیری شده است، می‌باشد. داده‌های به‌دست‌آمده از سنجش‌ازدور دارای چندین امتیاز است. تصاویر ماهواره‌ای اطلاعات مفیدی را در طول موج‌های مختلف فراهم می‌سازند و قابل ذخیره به‌صورت ثبت دائمی جهت استفاده در آینده هستند. چون تصاویر ناحیه بزرگی را پوشش می‌دهند، امکان انجام جست‌وجوهای منطقه‌ای در مورد موضوعات مختلف و تشخیص عوارض بزرگی نظیر ساختار زمینه به وجود می‌آید. پوشش‌های تکراری به دلیل ایجاد مزیت پایش پدیده‌هایی پویا مانند آب، کشاورزی، تخریب زمین، توسعه شهری و ... یک امتیاز به شمار می‌آیند. این موضوعات در حیطه موضوعات طبیعت و تأثیر انسان بر آن قرار می‌گیرند. همچنین می‌توان از طریق سنجش‌ازدور اطلاعاتی در مورد مناطق دسترس‌ناپذیر به دست آورد. سنجش‌ازدور کسب اطلاعات در مقیاس‌ها و قدرت تفکیک‌های مختلف را فراهم می‌سازد. یک تصویر سنجش‌ازدور می‌تواند در به دست آوردن اهداف و کاربردهای مختلف به کار رود. تحلیل داده‌ها می‌تواند در آزمایشگاه انجام گیرد که این موضوع کار میدانی را کاهش می‌دهد و هزینه داده‌های سنجش‌ازدور را تعدیل می‌کند. بازبینی نقشه در مقیاس متوسط تا کوچک با استفاده از داده‌های سنجش‌ازدور، اقتصادی و سریع‌تر است. ترکیب‌های رنگی حاصل از تصاویر سه بانده منفرد، تحلیل بهتری را نسبت به یک تصویر زمینی یا عکس‌های هوایی فراهم می‌سازد. تحلیل‌های سه‌بعدی با استفاده از ماهواره‌های استریو انجام‌پذیر است. داده‌های سنجش‌ازدور به شکل رقومی‌اند و از این جهت پردازش و تحلیل آن‌ها با استفاده از رایانه سریع‌تر صورت می‌پذیرد. گسترش کار سیستم‌های جدید سنجش‌ازدور به مفسران امکان می‌دهد تا با استفاده از ویژگی‌های پوشش‌های مختلف زمینی دریافت شده در این قسمت از محدوده از طیف الکترومغناطیس نسبت به شناسایی و طبقه‌بندی آن‌ها اقدام و بدین ترتیب به‌درستی نتایج یافته‌های خود اطمینان بیشتری حاصل کند. از طرف دیگر، تهیه ارقام و داده‌ها از ارتفاعات بالاتر نواحی بیش‌تری را در برمی‌گیرد و می‌تواند منشأ امتیازات بیشتری باشد.

۵- محدوده مورد مطالعه

نواحی مرزی ایران و افغانستان شامل بیابان‌های خشک و هموار و کوه‌ها و ناهمواری‌های نیمه‌خشک می‌باشد. سرزمین‌هایی که در شمالی‌ترین نقطه از دهانه ذوالفقار تا کوه ملک سیاه در جنوبی‌ترین نقطه قرار دارد، نواحی مرزی ایران و افغانستان است، که به طول ۹۴۵ کیلومتر در امتداد سه استان شرقی ایران کشیده می‌شود (Hafeznia, 2016: 317-350). این منطقه شامل سه استان خراسان شمالی، خراسان رضوی و خراسان جنوبی می‌شود. استان خراسان رضوی بخشی از استان پهناور خراسان بزرگ است که با مصوبه دولت در سال ۱۳۸۳ و پس از تقسیم خراسان به سه قسمت شمالی، رضوی و جنوبی ایجاد شده است. این استان در سال ۱۳۸۷ دارای وسعتی بیش از ۱۱۶ هزار کیلومتر مربع می‌باشد. استان خراسان رضوی از شرق و شمال شرقی به طول حدود ۵۳۱ کیلومتر دارای مرز مشترک با ترکمنستان و از شرق به طول حدود ۳۰۲ کیلومتر مرز مشترک با کشور افغانستان می‌باشد (Rahnama, 2011: 20).

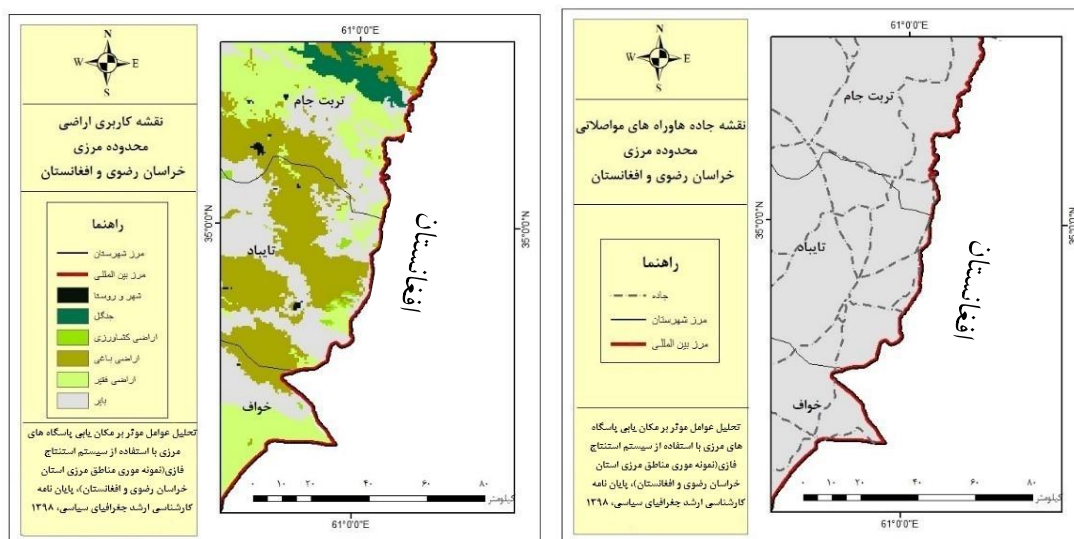
ذکر این نکته ضروری است که در این مقاله از داده‌های پایان‌نامه کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی استفاده گردیده و داده‌های پژوهش مرتبط با خرداد سال ۱۳۹۷ می‌باشد و در آن زمان استان خراسان رضوی چهار شهرستان مرزی شامل تربت‌جام، تایباد، خواف و سرخس داشته است لیکن در آذرماه همان سال با تغییر تقسیمات استانی شهرستان صالح‌آباد از تربت‌جام منفک و یک شهرستان مرزی به استان اضافه گردیده است.



نقشه ۱. محدوده مورد مطالعه (Autours, 2019)

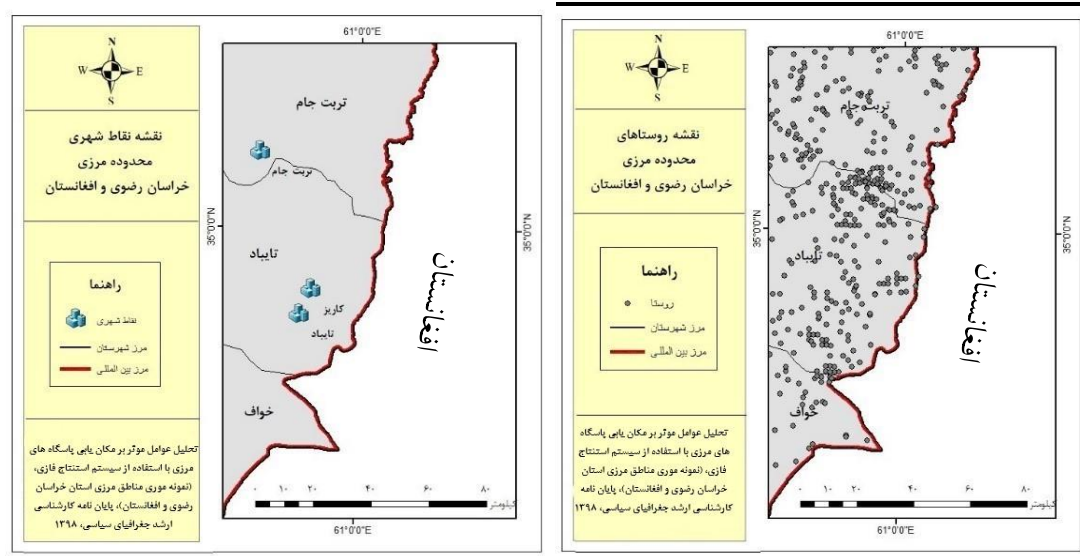
۶- یافته‌های پژوهش

همان‌طور که در بخش روش تحقیق توضیح داده شد، از سیستم استنتاج فازی جهت بررسی معیارها و امر مکان‌یابی استفاده گردیده است، معیارهای موردبررسی با توجه به مطالعات پیشین، نظر کارشناسان و متخصصان و ضوابط موجود در امر مکان‌یابی و همچنین بررسی منطقه موردبحث انتخاب گردیده است، در ابتدا ۱۳ معیار؛ کاربری اراضی، شیب، حریم خط مرزی، حریم پاسگاه‌های موجود، حریم مناطق حفاظت‌شده، دسترسی به جاده‌ها، حریم شهر، حریم روستا، خطوط انتقال نیرو، حریم آبراهه‌ها، حریم پهنه‌های آبی، حریم خط آهن و حریم گسل به‌صورت مستقل بر اساس شاخص‌های موجود موردبررسی و پهنه‌بندی قرار گرفت و در انتها وزن دهی نهایی صورت پذیرفت. در ادامه در نقشه (۲-۹) توزیع فضایی برخی از معیارها در قالب نقشه‌هایی آورده شده است و سپس نقشه‌های فازی سازی شده آورده شده است.



نقشه ۳. جاده‌ها و راه‌های مواصلاتی منطقه مرزی خراسان رضوی (Autours, 2019)

نقشه ۲. کاربری اراضی منطقه مرزی خراسان رضوی (Autours, 2019)

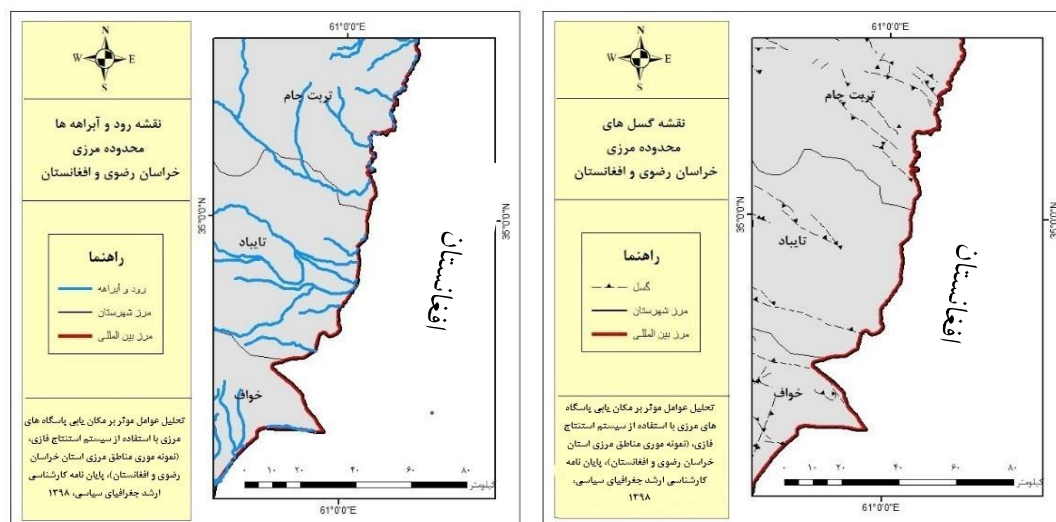


نقشه ۴. نقاط شهری منطقه مرزی خراسان

نقشه ۵. نقاط روستایی منطقه مرزی خراسان

رضوی (Autours, 2019)

رضوی (Autours, 2019)

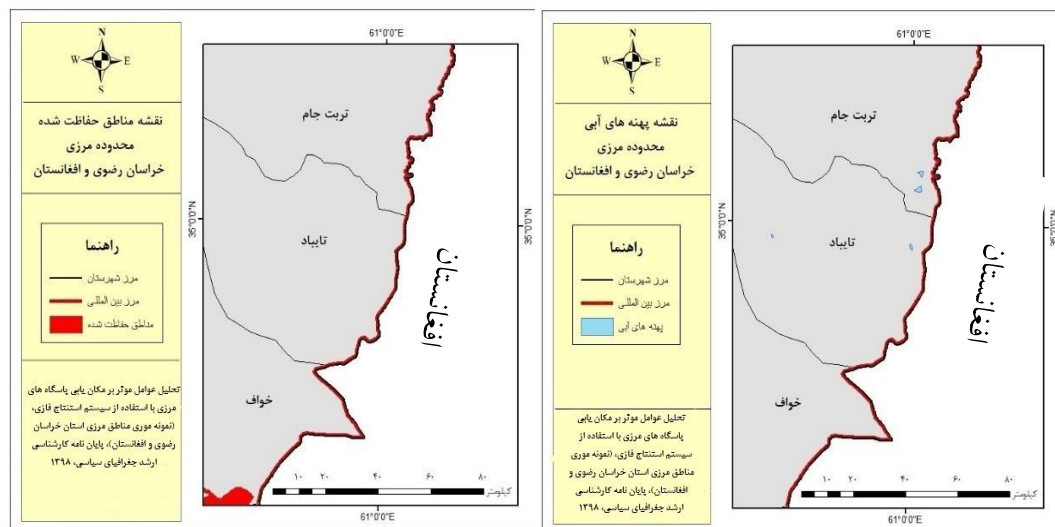


نقشه ۶. رود و آبراهه منطقه مرزی خراسان

نقشه ۷. گسل‌های منطقه مرزی خراسان

رضوی (Autours, 2019)

رضوی (Autours, 2019)



نقشه ۹. پهنه‌های آبی منطقه مرزی خراسان

رضوی (Autours, 2019)

نقشه ۸. مناطق حفاظت شده منطقه مرزی خراسان

رضوی (Autours, 2019)

۶-۱- فازي سازي و پهنه‌بندی

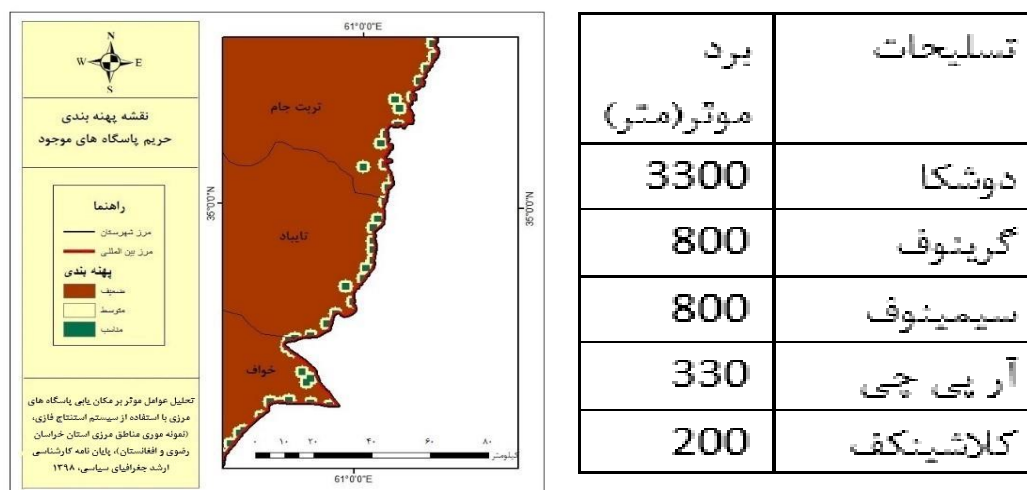
بنابر آنچه گفته شد جهت بررسی و فازي سازي معيارها به شاخص‌هایی نیاز بود تا عمل فازي سازي انجام گردد.

از این رو با مراجعه به منابع معتبر و مرتبط ۱۳ معيار زیر احصاء شد که در شکل زیر به نمایش درآمده‌است.



یکی از کاربری‌های مهم در مطالعه پیش رو بررسی موقعیت پاسگاه‌های موجود در نوار مرزی خراسان رضوی می‌باشد. با توجه به تسلیحات نظامی موجود در هنگ‌های مرزی، شرایط طبیعی و وضعیت ژئوپلیتیکی منطقه مورد مطالعه

بهتر است که امنیت خط مرزی به‌صورتی انجام گردد که از ایجاد راه‌های نفوذ جلوگیری گردد، با توجه به سلاح‌ها و ادوات نظامی موجود در هنگ مرزی خراسان رضوی، در این پژوهش حداکثر فاصله پاسگاه‌ها از یکدیگر ۳۰۰۰ متر در نظر گرفته شده تا هدف موردنظر تأمین گردد. در شکل ۲ ادوات موجود و مشخصات آن‌ها آورده شده و سپس در نقشه شماره ۱۰ پهنه‌بندی آن را که در سه کلاس کاربری مناسب، متوسط و نامناسب طبقه‌بندی گردیده است را مشاهده می‌کنید.

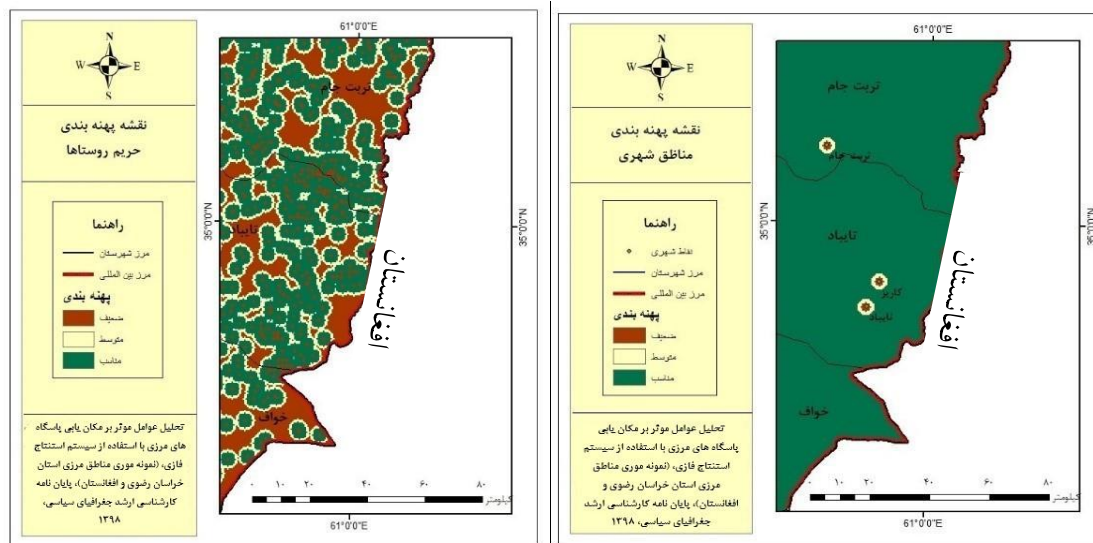


نقشه ۱۰. پهنه‌بندی حریم پاسگاه‌های موجود منطقه مرزی خراسان رضوی (Autours, 2019)

شکل ۲. تسلیحات موجود در هنگ مرزی خراسان رضوی (Authors)

۶-۱-۲- مراکز جمعیتی

مراکز جمعیتی در این پژوهش شامل مراکز شهری و روستایی می‌شود، حفظ حریم این مناطق از عوامل مهمی است که در امر مکان‌یابی باید رعایت گردد در این رابطه با توجه به استانداردهای موجود وزارت مسکن و شهرسازی حریم ۱۵۰۰ متری برای نقاط شهری و روستایی در نظر گرفته شد (Vajdi, 2016: 97) و بنا بر اینکه در منطقه مرزی خراسان رضوی روستاهایی در فاصله ۳۰۰۰ متری وجود دارد باید به‌گونه‌ای مکان‌یابی صورت پذیرد تا سبب افزایش امنیت در این روستاها و به دنبال آن نوار مرزی گردد، از این‌رو حداکثر فاصله در محدوده روستایی نیز ۳۰۰۰ متر در نظر گرفته شد و نقشه‌های پهنه‌بندی آن‌ها را در نقشه‌های شماره ۱۱ و ۱۲ مشاهده می‌کنید.



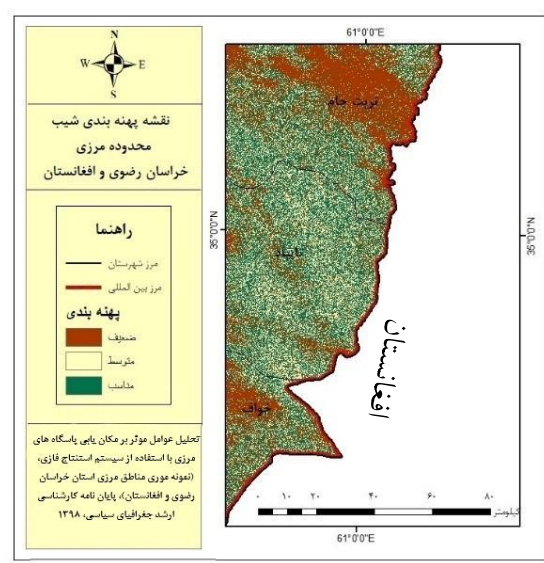
نقشه ۱۱. پهنه مناطق روستایی منطقه مرزی خراسان

رضوی (Autours, 2019)

نقشه ۱۲. پهنه مناطق شهری منطقه مرزی خراسان

رضوی (Autours, 2019)

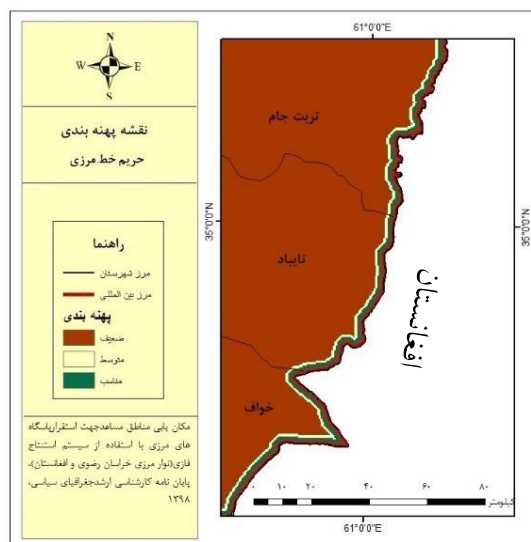
شیب شکل زمین را از طریق خصوصیات مورفولوژیک تحت تأثیر قرار می‌دهد. شیب‌ها معمولاً با توجه به جهت حرکت و به صورت ارقام درصد منفی و مثبت بیان می‌گردد که مشخص‌کننده میزان فراز و نشیب‌های عمودی بر روی محورهای افقی فرضی هستند. شیب‌های محدب و سایر ناهمواری‌های سطح، معمولاً نقاط کور و یا در اصطلاح نظامی، جان‌پناه‌ها و مواضع و زمین‌ها پوشیده از دید و تیر را به وجود می‌آورند که مواضع دشمن را از سلاح‌ها با تیر مستقیم محافظت می‌نماید (Hanafi & Hatami, 2013: 113). حداکثر شیب مناسب برای استقرار پاسگاه‌های مرزی ۱۰ درصد معرفی می‌شود. شیب با درصد بالا باعث افزایش هزینه‌های استقرار پاسگاه نظامی (مسطح کردن سطح زمین) می‌شود و شیب‌های نزدیک به صفر از نظر دفع فاضلاب مشکل‌آفرین می‌باشد (Azizpour, 1996: 71-72). با توجه به مطالب گفته‌شده نقشه شیب مناسب جهت مکان‌گزینی پاسگاه‌های مرزی ۱۰ تا ۲۰ درصد در نظر گرفته شد و در نقشه ۱۳ پهنه‌بندی آن مشاهده می‌گردد.



نقشه ۱۳. پهنه بندی شیب منطقه مرزی خراسان رضوی (Autours, 2019)

۶-۱-۴- حریم خط مرزی خراسان رضوی

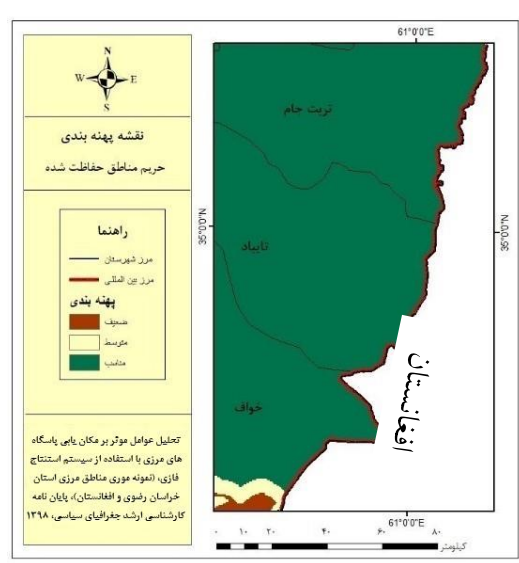
یکی دیگر از معیارهای بسیار مهم در امر مکان‌یابی مناطق مساعد جهت استقرار پاسگاه‌های نظامی حفظ حریم خط مرزی است، با توجه به بررسی‌های صورت گرفته در خط مرزی خراسان رضوی تا فاصله ۵۰۰ متری از نقطه صفری مرزی به عنوان حریم در نظر گرفته می‌شود و در این منطقه پاسگاه مرزی وجود ندارد و همچنین همان‌طور که در حفظ حریم پاسگاه‌های موجود بیان گردید توجه به برد تسلیحات نظامی در هنگ مرزی بسیار مهم است و با توجه به این امر تا شعاع ۳۰۰ متری را جهت استقرار پاسگاه مرزی مناسب در نظر گرفته شد و نقشه پهنه‌بندی آن در نقشه ۱۴، در سه کلاس مناسب، متوسط و نامناسب طبقه‌بندی گردید.



نقشه ۱۴. پهنه بندی حريم خط مرزی منطقه مرزی خراسان رضوی (Autours, 2019)

۶-۱-۵- حريم مناطق حفاظت شده در منطقه مرزی خراسان رضوی

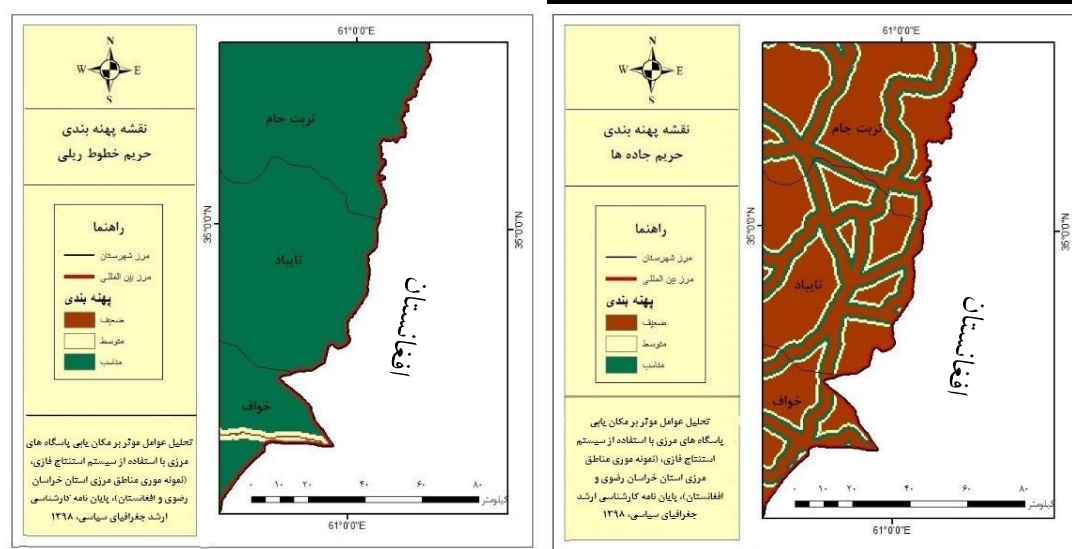
با توجه به بررسی‌های صورت گرفته در منطقه مرزی خراسان رضوی مشخص گردید که منطقه حفاظت شده سیرخون که در قبل نقشه آن در شکل ۹ آورده شد به صورت ۱۲ کیلومتر مرز مشترک با کشور افغانستان واقع شده است. با توجه به استانداردهای ارائه شده از طرف هیئت وزیران، جانمایی هر نوع تأسیسات و کاربری در محدوده ۱۰۰۰ متری مناطق حفاظت شده غیرقانونی می باشد (Vajdi, 2016:103). از این رو در این پژوهش نیز محدوده ۱۰۰۰ متری از منطقه حفاظت شده به صورت نامناسب در نظر گرفته شده است و پهنه بندی آن را در نقشه ۱۵ مشاهده می کنید.



نقشه شماره (۱۵): پهنه بندی حریم مناطق حفاظت شده منطقه مرزی خراسان رضوی (Autours, 2019)

۶-۱-۶- دسترسی و فاصله از جاده‌های و راه‌های مواصلاتی

در مبحث پهنه‌بندی دسترسی به جاده‌ها و راه‌های مواصلاتی نزدیک‌ترین فاصله تا جاده‌ها بهترین مکان‌ها جهت استقرار پاسگاه‌های مرزی است اما در کنار آن باید حفظ حریم از جاده را نیز رعایت کرد، از این رو با توجه به پژوهش وجدی، حنفی و حاتمی و عبادی نژاد فاصله ۲۰۰ متر تا حداکثر ۱۵۰۰ متر بهترین مکان برای استقرار پاسگاه‌های مرزی در نظر گرفته شده است و پهنه‌بندی آن در نقشه شماره ۱۶ قابل مشاهده است. همچنین راه‌آهن نیز به عنوان یک نوع از شبکه ارتباطی در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفت و با توجه به استانداردهای موجود حریم ۱۷۵ متر از خطوط ریلی موجود در منطقه مناسب ارزیابی گردید (Vajdi, 2016) و در نقشه شماره ۱۷ پهنه‌بندی خط ریل نیز قابل مشاهده است.

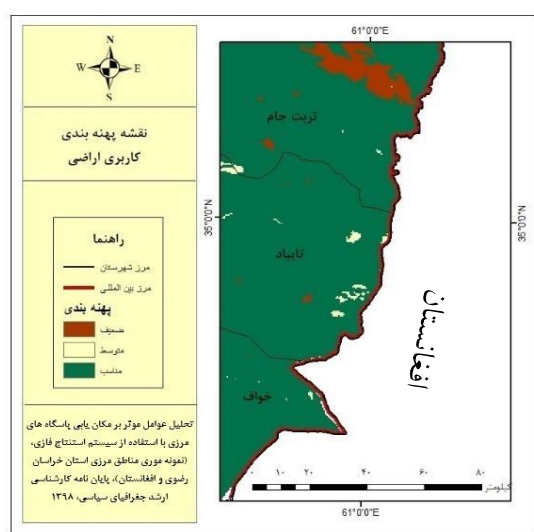


نقشه ۱۷. پهنه بندی خطوط ریلی منطقه مرزی خراسان
رضوی (Autours, 2019)

نقشه ۱۶. پهنه بندی حریم جاده‌ها منطقه مرزی خراسان
رضوی (Autours, 2019)

۶-۱-۷- کاربری اراضی

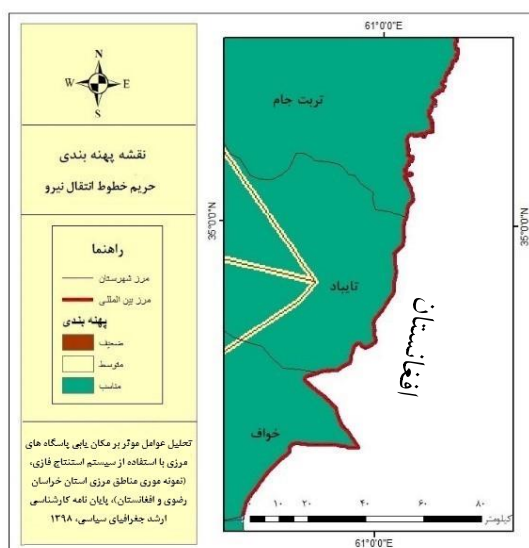
کاربری اراضی یکی از معیارهای بسیار مهم در امر مکان‌یابی است، تعیین مناطق شهری و روستایی با کاربری غیرقابل تغییر و یا زمین‌های بایر که در امر مکان‌یابی دارای ارزش بالایی است ضروری است، از این رو باید جهت فازی سازی آنها اقدام نمود، در این مقاله کاربری‌ها به ترتیب اراضی بایر، اراضی فقیر و کم‌ارزش، اراضی باغی، اراضی کشاورزی، جنگل و محدوده‌های شهری و روستایی که به ترتیب دارای اولویت در امر مکان‌یابی می‌باشد، تقسیم گردید و در نقشه ۱۸ فازی سازی شده کاربری اراضی آورده شده است.



نقشه ۱۸. فازی شده کاربری اراضی منطقه مرزی خراسان رضوی (Autours, 2019)

۸-۱-۶- خطوط انتقال نیرو

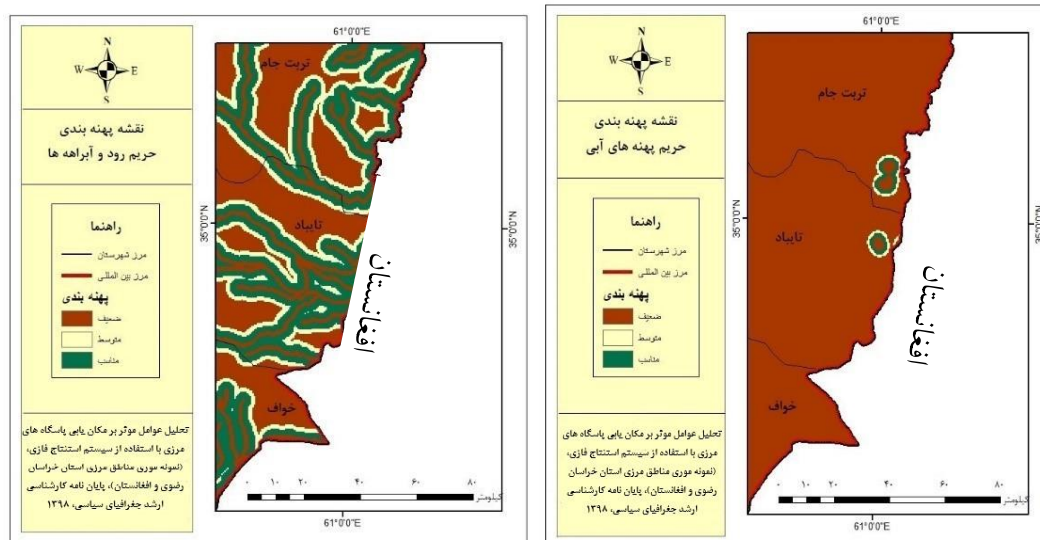
به جهت جلوگیری از خطرات ناشی از خطوط انتقال برق فشارقوی، رعایت فاصله منطقی برای ایجاد هر نوع کاربری از خطوط انتقال برق الزامی است. با بررسی‌های صورت گرفته در محدوده مورد مطالعه خطوط انتقال برق با ولتاژ ۴۰۰ هزار ولت موجود می‌باشد، بنابراین با توجه به استانداردهای موجود شرکت برق، حریمی برابر ۵۰ متر را در نظر گرفته‌ایم (Rouhipour, 2015:81). و پهنه‌بندی آن در نقشه ۱۹ قابل مشاهده است



نقشه ۱۹. پهنه بندی خطوط انتقال برق منطقه مرزی خراسان رضوی (Autours, 2019)

۶-۱-۹- آبراهه‌ها و پهنه‌های آبی

بارش‌های سیلابی و طغیانی که رواناب‌های فراوانی را ایجاد می‌کنند، بعضی مواقع خطراتی به دنبال دارند. نزدیکی پاسگاه‌ها و مواضع دیده‌بانی به آبراهه‌ها و مسیل‌های طغیانی در مناطق خشک و بیابانی می‌تواند منجر به محصور ماندن و یا حتی تخریب این اماکن شود. نزدیکی به آبراهه اگرچه می‌تواند مشکلاتی به همراه داشته باشد، اما کنترل و دیده‌بانی مسیر مسیل‌های طغیانی و خشک‌رودها به منظور جلوگیری و استفاده از این مسیرها برای عبور قاچاق مواد مخدر، کالا و انسان لازم است (EbadiNejad, BahramAbadi, 2016: 83). با توجه به‌واقع شدن رود مرزی هریرود در محدوده مورد مطالعه شاهد آبراهه‌ها و مسیل‌های زیادی هستیم، بنابراین حفظ حریم این مناطق ضروری است، لیکن با توجه به اینکه از این مسیرها جهت قاچاق کالا، مواد مخدر و انسان استفاده می‌گردد باید مکان‌یابی به گونه‌ای صورت پذیرد که حفاظت از آن‌ها نیز در حد مطلوب انجام گردد. بنابراین در راستای رعایت حریم پهنه‌های آبی، با توجه به ضوابط موجود، حریم ۱۵۰۰ متری پهنه‌های آبی و آبراهه‌ها در نظر گرفته شد (Vajdi, 2016:100) و با توجه به اینکه حفظ امنیت رود مرزی هریرود و همچنین پهنه‌های آبی موجود در این منطقه حائز اهمیت است حداقل فاصله از آن را ۳۰۰۰ متر در نظر گرفته‌ایم. در ادامه پهنه‌بندی مورد نظر در نقشه‌های ۲۰ و ۲۱ قابل مشاهده است.

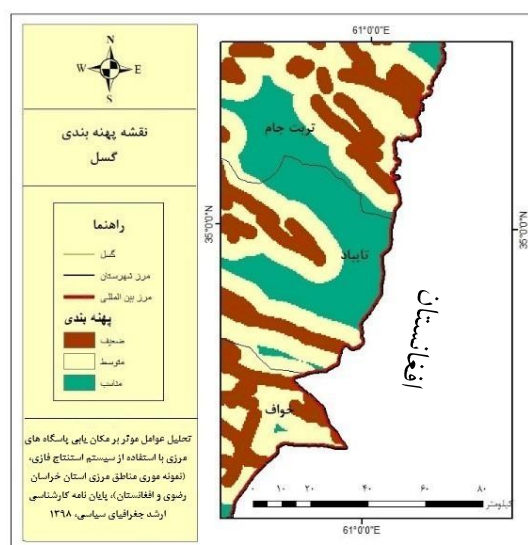


نقشه ۲۱. پهنه بندی حریم پهنه‌های آبی منطقه مرزی خراسان رضوی (Autours, 2019)

نقشه ۲۰. پهنه بندی حریم رود و آبراهه منطقه مرزی خراسان رضوی (Autours, 2019)

۶-۱-۱۰- گسل منطقه مرزی خراسان رضوی

وجود گسل در یک منطقه نشان از زلزله‌خیزی آن می‌باشد، درواقع وجود گسل در گذر زمان امکان وقوع زلزله را نشان می‌دهد، بنابراین لازم است جهت هرگونه مکان‌یابی بخصوص کاربری‌های نظامی حفظ این حریم رعایت گردد. با توجه به اینکه محدوده مورد مطالعه این پژوهش منطقه مرزی است و نمی‌توان فاصله زیاد از گسل‌های موجود را در نظر گرفت و حداقل فاصله از گسل‌های موجود ۲۴۰۰ متر در نظر گرفته شده است تا در صورت بروز زلزله آسیب جدی کمتری به پاسگاه‌ها وارد گردد. شایان ذکر است انتخاب شاخص با توجه به پایان‌نامه کارشناسی ارشد وجدی (۱۳۹۵) صورت گرفته است. پهنه‌بندی آن در نقشه ۲۲ قابل مشاهده است.



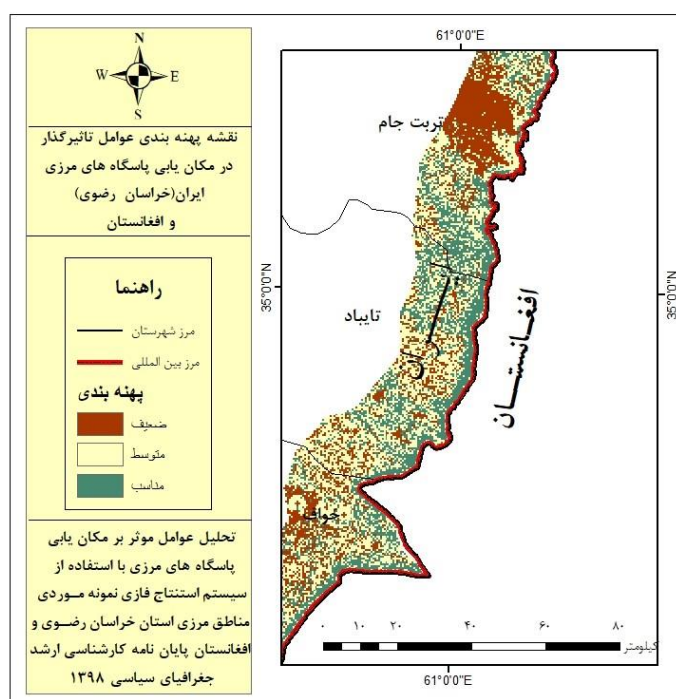
نقشه ۲۲. پهنه بندی گسل منطقه مرزی خراسان رضوی (Autours, 2019)

۶-۲- وزن دهی به معیارها

بعد از انجام عملیات فازی سازی هرکدام از معیارهای موجود در قسمت قبل، به همپوشانی و وزن دهی نهایی آن‌ها اقدام شد. همان‌طور که در قبل گفته شد، معیارهای زیادی در امر مکان‌یابی دخیل هستند و در این مقاله با توجه به نتایج به دست آمده از نظر کارشناسان و متخصصان وزن دهی معیارها صورت گرفت و در نهایت با توجه به نتایج به دست آمده از جدول ماتریس مقایسات زوجی معیارهای موجود به ترتیب زیر وزن دهی گردیدند؛

کاربری اراضی ۲- شیب ۳- حریم خط مرزی ۴- حریم پاسگاه‌های موجود ۵- حریم مناطق حفاظت‌شده ۶- دسترسی به جاده‌ها ۷- حریم شهر ۸- حریم روستا ۹- خطوط انتقال نیرو ۱۰- پهنه‌های آبی ۱۱- آبراهه‌ها ۱۲- خط آهن ۱۳- گسل

همان‌طور که در شکل ۲۵ مشاهده می‌کنید اراضی در ۳ کلاس مناسب، متوسط و نامناسب مشخص گردیدند. با توجه به اینکه هدف مکان‌یابی مناطق مساعد استقرار پاسگاه مرزی بوده است و در این امر حداقل و حداکثرهایی در نظر بوده، بهترین محدوده تا شعاع ۵ کیلومتری و با احتساب ۵۰۰ متر فاصله از خط مرزی مشخص گردید و با توجه به نقشه‌های قبل، منطقه مرزی خراسان رضوی و افغانستان به جهت اینکه کاربری‌های مختلف در نزدیک خط مرزی بسیار کم است اغلب محدوده مرزی جهت استقرار پاسگاه‌های مرزی مناسب است، اما در قسمت شمالی مرز مشترک استان خراسان رضوی و کشور افغانستان شرایط نامطلوبی وجود دارد و با بررسی‌های صورت گرفته مشخص گردید در این منطقه که رود مرزی هریرود نیز جریان دارد باید دقت عمل بیشتری جهت مکان‌یابی صورت پذیرد.



نقشه ۲۳. پهنه بندی مکان یابی مناطق مساعد جهت استقرار پاسگاه‌های مرزی خراسان رضوی (Autours, 2019)

۷- نتیجه‌گیری

مرزهای بین‌المللی، محل برخورد و منطقه تماس دو حکومت و حاکمیت مستقل هستند. از این رو برخلاف مناطق داخل کشور، امنیت مرز و مناطق مرزی هم وابسته به ویژگی‌های جغرافیایی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و... داخل کشور است و هم شرایط جغرافیایی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور همسایه تأثیر مستقیمی بر استقرار امنیت در این مناطق دارد. متغیرهای مؤثر بر امنیت مرز متناسب با تفاوت‌های فضایی موجود در مناطق مختلف کشورها و همچنین کشور همسایه، متعدد و متنوع است. شاید از همین روست که همچنان استقرار امنیت پایدار در مرز و مناطق مرزی، به دغدغه اصلی بسیاری از کشورها در مناطق مختلف جهان تبدیل شده است. این امر به دلیل آن است که، مدیریت بهینه و کنترل مؤثر مرزها نیاز به شناخت دقیق شرایط و ویژگی‌های مختلف منطقه در دو سوی مرز، تدوین راهبردهای علمی و کاربردی جامع، بودجه کافی بابت هزینه‌های سنگین، سامانه‌های کنترلی منطبق بر نوع مرز، نیروهای سازمان‌یافته و ویژه مرزی، تفاهم و همکاری مؤثر دولت‌های همسایه، حمایت سازمان‌های رسمی بین‌المللی و... دارد. به عنوان نمونه، فقط از منظر جغرافیا و چشم‌انداز طبیعی، مرزهای ایران و همسایگان مشتمل بر ده ناحیه فیزیوگرافیک اصلی؛ کوهستانی، کویری، جنگلی، استپی، دریاچه‌ای و دریایی، مردابی و باتلاقی و... می‌باشد. بدیهی است مدیریت و کنترل مرزی هر کدام از این مرزها بایستی در درجه اول متناسب با ویژگی‌های متفاوت طبیعی آن‌ها باشد.

وضعیت فعلی جهان نشان می‌دهد، بعد از یک دوره تسلط فضای تعاملات بین مرزی و کم‌رنگ شدن کارکرد بازدارندگی -امنیتی مرزها در پرتو جهانی‌شدن‌ها، مجدداً شاهد بازگشت و احیای سیاست‌های کنترل و انسداد مرز در بسیاری از مناطق جهان هستیم. در همین چارچوب یکی از مهم‌ترین وعده‌های انتخاباتی ترامپ، تکمیل طرح انسداد مرز و دیوارکشی بین مرزهای طولانی دو کشور آمریکا و مکزیک بود که در طی سال ۲۰۱۸ بخش‌های از آن احداث شده است. در سایر مناطق جهان نیز این نگرانی و احساس تهدید وجود دارد، لذا برخلاف دو دهه قبل بار دیگر امنیت مرزها به دغدغه اصلی حکومت‌ها در بسیاری از کشورهای جهان تبدیل شده است. مراکز انتظامی و پاسگاه‌های مرزی بدون تردید یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر استقرار امنیت در مرز و مناطق مرزی است. مکان‌گزینی دقیق و صحیح پاسگاه‌های مرزی می‌تواند نقش مؤثری در کارایی پاسگاه‌های مرزی داشته باشد. در این پژوهش با استفاده از منابع معتبر و مرتبط ۱۳ معیار جهت مکان‌گزینی بهینه پاسگاه‌های مرزی انتخاب شد. سپس مکان‌های مساعد جهت استقرار پاسگاه‌های مرزی در منطقه مورد مطالعه با استفاده از داده‌های آماری و تصاویر ماهواره‌ای و در قالب سه کلاس کاربری با ارزش مناسب، کاربری متوسط و کاربری نامناسب تهیه گردید. شایان ذکر است مکان‌یابی صورت گرفته در این پژوهش با توجه به داده‌های دارای اهمیت موجود انجام شده است، لیکن در این پژوهش عواملی مانند ورودی‌های مهم اشرار و قاچاقچیان و راه‌های نفوذ موجود به

دلیل نبودن داده‌های مورد نیاز مطرح نگردیده است، لذا در صورت موجود بودن موارد نام‌برده امکان تغییرات در این خروجی‌ها و انجام مکان‌گزینی دقیق پاسگاه‌های مرزی امکان‌پذیر است که خود می‌تواند موضوع مقاله مستقلی گردد.

قدردانی

این مقاله مستخرج از پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته جغرافیای سیاسی در دانشگاه فردوسی مشهد با عنوان «تحلیل تغییرات کاربری اراضی مناطق مرزی ایران-خراسان رضوی- و افغانستان با رویکرد پدافند غیرعامل» می‌باشد نگارندگان وظیفه خود می‌دانند از حمایت‌های مادی و معنوی این دانشگاه قدردانی نمایند.

کتابنامه

1. Agha Taher, R., Fallah Zazouli, M., Zarafshar, M., & Jafari, M., (2015). Presenting a zoning map of defense-prone centers in forest areas based on AHP and GIS, case study: Aliabad Katul, Golestan Province. *Sepehr Geographic Information Quarterly*, 24(95), 81-92. [In Persian]
2. Bahramabadi, B., (2009). *The impact of geomorphology on operations and military objectives in Mesila area of Qom plain*. Master's thesis in Natural Geography, Faculty of Geography, University of Tehran. [In Persian]
3. Ebadinejad, S.A., & BahramAbadi, B., (2016). Locating border checkpoints and determining areas prone to infiltration using fuzzy inference system and GIS (Study case: Nehbandan border area). *Military Management Quarterly*, 16(3), 63-92. [In Persian]
4. Hanafi, A., Hatami, I., (2013). Locating favorable areas for the deployment of military forces in Mehran border region using GIS. *Quarterly of Military Management*, 13(49), 107-128. [In Persian]
5. Karimi, M., & Vafaei, A.A., (2013). Securing with sustainable development in border areas (case study, Marivan city). *Urban Research and Planning Journal*, 4(15), 112-95. [In Persian]
6. Khatabi, G.H., (1995). *Marzbani*. Iran, Tehran: University of Police Sciences Press. [In Persian]
7. Mahmoud Baboyi, O., & Mahmoud Baboyi, B., (2013). Locating analysis in defense and passive defense. International E-Conference on Economy under sanctions. [In Persian]
8. Moghimi, I., Yamani, M., Bigelow, J., Moradiyan, M., & Fakhri, S., (2012). The impact of South Zagros geomorphology on passive defense in the north of the Strait of Hormuz (with emphasis on the locating of centers of population). *Quarterly of Military Management*, 12(48), 112-77. [In Persian]
9. Mohammad Hosseini, M., & Alipour, A., (2012). Security Threat Assessment in Southeast Iran (with emphasis on border security). 20(78), 165-195. [In Persian]
10. Mousosi, N., & Khalilpour, I., (2009). Locating the intercity passenger terminal with an emphasis on natural environment parameters (climate, hydrology, and topography), case study of the city of Tasuj. *Journal of Applied Research in Geographical Sciences*, 10(13), 15-28. [In Persian]

11. Nasiri, M.R., (2009). Presentation of the locating model of critical and sensitive centers according to the principles of passive defense. Industrial Engineering Master's Thesis, University of Science and Technology, Tehran. [In Persian]
12. Pishgahi Fard, Z., Ahmadi Dehka, F., (2010). Assessment of national security threats in the borders of the northern regions of Iran. *Quarterly Journal of Environmental based Territorial Planning*, 3(9), 53-77. [In Persian]
13. Rahnama, M.R., & Aghajani, H., (2011). *Spatial planning of Khorasan Razavi Province*. Iran, Mashhad: Academic Jihad Publications.
14. Raissadat, S.H., Naseri, A., & Motalebipour, R., (2015). Affecting geopolitical factors on the border security of Khorasan in historical periods. *Journal of Southern Khorasan Disciplinary Knowledge*, 4(1), 72-88. [In Persian]
15. Sarwar, R., & Yahyapour, I., (2014). Optimal locating of multi-storey parking lots based on hierarchical analysis model and Boolean logic (case study: District 15 of Tehran Municipality). *Quarterly Journal of Geographic Information (Sepehr)*, 23(90), 80-88. [In Persian]
16. Shamsodini, A., & Dehfani, K., (2014). Optimum locating of focal villages using Tppsis decision making model (Case study: Doshmen Ziyari-Mamsani city). *Rural Development Strategies Quarterly*, 1(3), 63-79. [In Persian]
17. Walt, S.M., (1994). Alliance Formation and The Balance of World Power. Michael E. Brown, eds. In *The Perils of Anarchy: Contemporary Realism and International Security*. London: MIT Press.
18. Zarghani, S.H., (2019). *An introduction to the sustainable security of the border and border regions*. Iran, Tehran: Geopolitical Association of Iran. [In Persian]
19. Zarghani, S.H., Azami, H., & Lotfi, A., (2013). Examining the methods and policies of border management and its role in border security, case study: Iran's eastern borders (Khorasan-Razavi-Afghanistan). *Journal of Geography and Regional Development*, 20(1-2), 108-83. [In Persian]
20. Zarghani, S.H., Azami, H., (2011). Analysis of military-security considerations in the planning and locating of military centers and bases with an emphasis on Khorasan Razavi province. *The Journal of Spatial Planning*, 15(2), 142-161. [In Persian]



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)
doi <https://doi.org/10.22067/pg.2021.71742.1072>

پژوهشی

پیامدهای امنیتی شهرک‌سازی در کرانه باختری طی دوره ۲۰ ساله (۲۰۲۰-۲۰۰۰)

ناصر رجب‌نژاد (دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، گروه جغرافیا، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران)

nr.rajab91@gmail.com

محمد اخباری (دانشیار جغرافیای سیاسی، گروه جغرافیا، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، نویسنده مسئول)

dr.m.akhbari@gmail.com

علی بیژنی (استادیار جغرافیای سیاسی، گروه جغرافیا، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران)

bijani350@yahoo.com

صص ۷۹-۹۹

چکیده

سازمان‌های صهیونیستی با نگاه پدافندی و تأمین امنیت رژیم اسرائیل، اقدام به تأسیس شهرک‌ها در کرانه باختری نمودند. در طی نیم‌قرن گذشته قدرت‌های مافیایی صهیونیستی با رانت‌های مادی و معنوی که از طرف افراد بانفوذ و همراهی کابینه عبری اسرائیل اقدام به توسعه جغرافیای شهرک‌ها در کرانه باختری در راستای منافع خود نمودند. باقدرتمندشدن شهرک‌ها، آن‌ها اقدام به دخالت مستقیم در انتخابات، تصویب قوانین، تعیین بودجه و اعتبار، تعیین نخست‌وزیر و کابینه رژیم اسرائیل کردند که استمرار این روند موجب ناکارآمدی شکلی و محتوایی دموکراسی در اسرائیل شد و از طرفی در طی دو دهه اخیر ماهیت وجودی شهرک‌ها به‌عنوان معضلی امنیتی برای این رژیم درآمده به‌طوری‌که جامعه داخل اسرائیل مجبورند هزینه‌های تأمین امنیت شهرک‌ها را به‌صورت مادی و معنوی بپردازند. لذا این سؤال مطرح می‌شود که پیامدهای امنیتی شهرک‌سازی در کرانه باختری چیست و چگونه صورت‌بندی می‌شود؟ در پاسخ به این پرسش می‌توان گفت که اهداف اولیه تأسیس شهرک‌ها طی دوره ۲۰ سال گذشته تغییر کرده و محیط داخل رژیم اسرائیل را تحت تأثیر منفی قرار داده و موجب تضعیف امنیت ملی این رژیم در ابعاد مختلف شده است. این پژوهش به لحاظ ماهیت کاربردی و مبتنی بر روش توصیفی-تحلیلی و از طریق گردآوری اطلاعات و بررسی کتابخانه‌ای و اسنادی و منابع اینترنتی می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: امنیت، رژیم اسرائیل، کرانه باختری، شهرک‌سازی، پیامد

۱- مقدمه

در این پژوهش تلاش شده تا مباحث مربوط به شهرک‌سازی و اهداف پشت پرده آن و نقش آن بر امنیت اسرائیل مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد؛ چراکه به نظر می‌رسد این موضوع به دلیل موضوعات به‌ظاهر مهم‌تری چون مسئله اشغال فلسطین، بیت‌المقدس، انتفاضه، کم‌تر مورد توجه پژوهشگران حوزه فلسطین اشغالی قرار گرفته و به تبع آن پژوهش کمتری درباره آن شده است.

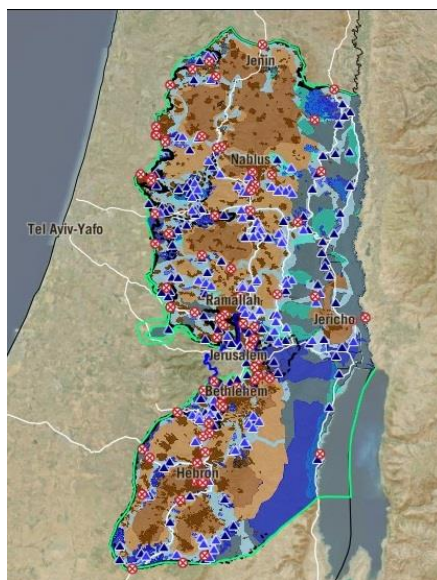
موضوع شهرک‌های اسرائیل از جمله مباحث مطرح در علوم سیاسی، امنیتی و نظامی که از قرن بیستم ظهور و بروز یافته و موضوعاتی چون اشغال سرزمین، تأثیرگذاری بر مرزها، مهاجرت و بحث‌های قومیتی و مذهبی که در اولین قدم با شهرک‌سازی به دنبال ساخت تاریخ و جغرافیا برای شکل‌گیری رژیم صهیونیستی در مناطق اشغالی بوده است.

در طی ۷ دهه انتقال بیش از ۳ میلیون مهاجر به مناطق اشغالی و حمایت‌های همه‌جانبه اروپا و آمریکا از سیاست‌های اسرائیل، روزه‌روز نواحی دیگری از سرزمین‌های فلسطینی به اشغال اسرائیل درآمد و شهرک‌نشینان که به‌صورت ویژه مورد توجه دولت عبری بودند، خیلی سریع اقدام به تصرف سرزمینی و اشغال بیشتر اراضی فلسطین نمودند. حال اگر در این فضای سرزمینی اشغال‌شده، هم کوچ دادن مردم بومی صورت گیرد و هم اشغالگر دست به مهاجرت قوم خود به این سرزمین بزند پرواضح است که امنیت اولین متغیر و مؤلفه ناپایدار در آن سرزمین خواهد بود. با توجه به پیوستگی شهرک‌های ساخته‌شده توسط اشغالگران با شهرها و روستاهای ساکنان بومی و آمیختگی سرزمینی با همدیگر، چالش‌های امنیتی ایجاد می‌شود. در طی ۷۰ سال گذشته رژیم اسرائیل با کمک‌های مادی و معنوی به امید تأمین امنیت خود ده‌ها شهرک در مناطق فلسطینی کرانه باختری ساخته، از آنجایی که انگیزه و اعتقاد افراد و نسل‌های مختلف قابل تغییر است به همین دلیل انگیزه و اعتقاد شهرک‌نشینان و مهاجران به رژیم اسرائیل نیز تغییرپذیر می‌باشد و شهرک‌ها دیگر همانند گذشته کارکرد تأمین امنیت برای اسرائیل را ندارند بلکه به‌مرور زمان شهرک‌نشینان با کارکردهای ضد امنیتی علیه اسرائیل باری بر دوش اسرائیل شده‌اند. چگونه ممکن است که یک روز اسرائیل برای بسط قدرت خود با تمام توان شبکه‌های مالی و اقتصادی صهیونیستی اقدام به برنامه‌ریزی و مهاجرت میلیون‌ها یهودی از ده‌ها کشور به اسرائیل نماید و پس از گذشت ۷۰ سال خود این شهرک‌نشینان تبدیل به سیاه‌چاله‌ای در ابعاد سیاسی و امنیتی برای کابینه عبری شوند.

هدف از این تحقیق تبیین پیامدهای امنیتی شهرک‌سازی در کرانه باختری به‌منظور آگاهی بخشی به سیاست‌گذاران کشور و کاهش هزینه‌های امنیت ملی در مقابله با رژیم اسرائیل، تولید علم از طریق کشف و ترسیم واقعیات جهت‌گیری درست سیاست خارجی ایران در خصوص مسئله فلسطین می‌باشد.

۲- بیان مسئله

تاریخ غرب آسیا طی ۷۰ سال گذشته متأثر از رفتارهای شهرک‌سازی و شهرک‌نشینان در سرزمین‌های اشغالی فلسطین بوده که به‌مرور کارکرد آن‌ها بر ساختار سیاسی و اجتماعی اسرائیل اثرگذار بوده و اثرپذیری اسرائیل از این قشر شتاب فزاینده‌ای گرفته است. در آغاز شهرک‌سازی و شهرک‌نشینان در سرزمین‌های اشغالی فلسطین فقط بر جامعه فلسطینی تأثیر مخرب و ویرانگر داشتند، ولی به‌مرور زمان استمرار سیاست شهرک‌سازی و کارکرد شهرک‌نشینان بر امنیت اسرائیل در داخل و خارج آن، تأثیر گذاشته و اثرات مخرب منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای بر کابینه عبری ایجاد کرده است. حضور گسترده شهرک‌نشینان و شهرک‌سازی، جامعه داخلی اسرائیل را نیز دستخوش چالش و تحولاتی ساخته به‌طوری‌که اسرائیل هیچ‌وقت فکر نمی‌کرد در چنین تله فضایی شبیه سیاه‌چاله گرفتار شود و ساکنان شهرک‌ها خود به‌عنوان معضلی امنیتی برای رژیم اسرائیل درآیند. لذا این سؤال پیش می‌آید که پیامدهای امنیتی شهرک‌سازی در کرانه باختری چیست و چگونه صورت‌بندی می‌شود؟ فرضیه‌ای که در پاسخ به این پرسش مطرح شده این است که اهداف تأسیس شهرک‌ها بعد از سال ۲۰۰۰ میلادی نسبت به قبل از ۲۰۰۰ میلادی تغییر کرده و محیط داخل رژیم اسرائیل را تحت تأثیر منفی قرار داده و موجب تضعیف امنیت ملی این رژیم در ابعاد مختلف شده است.



نقشه ۱. پراکندگی عرب فلسطینی ● شهرک‌ها ▲ در کرانه باختری

منبع: وبگاه (<https://ar.wikipedia.org/wiki>)

۳- روش تحقیق

تحقیق حاضر به لحاظ ماهیت و هدف کاربردی و از جنبه روش‌شناسی توصیفی-تحلیلی، اکتشافی است. مطالب تحقیق حاصل مطالعه کتابخانه‌ای، اسنادی، داده‌های آماری، تحلیل محتوا و بهره‌برداری از منابع رسمی و رسانه‌های داخل سرزمین‌های اشغالی گردآوری شده است. بدین گونه که ابتدا پس از ارائه مبحث نظری مرتبط با موضوع، سعی شده وضعیت شهرک‌سازی در کرانه باختری با مراجعه به آمارهای مستندات و با کمک نقشه‌های توصیفی به صورت کلی تشریح شود و سپس کارکردهای مختلف شهرک‌نشینان در طی دوره شکل‌گیری شهرک‌ها در رژیم اسرائیل و پیامدهای ابعاد امنیتی آن مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد.

۴- پیشینه پژوهش

شهرک‌سازی در سرزمین‌های اشغالی کرانه باختری موضوعی پیچیده و مرکب و همراه با ملاحظات تاریخی، سیاسی، جغرافیایی، اجتماعی و می‌باشد که در بستر زمان بیش از نیم قرن شکل گرفته و سرمنشأ حوادث تلخ در سرزمین فلسطین و منطقه را رقم زده است. در خصوص اهمیت و فایده شهرک‌سازی مطبوعات و رسانه‌های رژیم اسرائیل به تفصیل مطالبی را در فضای واقعی و مجازی انتشار داده‌اند و همچنین رسانه‌های عربی و فلسطینی به آسیب‌ها و پیامدهای متأثر از شهرک‌سازی که دامن‌گیر یک نسل از فلسطینی شده را به صورت کتاب و مطالب مستند تاریخی انتشار داده‌اند که از جمله می‌توان به کتاب‌های زیر اشاره نمود:

نام کتاب	توضیح
ساختارهای صهیونیستی (Jaris, 2002: 455).	فصل دهم کتاب حدود ۶۰ صفحه به وضعیت شهرک‌ها در مناطق اشغالی پرداخته که شامل تاریخچه شکل‌گیری شهرک‌ها، نگاه احزاب سیاسی اسرائیل به شهرک‌ها، روند گسترش شهرک‌ها تا دهه ۹۰ میلادی، جداول پراکندگی جغرافیایی شهرک‌ها در کرانه باختری اشاره نموده است
مآخذ شناسی اطلاعاتی رژیم الشلالگر قدس (Sadat, 2008: 11).	در ۳۳۱ صفحه به معرفی ۱۳۰ کتاب در خصوص رژیم اسرائیل و در ۲۰۰ صفحه به معرفی ۱۹۵ مقاله اشاره نموده است. این کتاب در راستای معرفی منابع تخصصی در همه موضوعات به‌ویژه استراتژیکی، نظامی، امنیتی و اطلاعاتی، سیاسی و به هدف بسترسازی جهت انجام مطالعات مربوط به رژیم اسرائیل است.
پایان اسرائیل؛ فروپاشی از درون (Karlstrom, 2020: 1).	"نبرد برای روح اسرائیل"، «منازعه»، «نابرابری»، «انتخابات»، «تفرقه» و «دموکراسی» عناوین فصول ۶ گانه این کتاب هستند. در بخشی از مقدمه این کتاب نوشته شده رژیم اسرائیل از آغاز اشغال فلسطین، از آنجاکه رژیم غیرطبیعی و فاقد مؤلفه‌های حقیقی دولت - ملت است، با تهدیدات متعددی از بیرون و درون مواجه بوده که میزان بقا و دوام آن را زیر سوال می‌برد.

همچنین می‌توان به پایان‌نامه سید احمد موسوی با عنوان "راهبرد شهرک‌سازی و تأثیر آن بر امنیت پایدار رژیم صهیونیستی" اشاره کرد. در آن پژوهش ضمن بیان روند شهرک‌سازی و تبیین چالش‌های رژیم صهیونیستی سعی شده تا

در چارچوب نظریات کلاسیک ژئوپلیتیک، به این مسئله محوری پرداخته شود که راهبرد شهرک‌سازی، چه نقشی در تأمین امنیت پایدار اسرائیل داشته است؟ اگرچه رژیم اسرائیل، پس از شکل‌گیری سیاست‌های امنیتی خود در جهت ایجاد امنیت پایدار از طریق شهرک‌سازی با ایجاد فضای حیاتی امنیتی بازتعریف کرد و با اتخاذ سیاست مهاجرت اجباری و یهودی‌سازی در کرانه باختری و قدس شرقی، به دنبال توسعه ارضی، اقتصاد و تغییر بافت جمعیتی این مناطق است. اما شهرک‌سازی به دلیل محیط امنیتی رژیم اسرائیل و عدم توانایی اسرائیل در تغییر گسترده ترکیب جمعیتی این مناطق، به گونه‌ای که اعراب در اقلیت قرار گیرند، منجر به امنیت پایدار اسرائیل نشده است (Mousavi, 2014: 22). به نظر می‌رسد این موضوع به دلیل موضوعات به‌ظاهر مهم‌تری چون مسئله اشغال فلسطین، بیت‌المقدس، انتفاضه، کم‌تر مورد توجه پژوهشگران حوزه فلسطین اشغالی قرار گرفته و به تبع آن پژوهش کمتری درباره آن شده و از طرفی به دلیل عدم انتشار کارکردهای امنیتی شهرک‌سازی و شهرک‌نشینان در کرانه باختری و سیاست سانسور نظامی فضای جغرافیایی مناطق اشغالی کرانه باختری کمتر به این موضوع پرداخته شده است.

۴- مبانی نظری

۴-۱- امنیتی سازی یک موضوع و به خطر افتادن امنیت

امنیتی ساختن به فرایندی گفته می‌شود که منجر به قرار دادن برخی موضوعات در چارچوب امنیت می‌گردد، درحالی‌که قبلاً در این حوزه قرار نداشته است (Khani, 2004:138). بوزان در خصوص امنیتی ساختن موضوع شش نتیجه را بیان می‌نماید؛ اول آنکه امنیتی ساختن یک گزینه سیاسی است، دوم آنکه امنیت پدیده‌ای قابل کشف نمی‌باشد؛ بلکه ساخته می‌شود، سوم آنکه امنیتی ساختن حاکی از نوعی ضرورت یا انتخاب جهت‌دار جهت حل مسئله می‌باشد؛ چهارم آنکه امنیتی ساختن با مفهوم امنیت ایجابی متفاوت است. امنیتی ساختن بر خارج کردن یک موضوع از دستور کار طبیعی و عادی به دستور کار فوق‌العاده و اضطراری که استفاده از وسایل و ابزار غیرمعتقول را موجه می‌سازد، دلالت دارد. درحالی‌که امنیت ایجابی بر ارتقاء امنیت و بهبود امنیتی مرجع امنیت دلالت دارد؛ پنجم آنکه امنیتی ساختن دارای بار منفی و امنیت ایجابی دارای بار مثبت می‌باشد. ششم آنکه امنیتی ساختن در حوزه سیاسی - داخلی تعریف می‌گردد و استفاده از زور را از عرصه بین‌المللی به عرصه داخلی نیز می‌کشاند (Buzan, et al., 1998: 30-29). همچنین هزینه‌های دفاع باعث کاهش توجه به سایر اهداف امنیت می‌شود. افزایش میزان هزینه‌ها در امور دفاعی طبق قاعده کمیابی منابع، منجر به کاهش سرمایه‌گذاری و توجه به سایر بخش‌ها خواهد شد و در نهایت مسائل امنیتی را در آن بخش‌ها افزایش خواهد داد. نمونه این وضعیت، اتحاد جماهیر شوروی سابق است که با صرف هزینه‌هایی هنگفت برای امنیت نظامی در کنار دیگر آسیب‌پذیری‌ها، ناامنی و بی‌ثباتی در بخش‌های اقتصادی و سیاسی را پدید آورد و منجر به اضمحلال آن رژیم گردید. همچنین مسلح شدن روزافزون ارتش، ضمن آنکه می‌تواند منجر به بالا بردن قابلیت دفاع و امنیت کشور شود، در همین حال نیز می‌تواند منجر

به افزایش قدرت رهبران و محرک و انگیزه‌ای برای اقدام علیه رژیم مستقر گردد و امنیت دولت را به مخاطره می‌اندازد. از طرفی دفاع و قدرت به‌عنوان دو عامل اصلی تأمین امنیت در درون خود پرورش‌دهنده ناامنی نیز می‌باشند. شاید بتوان گفت مانند مبحث مطلوبیت نهایی در اقتصاد، دفاع و قدرت تا اندازه‌ای در محور مثبت منحنی امنیت قرار خواهد داشت و از آن پس هر قدرت دفاعی و قدرت افزایش یابد، لزوماً به افزایش امنیت منجر نخواهد شد و احتمالاً دارای نتایج معکوسی نیز خواهد بود. (Khani, 2004: 160-157).

۴-۲- مرزهای سیاسی رژیم اسرائیل و کرانه باختری

مرزهای بین‌المللی به‌عنوان نقطه تماس میان کشورهای همسایه، در شکل‌دهی به مناسبات سیاسی و اقتصادی آن‌ها نقش برجسته عهده‌دارند. مرزهای سیاسی مهم‌ترین عامل تشخیص و جدایی یک واحد متشکل سیاسی از واحدهای دیگر است و وجود همین خطوط است که وحدت سیاسی را در یک سرزمین که ممکن است فاقد هرگونه وحدت طبیعی یا انسانی باشد ممکن می‌سازد. مرزهای سیاسی خطوطی اعتباری و قراردادی‌اند که به‌منظور تحدید حدود یک واحد سیاسی بر روی زمین مشخص می‌شوند و از بحث‌های اصلی و مهم در جغرافیای سیاسی به شمار می‌روند (Mir Haidar, 2008: 161). سرزمین کرانه غربی رود اردن از شمال، غرب و جنوب به اسرائیل محدود می‌شود و در شرق آن مرزهای کشور اردن قرار دارد. از نظر جغرافیایی عرض فلسطین اشغال‌شده از سواحل دریای مدیترانه تا خط مرزی رود اردن حدود ۷۶ کیلومتر می‌باشد. مرز رژیم اسرائیل در شمال با لبنان ۷۹ کیلومتر (اندازه مرز شهرستان سلما)، در شرق با سوریه ۷۶ کیلومتر (اندازه مرز شهرستان خوی)، در شرق با اردن ۲۶۸ کیلومتر (اندازه مرز شهرستان چابهار)، در غرب با دریای مدیترانه ۲۷۳ کیلومتر (اندازه مرز ایران با کشور قطر) و با مصر ۲۶۶ کیلومتر (اندازه مرز شهرستان سرخس)، در داخل با کرانه باختری ۳۰۷ کیلومتر (اندازه مرز شهرستان جاسک)، و با نوار غزه ۵۱ کیلومتر (اندازه مرز شهرستان آستارا) می‌باشد. (نقشه ۴-۱)



نقشه ۲. رژیم اسرائیل و مناطق اشغالی

۴-۳- شهرک‌سازی در کرانه باختری

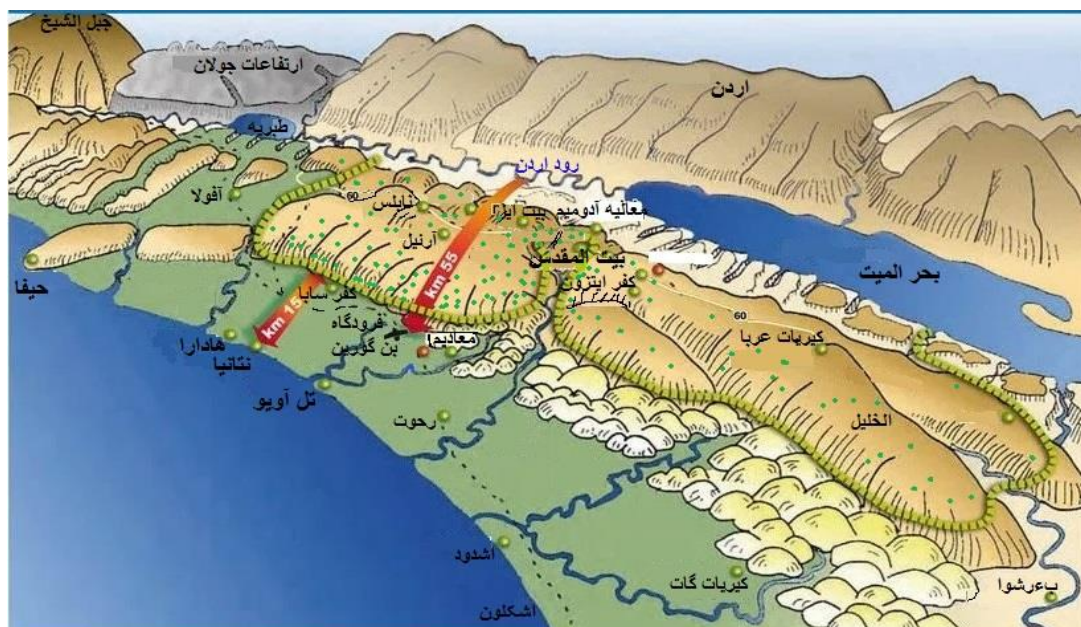
شهرک‌های یهودی‌نشین در مناطق اشغالی فلسطین، یکی از سیاست‌های اصلی رژیم صهیونیستی در حفظ امنیت و تحکیم سلطه صهیونیسم بر سرزمین‌های اشغالی، تأثیر بسزایی داشته است. این سیاست، در پی اجرای سیاست انتقال یهودیان به فلسطین، باهدف یهودی‌سازی این سرزمین، از زمان تشکیل اولین کنگره صهیونیست‌ها در سال ۱۸۹۷ میلادی در دستور کار جنبش صهیونیسم قرار گرفت و از زمان تشکیل رژیم صهیونیستی نیز روند تصاعدی پیدا کرد. در تأیید این سیاست، گلدا مایر نخست‌وزیر وقت اسرائیل گفته است: "مرزهای مشخصی برای اسرائیل وجود ندارد و مرز اسرائیل تا جایی است که یهودیان در آن اقامت دارند (palpedia.maarefelestin.com). از سال ۱۹۶۷ میلادی شهرک‌سازی و اسکان یهودیان در سرزمین‌های اشغالی با طرح بزرگ شهرک‌سازی "ایگال آلون" در کرانه باختری آغاز شد. رژیم اسرائیل با سیاست اشغالگری خود مناطق مهم- راهبردی و دارای منابع طبیعی قابل توجه (ازجمله آب- خاک مرغوب جهت کشاورزی- موقعیت استراتژیک- دسترسی به دریا و راه‌های منطقه‌ای و نیز دارای ملاک‌های مذهبی و) را با حمایت‌های مادی و معنوی برای ایجاد شهرک‌های صهیونیست‌نشین انتخاب می‌کنند و دست به ساخت‌وسازهای گسترده و اسکان یهودیان مهاجر می‌زند. اسکان یهودیان مهاجر در این شهرک‌ها از نظر رژیم اسرائیل اشغال قطعی و غیرقابل بازگشت محسوب می‌شود. نمونه عینی چنین فعالیتی در بیت‌المقدس اجرا شده است. صهیونیست‌ها با ایجاد شهرک‌های

یهودی‌نشین متعدد در شرق آن - راه دسترسی فلسطینیان را به بیت‌المقدس قطع و درصدد تکمیل پروژه اشغال آن برآمدند همچنین این اقدام راهی برای کوچاندن و آوارگی فلسطینی‌ها به حساب می‌آید شهرک‌سازی در استراتژی‌های اصلی رژیم صهیونیستی از چنان جایگاه مهمی برخوردار است که علی‌رغم تلاش‌های بین‌المللی و حتی آمریکا برای توقف توسعه شهرک‌ها این رژیم نه تنها توسعه شهرک‌ها را متوقف نکرده بلکه آن را به عنوان راهبردی برای استمرار انتقال و اسکان یهودیان جهان به فلسطین ادامه داد. از نگاه صهیونیست‌ها تقریباً نیم میلیون یهودی در حال حاضر در بیش از ۱۴۰ شهرک شناخته شده و ۷۰ مورد شهرک "غیرقانونی" در اراضی اشغالی کرانه باختری زندگی می‌کنند. (israelhayom.com, 2020: 1)

۴-۴- قلمرو و توپوگرافی کرانه باختری

وسعت یک کشور یکی از عوامل مهم و اساسی در قدرت یک کشور محسوب می‌شود و در معادلات سیاسی و نظامی و اقتصادی کشورها از جایگاه مهمی برخوردار بوده و عاملی تعیین کننده است. وسعت سرزمین کرانه باختری ۲۱۸۰ مایل مربع (۵۶۵۰ کیلومتر مربع) است. کرانه باختری از نظر توپوگرافی یک کشور جلگه‌ای و مسطح محسوب می‌شود و بیش از ۹۰ درصد قلمرو این سرزمین را جلگه‌ها و دشت‌های مسطح نسبتاً بی عارضه تشکیل می‌دهد. از نظر جغرافیایی، کرانه باختری بیشتر متشکل از تپه‌های سنگ آهکی شمال - جنوب گرا (بانام متعارف تپه‌های سامریان در شمال اورشلیم و تپه‌های یهودیه در جنوب اورشلیم) با ارتفاع متوسط ۲۳۰۰ تا ۳۰۰۰ فوت (۷۰۰ تا ۹۰۰ متر) است. این تپه‌ها به سمت شرق و دره کم ارتفاع^۱ از رود اردن و دریای بحر المیت پایین می‌آیند. کرانه باختری کاملاً در سیستم زهکشی رود اردن قرار ندارد، زیرا مناطق مرتفع در غرب باعث سرچشمه نهرهایی می‌شوند که از غرب به دریای مدیترانه می‌ریزند. توپوگرافی کرانه باختری نشان می‌دهد که زمین‌های بین دریا تا خط سبز کرانه باختری یعنی ۱۵ کیلومتر عمق نوار ساحلی بدون ارتفاع می‌باشد و عملاً ساکنان کرانه باختری مشرف بر نوار ساحلی رژیم اسرائیل هستند. (نقشه ۴-۲)

1. Great Rift



نقشه ۳. توپوگرافی موقعیت جغرافیایی و پستی و بلندی‌های کرانه باختری

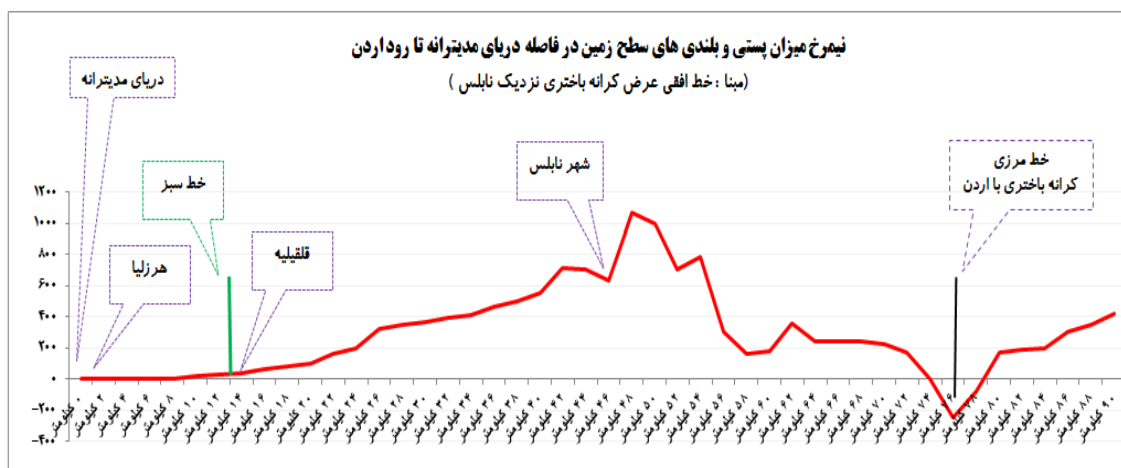
مأخذ: (Authors)

۵- یافته‌ها

۵-۱- استراتژی توسعه سرزمینی با شهرک‌سازی

کرانه باختری پوشیده از کوه است که از شمال به جنوب کشیده شده است. از دیدگاه نظامی، هر کس بر این ارتفاعات مسلط باشد کنترل دشت ساحلی سمت غرب کوه، و دره رود اردن در شرق را نیز در دست خواهد داشت. اگر دیدگاه ایدئولوژیک مهاجران اسکان‌یافته یهودی را کنار بگذاریم، که زندگی را در مکانی که یهودا و سامره (کرانه باختری) می‌خوانند طبق کتاب مقدسشان حق خود می‌دانند، دیدگاه نظامی اسرائیلی‌ها این است که نباید به هیچ نیروی غیر اسرائیلی اجازه داد که کنترل این بلندی‌ها را به دست گیرد، چون می‌تواند با سلاح سنگین به دشت ساحلی که ۷۰ درصد جمعیت اسرائیل در آن ساکن است شلیک کند. مهم‌ترین جاده‌های کشور هم از این دشت می‌گذرد، و بسیاری از شرکت‌های موفق فناوری، فرودگاه بین‌المللی و بیشتر صنایع سنگین اسرائیل هم در این بخش قرار دارد. از طرفی مسافت بین مرز کرانه باختری تا تل‌آویو در باریک‌ترین بخش حدود ۱۴ کیلومتر است، و از طریق کرانه باختری هر ارتش نصف و نیمه‌ای هم می‌تواند اسرائیل را دو شقه کند (Scarlett, 2020: 194). بر پایه همین نگاه پدافندی سازمان‌های یهودی از اوایل قرن بیستم به تدریج شهرک‌های یهودی‌نشین (موشاو و کبوتص) را ایجاد کردند. این شهرک‌ها زمینه جذب یهودیان و سازمان‌دهی آن‌ها قبل از تشکیل رژیم اسرائیل را فراهم کرد. این رژیم برای اینکه از عمق سرزمینی کافی برخوردار باشد بخش‌های

مرغوب و استراتژیک از کرانه باختری را طی ۵۰ سال گذشته با ساخت شهرک در لابه‌لای روستاها و شهرهای فلسطینی این مناطق را به اشغال خود درآورده است که در شکل زیر نیمرخ عرض محدوده تل‌آویو تا دره اردن ترسیم شده است.

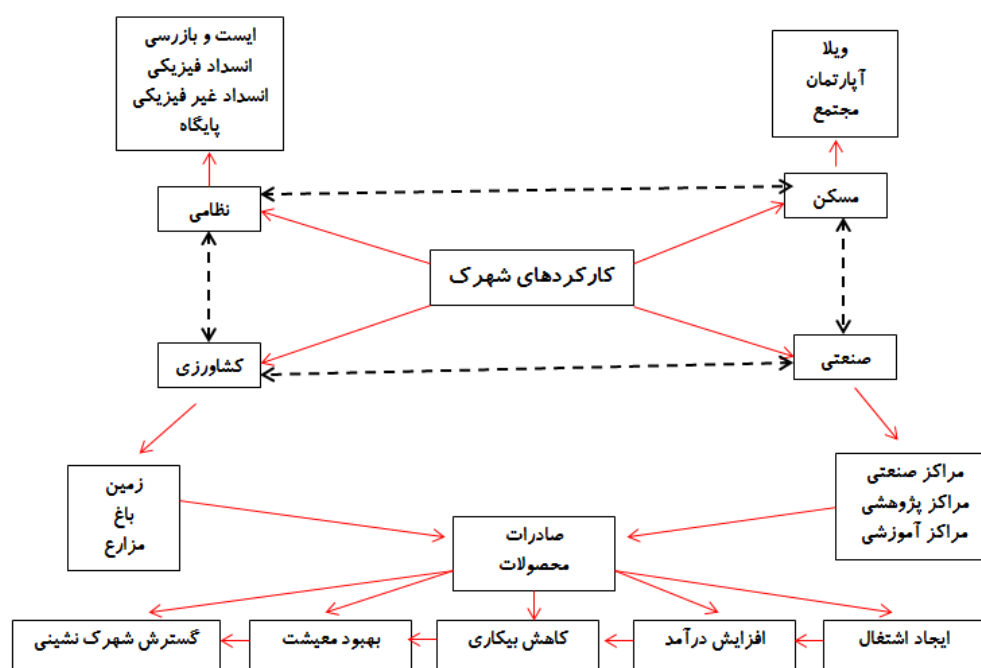


نمودار ۱. نیمرخ پستی و بلندی سطح زمین در فاصله دریای مدیترانه تا رود اردن

مأخذ: (Authors)

پدیده مهاجرت نه تنها به بهبود نیروی متخصص و کارا کمک کرد بلکه در شکوفایی صنایع مادر و اساسی اسرائیل نقش بسزایی داشت. بخش ساختمان و برج‌سازی رونق گسترده‌ای پیدا کرد به علاوه این که یهودیان مهاجر اموال فراوانی را با خود به فلسطین می‌آوردند (Al-Rawi, 1985: 47). طبیعی است که این مهاجرت گزینشی بر وضعیت جامعه یهودیان و به تبع آن افزایش جمعیت آن‌ها تأثیرات مثبتی داشته باشد. اسرائیل بسیاری از منابع مالی خود را برای اعطای امتیازات و خدمات اجتماعی به مهاجران بسیج کرد. حجم تسهیلات و خدمات اجتماعی که این دولت برای هر فردی اختصاص می‌دهد بسیار بالاست. با توجه به این برنامه خدماتی اسرائیل برای اولین فرزند خانواده تسهیلات زیادی را در اختیار خانواده‌اش قرار می‌دهد و به همان مقدار هراندازه که جمعیت خانواده افزایش یابد تسهیلات نیز افزایش می‌یابد (1: Radis, 2003). با افزایش تعداد شهرک‌ها و شهرک‌نشینان در کرانه باختری، اسرائیل با ایجاد مراکز نظامی جهت تأمین امنیت آن‌ها و راه‌اندازی تأسیسات زیر بنایی و جاده و راه‌آهن و احداث پروژه‌های بزرگ اقتصادی و کشاورزی و ارائه تسهیلات ویژه به شهرک‌نشینان نمود. در پی سرمایه‌گذاری‌های مستمر اسرائیل در مناطق شهرک‌نشین، این مناطق خیلی سریع توسعه یافته و شهرک‌نشینان صاحب سرمایه‌های کلانی شده و گسترش شهرک‌نشینانی استمرار یافت. در طی دوره گذشته رژیم اسرائیل با مهاجرت، خلأ جمعیتی خود را پر و میان جمعیت عرب‌ها و یهودیان توازن برقرار نمود تا این که

اوضاع سروسامان پیدا کرد و مقامات اسرائیلی شمار زیادی از فلسطینیان را به خارج تبعید کردند و در نتیجه بافت جمعیت فلسطین با این تغییرات اجباری به نفع یهودیان رقم خورد. شهرک‌ها ۴ کارکرد ویژه داشتند، با تصرف جغرافیا ساخت مسکن و باغ و کشاورزی، احداث پایگاه نظامی و ایجاد مراکز اقتصادی را دنبال می‌نمودند و در نهایت با تولید محصولات کشاورزی و صنعتی آن را به خارج صادر می‌نمودند و به مرور وضعیت اقتصادی شهرک‌نشینان تقویت می‌شد و مجدداً زمینه گسترش شهرک‌ها و اشغال مناطق جدید در دستور کار قرار می‌گرفت. در شکل زیر اینفوگرافی کارکرد شهرک‌ها را که موجب بهبود وضعیت شهرک‌نشینان و توسعه و گسترش شهرک‌ها شده را نشان می‌دهد.



نمودار ۲. اینفوگرافی کارکرد شهرک‌ها

مأخذ: (Authors)

صهیونیست‌های با نفوذ و قدرتمند با در اختیار گرفتن زمام امور شهرک‌ها روزه‌روز بر اجرای طرح‌های توسعه‌طلبانه ژئوپلیتیک شهرک‌ها را ارتقا می‌بخشند، در حال حاضر ۳ درصد صهیونیست‌ها ۶۰ درصد زمین، کیبوتص‌ها، موشاوها و شهرک‌های مدرسه را در کرانه باختری در اختیار دارند (haaretz.co.il, 2019: 4). یکی از افراد بانفوذ در عرصه شهرک‌ها شلدون آدلسون (سرمایه‌دار بزرگ صهیونیست) بود، رسانه‌های اسرائیل مأموریت اصلی شلدون آدلسون در کنگره جهانی یهودیان را آوردن یهودیان دیاسپورا به اسرائیل معرفی می‌کردند. وی معتقد بود که تورات نمی‌گوید اسرائیل باید دموکراتیک

باشد". او با توسعه شهرک‌سازی هرگز سرنوشت خود را با سرنوشت جامعه داخل اسرائیل پیوند نداد، و خدمات زیادی به دموکراسی در داخل اسرائیل وارد کرده است، وی کمک کرد تا بافت‌های اجتماعی در اسرائیل به مرز نابودی برسد، آدلسون مبالغ هنگفتی را به اهدافی اهدا کرد که باعث پیشرفت برنامه و چهره او و نتانیاهو شود ولی دموکراسی را در اسرائیل نابود کرد (1: haaretz, 2021).

۵-۲- بودجه‌های شهرک‌سازی دو دهه اخیر

بر اساس گزارشی که در سال ۱۳۸۵ به نخست‌وزیر اسرائیل ارائه شده، نشان می‌دهد که از سال ۱۹۶۷ طی ۴۰ سال گذشته، کابینه اسرائیل مبلغی بالغ بر ۶۳ میلیارد شیکل (۱۵ میلیارد دلار) یعنی ۱۵ درصد از تولید ناخالص ملی - را صرف شهرک‌سازی در کرانه باختری کرده است. گفتنی است که نیمی از این هزینه توسط وزارت دارایی کابینه اسرائیل و نیم دیگر نیز از محل سرمایه‌گذاری‌های خصوصی تأمین شده است (ynetnews.com, 2006:1). همچنین بر اساس گزارش مرکز امور اجتماعی اسرائیل، بودجه‌های اختصاص یافته به شهرک‌نشینان کرانه باختری بالغ بر دو برابر اسرائیلی‌های ساکن شهرها و روستاهای داخل اسرائیل است. طبق این گزارش بین سال‌های ۱۹۹۱ تا سال ۲۰۱۲ هر شهرک‌نشین ساکن کرانه باختری مبلغی حدود ۶۷۵ دلار در سال دریافت کرده است درحالی‌که ساکنان شهرهایی مثل تل‌آویو، رعنا و بئر السبع تنها حدود ۴۷۳ دلار در سال دریافت کرده‌اند، این در حالی است که هر شهروند عربی ساکن اسرائیل تنها ۱۸۶٫۵ دلار دریافت کرده است. در سال ۲۰۱۲ هزینه‌های هر شهرک‌نشین حدود ۱۶۰۸ دلار برای هر فرد بوده است (Ministry of Welfare and Social Affairs, 2014: 1).

همچنین آمار منتشر شده توسط وزارت دارایی رژیم اسرائیل نشان می‌دهد که هزینه اسرائیل در کرانه باختری در سال ۲۰۱۷ به ۱٫۶۵ میلیارد شیکل افزایش یافت، از ۱٫۱۹ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۶ این ارقام شامل هزینه برای پروژه‌های عمرانی عمومی، مانند جاده‌ها، مدارس، مراکز اجتماعی، کنیسه‌ها، مراکز خرید و پارک‌های صنعتی کمک‌های مالی ویژه برای دولت‌های محلی و یارانه‌های امانی می‌شوند. ساخت مدارس بیشترین رشد را در سال ۲۰۱۷ در مناطق داشته‌اند که ۶۸ درصد افزایش یافته و ساخت‌وساز جاده ۵۴ درصد افزایش یافته است (Times of Israel, 2019: 1). شهرک‌ها قطب اقتصادی بزرگی هستند که در اقتصاد اروپا و آمریکا عجبین شده‌اند به‌عنوان مثال خانواده فالیک فلوریدا، صاحبان فروشگاه‌های مختلف Duty Free Americas، یک سرمایه‌گذار عمده در شراب‌سازی هستند. تحقیقات آسوشیتدپرس سال ۲۰۱۹ نشان داد که این خانواده طی یک دهه گذشته حداقل ۵/۶ میلیون دلار به شهرک‌نشینان در کرانه باختری و شرق بیت‌المقدس کمک کرده است. از سال ۲۰۰۰، آن‌ها حداقل ۱٫۷ میلیون دلار به سیاستمداران طرفدار اسرائیل در ایالات متحده اعم از دموکرات‌ها و جمهوری خواهان از جمله ترامپ کمک کرده‌اند (msn.com/en-us/news, 2020: 1).

علاوه بر اقدامات ذکر شده، بانک‌ها نیز به ثبات شهرک‌های موجود کمک می‌کنند و امکان گسترش منطقه ساخته شده و تصرف سرزمین فلسطین را فراهم می‌کنند و الحاق منطقه را ارتقا می‌بخشند. انجمن بانک‌ها در اسرائیل و پنج بانک بزرگ و چهار بانک دیگر - بانک‌هاپوالیم، بانک تخفیف، بانک میزراهی تفهوت و اولین بانک بین‌المللی بیشترین همکاری را با شرکت‌های سازنده شهرک در کرانه باختری می‌نمایند. (1: hrw.org, 2017) همچنین بانک‌های بزرگ رژیم اسرائیل خدماتی را ارائه می‌دهند که به حمایت از شهرک‌های غیرقانونی و گسترش آن‌ها با تأمین اعتبار پروژه‌های ساختمانی، ارائه وام به شوراهای شهرک‌ها (مقامات محلی) و وام به خریداران شهرک‌ها شامل می‌شود. (1: hrw.org, 2018) باین حال بعد از شکل‌گیری "شورای عالی برنامه‌ریزی و ساخت‌وساز در کرانه باختری" طی ۲۰ سال گذشته طبق رویه رژیم اسرائیل هر سه ماه یک جلسه منظم برای تصویب برنامه‌های ساخت‌وساز و اسکان جدید، از جمله توسعه زیرساخت‌ها در شهرک‌ها و گسترش فضای عمومی در آن‌ها را عملیاتی می‌نماید.

۵-۳- رقابت انتخاباتی کنست (پارلمان) در جهت توسعه شهرک‌ها

یکی از مسئله‌های مهم و تأثیرگذار بر انتخابات کنست موضوع املاک و مستغلات می‌باشد. مسئله مسکن چنان مهم و جزو اولویت‌های تأثیرگذار در هر دوره انتخابات کنست است که صهیونیست‌ها بر روی آن مانور می‌دهند. نیر شمل، مدیرعامل شرکت اسنیر می‌گوید: "زمینه املاک و مستغلات یکی از موضوعات اصلی در هر کارزار انتخاباتی در کنار امنیت، اقتصاد، رفاه، بهداشت و غیره است. تأثیر املاک و مستغلات در تمام جنبه‌های زندگی ساکنان چشمگیر است، رهبران احزاب در اسرائیل به‌منظور کسب رأی جامعه شهرک‌نشینان برنامه‌هایی نظیر؛ خصوصی‌سازی کمیته‌های برنامه‌ریزی و ساخت‌وساز در اسرائیل و ایجاد رقابت، مسکن عمومی به‌عنوان شرط اخذ مجوزهای ساختمانی، کاهش مالیات بر سرمایه‌گذاران، توسعه قطارهای پرسرعت و مناطق اشتغال، ... را اجرایی می‌نمایند. مقامات احزاب سیاسی به‌منظور خدمت فراقانونی به شهرک‌ها تلاش می‌نمایند که رویه‌های غیرقانونی شهرک‌نشینان را به‌صورت رسمی قانونی نمایند. به‌طوری‌که کابینه رژیم اسرائیل لایحه‌ای در حمایت از شهرک‌نشینان مبنی بر قانونی کردن پاسگاه‌های غیرقانونی در کرانه باختری، این لایحه اجازه می‌دهد ۷۰ پاسگاه در کرانه باختری ظرف مدت دو سال مجاز شوند. با توجه به فضای انتخابات در سرزمین‌های اشغالی و به‌منظور کسب رأی شهرک‌ها، کنست رأی مقدماتی را برای قانونی کردن پاسگاه‌های کرانه باختری مجوز رسمی اعطا می‌کند (1: Jerusalem Post, 2021).

از زمان اشغال فلسطین مهاجران و یهودیان خارج از سرزمین‌های اشغالی با سفر به سرزمین‌های اشغالی منافعی را رقم‌زده که هنوز در کشورهای دیگر ساکن هستند. در سال ۲۰۲۰ لایحه جدید در کنست پیشنهاد شد که طبق آن رژیم اسرائیل موظف است با رهبران یهودی در دیاسپورا در مورد قوانینی که مربوط به موضوعاتی است که برای همه یهودیان جهان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، مشورت کند. اعضای دیاسپورا یهودی در حال حاضر بیش از حد در امور اسرائیل

تأثیر دارند. از این رو، نه تنها خارجی‌ها بر سیاست مهاجرتی اسرائیل تسلط دارند، بلکه از نظر مدیریت اسرائیل بر اراضی عمومی نیز قدرت چشمگیری دارند. (Shvili, 2020: 1)

۵-۴- نقش آفرینی شهرک‌ها در تشکیل کابینه یا فروپاشی کابینه اسرائیل بعد از سال ۲۰۰۰

رژیم اسرائیل طی ۷۳ سال گذشته تاکنون ۲۴ دوره انتخابات کنست داشته و ۳۶ کابینه تشکیل داده است، به طور متوسط طول عمر هر دوره کنست ۳ سال و کابینه ۲ سال بوده است. دلیل اصلی فروپاشی کنست یا کابینه موضوع شهرک‌ها بوده است. نفوذ شهرک‌ها در شکل‌گیری کابینه‌ها چنان بوده که این رژیم در طی ۳ سال گذشته توان تشکیل کابینه را نداشته است به همین دلیل مقامات سیاسی همیشه به دنبال جلب رضایت سرمایه‌گذاران شهرک‌ها و ساکنان آن بوده‌اند. نتانیاهو با تخصیص اعتبار مالی به شهرک‌ها توانسته حمایت اکثر آن‌ها را کسب نماید، شورای شهرک‌نشینان با حضور در دفتر نتانیاهو در اورشلیم (بیت المقدس غربی) با صدور بیانیه حمایت از نخست‌وزیر نتانیاهو اعلام کرده‌اند: "آقای نخست‌وزیر، روسای شهرک در یهودا، سامریا (کرانه باختری) و دره اردن ابراز حمایت خود و تقویت دوستی با شما می‌کنند. ما می‌خواهیم شاهد نعمت مداوم شما برای کشور اسرائیل باشیم. ما در کنار شما هستیم." (1: haaretz.co.il, 2019). در کرانه باختری اجرای سیاست شهرک‌سازی، رفته‌رفته در برنامه‌های حزبی و انتخاباتی تجلی‌یافته و شناسایی مناطق اصلی برای اسکان یهودیان و شهرک‌سازی، تأمین ردیف بودجه‌ای اعتبارات امنیتی استراتژیک و سیاست توسعه‌طلبانه در آن مناطق مشخص می‌شود. این تبعیض چنان سازمان‌یافته است که اعتراض و تظاهرات احزاب مخالف هم تأثیری ندارد. لیونی وزیر خارجه سابق اسرائیل معتقد است نتانیاهو فردی است که دموکراسی را از بین می‌برد و جامعه اسرائیل را از بین می‌برد. و نخست‌وزیر در این مسئله مسئول هستید و نمی‌توانید دموکراسی را قربانی کنید (1: haaretz.co.il, 2020). توجه به یک اقلیت شهرک‌نشین کارکردهای دموکراسی و انتخابات آزاد را از بین می‌برد.

شهرک‌نشینان علاوه بر انتخابات اسرائیل، با ورود مستقیم به عرصه رقابت‌های انتخاباتی آمریکا به نفع کاندیدای موردنظر خود تبلیغات می‌نمایند به طوری که برای انتخاب مجدد ترامپ در آمریکا مراسم نیایش و دعا برگزار کردند (1: ynetnews.com, 2020). همچنین برخی از مقامات سیاسی آمریکا با حضور در شهرک‌های کرانه باختری به دنبال اهداف سیاسی آینده خود هستند. پمپئو در آخرین سفر قبل از تشکیل دولت بایدن با سفر به کرانه باختری از برخی پروژه‌های شهرک‌ها بازدید نمود، بازدید پمپئو از کارخانه شراب‌سازی پساگات^۱ و تولید محصولی جدید با برند پمپئو نشان‌دهنده برنامه‌ریزی برای انتخابات ۲۰۲۴ آمریکا می‌باشد. قبل از پمپئو، مایک‌هاکی فرماندار سابق آرکانزاس برای مبارزات انتخاباتی ریاست جمهوری ۲۰۱۶ ایالات متحده در سال ۲۰۱۵ از شهرک‌ها بازدید کرد (1: Lazarov, 2020). وضعیت شهرک‌ها در کرانه باختری و وضعیت محیطی رژیم اسرائیل به سمتی می‌رود که اسرائیل فارغ از تمامی تهدیدات

1. Psagot

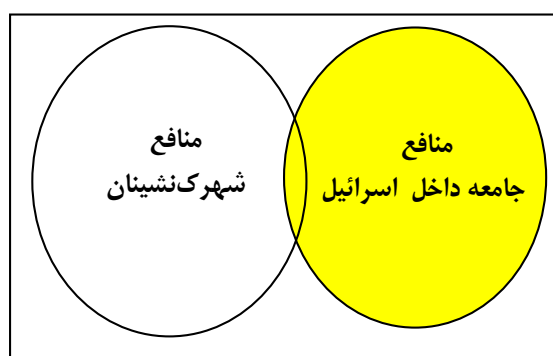
خارجی، در درون با وضعیت ناامنی مواجه شده است. یوال دیسکین رئیس سابق شاباک (سرویس امنیت داخل اسرائیل) در این راستا اعلام کرد، اسرائیل اگر اکنون شرایط خود را اصلاح نکند، زمانی ارزشمند را از دست خواهد داد و ممکن است «دولت اسرائیل» چند سال بعد در چنین روزی کاملاً نابود شده باشد. وی به بحران سیاسی که امروز گریبان گیر صهیونیست‌ها شده اشاره و عدم موفقیت در تشکیل یک کابینه پایدار و باثبات را یک نمایش سیاسی بیهوده توصیف کرد که در شرایط بحرانی اسرائیل، فرصت پرداختن به مسائل استراتژیک و حاکمیتی که با تشدید شیوع کرونا افزایش یافته را می‌گیرد. همچنین تغییرات جمعیتی و اجتماعی و اقتصادی که ماهیت اسرائیل را تغییر می‌دهد و پس از یک نسل تهدیدی جدی برای موجودیت آن محسوب می‌شود. اختلافات داخلی اسرائیلی‌ها در حال شدت گرفتن است و درحالی که شکاف میان احزاب راست‌گرا و چپ‌گرا بیشتر از شکاف میان یهودیان و اعراب شده، عدم اعتماد به موسسه‌های حاکمیتی در حال افزایش است، فساد در دستگاه حاکمیتی و داخلی بیداد می‌کند، همبستگی اجتماعی بسیار کم بوده و رهبری اسرائیل فاقد الگوی مشخص و کارآمد است. بسیاری از اسرائیلی‌ها ثمره ذهنیت عصبانی «میکی زوهار» (رئیس ائتلاف کابینه رژیم اسرائیل) هستیم و کاملاً روشن است که دولت اسرائیل قادر به اداره بسیاری از مناطق خود در النقب، الجلیل و قدس نیست. با توجه به واقعیت‌های موجود و اطلاعات اداره مرکزی اسرائیل به‌زودی می‌فهمیم که بعد از ۴۰ سال نیمی از «شهروندان» اسرائیل، حریدی (شهرک‌نشینان) و عرب خواهند بود. بسیار مهم است که ما بفهمیم امروز عامل مشترک میان این دو جامعه چیست و چگونه بعد از گذشت سی یا چهل سال موجودیت اسرائیل را تحت تأثیر قرار می‌دهند. طی سال‌های گذشته «دولت‌های» مختلف اسرائیل این دو گروه جمعیتی را نادیده گرفتند. بنابراین هر دو گروه به‌اندازه کافی در نهادهای اجتماعی و اقتصادی اسرائیلی ادغام نشده و علاوه بر آن هیچ‌یک از آن‌ها بار نظامی و خدماتی اسرائیل را بر دوش نداشته‌اند. به این ترتیب سرانجام اسرائیل قادر به کنترل آن‌ها نخواهد بود. به اعتقاد وی جامعه اسرائیل در این شرایط قادر به مقاومت در برابر چالش‌های اقتصادی و اجتماعی و امنیتی نخواهد بود و نکته خطرناک‌تر ماجرا آنجاست که بسیاری از اسرائیلی‌ها ترجیح می‌دهند در کشورهای دیگر و جدا از هم زندگی کنند (ynetnews.com, 2020: 1).

۵-۵- تضاد منافع شهرک‌ها با ساکنان داخل اسرائیل

یهودیان ساکن اسرائیل معتقدند که شهرک‌ها به‌عنوان صاحبان منفعت و قدرت در سرزمین‌های اشغالی، با نفوذ در منابع مادی و معنوی قدرت رژیم اسرائیل، و با انتخاب ساختار اداری، عوامل و عناصر همگرا، به قدرت دسترسی پیدا کرده و واژه امنیت ملی با سیاق خود را بازتعریف می‌نمایند و نتیجه اقدامات صاحبان قدرت موجب شکل‌گیری ساختاری متناسب با نظر آن‌ها برای به حداکثر رساندن میزان اشرافیت کنترل جامعه داخل اسرائیل انجام می‌دهند. دسترسی شهرک‌ها به قدرت را می‌توان در سه محور ذیل بیان نمود:

۵-۱-۱- منافع ناهم‌سو

بر اساس واقعیت‌های حاکم بر تصمیم‌گیری شهرک‌ها، منافع شهرک‌ها و منافع جامعه داخل اسرائیل به‌ندرت می‌توانند یکی باشند. فرآیند سنتی تصمیم‌گیری چنین فرض می‌کند که منافع هر دو یکی است.



نمودار ۳. تضاد منافع جامعه اسرائیل و شهرک‌نشینان

شهرک‌نشین بر اساس رهیافت‌های مادی و معنوی دنبال توسعه خود هستند و این به نفع جامعه داخل اسرائیل نیست. همچنین شهرک‌نشینان به دلیل نگاه ایدئولوژیکی و فرهنگی و ارتباط محفلی با سیاستمداران در داخل اسرائیل از جایگاه سیاسی بالایی برخوردارند به همین دلیل شهرک‌ها از نظر وزن رأی‌دهی در انتخابات تأثیرگذارترین گروه تلقی می‌شوند.

۵-۲- کنترل منابع کلیدی

شهرک‌ها با نفوذ در حوزه تصمیم‌گیری کلان در داخل سرزمین‌های اشغالی، با کسب قدرت تلاش نموده‌اند تا با کنترل منابع، اولویت‌ها و ملاحظات دیپلماتیک و امنیتی را از زاویه شهرک‌ها معرفی کنند.

۵-۳- حضور در مرکز قدرت

شهرک‌ها با قرار گرفتن و واقع‌شدن در مراکز قدرت از طریق پارلمان و کابینه امنیتی می‌توانند تصمیم‌گیرنده در حوزه‌های دیپلماتیک، سیاسی و امنیتی باشند. زیرا پست و جایگاه به آن‌ها اجازه می‌دهد وظایف و یا کارکردهای خود را منسجم کرده و یا وابستگی‌های به داخل جامعه اسرائیل و سایرین را کاهش دهند. شهرک‌ها در واقع در پی حداکثر کردن قدرت و تثبیت وضعیت خود در رقابت با جامعه داخل اسرائیل هستند. این گروه در عرصه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و امنیتی در بین تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی‌ها نقش ایفا می‌نمایند که منجر به افزایش قدرت ژئوپلیتیکی شهرک‌ها می‌شود.

۶- تجزیه و تحلیل

صهیونیست‌ها هدفشان از شهرک‌سازی تأمین و نگهداری مناطق اشغال‌شده سال ۱۹۶۷ و ایجاد امنیت برای یهودیان ساکن مناطق ۱۹۴۸ بوده است. جامعه اسرائیل دارای سه ویژگی مهم است و همه رخداد‌های مربوط به اسرائیل مرتبط با این سه ویژگی است: نخست این که، اکثریت جامعه از مهاجران یا فرزندان آن‌ها تشکیل شده است؛ دوم این که این جامعه، جامعه اسکان‌یافتگان است، بدین معنا که این جامعه صرفاً جامعه مهاجران تلقی نمی‌شود، بلکه در نتیجه فعالیت‌های توسعه‌طلبانه تشکیل شده است؛ سوم تنوع قومی جامعه اسرائیل است. این تعدد خرده‌فرهنگ‌ها، اقوام و زبان‌ها ناهمگونی‌هایی را در جامعه اسرائیل ایجاد کرده است. این ناهمگونی‌ها در قالب قومیت‌ها، فرهنگ‌ها و نگرش‌های مختلف مذهبی تجلی پیدا کرده و به شکاف‌های اجتماعی منجر شده که با توجه به ورود مهاجران جدید و توسعه روزافزون شهرک‌ها روند موجود امنیت پایدار اسرائیل را تهدید می‌کند.

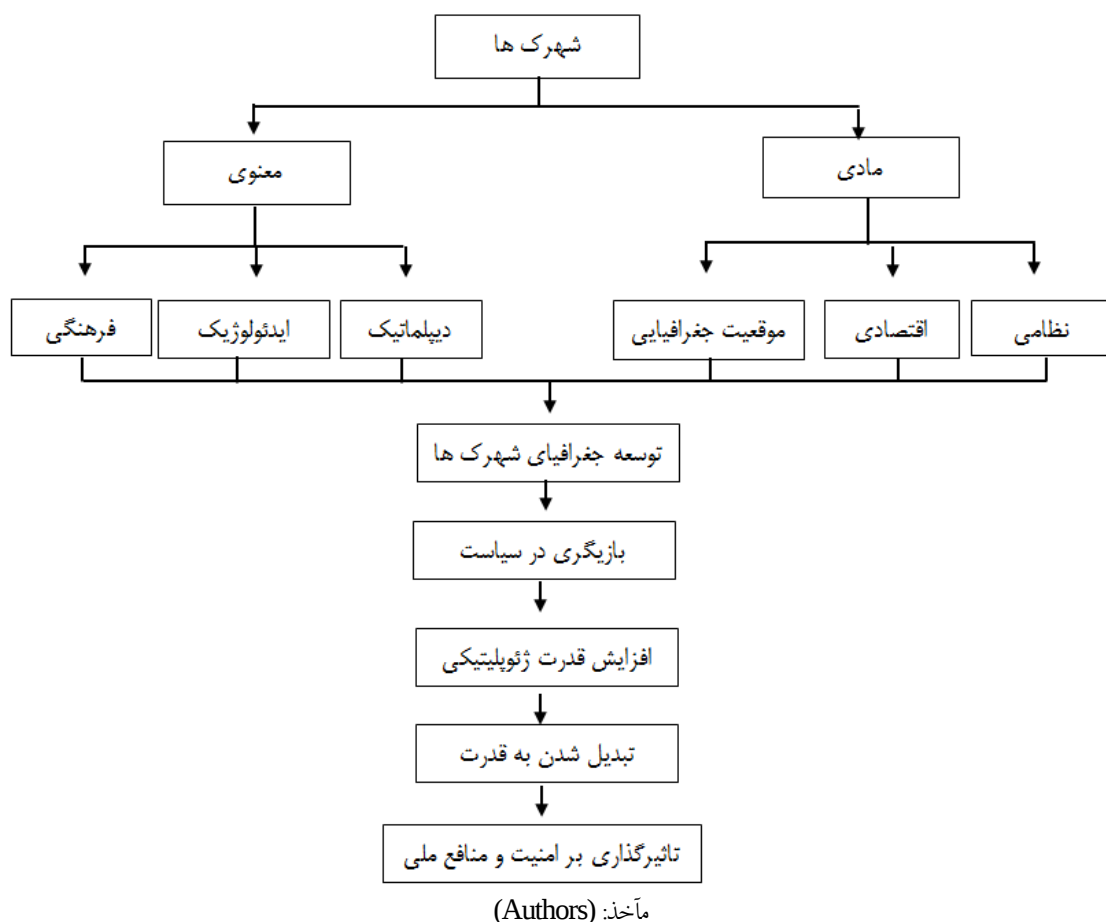
امنیت همواره مهم‌ترین عامل برای جذب شهرک‌نشینان و مهاجران جدید به سرزمین‌های اشغالی و فراهم کردن امکانات رفاهی برای آن‌ها به شمار رفته است. از منظر جغرافیایی - سیاسی، مهاجرت در سازمان‌دهی سیاسی، فرهنگی - اجتماعی و اقتصادی فضای اسرائیل، پتانسیل بالایی برای ایجاد مشکلات مختلف امنیتی از قبیل «از نظر پراکندگی جغرافیایی جمعیت»: شکل‌گیری الگوی توزیع ناهماهنگ جمعیت، تشدید ناهنجاری‌های فضایی در شطرنج تنوع زبانی و قومی اسرائیل، خلق توپوگرافی ناهنجار فرهنگی - هویتی، تضعیف و تشدید حس تعلق مکانی در میان گروه‌های مختلف جمعیتی مهاجر، خلق فضاهای انفجار آمیز و فاقد یکپارچگی فرهنگی - هویتی در مراکز مهاجرپذیر و از نظر ساختار سیاسی - اقتصادی - فرهنگی متمرکز در سرزمین‌های اشغالی، تشدید روزافزون جابه‌جایی‌های جمعیتی در مناطق اشغالی در انطباق با الگوی شکل‌گیری جغرافیای قدرت، تشدید رابطه مرکز - پیرامون میان جغرافیای قدرت (مراکز مهاجرپذیر) و جغرافیای فقر، خلق و تشدید انواع شکاف‌های فضایی (سیاسی - اقتصادی - فرهنگی) میان مرکز و پیرامون سرزمینی - قومیتی، در مناطق اشغالی دارد که می‌توان گفت آینده امنیت اسرائیل با شهرک‌سازی نسبت عکس دارد. یعنی با گسترش شهرک‌سازی، امنیت در سرزمین‌های اشغالی کاهش می‌یابد. یافته‌های موجود نشان می‌دهد که شهرک‌سازی بر اساس رهیافت و راهبرد تأمین امنیت اسرائیل پایه‌گذاری شده ولی بعد از سال ۲۰۰۰ میلادی و تخلیه نوار غزه و جنگ ۳۳ روزه صهیونیست‌ها هیچ‌وقت فکر نمی‌کردند ساکنان شهرک‌ها خود به‌عنوان معضلی امنیتی برای اسرائیل درآیند! به‌طوری‌که یووال دیسکین رئیس سابق شتاباک (سازمان امنیت داخل رژیم اسرائیل) در این زمینه اعلام کرد که "اگر اسرائیل اکنون شرایط خود را اصلاح نکند، زمانی ارزشمند را از دست خواهد داد و ممکن است [دولت اسرائیل] چند سال بعد در چنین روزی کاملاً نابود شده باشد اکنون تغییرات جمعیتی و اجتماعی و اقتصادی ماهیت اسرائیل را تغییر می‌دهد و پس از یک نسل تهدیدی جدی برای موجودیت آن محسوب می‌شود". (Diskin, 2021: 1). در حال حاضر شهرک‌سازی و شهرک‌نشینان نفوذ و

قدرت زیادی در کابینه اسرائیل دارند و بر این اساس خواسته‌های خود را به شکل‌های فراقانونی و غیرقانونی دنبال می‌نمایند، به‌مرورزمان و استمرار این فرهنگ باعث شده که شهرک‌نشینان معضل امنیتی جدی برای اسرائیل و ساکنان اسرائیل مطرح شوند. بر این اساس در طی چند سال گذشته اسرائیل بیش از هرزمانی در عرصه بین‌المللی منزوی‌تر شده و هرروز با مصادیق و چاله‌های امنیتی جدیدی مواجه می‌شود، لذا به همین دلیل یکی از مأموریت‌های فعلی پلیس و مسئولین امنیتی اسرائیل کنترل و مهار شهرک‌نشینان تعریف شده است.

همچنین شهرک‌نشینان ظرفیت و قابلیت و نقش فعال و اثرگذاری در عرصه انتخابات اسرائیل دارند و به همین دلیل احزاب سیاسی همیشه به دنبال کسب رأی این جمعیت بوده‌اند. چراکه این احزاب، آینده خود و دسترسی به منابع قدرت را درگرو حمایت از شهرک‌سازی‌ها می‌بینند و از طرفی شهرک‌نشینان هم امنیت خود را درگرو انتخاب کسانی می‌بینند که از سیاست شهرک‌سازی و افزایش قدرت ژئوپلیتیکی شهرک‌ها حمایت می‌کنند. برخی از رهبران اسرائیل با قربانی کردن امنیت ملی اسرائیل به دنبال اهداف حزبی خود می‌باشند، به همین دلیل در انتخابات احزاب اسرائیل با بحران‌های اجتماعی و اقتصادی متعددی روبرو می‌شوند که پاشنه آشیل صهیونیست‌ها در حال حاضر و آینده نزدیک می‌باشد.

۷- نتیجه‌گیری

نتایج مطالعات نشان می‌دهد که در دوره ۲۰ ساله (۲۰۲۰-۲۰۰۰) در شهرک‌های کرانه باختری قدرت‌های مافیایی با رانت‌های مادی و معنوی که از طرف افراد بانفوذ در جامعه صهیونیستی و کابینه اسرائیل، تحت عنوان تصرف غیرقانونی زمین و ساخت‌وساز و توسعه شهرک‌سازی در کرانه باختری و تزریق جمعیت در آن‌ها، در اختیارشان قرار می‌گیرد موجب قدرتمند شدن توان مالی و نفوذ شرکت‌های صنعتی و ساخت‌وساز جریان مافیایی در داخل این رژیم می‌شود.



شهرک‌سازی و شهرک‌نشینان با قدرت سیاسی و نفوذ زیادی که دارند بر امنیت و منافع ملی تأثیرگذار بوده و تنها به دنبال منافع خود هستند و سرنوشت ساکنان اسرائیل اهمیتی نمی‌دهند و با رفتارها و اقدامات خود باری ضد امنیتی بر دوش جامعه داخل این رژیم هستند و عملاً از جامعه داخل به عنوان نیروی پدافندی برای تأمین امنیت خود استفاده می‌کنند. خصائصی چون نژادپرستی، توسعه‌طلبی و تروریسم دولتی، با رفتار عملی تل‌آویو در باب تأسیس شهرک‌ها عجین شده و همین امر باعث شده که ملاحظات امنیتی، حجم عظیمی از استراتژی ملی این رژیم را دربرگیرد. شهرک‌نشینان در ابتدا اثرات منفی در محیط اجتماعی با فلسطینی‌ها داشتند ولی به مرور پس از گذشت ۷۳ سال مطالبات و نیازها این جمعیت با سایر ساکنان سرزمین‌های اشغالی متفاوت است، به‌طوری‌که وضعیت شکننده جغرافیای ژئوپلیتیکی سرزمین کرانه باختری، بحران‌های متعدد در نظام حکومتی و جامعه اسرائیل باعث پیچیدگی این موضوع شده است و محیط داخل اسرائیل را تحت تأثیر منفی قرار داده و دامنه آن طی سنوات اخیر موجب ایجاد سیاه‌چاله‌هایی در حوزه امنیت ملی و کاهش

امنیت در رژیم اسرائیل شده و عملاً جامعه داخل اسرائیل نقش پدافندی در تأمین امنیت شهرک ایفا می‌نمایند و استمرار روند فعلی همانند کاتالیزوری است که بستر ساز فروپاشی اسرائیل را بسیار کمتر از دو دهه آینده رقم خواهد زد.

قدردانی

با توجه به اینکه مقاله مستخرج از رساله دکتری می‌باشد، لذا نویسندگان از حمایت‌های مادی و معنوی معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز و همه کسانی که در نگارش مقاله حاضر با نظرات سازنده و اصلاحی خود بر غنای آن افزوده‌اند، کمال تشکر را دارند.

کتابنامه

1. Al-Rawi Mansour, (1985). *The New Prosperity and the Straight Policy for Israel the Palestinian Arab Branch in Demographic Characteristics for the Palestinian Branch*. Lobnan: Beirut Al-Nadhal Publications.
2. Buzan, B., Waver, O., & Wild, J., (1998). *Security: Anew framework for Analysis*. United States: Boulder: Lynne Rienner Publishers.
3. Diskin, Y., (2021). Israel is likely to be destroyed in a generation. *Yedioth Ahronoth Newspaper*, p.1. [In Hebrew]
4. Jaris, S., (2002). *Zionist Structures*. (Qabs Zafarani, Trans.). Iran, Tehran: Publications of the Office of Political and International Studies of the Ministry of Foreign Affairs.[In Persian]
5. Jerusalem Post (2021). Knesset issues preliminary vote to legalize West Bank checkpoints, <https://www.jpost.com/articlearchive/listarticlearchive.aspx>.
6. Karlstrom, G., (2020). *The end of Israel; Collapse from within*. Iran, Tehran: Didman Publishing.[In Persian]
7. Khani, A.A., (2004). *National Security Theories: An Introduction to National Security Doctrine Planning (1)*. Iran, Tehran: Abrar Contemporary International Cultural Studies and Research Institute.[In Persian]
8. Lazarov, T., (2020). Can Pompeo substitute a glass of Psagot wine? *Jerusalem Post*. <https://www.jpost.com/articlearchive/listarticlearchive.aspx>
9. Ministry of Welfare and Social Affairs (2014). Netanyahu's government is a government of settlers, <https://www.gov.il>
10. Mir Haidar, D., (2008). *Fundamentals of Political Geography*. Iran, Tehran: SAMT Publication.[In Persian]
11. Mousavi, S.A., (2014). Settlement Strategy and Its Impact on the Sustainable Security of the Zionist Regime. *Palestine Studies Quarterly*, 2(22-23), 67-94.[In Persian]
12. Sadat, G.R., (2008). *Information Bibliography of the Occupying Regime of Quds*. Iran, Tehran: Imam Baqir university.[In Persian]
13. Scarlett, S., (2020). In the captivity of geography. (Marjan Rezaei, Trans.). Iran, Tehran: Markaz Publishing.[In Persian]
14. Shvili, J., (2020). Should Israel consult with Diaspora Jews? *Israelhayom*. <https://www.israelhayom.com>
15. Times of Israel (2019). Trump's election appears to have boosted Israeli settlements. <https://www.timesofisrael.com/trumps-election-appears-to-boost-israeli-settlement-construction/>
16. <http://radis.org/> 23/11/2003
17. <http://www.palpedia.maarefefelestin.com/index.php>
18. <https://www.haaretz.co.il/news/politics/1.8196435-2021>

19. <https://www.haaretz.co.il/opinions/.premium-1.9315566>- 2019
20. <https://www.hrw.org/he/news/2017/09/12/308840>
21. <https://www.hrw.org/he/report/2018/05/29/318355>
22. <https://www.israelhayom.com/2020/11/13/settling-some-big-issues/>- Settling some big issues
23. <https://www.israelhayom.com/opinions/should-israel-consult-with-diaspora-jews/>
24. <https://www.msn.com/en-us/news/world/pompeo-expected-to-visit-israeli-settlement-in-parting-gift/ar-BB1b7bVD/2020/11/20>
25. <https://www.ynetnews.com/article/ryMSbtpOP>- Settlers pray for Trump re-election at biblical tomb



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)
doi <https://doi.org/10.22067/pg.2022.71770.1075>

پژوهشی

مؤلفه‌های فرهنگی مرزنشینان و نقش آن در امنیت پایدار مناطق مرزی کرمانشاه

نجات محمدی‌فر (استادیار گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه اردکان، اردکان، ایران. نویسنده مسئول)

n.mohammadifar@ardakan.ac.ir

علی مرادی (دانشیار گروه جامعه‌شناسی، واحد اسلام‌آباد غرب، دانشگاه آزاد اسلامی، اسلام‌آباد غرب، ایران)

moradi.pop@gmail.com

صص ۱۲۴-۱۰۱

چکیده

هدف این پژوهش مؤلفه‌های فرهنگی مرزنشینان و نقش آن در امنیت پایدار مناطق مرزی کرمانشاه است که در قالب فرضیه؛ بین مؤلفه‌های فرهنگی مرزنشینان و امنیت پایدار مناطق مرزی رابطه معنادار وجود دارد، موردبررسی و آزمون قرار گرفته است. پژوهش حاضر با روش ترکیبی (کمی و کیفی) انجام شد؛ به نحوی که برای بعد کمی از پیمایش و برای بعد کیفی آن از روش گرند تئوری استفاده به عمل آمد. جامعه آماری در بخش کیفی شامل صاحب‌نظران و متخصصین آگاه به موضوع پژوهش بودند. روش نمونه‌گیری در بخش کیفی به صورت هدفمند از نوع گلوله برفی بود، که با تعداد ۳۰ نخبه و صاحب‌نظر به اجماع نظری رسید. در بخش کمی جامعه آماری شامل شهروندان مناطق مرزی استان کرمانشاه بودند. که تعداد این افراد بر اساس برآوردهای اولیه ۵۴۰ نفر بودند. ابزار گردآوری اطلاعات؛ مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته و پرسشنامه‌های محقق‌ساخته بود. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها بعد از انجام مصاحبه‌ها از روش تحلیل کدگذاری برای شناسایی و اولویت‌بندی مؤلفه‌های فرهنگی و امنیت پایدار مرزی استفاده شد. همچنین در قسمت کمی مطالعه از نرم‌افزار SPSS استفاده شد. نتایج حاصل نشان می‌دهد که امنیت پایدار مرزی از دیدگاه پاسخگویان دارای ۱۹ واحد معنایی می‌باشد که در شش مقوله مشترک «امنیت اقتصادی»، «امنیت اجتماعی»، «امنیت سیاسی»، «امنیت زیست‌محیطی»، «امنیت نظامی» و «امنیت فرهنگی» قرار گرفتند. از طرفی ابعاد فرهنگی مرزنشینان مشتمل بر شش بُعد «مشارکت و تعاون»، «انسجام فرهنگی»، «تعامل دوطرفه»، «بصیرت و آگاهی»، «ایدئولوژی» و «غیرت و جوانمردی» قرار گرفتند. ماتریس همبستگی بین مقوله‌های فرهنگی و امنیت پایدار مرزی نشان می‌دهد که ارتباط معنادار و مستقیمی بین هر یک از

مؤلفه‌های این ماتریس وجود دارد. می‌توان گفت دو مقوله هسته‌ای امنیت پایدار مرزی و مؤلفه‌های فرهنگی شش‌گانه مرزنشینان در یک رابطه متقابل با هم قرار دارند؛ به نحوی که در تعامل دوطرفه این مؤلفه‌ها، سامان اجتماعی در مرزها شکل می‌گیرد و مرزنشینان شاهد نوعی امنیت پایدار می‌باشند.

واژگان کلیدی: فرهنگ، توسعه، امنیت، مرزنشینان، کرمانشاه

۱- مقدمه

حیات اجتماعی بشر با ایجاد «مرز» سامان می‌یابد. انسان‌ها در طول تاریخ همواره درصدد ایجاد حریم برای خود بوده‌اند. اگرچه با پیچیده‌تر شدن زندگی مرزهای فیزیکی به شکل مرزهای ذهنی از جمله مرزهای فرهنگی، تمدنی، مذهبی و هویتی درآمده است، لیکن بشر مدرن با تأسیس دولت - ملت بر تداوم، تحکیم و حتی توسعه مرزهای فیزیکی اهتمام نمود. اگر اساس سیاست عصر مدرن را تفاوت و منازعه بر سر منابع قلمداد کرد بی‌تردید یکی از مهم‌ترین تجلیات سیاست تحدید مرزهای «دیگران» و توسعه مرزهای «خود» است. لذا، حفظ و امنیت مرزهای جغرافیایی یکی از اولین کارکردهای سیاسی دولت‌ها است. تحقق این کارکرد تابعی از عوامل متعدد نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و حتی محیط‌زیستی است. اگرچه در جهان توسعه‌یافته تلقی از مرز تا حدود زیادی متحول شده است اما حتی در این جوامع و علیرغم درهم‌تنیدگی‌های بسیار هنوز هم مرزهای فیزیکی اعتبار خود را حفظ کرده‌اند. این مسئله یعنی ضرورت حفظ و حراست از مرزهای فیزیکی در جهان در حال توسعه و مناطق پر آشوب جهان همانند خاورمیانه اهمیت بسیار بالاتری دارد.

بنابراین، امنیت پایدار مناطق مرزی که در آن شباهت‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی - قومی توسعه همکاری‌ها را از پیش تعیین می‌کند، از اهمیت خاصی برخوردار هستند (Baggio, 2008: 16) و متأثر از عوامل مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و غیره است. در این میان، فرهنگ به عنوان میانجی یا محرک توسعه پایدار در دهه‌های اخیر توجه روزافزونی را به خود جلب کرده است و محققان بسیاری به نقش فرهنگ در دستیابی به هدف توسعه پایدار و امنیت پایدار مناطق مرزی اشاره کرده‌اند (Davies, 2020: 27). اما با وجود تأکید بر نقش متغیر فرهنگ در پژوهش‌های مربوط به امنیت پایدار مرزی، باز هم اهمیت و جایگاه مقوله فرهنگ نسبت به عوامل سیاسی و اقتصادی در این تحقیقات نقش پُرنرنگی نداشته است. سه دلیل عمده برای این کم‌اهمیتی وجود دارد: نخست، شواهد علمی موجود در مورد تأثیرات فرهنگ بر پایداری، پراکنده و نامنسجم است. چنین دانشی عمدتاً از مطالعات جداگانه‌ای جمع‌آوری شده که به دلیل مفهوم‌سازی گسترده پایداری و فرهنگ در طیف وسیعی از رشته‌ها پراکنده شده‌اند. دوم، موانع بین‌رشته‌ای در روش‌شناسی وجود دارد. تجزیه و تحلیل فرهنگی، در بیشتر موارد، شامل مطالعه موردی کیفی در اشکال مردم‌نگاری و مشاهده مشارکت‌کننده است، در حالی که علم پایداری معمولاً بر رویکردهای کمی متکی است. سوم، دانشمندان و سیاست‌گذاران تمایل دارند عوامل فرهنگی را به دلیل پیچیدگی و قابلیت اجرای پایین مداخلات فرهنگی کم‌اهمیت جلوه دهند (Zheng et al., 2021; 308).

بالین حال، در دنیایی با تنوع گسترده‌ای از سنت‌های فرهنگی، دستیابی به اهداف توسعه و امنیت پایدار مستلزم رویکردهای حساس فرهنگی است تا اقدامات تکنیکی همگن. بنابراین، درک جامع از تأثیرگذاری ارزش‌های فرهنگی یک ملت در جهت امنیت پایدار مناطق مرزی، برای روشن شدن فرصت‌های فرهنگی و موانع رفع چالش‌های مرتبط با آن ضروری است.

در این میان، تبیین وضعیت امنیت پایدار مرزی برای جمهوری اسلامی ایران با توجه به وجود لایه‌های مترامی از بحران‌های منطقه‌ای، بین‌المللی و حتی داخلی اهمیت بیشتری دارد و از آنجائی که استان کرمانشاه به دلایل مختلف در کانون بسیاری از این بحران‌ها قرار دارد درک وضعیت امنیت پایدار مرزی، شناخت مؤلفه‌های درگیر در آن و نیز ارائه مدل تأمین امنیت پایدار مرزی یک ضرورت اساسی است. مرز استان کرمانشاه با کشور عراق از جهات بوم‌شناختی، جمعیت-شناسی، قوم‌نگاری، مطالعات فرهنگی، سیاست منطقه‌ای و بین‌المللی و نیز توسعه اقتصادی حاوی پیچیدگی‌ها و مسائل مهمی است که فقدان درک دقیق آن‌ها و نداشتن مدل دقیق تأمین امنیت پایدار مرزی می‌تواند زمینه را برای وقوع آسیب‌های جبران‌ناپذیر ملی فراهم سازد. به نظر می‌رسد بخشی از منازعه و ناامنی در مرزهای استان محصول عوامل بوم‌شناسانه از جمله مؤلفه‌های فرهنگی - قومی و به‌ویژه مذهبی است. لذا در کنار عوامل بین‌المللی و منطقه‌ای باید بر سطح تحلیل اجتماعی و هویتی منطقه به‌عنوان زمینه‌های ناامنی مرزهای استان کرمانشاه توجه ویژه داشت. اینکه مردمان ساکن در مرزهای استان کرمانشاه از جهات اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، هویتی - فرهنگی و درک عناصر دولت ملی در چه وضعیتی قرار دارند، در کنار فهم شرایط منطقه‌ای و بین‌المللی می‌تواند تصمیم‌گیرندگان را به مدل استقرار امنیت پایدار مرزی رهنمون سازد. بر این اساس هدف کلی پژوهش حاضر شناخت مؤلفه‌های فرهنگی مرزنشینان و نقش آن در امنیت پایدار مناطق مرزی کرمانشاه است. همچنین فرضیه اصلی به این صورت است که بین مؤلفه‌های فرهنگی مرزنشینان و امنیت پایدار مناطق مرزی رابطه معنادار وجود دارد.

۲- ادبیات نظری پژوهش

۲-۱- مفهوم امنیت

در تعریف لغوی، امنیت حالت فراغت از هرگونه تهدید یا حمله (Ashoori, 1999: 38)، ایمن شدن، در امان بودن (Moin, 1984: 352)، رهایی از خطر، تهدید، آسیب، ترس، هراس، نگرانی یا وجود آرامش، اطمینان، آسایش، اعتماد، تأمین و ضامن است (Mandel, 2010:44).

اندیشمندان از زوایای گوناگون مفهوم امنیت را تعریف نموده‌اند: برخی بر مصونیت فعالیت‌های اقتصادی تأکید کرده‌اند. عده‌ای بر حفظ نظم قانونی و تأکید بر هویت اصیل خود در زمان و مکان، برخی بر فقدان ترس و تهدید نسبت به ارزش‌های جامعه و برخی هم امنیت را نه به‌عنوان هدف بلکه به‌عنوان یک نتیجه تعریف می‌کنند که تا زمانی که مورد

تهدید واقع نشده، مفهوم آن شناخته نمی‌شود (Ullman, 1981: 192). بوزان^۱، امنیت را مفهومی توسعه‌نیافته می‌داند که دچار طاعون ابهام است. ولفرز^۲ امنیت را به‌مثابه نماد مبهم تلقی می‌کند. مک‌سویینی^۳ مفهوم امنیت را بسیار لغزنده تلقی نموده که محمول‌های متعددی اعم از افراد، جامعه، دولت‌ها و غیره را شامل می‌شود و لذا پرسش از مفهوم امنیت در ابتدای هر پژوهشی مربوط به آن را امری ضروری می‌داند (Eftekhari, 2005: 25). در مجموع می‌توان مفهوم امنیت را به مصونیت از تعرض و تصرف اجباری بدون رضایت و در مورد افراد، به نبود هراس و بیم نسبت به حقوق و آزادی‌های مشروع و به مخاطره نیفتادن این حقوق و آزادی‌ها و مصون بودن از تهدید و خطر مرگ، بیماری، فقر و حوادث غیرمترقبه و در کل هر عاملی که آرامش انسان را از بین ببرد؛ تعریف نمود.

۲-۲- مفهوم امنیت پایدار

امنیت پایدار، مفهوم تازه‌ای است که نحوه تفکر درباره امنیت ملی در دنیای مدرن، متحول و جهانی شده را تعریف می‌کند. ما در دنیایی به‌هم‌پیوسته زندگی می‌کنیم که امنیت ما اکنون به‌طور غیرقابل‌بازگشت با امنیت دیگران در ارتباط است. این واقعیت خواستار یک الگوی جدید است که به سیاست خارجی و امنیت ملی بر توسعه در کنار دفاع و دیپلماسی تأکید دارد. امنیت پایدار، بازنگری جسورانه در مورد امنیت ملی است که به معرفی مفهوم امنیت جمعی و انسانی می‌پردازد و سه ابزار سیاست خارجی - دفاع، دیپلماسی و توسعه را تقویت می‌کند.

امنیت پایدار، امنیتی است که در طول زمان بتواند ثابت و استوار بماند و در مقابل تهدیدها بتواند خود را حفظ کند، قدرت استفاده از فرصت‌ها در مقابل تهدیدها را داشته باشد و دارای راهبردی همیشگی در مقابل راهبردی مقطعی باشد. از این منظر، کشوری از امنیت پایدار برخوردار خواهد بود که نه فقط در کوتاه‌مدت بلکه در پروسه زمانی بلندمدت، توانایی پاسخگویی به نیازهای مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در عرصه داخلی را داشته و در عرصه خارجی نیز از جایگاهی مناسب برخوردار بوده و با کوچک‌ترین تنش بنیان‌هایش به لرزه درنیاید (Abbaszade & Karami, 2011: 35). آبوت و مارسدن معتقدند که امنیت پایدار به‌منزله «مبارزه با علل» نیست بلکه به‌منزله «مقابله با علل‌ها» است. از این‌رو امنیت پایدار شامل دو مؤلفه اساسی است: الف) فهم روندهای امنیتی در هم‌تنیده و یکپارچه ب) واکنش‌های پیشگیرانه‌ی در حال تحول و توسعه. در نهایت آن‌ها معتقدند که امنیت پایدار بر چهار نیروی پیشران و به هم مرتبط ناامنی تمرکز دارد: ۱) تغییرات اقلیمی ۲) رقابت بر سر منابع ۳) به حاشیه رانده شدن اکثریت جهان ۴) نظامی شدن جهان (Abbott & Marsden, 2008: 16). مجمع جهانی اقتصاد در سال ۲۰۱۳ چهارچوب امنیت پایدار را با رویکرد اقتصادی- اجتماعی شامل هشت مؤلفه می‌داند: ۱) نقش کار ۲) سواد مالی مردم ۳) ابزارهای بخش خصوصی ۴) بازار سرمایه کارآمد ۵) وجود

1. Buzan

2. Wolfers

3. Mcsweeney

حداقل سود برای همه و تأمین اجتماعی کافی و قابل اتکا (۶) ابزارهای برای مدیریت دموکراتیک (۷) تحرک سیستم تأمین اجتماعی (۸) نظام تأمین اجتماعی منعطف و منسجم (World Economic Forum, 2014).

پایداری و مفاهیم ترکیبی آن مانند امنیت پایدار ناظر بر درک جامعی است که بر پایه آن به همه عوامل مؤثر سیاسی، اجتماعی، نظامی، اقتصادی و محیط زیستی در کنار یکدیگر و در تعامل با هم توجه می شود (Hashemi, et al. 2019: 169). بنابراین فهم امنیت پایدار مستلزم بررسی همه جنبه های آن است که در ادامه به آن ها اشاره می شود:

الف) امنیت اجتماعی: امنیت اجتماعی در درون حوزه های متفاوتی که فرد در داخل جامعه با آن ها مواجهه است گفته می شود، مانند حوزه های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و... گاه ممکن است جایگاه امنیت فردی در مقابل امنیت اجتماعی مورد سؤال قرار گیرد. امروزه امنیت اجتماعی در جامعه نه تنها به بُعد فیزیکی و مادی محدود نمی شود، بلکه به معنای احساس آرامش و اطمینان خاطر و فقدان اضطراب و ترس است. در حقیقت امنیت اجتماعی معطوف به حفظ و نوع روش زندگی است (Giddens, 1999: 120). به عبارت دیگر، امنیت اجتماعی توانایی گروه های مختلف صنفی، قومی، محلی، جنسی و ... در حفظ هستی و هویت خود است (Buzan, 1997: 40). در این پژوهش امنیت اجتماعی با استفاده از شاخص های آمایش سرزمینی، رفاه اجتماعی و توسعه اجتماعی مورد سنجش قرار گرفت.

ب) امنیت نظامی: امنیت نظامی عبارت است از میزان قابلیت نیروهای مسلح یک کشور برای حفاظت از حکومت و مردم در مقابل تهدیدهای قهرآمیز (Mandel, 2010: 67). امنیت نظامی با استفاده از دو شاخص دفع تهدیدها و فناوری نظامی نوین مورد سنجش قرار گرفت.

ج) امنیت زیست محیطی: امنیت زیست محیطی به حداقل رساندن تهدیدات انسانی به سلامت عملکرد زیست کره و در نتیجه مؤلفه های انسانی وابسته به آن است (Barnett, 1997). به عبارت دیگر، منظور از تأمین امنیت محیط زیست، محافظت در برابر تخریب محیط زیست به منظور حفظ یا محافظت از منابع انسانی، مادی و طبیعی در مقیاس های مختلف از جهانی تا محلی است (Belluck, 2007: 5). امنیت زیست محیطی، امنیتی است که در چارچوب آن برخورداری از طبیعت محیط زیست سالم و غنی، حق طبیعی انسان تلقی شود و از آن حمایت به عمل آید. در این پژوهش امنیت زیست محیطی با استفاده از دو شاخص آگاهی زیست محیطی و رفتار زیست محیطی مورد سنجش قرار گرفت.

د) امنیت اقتصادی: امنیت اقتصادی عبارت است از آزادی از هر نوع ترس، شک و ابهام در بلا اجرا ماندن تعهدات و مطالبات و درعین حال حصول اطمینان از برخورداری از ثمره فعالیت هایی که در زمینه تولید ثروت و توزیع و مصرف آن صورت می گیرد. امنیت اقتصادی، وضعیت باثباتی از شرایط و ساختار فعلی و افق معلوم و روشنی از آینده است که در آن فرد، جامعه، سازمان و دولت احساس رهایی از خطر کرده و به طور بهینه می توانند به تولید، توزیع و مصرف ثروت بپردازند. به عبارت دیگر یک جامعه را زمانی می توان از لحاظ اقتصادی ایمن دانست که ثبات در آن جامعه وجود داشته و

خانوارها و بنگاه‌ها به عنوان مهم‌ترین نهادهای اقتصاد و بازار بتوانند در محیط رقابتی سالم و با میزان اطلاعات یکسان به بهینه‌سازی رفتار خود بپردازد (Boroumand et al. 2008: 25). امنیت اقتصادی، وضعیت باثباتی از شرایط و ساختار فعلی و افق معلوم و روشنی از آینده است که در آن فرد، جامعه، سازمان و دولت احساس رهایی از خطر کرده و به‌طور بهینه می‌توانند به تولید، توزیع و مصرف ثروت بپردازند. به عبارت دیگر، یک جامعه را زمانی می‌توان از لحاظ اقتصادی ایمن دانست که ثبات در آن جامعه وجود داشته و خانوارها و بنگاه‌ها به عنوان مهم‌ترین نهادهای اقتصاد و بازار بتوانند در محیط رقابتی سالم و با میزان اطلاعات یکسان به بهینه‌سازی رفتار خود بپردازد (Atoofi & Javidan, 2016: 19). در پژوهش حاضر امنیت اقتصادی با شاخص‌هایی همچون توجه به صادرات، رونق کشاورزی و دامداری و معیشت و اشتغال موردسنجش قرار گرفته است.

و) امنیت سیاسی: امنیت سیاسی یکی از پنج بخش تحلیل در چارچوب مطالعات امنیتی کپنهاگ است. در محافل سیاسی، امنیت سیاسی بخشی از یک برنامه امنیتی بشر است (Emmers, 2007: 111). گزارش توسعه انسانی (HDR) امنیت سیاسی را به عنوان جلوگیری از سرکوب دولت، نقض منظم حقوق بشر و تهدیدات نظامی سازی تعریف کرده است (Hassan, 2015: 88). در واقع امنیت سیاسی بر بسیاری از آزادی‌هایی که جوامع دموکراتیک از آن برخوردار هستند، تأکید می‌کند (McEldowney, 2005: 766). امنیت سیاسی را می‌توان به عنوان آزادی عمل معقول تعریف کرد که به فرد امکان پیگیری و دستیابی به اهدافی را می‌دهد که بازیگران ملی دفاع از آن‌ها را حتی در صورت حضور بالقوه یا واقعی تهدیدات خارجی در سیاست جهانی ضروری می‌پندارند (Inoguchi, 2003: 106). بوزان امنیت سیاسی را به ثبات سازمانی دولت‌ها، نظام‌های حکومتی و ایدئولوژی‌های مشروعیت دهنده به آن‌ها تعریف کرد (Ahmadi Mghadam, 2010: 135). امنیت سیاسی در پژوهش حاضر با سه شاخص اقتدار سیاسی، تعامل با همسایه‌ها و نبود تعارض سیاسی موردسنجش قرار گرفت.

امنیت فرهنگی: امنیت فرهنگی ظرفیت یک جامعه برای حفاظت از ویژگی‌های خاص خود در مقابل تغییر شرایط و تهدیدات مادی و معنوی است. به عبارت دقیق‌تر امنیت فرهنگی شامل بقای الگوهای سستی زبان، فرهنگ، پیوستگی، هویت و آداب و رسوم دینی یا ملی با اجازه دادن به تغییرات قابل قبول است (Forrest, 2004: 2). در راستای این تعریف، بابالیان و رادبین (۱۳۹۳) امنیت فرهنگی را تداوم و ماندگاری الگوهای سستی زبان، آداب و رسوم، باورها، سنت‌ها، استمرار شیوه زندگی مرسوم و معمول یا سبک زندگی و حفظ و بقاء هویت ملت و نظام تحت شرایط مقبول برای تحول و تکامل اجتماعی و فرهنگی تعریف کردند (Babalian & Radbin, 2014: 25). با توجه به این تعریف، آن‌ها امنیت فرهنگی در جامعه اسلامی از منظر نهج البلاغه را با مؤلفه‌هایی همچون افزایش آگاهی و بصیرت، ایمان و دین‌باوری، گسترش امر به معروف و نهی از منکر، تولی و تبری، الگوسازی صحیح و فرهنگ علوی، پاسداشت سنت‌های صحیح گذشتگان،

مصون‌سازی از طریق تقویت نهاد خانواده و خودباوری و برقراری عدالت موردبررسی قرار دادند. پژوهش حاضر با وام گرفتن برخی از مؤلفه‌های مورد نظر و جرح و تعدیل آن‌ها امنیت فرهنگی را در مؤلفه‌های زیر موردسنجش قرار داد:

جهاد با بصیرت و آگاهانه: به معنای ایثار جان و مال در راه اعتلای اسلام و پایداری در راه اقامه شعائر دینی با تحمل مشکلات و مقاومت در برابر طوفان حوادث همراه با توان تشخیص حق از باطل و پی بردن به کنه فتنه و رفتار منافقانه دشمنانی که به منظور رخنه در صفوف مسلمین لباس مسلمانی پوشیده‌اند.

مؤلفه فکری و اعتقادی (ایدئولوژی): به معنای شناخت بنیان‌های اعتقادی دشمن و تجهیز خویشتن به سلاح اندیشه و فکر و پای نهادن در میدان مبارزه اعتقادی و فکری در تمامی صحنه‌ها.

تعهد و وفاداری همراه با غیرت و جوانمردی و فرهنگ عاشورایی: پایبندی به اصول دینی و تعهدات اخلاقی و اسلامی، وفای به عهد و پیمان تحت هر شرایطی لازم است. ذلت‌ناپذیری و استقامت در مقابل هتک حرمت نوامیس ملی، فرهنگی و سیاسی توسط بیگانگان و پافشاری بر اصول لامتغیر دینی و ملی و جان‌نثاری در راه آرمان‌ها.

مشارکت و تعاون: به معنی همکاری و مشارکت دسته‌جمعی مردم در حل مشکلات اقتصادی و اجتماعی خودشان است.

انسجام فرهنگی: به معنای مجموعه‌ای از مشترکات فرهنگی مادی و غیرمادی در یک جامعه مشخص در زمان و مکانی مشخص که امکان تداوم یافتن کارکردی و شناختی آن جامعه را به وجود بیاورد.

تعامل با مراکز دانشگاهی و توسعه شبکه رسانه‌ای: به معنای استفاده از نیروی انسانی متخصص و ماهر و استفاده از دانش و مهارت آن‌ها در تمامی عرصه‌ها به‌ویژه امنیت پایدار است که در این زمینه توسعه شبکه رسانه‌ای نیز ضمن تسهیل ارتباط نزدیک نخبگان و جامعه، زمینه آگاهی‌بخشی مرزنشینان را از مؤلفه‌های تأثیرگذار بر امنیت پایدار را به وجود می‌آورد. **الگوهای نظری امنیت پایدار:** با توجه به گوناگونی نظریه‌ها در باب امنیت و تأکید آن‌ها بر مؤلفه‌های خاصی از امنیت می‌توان این نظریات را در قالب سه الگوی قدرت محور، تناسب محور و انسجام محور طبقه‌بندی کرد (Lotfi, 2011:35) که در زیر به آن‌ها اشاره می‌شود:

الگوی امنیت پایدار قدرت محور: گروهی از نظریه‌پردازان علم سیاست، امنیت ملی را با توانایی و قدرت ملی یک کشور مساوی دانسته‌اند. بنابراین بازیگر سیاسی که در پی برخورداری از وضعیت امن و به‌ویژه امنیت پایدار می‌باشد لاجرم باید بر اصل افزایش قدرت و مهم‌تر از همه بر قدرت نظامی همت گمارد. دولت‌ها باید در مقام تجمع قدرت برآمده و به این وسیله توان خود را در کاربرد زور و قدرت تا حد امکان افزایش دهند. از این دیدگاه هر چه بر میزان قدرت یک کشور افزوده شود امنیت آن کشور افزایش می‌یابد و پایدارتر می‌شود و کاهش قدرت ملی تزلزل و ناپایداری امنیت را به همراه دارد و موجب ناامنی می‌گردد. در این حالت امنیت مترادف با قدرت تلقی می‌شود.

الگوی امنیت پایدار تناسب محور: دومین الگویی که در حوزه امنیت پایدار به آن اشاره می‌شود الگوی تناسب محور است. این الگو ریشه در مطالعات فرا سستی دارد و بر تعدد ابعاد امنیتی تأکید می‌کند. بنابراین مهم‌ترین مؤلفه‌هایی که در این الگو در مورد پایداری امنیت مورد توجه است تناسب بین ابعاد اقتصادی، زیست‌محیطی، فرهنگی، علمی و فناوری امنیت است و امنیت پایدار با مفهوم تناسب در این ابعاد تعریف می‌شود.

الگوی امنیت پایدار انسجام محور: این الگوی پایدار امنیتی که بیشتر در دنیای معاصر با نسل موج مدرن امنیتی آغاز می‌شود تأکیدش بر بحث همگنی یا انسجام می‌باشد. درواقع در این دیدگاه امنیت کل واحدی نیست بلکه در حوزه‌های مختلف آن ابعادی وجود دارد که باید در مقام امنیت‌سازی بتوان بین این ابعاد ارتباط هویتی ایجاد کرد. بنابراین به تبع تغییر در منطق کنش‌های امنیتی و اهمیت یافتن عناصر غیرنظامی قدرت ملی در کنار عناصر نظامی آن و از فراتر رفتن مفهوم امنیت از بُعد عینی و اهمیت یافتن عناصری چون فرهنگ، اراده و روحیه ملی در بُعد ذهنی به‌ویژه هویت و تأکید بر زمینه‌ها و نند بودن است که طرح مقوله ساخت اجتماعی در تحلیل امنیت به یکی از مسلمات این حوزه مطالعاتی تبدیل می‌شود. در این حالت پایداری امنیت را در همگنی و انسجام هویت اجتماعی می‌دانند. بنابراین بر مبنای این رویکرد اگر فرهنگ در قیاس با نظامی‌گری رشد کند این تناسب است اما اگر این دو بتوانند در هویتی مشابه هم رشد کنند و در این هویت بازتولید شوند یعنی از درون فرهنگ، نظامی‌گری و قدرت محوری به وجود آید این امر زمینه‌ساز شکل‌گیری یک شبکه ارتباطی خواهد شد که هویت عامل انسجام دهنده و پایدارکننده آن خواهد بود. مصادیق آن را می‌توان در عصر حاضر در مکتب کپنهاک در قالب امنیت اجتماعی مشاهده نمود (Lotfi, 2011:75).

با توجه به الگوهای طرح شده در مورد امنیت؛ به نظر می‌رسد امنیت در الگوی پایدار انسجام محور بر راهبرد استقرایی استوار است و در نتیجه امنیت را نمی‌توان مستقل از جامعه فهم کرد و لازمه پایداری آن بازتولید اجتماعی مفهوم امنیت است. بنابراین در این پژوهش رویکرد مطالعاتی بافهم معنا و مفهوم امنیت از دیدگاه نخبگان مربوطه مدنظر قرار دارد و براین اساس استخراج مؤلفه‌های امنیت از نگاه متخصصان مربوطه مبنا و معیار می‌باشد.

۳- پیشینه تحقیق

تموک (۱۳۹۷) در پایان‌نامه خود با عنوان «اولویت‌بندی نقش مؤلفه‌های دفاع مقدس در امنیت پایدار و آمایش مناطق مرزی استان آذربایجان غربی» به این نتایج رسید که ارزش‌های فرهنگی، بصیرت، ارزش‌های دینی، ارزش‌های دفاع مقدس و ولایت مداری و زیر مؤلفه ارزش‌های اجتماعی، اقتصادی و امنیتی بیشترین نقش را در امنیت پایدار و آمایش مناطق مرزی استان ایفا می‌کنند.

بهمند (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی نقش اقوام در جهت امنیت پایدار (نمونه موردی: قوم کرد)»، نشان داد که تأثیر متقابل اقوام و امنیت بر یکدیگر، عوامل فرامنطقه‌ای، فرهنگ، اعتقادات و باورهای قومی و مذهبی می‌تواند در استقرار

امنیت پایدار نقش به سزایی داشته باشد. امنیت پدیده‌ای ثابت و مشخص نیست بنابراین عامل زمان، ایدئولوژی، اوضاع و احوال بین‌المللی، موقعیت کشور و دید و نظر رهبران، نخبگان و مردم در کیفیت و کمیت امنیت و نحوه تحصیل و حفظ آن تأثیر بسزایی دارد.

بابالیان و رادبین (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان «امنیت فرهنگی در جامعه اسلامی از منظر نهج‌البلاغه»، امنیت فرهنگی را به‌عنوان یکی از ابعاد امنیت ملی از منظر نهج‌البلاغه، مورد بررسی قرار دادند. آن‌ها با بررسی زمینه‌های ایجاد امنیت فرهنگی در جامعه از دیدگاه فرمایشات امام علی(ع) در نهج‌البلاغه، مهم‌ترین عوامل برقراری امنیت فرهنگی را در مؤلفه‌های زیر می‌دانند: افزایش آگاهی و بصیرت، ایمان و دین‌باوری، گسترش امر به معروف و نهی از منکر، تولی و تبری، الگوسازی صحیح و فرهنگ علوی، پاسداشت سنت‌های صحیح گذشتگان، مصون‌سازی از طریق تقویت نهاد خانواده، خودباوری و برقراری عدالت و جلوگیری از فقر و بی‌کاری در جامعه.

عباس‌زاده و کرمی (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان «سرمایه اجتماعی و امنیت ملی پایدار» نشان دادند که سرمایه اجتماعی، به شیوه‌های مختلف، از جمله افزایش یکپارچگی ملی، تسهیل مدیریت دشواری‌های سیاسی-اقتصادی، پیش‌گیری از انفعال سیاسی-اجتماعی، ارتقاء ظرفیت نظام سیاسی، تثبیت و ارتقای هویت ملی و تعمیق اعتماد، در پایداری امنیت ملی، نقش مستقیم دارد.

تراوره^۱ (۲۰۱۷) در پژوهشی با عنوان «نقش زبان و فرهنگ در توسعه پایدار» به این نتیجه یافت که دستیابی به اهداف توسعه پایدار با در نظر گرفتن دو عنصر اصلی زبان و فرهنگ تسهیل می‌شود. زبان به‌عنوان ابزاری اساسی برای برقراری ارتباط و فرهنگ به‌عنوان پشتیبانی از انسجام اجتماعی، احترام به ارزش‌های تعیین‌شده و تاب‌آوری نقش تعیین‌کننده در اجرای اقدامات استراتژیک با هدف توسعه پایدار دارد.

هاوکس^۲ (۲۰۰۱) در کتاب خود با عنوان «ستون چهارم پایداری: نقش اساسی فرهنگ در برنامه‌ریزی‌های عمومی» بر این اعتقاد است فرهنگ به همان میزان برابری اجتماعی، مسئولیت زیست‌محیطی و دوام اقتصادی برای جامعه سالم و پایدار ضروری است. برای اینکه برنامه‌ریزی‌های عمومی مؤثرتر باشد، متدولوژی آن باید چارچوب یکپارچه ارزیابی فرهنگی را در امتداد خطوط مشابه با مواردی که برای ارزیابی تأثیرات اجتماعی، زیست‌محیطی و اقتصادی توسعه‌نیافته دارند، در برگیرد.

به‌طور کلی باید گفت تاکنون پژوهشی به منظور شناسایی وضعیت امنیت پایدار در مناطق مرزی کرمانشاه با نگاهی فرهنگی صورت نگرفته است. از این رو پژوهش حاضر با در نظر گرفتن عوامل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، نظامی و زیست‌محیطی سعی دارد، راهکارهای ارتقاء امنیت پایدار مرزهای استان کرمانشاه را از بُعد فرهنگی ارائه دهد.

1. Traore

2. Hawkes

۴- روش پژوهش

در این پژوهش از روش تلفیقی (توصیفی تبیینی از نوع پیمایشی برای بُعد کمی و روش نظریه زمینه‌ای^۱ برای بُعد کیفی) استفاده گردید. روش تلفیقی نوعی روش عمل‌گرا است که تلاش می‌کند با ترکیب روش‌های کمی و کیفی نگر به صورت هم‌زمان، زنجیره‌ای یا چندمرحله‌ای به درک بهتر و جامع‌تری از مسئله پژوهش دست پیدا کند. درواقع، «پژوهش ترکیبی در مقام یک روش، بر گردآوری، تجزیه و تحلیل و ترکیب دو نوع داده کمی و کیفی در یک پژوهش واحد یا مجموعه‌ای از پژوهش‌ها تأکید می‌کند. دلیل انتخاب این روش‌ها این است که در روش توصیفی، پژوهشگر به توصیف منظم و نظام‌دار وضعیت فعلی و آنچه هست، می‌پردازد و از طرفی در روش نظریه زمینه‌ای سعی در ارائه الگوی مطلوب برای ارتقای امنیت پایدار مرزی با توجه به نقش مؤلفه‌های فرهنگی برسد. منظور از نظریه زمینه‌ای (گراند تئوری) نظریه‌ای است که مستقیماً از داده‌هایی استخراج شده است که در جریان پژوهش به صورت منظم گردآمده و تحلیل شده‌اند. در این روش، گردآوری داده‌ها، تحلیل و نظریه نهایی با یکدیگر در ارتباط تنگاتنگ هستند و پژوهشگر کار را با نظریه‌ای که از قبل در ذهن دارد شروع نمی‌کند (مگر آنکه منظور او بسط یک نظریه موجود باشد)؛ بلکه کار را در عرصه واقعیت آغاز می‌کند و می‌گذارد تا نظریه از درون داده‌هایی که گرد می‌آورد، پدیدار شود.

جامعه آماری قسمت کیفی مطالعه شامل صاحب‌نظران و متخصصین آگاه به موضوع تحقیق هستند. با توجه به عدم اشراف در خصوص تعداد دقیق جامعه آماری، از روش نمونه‌گیری گلوله برفی در بخش کیفی استفاده شد. بدین منظور پس از اشیاع نظری، تعداد ۳۰ نفر از صاحب‌نظران، افراد مطلع و فرماندهان ارشد به عنوان نمونه انتخاب شدند. این افراد شامل ۱۰ عضو هیئت علمی، ۱۵ افراد بومی مسلط به موضوع (افرادی که اطلاعات کاملی با توجه به تجربه زیسته در نوار مرزی نسبت به امنیت و احساس امنیت دارند) و ۵ نفر از فرماندهان ارشد نظامی و مرزبانی که تجربه مدیریت مرزها را داشته و به حوزه مرزها تسلط کامل را داشتند. در بخش کمی جامعه آماری در این مطالعه شهرهای مرزنشین استان کرمانشاه می‌باشد که شامل ۶ شهر پاوه، جوانرود، ثلاث باباجانی، سرپل ذهاب، قصر شیرین و گیلانغرب می‌باشد. با توجه به این که جامعه آماری در این مطالعه زیاد است و بر اساس آمار رسمی سرشماری سال ۱۳۹۵ تعداد جمعیت این شهرها روی هم رفته برابر با ۳۳۷۰۹۷ نفر است و امکان گردآوری داده‌ها از همه افراد وجود ندارد، بنابراین از نمونه‌گیری استفاده به عمل آمد. حجم نمونه بر اساس نرم‌افزار SPSS Sample Power برابر با ۵۴۰ نفر است که به نسبت جمعیت هر یک از شهرها حجم نمونه آن‌ها نیز به دست آمد. جدول شماره ۱ جمعیت و نمونه هر یک از شهرهای مرزی استان را نشان می‌دهد.

جدول ۱. جمعیت آماری و حجم نمونه به تفکیک شهرهای مرزی استان

ردیف	نام شهر	جمعیت	نمونه	ردیف	نام شهر	جمعیت	نمونه
۱	پاوه	۶۰/۴۳۱	۹۷	۴	سرپل ذهاب	۸۵/۳۴۲	۱۳۷
۲	جوانرود	۷۵/۱۶۹	۱۲۱	۵	قصر شیرین	۲۳/۹۲۹	۳۸
۳	ثلث باباجانی	۳۵/۲۱۹	۵۶	۶	گیلانغرب	۵۷/۰۰۷	۹۱
جمع کل		۳۳۷۰۹۷	۵۴۰				

از آنجاکه قسمت کمی مطالعه حاضر مبتنی بر آزمون فرضیه و نظریه داده بنیاد قرار دارد، لذا برآورد نمونه گیری با استفاده از نرم افزار SPSS Sample Power در مسیر تحلیل توان (Power) انجام گرفت. حجم نمونه با توجه به پیش فرض های مربوط به نمونه گیری احتمالی (سطح اطمینان، توان آزمون، حجم اثر و تعداد متغیرهای درگیر در تحلیل) و با استفاده از نرم افزار SPSS Sample Power به تعداد ۵۴۰ نفر مشخص گردید. جمع آوری داده ها از طریق پرسشنامه و مصاحبه انجام گرفت. برای بُعد کمی مطالعه از پرسشنامه استفاده شده و در مرحله دوم و برای بُعد کیفی اطلاعات از روش مصاحبه منظم استفاده به عمل آمد. در این مرحله با ۳۰ نفر از خبرگان در زمینه امنیت پایدار مرزی شامل نخبگان دانشگاهی، مسئولین مربوطه در ادارات و افراد صاحب نظر استان مصاحبه به عمل آمد و اطلاعات لازم گردآوری شد.

۴-۱- تعریف عملیاتی مفاهیم و متغیرها

جدول شماره ۲ نحوه سنجش مفاهیم و متغیرها را با مؤلفه ها، شاخص ها و گویه های آن ها بیان می کند. در این مطالعه امنیت پایدار مرزی در قالب پنج مؤلفه و هر یک از مقوله ها بر اساس چند شاخص و هر شاخص با چند گویه عملیاتی می شود. گویه های مورد استفاده برای هر یک از شاخص ها و در نهایت مفاهیم، در قالب طیف پنج درجه ای لیکرت مورد سنجش قرار می گیرد به نحوی که به گزینه کاملاً موافق (خیلی زیاد) کد ۵، موافق (زیاد) کد ۴، بی نظر (متوسط) کد ۳، مخالف (کم) کد ۲ و کاملاً مخالف (خیلی کم) کد ۱ تعلق می گیرد.

جدول ۲. متغیرها، شاخص ها و ابعاد متغیرهای مستقل و وابسته

نام متغیر	ابعاد و مؤلفه ها	شاخص ها	تعداد گویه	سطح سنجش
امنیت پایدار مرزی	اجتماعی	آمایش سرزمینی	۳	فاصله ای
		رفاه اجتماعی	۴	فاصله ای
		توسعه اجتماعی	۴	فاصله ای
	اقتصادی	توجه به صادرات	۴	فاصله ای
		رونق کشاورزی و دامداری	۵	فاصله ای
		معیشت و اشتغال	۴	فاصله ای

نام متغیر	ابعاد و مؤلفه‌ها	شاخص‌ها	تعداد گویه	سطح سنجش
	زیست‌محیطی	آگاهی زیست‌محیطی	۵	فاصله‌ای
		رفتار زیست‌محیطی	۵	فاصله‌ای
	سیاسی	اقتدار سیاسی	۵	فاصله‌ای
		تعامل با همسایه‌ها	۵	فاصله‌ای
		نبود تعارض سیاسی	۴	فاصله‌ای
	نظامی	دفع تهدیدها	۴	فاصله‌ای
		فناوری نظامی نوین	۴	فاصله‌ای
	فرهنگی	تنوع فرهنگی و توجه به عشایر بومی	۵	فاصله‌ای
		ساده زیستی توأم با مصرف‌گرایی	۴	فاصله‌ای
		اشتراکات دینی قومی قبیله	۵	فاصله‌ای
مؤلفه‌های فرهنگی	مشارکت و تعاون		۵	مستقل
	انسجام فرهنگی (هویت محلی) و پیوستگی قومی زبانی		۵	مستقل
	تعامل با مراکز فرهنگی دانشگاهی و توسعه شبکه رسانه‌ای (وجود مطبوعات و نشریات بومی)		۵	مستقل
	جهاد با بصیرت و آگاهانه (فرهنگ شهادت و جهاد مرزبانان)		۵	مستقل
	باورها و اعتقادات (ایدئولوژی)		۵	مستقل
	تعهد و وفاداری همراه با غیرت و جوانمردی		۵	مستقل

۵- یافته‌های پژوهش

توصیف یافته‌ها: از افراد مورد مطالعه (۳۰ نفر شرکت‌کننده در مصاحبه) ۸۰ درصد مرد و ۲۰ درصد افراد زن بودند. این ویژگی‌ها برحسب وضعیت کاری، وضعیت تأهل و وضعیت درآمد بیان شده است. از نتایج برمی‌آید که از جنسیت‌های مختلف، افراد با وضعیت درآمدی و تحصیلی مختلف، وضعیت تأهل متنوع در جامعه آماری استفاده شده است.

جدول ۳. مشخصات پاسخگویان برحسب ویژگی‌های جمعیت شناختی

متغیر	مؤلفه	فراوانی	درصد	متغیر	مؤلفه	فراوانی	درصد
جنسیت	زن	۶	۲۰/۰	وضعیت	مجرد	۷	۲۳/۳۳
	مرد	۲۴	۸۰/۰		متاهل	۲۳	۷۶/۶۶
وضعیت شغلی پاسخگویان	هیئت علمی	۱۰	۳۳/۳۳	وضعیت درآمد	زیر ۴ میلیون	۱۳	۴۳/۳۳
	افراد بومی مطلع	۱۵	۵۰/۰۰		۴-۵ میلیون	۵	۱۶/۳۳
	فرماندهان و مدیران	۵	۱۶/۳۳		۵ میلیون به بالا	۱۲	۴۰/۰

نظریه زمینه‌ای در اولین گام سراغ جمع‌آوری داده‌ها می‌رود و از طریق فرآیند پیوسته تحلیل مقایسه‌ای در رابطه با یک رخداد، موقعیت، یا پدیده‌های معین فرضیه یا نظریه‌سازی می‌کند و نه فرضیه یا نظریه‌آزمایی؛ اما وقتی در مرحله‌ی کدگذاری گزینشی مفهومی‌ها و رابطه‌ی آن‌ها با هم مشخص شوند، به‌نوعی مورد آزمون قرار می‌گیرند تا نظریه به دست آید و بعد آن نیز با توجه به ادبیات بررسی شوند. از آنجاکه با افراد متعددی در خصوص موضوع تحقیق مصاحبه انجام گرفت، لذا برای جلوگیری از سوگیری، سؤالات مصاحبه به‌صورت نیمه ساختاریافته با رویکرد باز و قابل انعطاف تهیه گردید. پس از مصاحبه با نخبگان و افراد مطلع و جمع‌آوری نظرات آن‌ها، نسبت به تعیین مؤلفه‌های امنیت پایدار مرزی و مؤلفه‌های فرهنگی مرزنشینان به شرح زیر اقدام شد. در این راستا برای سنجش مؤلفه‌های به‌دست‌آمده از این افراد، شاخص‌های هر یک از مفاهیم اصلی مورد سنجش پیمایشی قرار گرفت. برای مؤلفه‌های فرهنگی مرزنشینان، موارد زیر به دست آمد:

مرحله دوم:

کدگذاری: کدگذاری باز، جزئی از تحلیل است که با تحلیل دقیق داده‌ها، نام‌گذاری و طبقه‌بندی کردن داده‌ها انجام می‌شود. این کدها غالباً بر یک موضوع واحد اشاره دارند و محقق در اختصاص دادن کدها به متن یا از کلمه‌ای مشخص که در جملات فرد مصاحبه‌شونده بکار برده شده است، استفاده نموده که در آن صورت به آن کد زنده نیز می‌گویند. جدول شماره ۴ دیدگاه تفصیلی پاسخگویان (متخصصان و مطلعان) را در رابطه با توسعه پایدار مرزی نشان می‌دهد.

جدول ۴. دیدگاه متخصصان و مطلعان در رابطه با توسعه پایدار مرزی

دیدگاه متخصصان و مطلعان در رابطه با توسعه پایدار مرزی	
۱	پایداری امنیت در حوزه‌های مختلف در نوار مرزهای کشور شامل امنیت ملی، نیروی انسانی، اقتصادی، نظامی، اجتماعی و روانی است. از جمله ابعاد امنیت اقتصادی می‌توان به رونق بخش کشاورزی و توجه جدی به صادرات از طریق رونق بازارچه‌های مرزی دانست. در بخش کشاورزی اعطای تسهیلات، تأمین آب، مکانیزه کردن کشاورزی، آموزش‌های افزایش بهره‌وری و خرید تضمینی از کشاورزان. در بخش صادرات هم شرکت دادن ساکنین مرزی در بازارچه‌های مرزی. در بُعد اجتماعی هم آمایش سرزمینی از طریق اختصاص دادن عادلانه امکانات و رفاه اجتماعی.
۲	مرز یعنی فضایی که انعکاس‌دهنده حاکمیت یک دولت است و امنیت پایدار همان نبود تهدید و تلاش برای توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در دوسوی مرز است. امنیت پایدار یعنی ایجاد بسترهای ثبات برای توسعه و نبود هرگونه تهدید که این ثبات را با خطر مواجه می‌سازد. این مستلزم توسعه، آبادانی مرز، ارتباطات دوسویه و تکیه بر اشتراکات دوسوی مرز است. نقطه محوری امنیت پایدار، فرهنگی است. در امنیت پایدار مرزی اشتراکات دینی، مذهبی، زبانی و قومی وجود دارد. در کنار اشتراکات فرهنگی، آبادانی مرز و اشتراکات معیشتی و اشتغال، امنیت پایدار را ایجاد کرد.
۳	اشتراکات فرهنگی در نواحی مرزی اهمیت مضاعف در ایجاد زیرساخت‌های لازم برای توسعه مناسبات مرزی دارد. در این راستا مهم‌ترین مؤلفه توسعه پایدار، اعتماد به عشایر بدون نگاه تبعیض‌آمیز ایلی و مذهبی است.
۴	امنیت پایدار مرزی وابسته به سطح رضایتمندی و یا عدم رضایتمندی ساکنان آن. اشتغال پایدار، خدمات درمانی، خدمات آموزشی، خدمات اجتماعی و حمایتی است.
۵	توسعه پایدار مرزی یعنی از بین بردن هر نوع تهدید سیاسی و اجتماعی و اقتصادی از طرف کشورهای دیگر و حفظ جمعیت بومی، توجه به ارزش‌های

	ملی مانند سخاوت، شجاعت، تلاش و تعصب.
۶	توسعه پایدار آمادگی مقتدرانه و استوار یک کشور که از طریق مشروعیت نظام اجتماعی، سیاسی و نظامی در عرصه داخلی و منطقه‌ای پدید می‌آید. امنیت پایدار از طریق تراکم مناسب جمعیت نیروی انسانی بومی، نیروی انسانی نخبه و تحصیل کرده، افراد با تعلق خاطر به مکان و آب و خاک، رشد صنعتی و بهبود سطح زندگی مناطق مرزی و جلوگیری از مهاجرت، همچنین تقویت زیرساخت‌های شهری و راهداری و توسعه گردشگری و توجه به حس ناسیونالیست و تمامیت ارضی به دست می‌آید. از طرفی توسعه فناوری نظامی و افراد آشنا به روش‌های نوین نظامی. در مرزها پدیده قاچاق که زمانی روشی برای زنده ماندن و پسندیده بود، امروزه به‌عنوان وجهی غیررسمی قانونی شده و با عنوان کوله بری و یا تجارت چمدانی از آن نام برده می‌شود نوعی برده‌داری مدرن شده است. مهمان‌نوازی، روحیه مشارکتی و جمع‌گرایی، ساده زیستی توأم با مصرف‌گرایی به دلیل برخورد مرزنشینان با کالاهای متعدد (لوازم آرایشی، پارچه، انواع وسایل برقی و خوراکی) مردمی مصرف‌کننده و تنوع‌طلب می‌باشند.
۷	توسعه پایدار مرزی حمایت از فعالیت‌های اقتصادی کشاورزی و دامداری و صنایع کوچک و متوسط از مردم محلی به‌نحوی که نیاز به مشاغلی مانند قاچاق از نوع مالی و کالا نباشند. در منطقه کرمانشاه چندین مذهب و قوم فرهنگی متفاوت وجود دارد که نگرش‌های متفاوتی نیز دارند. برای مثال فرهنگ قوم قلیخانی یا اهل سنت یا اهل حق با سایر مذاهب. مسئول محلی باید تمام جوانب فرهنگی و حتی هنری را در نظر داشته باشد و در چارچوب قوانین کل کشور و با تدبیر اقدام نمایند.
۸	امنیت پایدار مرزی: روابط حسنه با کشورهای همسایه مرزی است. چرا که از مرکز دوراند و در پیوند با مرزهای مجاورند. بنابراین از آسیب‌پذیری و تهدیدهای مختلف روبرو هستند. برای مرزنشینان فقدان مواردی چون عدم دسترسی به اینترنت، روزنامه‌ها و نشریات، کتاب‌های درسی و کمک‌آموزشی، ضعف در وجود سینما و مراکز فرهنگی و هنری.
۹	امنیت پایدار مرزی مؤلفه‌های زیادی دارد از اقتصادی گرفته تا فرهنگی و نظامی؛ اما آنچه اهمیت دارد توجه به محیط‌زیست و آگاهی از دانش محیط‌زیستی، توجه به حیوانات و پاک بودن هوا است.
۱۰	با توجه به موقعیت جغرافیایی ایران و قرار گرفتن در منطقه شکننده و بحران‌زای خاورمیانه، امنیت پایدار در مرزها برای کشور ما یک امر اساسی ارزشمند است که شامل پیشگیری از تهدیدات خارجی، تهدیدات نیروی داخلی مورد حمایت همسایگان به‌ویژه سران عرب در قالب ایجاد تعارض‌های ایدئولوژیک و قومی ... فقر و محرومیت مرزنشینان، فراهم بودن زمینه قاچاق مواد مخدر و اسلحه و ... می‌باشد. مؤلفه‌های فرهنگی، تقویت هویت ملی و پیوند آن با هویت قومی، وحدت و انسجام در ایدئولوژی مذهبی و جلوگیری از هرگونه تعارض مابین و شکلی در ساختار تبلیغات مذهبی، عدالت محوری و رفع تبعیض در مناطق مرزی، احترام به ساختارهای قومی و مذهبی و توجه به شخصیت‌های کارزماتیک و تأثیرگذار در ساختار و بافت عشایری و قومی منطقه، به‌کارگیری نیروهای کارآمد بومی در ساختار مدیریتی این مناطق، تدوین برنامه استراتژیک و عملیاتی در جهت رفع محرومیت‌ها و زمینه ایجاد تجارت قانونی برای مرزنشینان در قالب شرکت‌های تعاونی و جلوگیری از نفوذ صاحبان قدرت و ثروت از مرکز در این تجارت‌ها به‌طوری که مردم مناطق مرزی از نظر روانی احساس مالکیت و تعلق نسبت به مناطق مرزی داشته باشند.
۱۱	امنیت پایدار مرزها بر پایه امنیت دفاعی و ترسیم نقشه جغرافیایی همراه با الگوهای خاص بین‌المللی می‌باشد و همچنین استفاده از ادوات روز نظامی و کلاسیک مرزی است. از مؤلفه‌های فرهنگی مرزنشینان می‌توان به متعدد بودن مرزنشینان، توسعه امنیت پایدار در خصوص اقتصاد قوی مناطق مرزی، رونق‌بخشیدن به زندگی اقتصادی مناطق اشاره کرد.
۱۲	امنیت پایدار مرزی را می‌توان در رفتارهای زیست‌محیطی و نگرش‌های مرتبط با آن دید. در این راستا افراد وظیفه دارند محیط‌زیست خود را از بقایای ادوات جنگی در جنگ ۸ ساله پاک کنند. توجه به محیط‌زیست یعنی زندگی پاک و امنیت پایدار.

جدول شماره ۵ ابعاد امنیت پایدار مناطق مرزی از نظر پاسخگویان را نشان می‌دهد. در این پژوهش در مرحله کدبندی

باز، تعداد ۱۹ واحد معنایی مشخص شدند. این واحدهای معنایی از نظرات پاسخگویان استخراج شدند و سعی شد که

جامع‌ترین نظرات در این مرحله وارد کدگذاری شوند. این مفاهیم به‌دست‌آمده در جدول زیر ارائه‌شده‌اند. این مفاهیم بیانگر دیدگاه ۳۰ نفر متخصصان و مطلعان در رابطه با توسعه پایدار مرزی است.

جدول ۵. ابعاد امنیت پایدار مناطق مرزی از نظر پاسخگویان

ردیف	عبارت ^۲	مفهوم ^۱
۱	توجه جدی به صادرات از طریق رونق بازارچه‌های مرزی	توجه به صادرات
۲	اعطای تسهیلات، تأمین آب، مکانیزه کردن کشاورزی، آموزش‌های افزایش بهره‌وری و خرید تضمینی از کشاورزان	رونق بخش کشاورزی
۳	اختصاص دادن عادلانه امکانات و رفاه اجتماعی	آمایش سرزمینی
۴	ایجاد بسترهای ثبات برای توسعه و نبود تهدید که این ثبات را با خطر مواجه می‌سازد.	توسعه اجتماعی
۵	در امنیت پایدار مرزی اشتراکات دینی، مذهبی، زبانی و قومی وجود دارد.	اشتراکات دینی قومی
۶	آبادانی مرز و اشتراکات معیشتی و اشتغال، امنیت پایدار را ایجاد کرد.	معیشت و اشتغال
۷	توسعه پایدار اعتماد به عشایر بدون نگاه تبعیض‌آمیز ایلی و مذهبی است.	توجه به عشایر منطقه
۸	امنیت پایدار وابسته به سطح رضایتمندی و یا عدم رضایتمندی ساکنان آن.	رفاه اجتماعی
۹	از بین بردن تهدید سیاسی و اجتماعی و اقتصادی از طرف کشورهای دیگر	نبود تهدید
۱۰	تراکم مناسب جمعیت نیروی انسانی بومی، نیروی انسانی نخبه و تحصیل کرده	نیروی تحصیل کرده
۱۱	توسعه فناوری نظامی و افراد آشنا به روش‌های نوین نظامی	فناوری نظامی جدید
۱۲	مهمان‌نوازی، روحیه مشارکتی و جمع‌گرایی، ساده زیستی توأم با مصرف‌گرایی به دلیل برخورد مرزنشینان با کالاهای متعدد	زیستی توأم با مصرف‌گرایی
۱۳	حمایت از فعالیت‌های اقتصادی کشاورزی و دامداری و صنایع کوچک و متوسط از مردم محلی	کشاورزی و دامداری
۱۴	مسئول محلی باید تمام جوانب فرهنگی و حتی هنری را در نظر داشته باشد و در چارچوب قوانین کل کشور و با تدبیر اقدام نمایند.	توجه به اقلیت‌های فرهنگی
۱۵	روابط حسنه با کشورهای همسایه مرزی. چرا که از مرکز دورند و در پیوند با مرزهای مجاورند.	تعامل با همسایه‌ها
۱۶	پیشگیری از تهدیدات خارجی، تهدیدات نیروی داخلی مورد حمایت همسایگان	تهدید خارجی و داخلی
۱۷	نبود تعارض‌های ایدئولوژیکی و قومی ... فقر و محرومیت مرزنشینان، فراهم نبودن زمینه قاچاق مواد مخدر و اسلحه و ...	نبود تعارض‌های فکری
۱۸	توجه به محیط‌زیست و آگاهی از دانش محیط‌زیستی، توجه به حیوانات و پاک بودن هوا	آگاهی محیط‌زیستی
۱۹	امنیت پایدار مرزی می‌تواند خود را در رفتارهای زیست‌محیطی و نگرش‌های مرتبط با آن دید.	رفتار محیط‌زیست

1. Concept
2. Statement

کدگذاری محوری: عبارات و واحدهای معنایی مطرح‌شده از طرف پاسخگویان نشان می‌دهد که در دو عبارت «تنوع فرهنگی و توجه به عشایر بومی» و همچنین عبارت «دفع تهدیدها»؛ بالاترین درصد فراوانی را به خود اختصاص داده است. بعد از انجام عملیات کدبندی باز، در مرحله دوم کدبندی، یعنی کدبندی محوری، مفاهیم مشترک و مشابه از نظر معنایی در قالب ۶ مقوله عمده طبقه‌بندی شدند. این مقولات از سطح بالاتری از انتزاع برخوردار بوده و دومین مرحله جهت تولید نظریه زمینه‌ای است. در جدول زیر مقولات به تفکیک کدها و مفاهیم اولیه آورده شده‌اند. این واحدهای معنایی استخراج‌شده در کدگذاری محوری عبارت‌اند از: «امنیت اقتصادی»، «امنیت اجتماعی»، «امنیت سیاسی»، «امنیت زیست‌محیطی»، «امنیت نظامی» و «امنیت فرهنگی».

جدول ۶. مفاهیم مشترک امنیت پایدار مناطق مرزی از نظر پاسخگویان

مقوله	مفاهیم مشترک	فراوانی	درصد	مقوله	مفاهیم مشترک	فراوانی	درصد
امنیت اقتصادی	توجه به صادرات	۳	۱۰	امنیت سیاسی	اقتدار سیاسی	۶	۲۰
	کشاورزی و دامداری	۸	۲۶/۶		تعامل با همسایه‌ها	۷	۲۳/۳۳
	معیشت و اشتغال	۷	۲۳/۳۳		نبود تعارض سیاسی	۷	۲۳/۳۳
زیست‌محیطی	آگاهی محیط‌زیستی	۳	۱۰	امنیت نظامی	دفع تهدیدها	۹	۳۰
	رفتار محیط‌زیستی	۳	۱۰		فناوری نظامی نوین	۷	۲۳/۳۳
امنیت اجتماعی	آمایش سرزمینی	۳	۱۰	امنیت فرهنگی	تنوع فرهنگی و توجه به عشایر	۱۰	۳۳/۳۳
	رفاه اجتماعی	۸	۲۶/۶		ساده زیستی توأم با مصرف‌گرایی	۴	۱۳/۳۳
	توسعه اجتماعی	۷	۲۳/۳۳		اشتراکات دینی قومی قبیله	۸	۲۶/۶

کدگذاری هسته‌ای: در مرحله آخر کدگذاری یافته‌های به‌دست‌آمده، مؤلفه‌های فرهنگی مرزنشینان بر اساس شش بُعد «مشارکت و تعاون»، «انسجام فرهنگی»، «تعامل دوطرفه»، «بصیرت و آگاهی»، «ایدئولوژی» و «غیرت و جوانمردی» و امنیت پایدار مرزی در شش مؤلفه «اقتصادی»، «اجتماعی»، «سیاسی»، «زیست‌محیطی»، «نظامی» و «فرهنگی» نشان داده می‌شود.

جدول ۷. مقولات عمده مربوط به درک و تفسیر مردم از مفهوم امنیت پایدار مناطق مرزی

مؤلفه‌های فرهنگی مرزنشینان						مقوله هسته‌ای	
مشارکت و تعاون	انسجام فرهنگی	تعامل دوطرفه	بصیرت و آگاهی	ایدئولوژی	غیرت و جوانمردی		
توجه به صادرات	تکیه بر کالاهای داخلی	مبادله عادلانه	معیشت و اشتغال آگاهانه	تفکر اقتصادی	ریسک‌پذیری و آینده‌نگری	اقتصادی	امنیت پایدار
رفاه اجتماعی	توسعه اجتماعی	روابط حسنه با آن‌طرف مرز	آگاهی اجتماعی	نظریه‌پردازی بومی	قدرت چانه‌زنی اجتماعی	اجتماعی	مرزی

مؤلفه‌های فرهنگی مرز نشینان						مقوله هسته‌ای
مشارکت و تعاون	انسجام فرهنگی	تعامل دوطرفه	بصیرت و آگاهی	ایدئولوژی	غیرت و جوانمردی	
مشارکت سیاسی	وحدت و اتحاد	تعامل سیاسی	اشراف اطلاعاتی	محلی گرایی	اقتدار سیاسی	سیاسی
عمل محیط‌زیستی	مسئولیت‌پذیری زیست‌محیطی	احترام به طبیعت	سواد زیست‌محیطی	دانش زیست‌محیطی	تکیه بر بوم زیست	زیست‌محیطی
مشارکت با نیروهای نظامی	تکیه بر فناوری داخلی	پاک‌سازی محیط‌زیست	تسلط بر فناوری نوبن نظامی	دارا بودن دانش نظامی	قدرت عملیاتی و آمادگی نظامی	نظامی
مشارکت فرهنگی	ایجاد پایگاه و مسجد	تقویت فرهنگ زیست‌محیطی	سواد رسانه‌ای	ولایت مداری	مجهز بودن به سلاح فرهنگی	فرهنگی

تفسیر اطلاعات: بنابراین می‌توان گفت امنیت پایدار مرزی عبارت است از مجموعه‌ای از دانش‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای اقتصادی، سیاسی، نظامی، فرهنگی، اجتماعی و محیط‌زیستی که مبتنی بر توان داخلی در عین حال تعامل مقتدرانه با سایر کشورها در مرزهای مشترک. نتایج به‌دست‌آمده از قسمت کیفی پژوهش نشان می‌دهد که امنیت پایدار مرزی و مؤلفه‌های فرهنگی مرز نشینان نوعی رابطه دیالکتیکی با هم دارند که نمود آن در تعاملات اجتماعی و سیاسی با همسایگان رخ می‌دهد. بنابراین میزان امنیت پایدار مناطق مرزی در گرو حفظ، تقویت و بازتعریف مؤلفه‌های فرهنگی با تکیه بر توان مرز نشینان و نظام فرهنگی و اجتماعی حاکم بر زندگی آن‌ها است.

تحلیل‌های کمی: در قسمت کمی این مطالعه با استفاده از ابزار پرسشنامه، داده‌های به‌دست‌آمده از پاسخگویان مناطق مرزی، با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS مورد تحلیل قرار گرفتند که به شرح زیر بیان می‌شوند:

آزمون فرضیه‌ها: امنیت پایدار در مناطق مرزی در حد متوسط قرار دارد.

جدول ۸. آزمون تفاوت میانگین ابعاد مختلف امنیت پایدار مرزی

ابعاد امنیت پایدار مناطق مرزی	تعداد گویه	میانگین تابع گویه‌ها		میانگین استاندارد	
		واقعی	مورد انتظار	مورد انتظار	استاندارد
اقتصادی	۱۳	۲۸/۲۴	۳۹	۳	۲/۲۲
اجتماعی	۱۱	۲۹/۸۱	۳۳	۳	۲/۲۹
سیاسی	۱۴	۳۹/۷۲	۴۲	۳	۲/۲۰
محیط‌زیستی	۱۰	۲۹/۱۴	۳۰	۳	۲/۸۶
نظامی	۸	۲۶/۳۳	۲۴	۳	۳/۳۳
فرهنگی	۱۴	۳۵/۳۹	۴۲	۳	۲/۱۲

فرضیه اصلی: بین مؤلفه‌های فرهنگی (مشارکت و تعاون، انسجام فرهنگی، تعامل دوطرفه، بصیرت و آگاهی، ایدئولوژی (مبانی فکری و اعتقادی) و غیرت و جوانمردی) و امنیت پایدار مناطق مرزی (اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، محیط‌زیستی، نظامی و فرهنگی) رابطه معنادار وجود دارد.

جدول ۹. آزمون ماتریس همبستگی مؤلفه‌های فرهنگی مرز نشینان با ابعاد مختلف امنیت پایدار مرزی

	آزمون آماری	مؤلفه‌های فرهنگی مرز نشینان					
		مشارکت و تعاون	انسجام فرهنگی	تعامل دوطرفه	بصیرت و آگاهی	ایدئولوژی	غیرت و جوانمردی
اقتصادی	همبستگی	۰/۱۶۲	۰/۰۶۶	۰/۱۱۳	۰/۱۱۵	۰/۳۷۱	۰/۰۶۶
	معناداری	۰/۰۰۲	۰/۲۱۷	۰/۰۳۵	۰/۰۲۸	۰/۰۰۰	۰/۲۱۵
اجتماعی	همبستگی	۰/۱۲۵	۰/۳۳۵	۰/۱۲۹	۰/۲۲	۰/۰۵۱	۰/۱۸۵
	معناداری	۰/۰۲۰	۰/۰۰۰	۰/۰۲	۰/۰۰۰	۰/۳۴۳	۰/۰۰۱
سیاسی	همبستگی	۰/۲۲۸	۰/۱۱۳	۰/۱۸۹	۰/۲۲۵	۰/۲۳۲	۰/۲۵۶
	معناداری	۰/۰۰۰	۰/۰۳۶	۰/۰۰۶	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
محیط‌زیستی	همبستگی	۰/۳۰۵	۰/۰۳۹	۰/۱۸۱	۰/۲۲۶	۰/۴۹۸	۰/۱۳۲
	معناداری	۰/۰۰۰	۰/۴۶۲	۰/۰۰۱	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۱۱
نظامی	همبستگی	۰/۲۵۹	۰/۱۵۷	۰/۱۴۹	۰/۳۰	۰/۳۷۰	۰/۲۲۸
	معناداری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۵	۰/۰۱۲	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
فرهنگی	همبستگی	۰/۳۲۰	۰/۱۰۵	۰/۰۶۴	۰/۱۹۹	۰/۲۲۰	۰/۲۰۱
	معناداری	۰/۰۰۰	۰/۰۵۲	۰/۲۲۵	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۱
امنیت پایدار مرزی	همبستگی	۰/۲۳۱	۰/۲۶۴	۰/۳۱۵	۰/۱۵۰	۰/۲۳۴	۰/۱۸۴
	معناداری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۵	۰/۰۰۰	۰/۰۰۱

آزمون رگرسیون: رگرسیون روش آماری است که برای تحلیل تأثیر جمعی دو یا چند متغیر مستقل بر روی تغییرات متغیر وابسته به کار می‌رود. نتایج نشان می‌دهد که در این معادله چهار مؤلفه فرهنگی مرز نشینان (تعامل دوطرفه، انسجام فرهنگی، ایدئولوژی و مشارکت و تعاون) به ترتیب اهمیتی که در امنیت پایدار مرزی داشتند، وارد معادله رگرسیونی شدند. آزمون T نشان می‌دهد که ضریب بتا برای این چهار مؤلفه در سطح معناداری قرار دارد. اولین مؤلفه فرهنگی که در این معادله رگرسیونی وارد شد، تعامل دوطرفه می‌باشد. نتایج حاصله نشان می‌دهد که بین این مؤلفه و میزان امنیت پایدار مناطق مرزی رابطه معنادار بالایی وجود دارد، به‌طوری که مقدار T برای این مؤلفه برابر $(T=3/85)$ و ضریب معنی‌داری $(0/000)$ می‌باشد. میزان ضریب تعیین برابر با $R^2=0/18$ به دست آمد. در مرحله دوم میزان انسجام فرهنگی است که

وارد معادله گردید، مقدار T برای این مؤلفه برابر $(T=3/57)$ و ضریب معنی داری $(Sig.T=0/000)$ می باشد. در اینجا با وارد شدن دومین متغیر میزان ضریب تعیین برابر با $R^2=0/23$ به دست آمد. در مرحله سوم میزان ایدئولوژی است که وارد معادله گردید، مقدار T برای این مؤلفه برابر $(T=3/25)$ و ضریب معنی داری $(Sig.T=0/001)$ می باشد. در اینجا با وارد شدن سومین متغیر میزان ضریب تعیین برابر با $R^2=0/28$ به دست آمد. در نهایت مؤلفه مشارکت و تعاون با مردم وارد معادله رگرسیونی شده است. مقدار T برای این مؤلفه برابر $(T=2/22)$ و ضریب معنی داری $(Sig.T=0/028)$ می باشد. در اینجا با وارد شدن دومین مؤلفه میزان ضریب تعیین برابر با $R^2=0/30$ به دست آمد. این چهار مؤلفه روی هم رفته توانستند مقدار $0/30$ از تغییرات درونی متغیر توسعه پایدار مناطق مرزی را تبیین کنند.

جدول ۱۰: تحلیل چندگانه متغیرهای مستقل جهت پیش بینی متغیر توسعه پایدار مناطق مرزی

مرحله	نام متغیر	B	Beta	مقدار t	معناداری	مقدار R	R ²	آزمون فیشر	معناداری
۱	تعامل دوطرفه	۰/۲۸	۰/۲۰	۳/۸۵	۰/۰۰۰	۰/۱۸	۰/۱۸	۱۲/۵۱	۰/۰۰۰
۲	انسجام فرهنگی	۰/۱۱	۰/۲۵	۳/۵۷	۰/۰۰۰	۰/۲۴	۰/۲۳		
۳	ایدئولوژی	۲/۶۵	۰/۲۰	۳/۲۵	۰/۰۰۱	۰/۲۹	۰/۲۸		
۴	مشارکت و تعاون	۰/۲۴	۰/۱۸	۲/۲۲	۰/۰۲۸	۰/۳۲	۰/۳۰		
Durbin-Watson = ۲/۰۰۲					Constant=۵/۸۶				

بر این اساس معادله رگرسیون چند متغیره در پژوهش حاضر به این صورت می باشد:

$$Y = a + bx_1 + bx_2 + \dots + bx_n$$

توسعه پایدار مناطق مرزی = $5/86 + 0/20$ (بعد تعامل دوطرفه) + $0/25$ (بعد انسجام فرهنگی) + $0/20$ (بعد

ایدئولوژی) + $0/18$ (بعد مشارکت و تعاون) + e_i

مدل معادلات ساختاری: جهت بررسی متغیرهای مکنون و پنهان در پژوهش که به عنوان سازه های نظری مطرح هستند

و محاسبه خطاهای اندازه گیری، از مدل معادلات ساختاری استفاده گردید. در این راستا از نرم افزار Amos 21 استفاده به

عمل آمد. مدل عاملی تأییدی نظریه محور است یعنی از قبل مشخص می کند که چند عامل داریم و اسم هر کدام از عامل ها

چیست؟ مؤلفه های امنیت به عنوان متغیر اصلی از شش مؤلفه فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، محیط زیستی و نظامی

تشکیل شده است. با توجه به این که در این مطالعه پژوهشگر براساس زیربنای نظری مشخص نموده است که چند آیتم

تعریف کننده یک عامل هستند؛ از مدل عاملی تأییدی استفاده گردید.

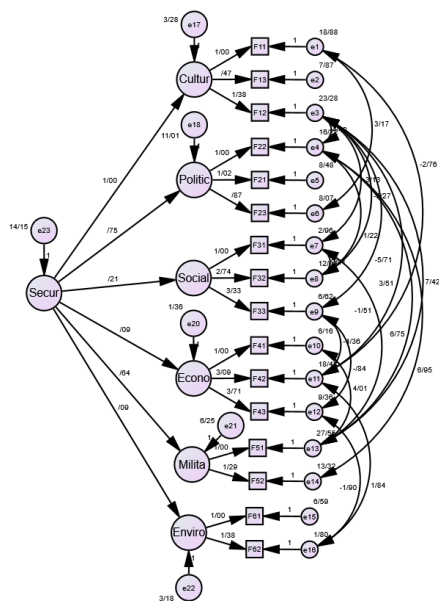
تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که می‌توان امنیت پایدار مرزی را با استفاده از یک مدل عاملی مرتبه دوم سنجش کرد. بر این اساس، هر یک از ابعاد شش‌گانه آن به‌عنوان یک سازه یا متغیر پنهان تعریف شدند و این شش متغیر به‌نوبه خود در نقش معرف‌های امنیت پایدار به‌عنوان سازه پنهان و وابسته در مدل ساختاری قرار گرفتند. نتایج حاصل نشان می‌دهد که علاوه بر هماهنگی درونی آیت‌های تعریف‌شده برای هر یک از مقیاس‌های فرعی، روایی و اگرچه نیز برقرار است. معیارهای برازش مدل عاملی امنیت پایدار مرزی نشان می‌دهد که مدل اندازه‌گیری از برازش نسبتاً مناسبی برخوردار می‌باشد. نتایج زیر نشان می‌دهند:

مقدار کای اسکوئر غیرمعنادار (CMIN) برابر با $578/43$ و سطح معناداری $0/000$ نتیجه مطلوبی را نشان نمی‌دهد. اما از آنجایی که در مطالعات با حجم نمونه بالا، مقدار کای اسکوئر غیرمعنادار تحت تأثیر حجم نمونه قرار می‌گیرد و قابل اطمینان نیست، لذا از دیگر شاخص‌های نیکویی برازش استفاده می‌شود. شاخص ریشه میانگین مجذور باقیمانده‌ها در مدل مذکور برابر $0/08$ است. که برازندگی مدل را تأیید می‌کند. شاخص برازش تطبیقی CFI برابر $0/85$ و شاخص توکر لویس (شاخص برازش هنجار نشده یا TLI با مقدار $0/784$ منعکس‌کننده یک مدل خوب است. شاخص برازش شده تطبیقی مقتصد PCFI برابر $0/577$ است.

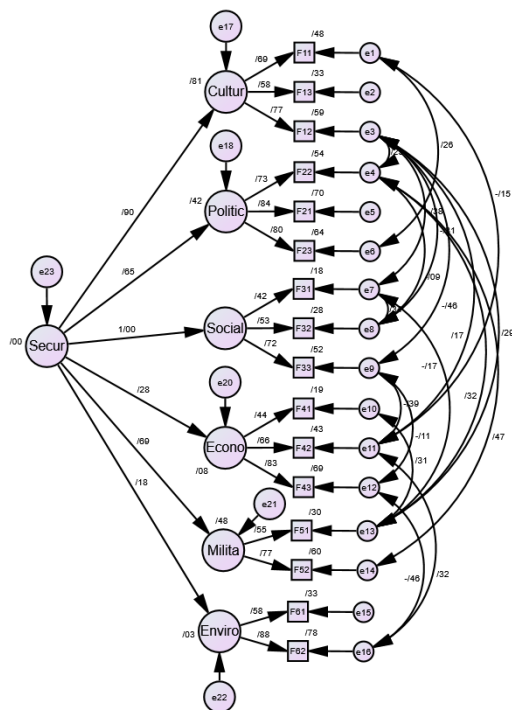
جدول ۱۱. شاخص‌های کلی برازش برای مدل عاملی امنیت پایدار مرزی

شاخص	مدل اصلاح‌شده		شاخص	مدل اصلاح‌شده	
	مرحله اول	مرحله دوم		مرحله اول	مرحله دوم
CMIN	۸۷۵/۱۷	۵۷۸/۴۳	PGFI	۰/۵۶۶	۰/۵۲۲
DF	۹۹	۸۱	CFI	۰/۷۰۸	۰/۸۵۴
P	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	TLI	۰/۶۴۶	۰/۷۸۴
CMIN/DF	۵/۷۸	۳/۲۶	PCFI	۰/۵۸۴	۰/۵۷۷
RMR	۴/۸۷۲	۲/۶۹۴	RMSEA	۰/۱۳۵	۰/۰۸
GFI	۹/۰۸۷۷/۷۷۷		AGFI	۰/۶۹۴	۰/۷۹۴

نتایج حاصل از مدل اندازه‌گیری متغیر وابسته (امنیت پایدار مرزی) به‌صورت غیراستاندارد و استاندارد در نمودار شماره ۱ و ۲ بیان شده است.



مدل ۱. مدل غیر استاندارد اندازه گیری امنیت پایدار مرزی



مدل ۲. مدل استاندارد اندازه گیری عاملی متغیر وابسته امنیت پایدار مرزی

نتیجه‌گیری

نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که بین مؤلفه‌های فرهنگی (مشارکت و تعاون، انسجام فرهنگی، تعامل دوطرفه، بصیرت و آگاهی، باورها و اعتقادات و غیرت و جوانمردی) و امنیت پایدار مناطق مرزی (اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، محیط‌زیستی، نظامی و فرهنگی) رابطه معنادار وجود دارد. این نتیجه با پیشینه تجربی پژوهش تموک (۱۳۹۷)، بهمند (۱۳۹۴)، بابالیان و رادبین (۱۳۹۳)، عباس‌زاده و کرمی (۱۳۹۰) تا حدودی هم‌راستا می‌باشد و به‌نوعی نتایج آن‌ها را تأیید می‌کند.

همچنین نتایج پژوهش حاضر بر مبنای چارچوب نظری نیز قابل تفسیر می‌باشد. بر مبنای الگوی امنیت پایدار انسجام محور، امنیت کل واحدی نیست بلکه در حوزه‌های مختلف آن ابعادی وجود دارد که باید در مقام امنیت‌سازی بتوان بین این ابعاد ارتباط هویتی ایجاد کرد. بنابراین به تبع تغییر در منطق کنش‌های امنیتی و اهمیت یافتن عناصر غیرنظامی قدرت ملی در کنار عناصر نظامی آن و از فراتر رفتن مفهوم امنیت از بُعد عینی و اهمیت یافتن عناصری چون فرهنگ، اراده و روحیه ملی در بُعد ذهنی به‌ویژه هویت است که طرح مقوله ساخت اجتماعی در تحلیل امنیت به یکی از مسلمات این حوزه مطالعاتی تبدیل می‌شود. در این حالت پایداری امنیت را در همگنی و انسجام هویت اجتماعی می‌دانند. در نتیجه امنیت را نمی‌توان مستقل از جامعه فهم کرد و لازمه پایداری آن بازتولید اجتماعی مفهوم امنیت است.

بر این اساس می‌توان گفت توسعه پایدار در زمینه‌های فرهنگی رخ می‌دهد؛ فرهنگ پایه و اساس رفاه، امنیت، فراگیر بودن و تاب‌آوری است. بنابراین، فرهنگ باید در استراتژی‌های توسعه پایدار ادغام شود چرا که، فرهنگ عامل محرک توسعه پایدار است. بخش فرهنگی از طریق گردشگری فرهنگی، تولید صنایع دستی، صنایع خلاق، کشاورزی، غذا و دارو و شیلات رشد اقتصادی را ارتقا می‌بخشد. شیوه‌های سستی کشاورزی و تهیه غذا باعث افزایش امنیت غذایی می‌شود. ارتباط بین میراث فرهنگی و طبیعی پایه‌ای برای پایداری محیط‌زیست و حفظ تنوع زیستی است. پژوهش حاضر راهکارهای زیر را برای ارتقای امنیت ملی پایدار در مناطق مرزی پیشنهاد می‌کند: گزارش اطلاعات به‌موقع در مورد هرگونه حادثه غیرمعمول یا مشکوک به مقامات امنیتی توسط مرزنشینان؛ افزایش منابع گشت زنی در مناطق مرزی دورافتاده؛ تعامل با اجتماعات ساکن در مناطق مرزی دورافتاده و عشایر سرگردان در مناطق مرزی سکنه نشده که می‌تواند به تولید منابع اطلاعاتی کمک کرده و آگاهی کامل موقعیتی را ایجاد کند. جوامع مرزی و عشایر حاوی دانش گسترده‌ای در مورد منطقه و ویژگی‌های آن، فعالیت شبکه‌های جنایتکار احتمالی و گروه‌های تروریستی منطقه، محل مخفی شدن و جلسات آن‌ها و سایر موارد امنیتی است و می‌تواند اطلاعات مربوط به خدمات مرزی را ارائه دهند. عدم وفاداری جوامع مرزی به کشورشان می‌تواند پتانسیل سوءاستفاده توسط جرائم سازمان‌یافته و تروریستی را ایجاد کرده و رادیکالیسم را جهت خشونت تسهیل کند. برای جلوگیری از چنین تحولاتی، دولت‌ها باید به‌طور فعال سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی را

دنبال کنند تا به ادغام این جوامع با هویت ملی و دولت کمک کند. جوامع باید به سیستم‌های بهداشتی، آموزشی و مراقبت‌های اجتماعی کافی دسترسی داشته باشند، همچنین از امنیت خدمات دولتی مربوطه و زیرساخت‌های اساسی برای حفظ معیشت خود بهره‌مند شوند. اعتمادسازی ضروری است: چون قبایل عشایری و جوامع مرزی مستقر در مناطق مرزی دورافتاده و غیرمسکونی در صورت بی‌اعتمادی به حکومت می‌توانند چالش‌هایی را برای امنیت مناطق مرزی ایجاد کنند.

کتابنامه

1. Abbaszade, H., & karami, K., (2011). Social Capital and Sustainable National Security. *Strategic Studies Quarterly*. 14(51), 31-58. [In Persian].
2. Abbott, C., & Marsden, S., (2008). *Tigers and Dragons: Sustainable Security in Asia and Australasia*. London: Oxford Research Group.
3. Ahmadi Moghadam, I., (2010). Social security and identity. *Societal Security Studies*. 1(23), 133-163. [In Persian].
4. Amirzadeh, A., Amani, M., & khojasteh, M., (2018). Environmental Factors Role in security and Borders sustainable Development (The Case Study of Shirvan Border with Turkmenistan in Northern Khorasan). *North Khorasan Research Police Science*. 4(16), 61-76. [In Persian].
5. Ashoori, D., (1999). *Political Encyclopedia*. Tehran: Morvarid. [In Persian].
6. Atoofi, G.H., & Javidan Darogar, H., (2016). The importance and place of economic security in sustainable economic development. *International Journal of Nations Research*, 1(6), 14-23. [In Persian].
7. Babalian, M., & Radbin, A., (2014). Cultural security in Islamic society from the perspective of Nahj al-Balaghah. *Islamic Social Research*, 20 (101): 50-21. [In Persian].
8. Baggio, R., (2008). Symptoms of complexity in a tourism system, *Tourism Analysis* 13: 1-20.
9. Barnett, J., (1997). *Environmental security: now what*. In Seminar. Department of International Relations, Keele University.
10. Behmand, D., (2015). *Investigating the role of ethnic groups in the direction of sustainable security (Case study: Kurdish ethnic group)*. 8th Congress of the Iranian Geopolitical Association, Empathy of Iranian ethnic groups, national cohesion and national authority, Sanandaj. [In Persian].
11. Belluck, D.A., Hull, R.N., Benjamin, S.L., Alcorn, J., & Linkov, I., (2007). *Environmental Security, Critical Infrastructure and Risk Assessment*. In Environmental Security in Harbors and Coastal Areas (pp. 3-17). Springer.
12. Boroumand, SH., (2008). *Economic security in Iran and some selected countries (comparative study)*. Iran, Tehran: Economic Studies, Research Center of the Islamic Consultative Assembly.
13. Buzan, B., (1997). Rethinking security after the Cold War. *Cooperation and conflict*, 32(1), 5-28.
14. Davies, A.R., (2020). Toward a sustainable food system for the European Union: insights from the social sciences. *One Earth*, 3(1), 27-31.

15. Eftekhari, A., (2005). *Public safety conundrum, an introduction to the new position of the police in society*. Collection of research papers on various aspects of public security and police, Tehran: University of Law Enforcement Sciences. [In Persian].
16. Emmers, R., (2007). Securitization. *Contemporary security studies*, 109-125.
17. Forrest, S. (2004). *Indigenous identity as a strategy of cultural security*. In Proceedings of the Third Northern Research Forum/Plenary on Security, Yellowknife, NWT September (Vol. 18).
18. Giddens, A., (1999). *Modernization and individualization*. (Nasser Movafeghian, Trans.). Tehran: Ney Publishing. [In Persian].
19. Hashemi, S.M., Hekmatniya, H., & Esmaeilzadeh, A., (2019). Security Stable ranking border city using the cluster analysis (Case city of North Khorasan province). *Geographical Planning of Space Quarterly Journal*, 9 (32), 163-180. [In Persian].
20. Hassan, O., (2015). Political security: from the 1990s to the Arab Spring. *Contemporary Politics*, 21(1), 86-99.
21. Hawkes, J., (2001). *The fourth pillar of sustainability: Culture's essential role in public planning*. Common Ground Publishing Pty Ltd.
22. Inoguchi, T., (2003). Political security: Toward a broader conceptualization. *International Studies*, 40(2), 105-123.
23. Lotfi, M., (2011). *The model of sustainable security in the Islamic Republic of Iran*. Master Thesis, Tarbiat Modares University, Faculty of Humanities. [In Persian].
24. Mandel, R., (2010). *The changing face of national security*. Tehran: Institute for Strategic Studies. [In Persian].
25. McEldowney, J.F., (2005). Political security and democratic rights. *Democratisation*, 12(5), 766-782.
26. Moin, M., (1984). *Persian Encyclopedia*. Tehran: Amir Kabir Publications, sixth edition. [In Persian].
27. Traore, D., (2017). *The Role of Language and Culture in Sustainable Development*. RISC Doctoral & Post Doctoral School Integrated and Coherent Sustainable Development, Aguascalientes, Mexico
28. Ullman, R. H. (1981). Redefining security. *International security*, 8(1), 129-153.
29. Zheng, X., Wang, R., Hoekstra, A. Y., Krol, M. S., Zhang, Y., Guo, K., & Wang, C. (2021). Consideration of culture is vital if we are to achieve the Sustainable Development Goals. *One Earth*, 4(2), 307-319.



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)
doi <https://doi.org/10.22067/pg.2022.71806.1077>

پژوهشی

ارزیابی اثرات تجارت مرزی بر شاخص‌های جمعیتی سکونتگاه‌های روستایی بازارچه مرزی تمرچین

تانیا سانیار (کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی آمایش سرزمین، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران)

taniyasaniyar@gmail.com

ناصر سلطانی (دانشیار گروه جغرافیا، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران، نویسنده مسئول)

n.soltani@urmia.ac.ir

حسن حیدری (استادیار گروه جغرافیا، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران)

ha.heidari@urmia.ac.ir

صص ۱۴۳-۱۲۵

چکیده

یکی از مهم‌ترین عوامل تحرک جمعیت در نواحی مرزی عامل اقتصادی است. هدف این پژوهش، بررسی میزان اثرگذاری تجارت مرزی بر شاخص‌های جمعیتی سکونتگاه‌های بازارچه مرزی تمرچین پیرانشهر می‌باشد. پژوهش حاضر با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و به شیوه میدانی و در قالب پرسشنامه، به بررسی این موضوع پرداخته است. نتایج آزمون تی تک نمونه‌ای برای ۵ بعد اصلی تحقیق نشان‌دهنده بازتاب بیشتر ابعاد سیاسی بر تحولات جمعیتی در منطقه مورد مطالعه با امتیاز ۳,۴۳ بوده است. در رده‌های بعدی بازتاب‌های اقتصادی با امتیاز ۳,۲۹، جمعیتی با امتیاز ۲,۸۶، اجتماعی ۲,۵۷، کالبدی ۲,۲۵ به ترتیب امتیاز از اهمیت بیشتری برخوردار بوده‌اند. با توجه به نتایج مورد اشاره در بخش یافته‌ها، توسعه تجارت مرزی در سکونتگاه‌های روستایی مورد مطالعه، تأثیر مثبتی بر تثبیت و رشد جمعیتی این سکونتگاه‌ها نداشته است و از جمله دلایل این امر، فقدان زمینه‌های تثبیت جمعیت در این سکونتگاه‌ها از جمله زمینه‌های زیرساختی، خدماتی و رفاهی می‌باشد. اما بر اساس نتایج به‌دست‌آمده از آزمون‌های پژوهش، تجارت مرزی بر روی مؤلفه‌های اجتماعی و سیاسی تأثیر مثبتی داشته و بر بهبود کیفیت و تحرک زندگی سکونتگاه‌های روستایی در اثر تجارت مرزی مؤثر واقع شده است.

واژگان کلیدی: شاخص‌های جمعیتی، تجارت مرزی، تمرچین، پیرانشهر

۱- مقدمه

مرز از جمله مفاهیمی است که در عرصه‌های گوناگون سیاسی، اقتصادی، تجاری، فرهنگی و جغرافیایی کاربردهای متفاوت پیدا می‌کند. مرز به دو مفهوم عینی مانند مرزهای رسمی کشورها و یا ذهنی به کار می‌رود مانند مرزهای عقیدتی (Hensen, 1978). در این بین آمایش مناطق مرزی نیازمند توجه ویژه به مهم‌ترین مزایا و قابلیت‌های موجود در این نواحی است که با بهره‌گیری از این قابلیت‌ها بتوان در ارتقاء شاخص‌های کالبدی، اقتصادی و جمعیتی منطقه از آن‌ها استفاده کرد. مناطق مرزی همواره با محدودیت‌ها و ضعف‌هایی همراه بوده‌اند که با بررسی اجمالی مناطق مرزی در مقایسه با مناطق مرکزی کشور، می‌توان به ضعف‌هایی عمده، از جمله انزوای جغرافیایی مناطق مرزی، دوری از قطب‌های صنعتی - اقتصادی، قرار گرفتن در حاشیه و پیرامون، و توسعه‌نیافتگی در ابعاد مختلف اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی نسبت به مناطق مرکز کشوری دست‌یافت (Hansen, 1975: 823). از آنجاکه این مناطق به‌عنوان مناطق حاشیه‌ای و توسعه-نیافته شناخته می‌شوند و این حاشیه‌ای بودن می‌تواند معلول شرایط جغرافیایی مناطق مرزی باشد (Jones & Wild, 1994: 263)، به دلیل واقع شدن در مناطق پیرامونی و دور از مرکز، اولاً مورد بی‌توجهی قرار می‌گیرند؛ زیرا امکان بهره‌برداری از امکانات این نواحی کمتر از نواحی مرکزی استان مورد توجه قرار می‌گیرد و ثانیاً به دلیل بی‌توجهی، حداقل منابع موجود این مناطق نیز به سود مناطق مرکزی یا مناطق نزدیک به آن تمایل می‌یابند (Pena, 2005, 286). همچنین، وجود شباهت‌های زبانی، فرهنگی و اعتقادی از ویژگی‌های مناطق مرزی است که می‌تواند هم مانع و یا هم عاملی تقویت‌کننده در برابر توسعه و سرمایه‌گذاری‌های موجود به شمار رود (Topaloglou et al, 2006 : 24).

در این راستا، سکونتگاه‌های روستایی حاشیه مرز از جمله مناطق مهم و استراتژیک برای کاهش مشکلات مرزها بشمار می‌آیند و اگر به شیوه مطلوب ساماندهی شوند، می‌توانند تا حد بسیار زیادی در کنترل مناطق مرزی مؤثر بوده و مشکلات این مناطق را به حداقل برسانند. شناخت پتانسیل‌ها و نقاط ضعف نواحی هم‌جوار با مرز می‌تواند بهترین رویکرد در راستای توسعه فضایی مناطق روستایی مرزی به شمار آید. چنانچه این توسعه متناسب با شرایط جغرافیایی، فرهنگی و اقتصادی باشد، شکوفایی اقتصادی را به دنبال دارد و نمود کالبدی این شکوفایی بر شکل نواحی مرزی جلوه‌گر خواهد بود. این اقدامات توسعه روستایی نواحی مرزی را از حالت بی‌برنامگی و انفکاک فعالیت‌های روستائیان از برنامه‌های دولتی ممانعت خواهد کرد و توسعه گام‌به‌گام و در راستای رویکرد توسعه از پایین به بالا، قوانین جاری کشور و اسناد توسعه‌ای ظهور خواهد کرد (Kamran, et al., 2011: 110).

بنابراین بررسی تأثیرات و نقشی که مناطق و یا سکونتگاه‌های روستایی واقع در پیرامون بازارچه‌هایی نظیر تمرچین در ویژگی‌های جمعیتی، اقتصادی و فعالیتی منطقه دارند، دارای اهمیت فراوانی است و می‌تواند اثرات متفاوتی علاوه بر معیشت و کیفیت زندگی جامعه روستایی در ارتقای شاخص‌های توسعه منطقه‌ای کشور مؤثر باشند. به عبارتی دیگر در

استان آذربایجان غربی به دلیل تفاوت‌های منطقه‌ای که بین شهرستان‌های استان و مرکز استان وجود دارد به‌ویژه در مناطق مرزی، همواره با مهاجرت به سمت نواحی مرکزی همراه بوده و این روند مهاجرت مشکلات عدیده‌ای را در ساختار جمعیتی مناطق به وجود می‌آورد. بنابراین در پژوهش حاضر ضرورت بررسی عوامل مؤثر بر تحولات جمعیتی مناطق روستایی بررسی می‌شود که با توجه به تأثیر زیاد اقتصاد نسبت به سایر موضوعات، ضرورت نقش بازارچه‌های مرزی بر شاخص‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی و جمعیتی روستاهای پیرامون مرز تمرچین به‌عنوان محدوده مورد مطالعه تحقیق مورد توجه قرار می‌گیرد. در این پژوهش تلاش می‌گردد که اثرات تجارت مرزی بر شاخص‌های جمعیتی نواحی مرزی استان آذربایجان غربی در محدوده مرز تمرچین پیرانشهر تبیین و تشریح گردد. بر این اساس، دو فرضیه اصلی مورد بررسی در این پژوهش عبارتند از:

- به نظر می‌رسد، فعالیت‌های تجاری در مناطق مرزی مورد مطالعه، تأثیر مثبت در تثبیت و رشد جمعیت سکونتگاه‌های روستایی این مناطق داشته است.

- به نظر می‌رسد، فعالیت‌های تجاری در مناطق مرزی مورد مطالعه، باعث بهبود شاخص‌های سیاسی، اجتماعی، کالبدی و اقتصادی این مناطق شده است.

نویسندگان یادآور می‌شوند که وجه تمایز این مقاله با سایر مطالعات صورت گرفته در حوزه مرز و مناطق مرزی، محوریت ارتباط بین شکلی از فعالیت‌ها و اقدامات توسعه‌ای یعنی تجارت مرزی با شاخص‌های جمعیتی و دموگرافیکی مناطق و سکونتگاه‌های شهری و روستایی مرزی می‌باشد. به عبارتی، در بسیاری از مطالعات داخلی (زرقانی و همکاران، ۱۳۹۱؛ رفیعیان و همکاران، ۱۳۹۲؛ ولیقلی‌زاده، ۱۳۹۵؛ طالشی، ۱۳۹۷) و همچنین در مطالعات خارجی مورد بررسی (Lewczuk and Ustinovichius, 2015; Wilson, 2015; Wan, 2017, Van den and et al, 2018) به تأثیر اقدامات و فعالیت‌های توسعه‌ای در مرز و مناطق مرزی بر روی شاخص‌های توسعه اقتصادی-اجتماعی و کالبدی-فضایی پرداخته شده است؛ اما این مطالعه، بر تأثیر اقدامات و فعالیت‌های توسعه مرزی با محوریت بازارچه مرزی بر روی شاخص‌های جمعیتی و دموگرافیکی تمرکز دارد.

۲- مبانی نظری

به محض اینکه یک منطقه مرزی و یا خط مرزی شکل گرفت، می‌تواند نه تنها منظره طبیعی را که جزئی از آن به شمار می‌رود؛ بلکه عمران و سیاست‌های کشورهای مجاور را نیز تحت تأثیر قرار دهد. مرز به‌تنهایی دارای یک نقش است و آن تحدید حدود منطقه‌ای است که در داخل آن، یک نوع قدرت اعمال می‌شود؛ اما دولت‌ها سعی می‌کنند نقش‌های دیگری هم مثل مهاجرت، تجارت، بهداشت و ... را در منطقه اعمال کنند؛ حتی تمرکز بیش از حد نقش‌های دولت در مرز می‌تواند

نماینده تغییرات در سیاست‌های خارجی باشد. در یک تقسیم‌بندی کلان، کار ویژه مرزهای بین‌المللی کشورها به دو بخش مرز به‌عنوان مانع و مرز به‌عنوان عامل پیونددهنده می‌باشد.

منظور از کارکرد مانعی یا بازدارندگی مرز، تأثیر منفی چنین شرایطی بر تعاملات مرزی میان دولت‌ها و ملت‌هاست. معمولاً مرزها به‌عنوان مانعی دیده می‌شوند که از یکپارچگی و جریان‌ات بالقوه میان مرزی جلوگیری می‌کنند و فاصله نسبی میان دو طرف مرز را افزایش می‌دهند. در نتیجه حجم تبادلات اقتصادی و اجتماعی در طول مرز در مقایسه با داخل سرزمین خیلی پایین‌تر است (Laine, 2006: 25). برای مثال، بروکر برآورد می‌کند که به دلیل وجود مرز میان کشورهای اتحادیه اروپا، حجم تجارت تا حدود یک‌پنجم کاهش یافته است (Topaloglou, 2009: 118). به تعبیر ریتولد (۲۰۱۲) باعث گسستگی پیوندهای میان سکونتگاه‌های دو طرف مرز می‌شوند (Rietveld, 2012: 151) و در نهایت مناطق مرزی ویژگی مناطق منزوی و پیرامونی به خود می‌گیرند. با برقراری مرز بین دو کشور، فضاهایی که به یکدیگر متصل‌اند و تداوم فضایی را تأمین می‌کنند، از یکدیگر می‌گسلند و حاشیه‌ای می‌شوند. این حاشیه‌ای بودن، علت اصلی عقب‌ماندگی این نواحی است (Mohammadpour, 2006: 154). فانیشتاین و دجانی دائودی معتقدند زمانی که تعامل میان مرزی محدود می‌شود، مردم از یکدیگر جدا می‌شوند، تبادل کالا، خدمات و ایده و نظرات به حداقل ممکن می‌رسد، تهدیدات ناشی از خشونت زودهنگام پدیدار می‌شود و ساکنان دو طرف مرز از آشنایی با میراث‌های فرهنگی و مذهبی محروم می‌شوند و در نتیجه از درک احساسات یکدیگر بی‌نصیب می‌شوند (Feinstein and Dajani Daoudi, 2000: 28).

مثال‌های متعددی وجود دارد که نشان می‌دهد بسته بودن مرزها در اغلب موارد منجر به عقب‌ماندگی اقتصادی مناطق مرزی می‌شود. بوروکراسی‌های اداری، تعرفه‌های گمرکی و قوانین و مقررات دست و پاگیر منجر به شکل‌گیری شرایطی می‌شود که به‌واسطه آن فرصت‌های محدودی برای استفاده از صرفه‌جویی‌های ناشی از مقیاس و تقسیم‌کار وجود خواهد داشت. بنابراین اقتصاد منطقه بسته‌تر، شرکت‌ها کوچک‌تر و رقابت کمتری نیز وجود خواهد داشت. اقتصاددانان از این نوع مرزها به‌عنوان مانع تجارت بین‌المللی یاد می‌کنند. نتایج چنین مرزی این است که میزان روابط اقتصادی مناطق مجاور به‌طور ناگهانی جایی که مرز غیرقابل نفوذ است، به‌شدت افت می‌کند (Stiller, 2003: 5). به‌طوری‌که شهرهای مجاور این نوع مرزها، مسیر بسیار سختی برای توسعه و رشد اقتصادی پیش رو دارند (Brzosko-Sermak, 2007: 76). وجود چنین شرایطی همراه با موقعیت حاشیه‌ای این مناطق در جغرافیای سرزمین، مناطق و سکونتگاه‌های مرزی را به نواحی پیرامونی در ابعاد مختلف اقتصادی-اجتماعی و فرهنگی و سیاسی تبدیل می‌کند و به توزیع ناعادلانه قدرت اقتصادی-اجتماعی و سیاسی در سطح کشور دامن می‌زنند.

محققان متعددی در مورد معیارهای شناخت و اندازه‌گیری میزان کارکرد بازدارندگی مرز و به‌عبارت دیگر تحول کارکرد بازدارندگی مرز سخن گفته‌اند. برای مثال به اعتقاد ریتولد (۲۰۰۱) مهم‌ترین نشانه‌ها و دلایل کارکرد بازدارندگی مرز عبارت

است از: ۱- زیرساخت‌های ضعیف حمل و نقل و ارتباطات بین‌المللی، ۲- هزینه بالای حمل و نقل، ۳- اولویت مصرف‌کنندگان به مصرف کالاهای داخلی، ۴- مداخله دولت به انواع مختلف در منطقه و ۵- نبود اطلاعات و آگاهی مردم در مورد کشورهای همسایه و خارجی (Rietveld, 2001: 5). پسچل معتقد است که علاوه بر هزینه‌های حمل و نقل و هزینه‌های ناشی از فاصله، تفاوت‌های فرهنگی و زبانی و تفاوت در وضعیت اجتماعی و سیاسی زندگی ممکن است به صورت عمده و یا سهواً در چگونگی کارکرد مرز مؤثر باشد (Laine, 2006: 25-26). توپالوگو نیز بیان می‌کند که دو عامل ناهمگونی و تفاوت میان شهرها و روستاهای دو طرف مرز و گسستگی جریان‌ات میان آن‌ها، از جمله شواهد کارکرد مانعی مرز به شمار می‌رود (Topaloglou, 2009: 118). وی در جایی دیگر مهم‌ترین شاخص‌های شناخت تحول کارکرد مرز را اندازه بازار، میزان قدرت خرید، موقعیت جغرافیایی و توپوگرافی، میزان فاصله از شهرهای بزرگ، کیفیت و بهره‌وری پایین شرکت‌ها و تفاوت در تولیدات اقتصاد محلی معرفی می‌کند (Ibid, 122). لین (۲۰۰۷) نیز در مقاله خود به منظور شناسایی میزان تحول کارکرد مرز میان فنلاند و روسیه، به بررسی شاخص‌هایی مانند وضعیت تجارت میان مرزی، وضعیت عمومی منطقه‌ای، میزان همکاری و مشارکت، جغرافیای اقتصادی منطقه، وضعیت عبور و مرور و زیرساخت‌های ارتباطی می‌پردازد (Laine, 2007: 49-62).

در مقابل، مرزها دارای کارکرد ارتباط‌دهنده و پیونددهنده نیز هستند. بدین معنی که ساکنان مناطق مرزی می‌توانند از تفاوت‌های موجود میان کشورهای همسایه بهره ببرند و انواع فعالیت‌های میان مرزی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را گسترش دهند. شرایط عالی برای شکل‌گیری چنین روابطی در جاهایی وجود دارد که اقلیت نژادی با زبان و فرهنگ آن‌سوی مرز آشنایی داشته باشد (Wasti-Walter, 2009: 332). عموماً در هنگام بحث بر سر کارکرد ارتباطی مرز، مفهوم باز بودن و یا بازگشایی مرزها به میان می‌آید. منظور از باز بودن مرزها، آزادی جابه‌جایی عناصر اقتصادی، مانند کالاها و نیروی کار از طریق مرزهاست. گفتنی است که مفهوم باز بودن مرز نسبی است و به معنای مجوز ورود و خروج هر جریانی نیست. در زمانی که برخی افراد، اقلام و کالاها می‌توانند بدون محدودیت از مرز عبور کنند، برخی دیگر اجازه عبور از مرز را ندارند (Smallbone et al, 2007: 28).

ون هوتوم تأکید می‌کند، در شرایطی که مرزها محدوده فضای عمل انسان را قطع نمی‌کنند، حرکت آزادانه در جریان است. چنین مرزی کارکرد زیادی به عنوان مانع ندارد، بلکه پلی ارتباطی برای اتصال دو طرف و مکانی برای ملاقات بازیگران و ذی‌نفعان خواهد بود (Laine, 2006: 27). با غلبه کارکرد ارتباطی مرزها، شبکه‌ای از روابط میان مرزی شکل می‌گیرد و در این حالت، مردم دو سوی مرز علاقه متقابل به کار مشترک به دلیل پیوندهای فرهنگی یا دلایل اقتصادی پیدا می‌کنند که می‌توان از آن به عنوان روابط (رودررو) مناطق مرزی نام برد (Wasti-Walter, 2009: 33). نباید فراموش کرد گرایش به یکپارچگی سیاسی در قلب اتحادیه و انجمن‌های منطقه‌ای و جهانی و به عبارت دیگر جهانی‌شدن روند تصمیم-

گیری و تصمیم‌سازی، به‌ویژه در دو دهه اخیر، در نقش‌پذیری مرز به‌عنوان ارتباط‌دهنده و نیز مطرح‌شدن مفهوم و ایده (مناطق میان مرزی) تأثیر بسزایی داشته است (رفیعیان و همکاران، ۱۳۹۲: ۴۷-۴۸).

ایده ایجاد بازارچه‌های مرزی در راستای تأکید و تمرکز بر نقش و کارکرد پیونددهنده‌گی مرزهای سیاسی می‌باشد. هدف ایجاد بازارچه‌های مرزی جلوگیری از مهاجرت ساکنان مرزنشین، کاهش قاچاق کالا، رفع نیازهای مرزنشینان و درنهایت توسعه اقتصادی- اجتماعی مناطق محروم مرزی است. البته هدف‌های دیگری از جمله اهداف امنیتی برای افزایش ضریب امنیتی مناطق مرزی با تأکید بر اصل تجمع فعالیت‌ها و تحکیم روابط عاطفی مرزنشینان دو کشور هم‌جوار نیز از اهداف ایجاد و توسعه بازارچه‌ها هستند (Mohammadi Saleh, et al., 2013: 122). بنابراین اهداف اصلی بازارچه‌های مرزی به شرح ذیل می‌باشد:

- مسئله امنیت: بازارچه‌های مرزی با توجه به ساختارشان توانسته‌اند مسئله امنیت مرزها را تا حدودی برآورده نمایند و این مسئله بر روی شرایط اقتصادی محل تأثیر بسزایی گذاشته است.
- مسائل اجتماعی: افراد ساکن در مناطق مرزی به دلایل گوناگون تمایل به رفت‌وآمد با افراد ساکن در آن‌سوی مرز را دارند و بازارچه‌های مرزی نقشی مهم در تبادلاتی دو سوی مرز بر عهده‌دارند.
- مسئله سیاسی: استان‌های مرزی همیشه خواستار روابط سیاسی بر اساس منافع مشترک با کشورهای همسایه بوده‌اند و بازارچه‌های مرزی با انجام مذاکرات و ملاقات متعدد این مسئله را موردتوجه خود قرار داده است.
- ایجاد اشتغال: ایجاد بازارچه‌های مرزی به سهولت توانسته است اشتغال مستقیم و غیر مستقیم مرزنشینان را فراهم آورده و زمینه پدید آمده سرمایه‌گذاری‌های مولد در این مناطق شده است.
- مسئله مهاجرت: بازارچه‌های مرزی با اشتغال‌زایی و ایجاد درآمد برای مرزنشینان می‌توانند معضل مهاجرت به شهرهای بزرگ و کلان‌شهرها را تا حدود زیادی مرتفع نمایند (Siarni & Darban Astana, 2012:1514).
- ایجاد توسعه در روابط اقتصادی و تجاری مناطق مرزی و کاهش میزان فقر، ایجاد اشتغال، امنیت، تثبیت جمعیت در حواشی مرزها و جلوگیری از مهاجرت‌های بی‌رویه به شهرها، جلوگیری از به هدر رفتن سرمایه‌های ملی به‌وسیله قاچاق کالا، رونق اقتصادی و تحرک اجتماعی در راستای نیل به توسعه در نواحی روستایی حاشیه مرز، ایجاد ارتباطات فرهنگی، اقتصادی مردم و تجار خارج از مرز با نواحی کشور از جمله اهداف مدنظر وزارت کشور در ایران برای ایجاد و توسعه بازارچه‌های مرزی است. (وزارت کشور، پیشین).

۳- روش پژوهش

تحقیق حاضر از نظر هدف، کاربردی و توسعه‌ای است، همچنین این مطالعه از نظر ماهیت و روش پژوهش، توصیفی- تحلیلی می‌باشد؛ که با استخراج ۳۹ متغیر در ۵ مؤلفه (جمعیتی، سیاسی، اجتماعی، کالبدی و اقتصادی) به بررسی

اثرگذاری تجارت مرزی مرزنشینان بر شاخص‌های جمعیتی روستاهای پیرامون بازارچه مرزی تمرچین پرداخته شده است. درواقع شاخص‌های مطرح شده در تحقیق حاضر به‌نوعی استخراج گشته‌اند که در ابعاد مختلف، تاثیر تجارت مرزی در منطقه مورد مطالعه را بر روی تحولات جمعیتی و دموگرافیکی از یک‌سو و عوامل مؤثر بر نگهداشت جمعیت در مناطق روستایی از سوی دیگر را مورد ارزیابی و بررسی قرار دهد. برای دستیابی به یک پرسشنامه قابل قبول، سنجش قابلیت اطمینان یا پایایی و روایی ابزار پژوهش ضروری است. برای سنجش روایی، از نظر و دیدگاه ۵ نفر از متخصصان توسعه بهره گرفته شد. بر این اساس، روایی محتوایی سؤالات پرسشنامه، در حد مناسبی ارزیابی شد؛ چراکه سؤالات به‌کاررفته در پرسشنامه تمام جنبه‌های سازه مورد نظر را پوشش می‌دادند. از سوی دیگر، با انتخاب و تکمیل ۴۰ پرسشنامه، پایایی تحقیق نیز با استفاده از آزمون کرونباخ به مقدار ۰/۸۱ به دست آمد که حاکی از پایایی مناسب متغیرهای تحقیق است.

جامعه آماری تحقیق شامل سرپرستان خانوار چهار روستای قیزقایان، گاسوره‌ده، زیوه، کهنه لاجان بوده است و حجم نمونه تحقیق ۲۵۰ نفر بود، اما تعداد پرسشنامه‌های تحقیق به دلیل در دسترس نبودن سرپرستان خانوار و عدم همکاری با محقق، ۱۶۰ مورد به دست آمد. برای محاسبات آماری داده‌های گردآوری شده از پرسشنامه از نرم‌افزار رایانه‌ای SPSS V 25 و از آزمون‌های آماری T تک‌نمونه‌ای و همبستگی استفاده شده است.

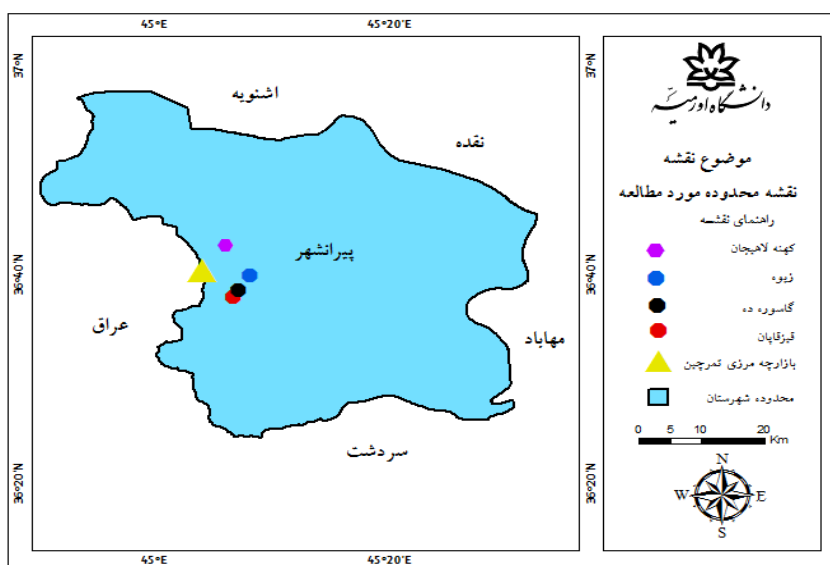
جدول ۱. متغیرهای وابسته مورد استفاده در تحقیق

مؤلفه	گویه
جمعیت	۱-افزایش جمعیت روستا، ۲- روند مهاجرت به روستا، ۳-افزایش جمعیت خانواده‌ها، ۴- کنترل مهاجرت از روستا، ۵-افزایش ازدواج، ۶-افزایش تراکم جمعیت روستا، ۷-افزایش فرزند آوری، ۸-افزایش امید به زندگی، ۹- ترکیب جمعیتی روستا، ۱۰-افزایش گروه سنی فعال
سیاسی	۱۱-بالا رفتن امنیت، ۱۲- رونق ارتباطات قومی و مذهبی، ۱۳-ارتباط با افراد غیر ایرانی، ۱۴- کاهش قاچاق، ۱۵-افزایش اعتماد به دولت، ۱۶- تمایل به شرکت در انتخابات
اجتماعی	۱۷-ارتقای سطح بهداشت در روستا، ۱۸-افزایش سطح سواد در روستا، ۱۹- کاهش وقوع جرم، ۲۰- تغییر پوشش و ظاهر مردم
کالبدی	۲۱-افزایش تردد به روستا، ۲۲-ارتقای کیفیت جاده‌ها، ۲۳-نوسازی خانه‌ها، ۲۴- ارتقای امکانات خدماتی، ۲۵- طرح‌های توسعه روستایی، ۲۶- ایجاد تأسیسات جدید بارگیری کالا در روستا، ۲۷- احداث مهمانسرا و رستوران در روستا، ۲۸-افزایش سطح پوشش خدمات بیمه، ۲۹-افزایش انبارها و سردخانه‌ها
اقتصادی	۳۰-افزایش درآمد روستائیان، ۳۱-افزایش سرمایه‌گذاری در روستا، ۳۲- رونق کشاورزی، ۳۳- کاهش بیکاری، ۳۴-افزایش اشتغال زنان، ۳۵- تنوع شغلی در روستاها، ۳۶-افزایش قیمت دارائی‌های روستائیان، ۳۷- رونق واحدهای تولیدی، ۳۸- کاهش فعالیت‌های غیررسمی، ۳۹-افزایش ورود گردشگر

Mohammadi & Fakhr Fatemi (2005), Qaderi Hajat et al. (2010), Mohammadi Yeganeh et al. (2012), Zarghani et al. (2012), Mousavi (2013)

۴- معرفی محدوده مورد مطالعه

شهرستان پیرانشهر در جنوب غربی استان آذربایجان غربی واقع شده است. پیرانشهر با شهرستان‌های نقده و اشنویه در شمال، مهاباد در شرق و سردشت در جنوب و کشور عراق در غرب همسایه است. فاصله مرکز شهرستان تا مرز عراق کمتر از پنج کیلومتر است (زمینی). قلمرو مکانی مورد مطالعه شامل چهار روستای قیزقاپان، گاسوره ده، زیوه، کهنه لاهیجان می‌باشد. (نقشه ۱)



شکل ۱. نقشه نقاط مورد مطالعه

۵- یافته‌های میدانی

- نتایج تجارت مرزی بر شاخص جمعیت طبق آزمون T تک نمونه‌ای

نتایج به دست آمده از جدول آزمون T نشان می‌دهد که نمره آماره T ۲,۸۶ بوده است که پایین‌تر از نمره استاندارد آزمون است که عدد ۳ است (با توجه به اینکه در پرسشنامه از طیف ۵ گزینه‌ای لیکرت استفاده شده است، عدد ۳ به عنوان میانگین نظری تحقیق در نظر گرفته شده است). نتیجه به دست آمده در سطح معنی داری ۹۵٪ ارزیابی شده که نشان از معنی دار بودن آزمون دارد.

جدول ۲. نتایج آزمون T برای مؤلفه جمعیت

مقدار استاندارد آزمون=۳							
نقش تجارت مرزی در	T	df	sig	میانگین	انحراف استاندارد	حد پایین	حد بالا
بعد جمعیت	۲,۸۶	۱۵۹	۰۰۰,	۲۶,۸۶	۸,۵۳	۲۵,۱۶	۲۸,۵۵

- نتایج تجارت مرزی بر شاخص‌های جمعیتی طبق آزمون T تک نمونه‌ای

نتایج جدول حاصل از آزمون T تک نمونه‌ای برای بعد جمعیتی نشان می‌دهد که از میان ۱۰ متغیر مورد استفاده در بعد جمعیتی پایین‌ترین میانگین را متغیر روند مهاجرت به روستا از تجارت مرزی با ۱,۹۷ و افزایش گروه سنی فعال با ۲,۸۳ بیشترین امتیاز را آزمون T داشته‌اند. در مناطق مرزی استان آ.غربی و به‌خصوص شهرستان پیرانشهر روند مهاجرت از این مناطق به سمت مناطق توسعه‌یافته‌تر (مطابق با نتایج تغییرات جمعیتی که در جدول شماره (۳-۵) آورده شده) همواره در حال جریان بوده که ناشی از مشکلات عدیده‌ی موجود در مناطق روستایی بالأخص روستاهای مرزی است.

جدول ۳. نتایج آزمون T برای مؤلفه‌های جمعیتی

مقدار استاندارد آزمون=۳							
نقش تجارت مرزی در:	T	df	sig	میانگین	انحراف استاندارد	حد پایین	حد بالا
افزایش جمعیت روستا	۲,۲۶	۱۵۹	۰۰۰,	۲,۶۳	۱,۱۶	۲,۳۹	۲,۸۶
روند مهاجرت به روستا	۱,۹۷	۱۵۹	۰۰۰,	۲,۴۹	۱,۲۵	۲,۲۴	۲,۷۳
افزایش جمعیت خانواده‌ها	۲,۳۵	۱۵۹	۰۰۰,	۲,۵۶	۱,۰۸	۲,۳۴	۲,۷۷
کنترل مهاجرت	۲,۴۶	۱۵۹	۰۰۰,	۲,۷۶	۱,۱۱	۲,۵۳	۲,۹۸
افزایش ازدواج	۲,۵۱	۱۵۹	۰۰۰,	۲,۹۱	۱,۱۵	۲,۶۸	۳,۱۳
افزایش تراکم جمعیت روستا	۲,۴۱	۱۵۹	۰۰۰,	۲,۷۲	۱,۱۲	۲,۴۹	۲,۹۴
افزایش فرزند آوری	۲,۴۶	۱۵۹	۰۰۰,	۲,۶۷	۱,۰۸	۲,۴۵	۲,۸۸
افزایش امید به زندگی	۲,۱۹	۱۵۹	۰۰۰,	۲,۴۷	۱,۱۲	۲,۲۴	۲,۶۹
ترکیب جمعیتی روستا	۲,۴۲	۱۵۹	۰۰۰,	۲,۴۷	۱,۰۲	۲,۲۶	۲,۶۷
افزایش گروه سنی فعال	۲,۸۳	۱۵۹	۰۰۰,	۳,۱۸	۱,۱۲	۲,۹۵	۳,۴۰

- نتایج تجارت مرزی بر شاخص‌های سیاسی طبق آزمون T تک نمونه‌ای

نتیجه آزمون T نشان می‌دهد که آماره T به‌دست‌آمده از آزمون بالاتر از نمره استاندارد آزمون است.

جدول ۴. نتایج آزمون T برای مؤلفه سیاسی

مقدار استاندارد آزمون=۳							
نقش تجارت مرزی در:	T	df	sig	میانگین	انحراف استاندارد	حد پایین	حد بالا
بعد سیاسی	۳,۴۳	۱۵۹	۰۰۱,	۱۸,۴۱	۲,۷۷	۱۷	۲۸,۲

- نتایج تجارت مرزی در شاخص‌های سیاسی طبق آزمون T تک نمونه‌ای

بر اساس نتایج آزمون T تک نمونه‌ای برای مؤلفه‌های سیاسی اثرات بازارچه مرزی بر روستاهای پیرامون نشان داد که بیشترین نمره T در میان مؤلفه‌های امنیتی روی متغیر امنیت بوده است که با ایجاد بازارچه مرزی و تجارت مرزی در این منطقه به وجود آمده است. سپس زیر مؤلفه تمایل به شرکت در انتخابات در جایگاه بعدی قرار گرفته یکی دیگر از نتایج تجارت مرزی گسترش ارتباطات بوده است، کاهش میزان قاچاق در منطقه بوده به باور پاسخ‌دهندگان تجارت مرزی سبب کاهش تجارت غیرقانونی یا قاچاق شده است، یکی از دلایل اصلی روی آوردن به قاچاق در مناطق مرزی فقر اقتصادی خانوارها است. و در صورت وجود منابع درآمدی برای خانوارها، در این مناطق شاهد کاهش قاچاق خواهیم بود. در میان مؤلفه‌های سیاسی مطرح شده پیرامون اثرات تجارت مرزی اعتماد به دولت در جایگاه آخر قرار گرفته، در مناطق مرزی ایران به دلیل وضعیت نامناسب اقتصادی و زیرساختی و نقش اصلی دولت در اقتصاد کشور، اعتماد به دولت در جایگاه خوبی قرار ندارد به همین دلیل در رده آخر از میزان اثرات تجارت مرزی قرار گرفته که در صورت تداوم و فعال بودن تجارت مرزی این اعتماد افزایش می‌یابد و یقیناً با توجه به نقش مشارکت مردم در اجرایی نمودن طرح‌های توسعه، اعتماد به دولت می‌تواند زمینه مناسبی برای افزایش مشارکت مردم فراهم آورد.

جدول ۵. نتایج آزمون T برای مؤلفه‌های سیاسی

مقدار استاندارد آزمون=۳							
۳	نقش تجارت مرزی در:						
	حد بالا	حد پایین	انحراف استاندارد	میانگین	sig	Df	T
	۳,۲۱	۲,۸۲	۹۸,	۳,۰۲	۰۰۱,	۱۵۹	۳,۶۷
	۲,۹۶	۲,۴۵	۱,۲۹	۲,۷۱	۰۰۱,	۱۵۹	۲,۸۹
	۲,۷۹	۲,۳۲	۱,۱۶	۲,۵۶	۰۰۰,	۱۵۹	۲,۹۵
	۳,۱۱	۲,۵۹	۱,۳۶	۲,۸۴	۰۰۰,	۱۵۹	۲,۸۶
	۳,۶۵	۳,۰۶	۱,۴۶	۳,۳۶	۰۰۰,	۱۵۹	۲,۹
۲,۱۱	۱,۷	۱,۰۴	۱,۹۱	۰۰۰,	۱۵۹	۱,۲۷	

- نتایج تجارت مرزی در شاخص اجتماعی طبق آزمون T تک نمونه‌ای

نتایج آزمون T برای مؤلفه اجتماعی برابر است با ۲,۵۷ که از مقدار استاندارد آزمون که ۳ است پایین‌تر بوده و همچنین سطح معنی‌داری به‌دست‌آمده نشان‌گر معنی‌دار بودن مؤلفه است زیرا $\text{sig} < ۰,۰۰۵$ به‌دست‌آمده کمتر از ۰,۰۰۵ است.

جدول ۶. نتایج آزمون T برای مؤلفه اجتماعی

مقدار استاندارد آزمون=۳							
نقش تجارت مرزی در:	T	df	sig	میانگین	انحراف استاندارد	حد پایین	حد بالا
بعد اجتماعی	۲,۵۷	۱۵۹	۰,۰۰۰	۹,۷۶	۲,۷۷	۹,۰۸	۱۰,۱۱

- نتایج تجارت مرزی در شاخص‌های اجتماعی طبق آزمون T تک نمونه‌ای

نتایج آزمون T تک نمونه‌ای برای مؤلفه اجتماعی نشان می‌دهد که هیچ‌کدام از زیرمؤلفه‌های مطرح‌شده در این بخش از مقدار استاندارد آزمون نمره بالاتری کسب ننموده‌اند.

جدول ۷. نتایج آزمون T برای مؤلفه‌های اجتماعی

مقدار استاندارد آزمون=۳							
شاخص اجتماعی	نقش تجارت مرزی در:	T	df	Sig	میانگین	انحراف استاندارد	حد پایین
	ارتقای سطح بهداشت	۲,۲۹	۱۵۹	۰,۰۰۰	۳,۰۹	۱,۳۲	۲,۸۲
	افزایش سطح سواد	۲,۱۷	۱۵۹	۰,۰۰۰	۳,۰۱	۱,۰۶	۲,۷۹
	کاهش وقوع جرم	۱,۵۲	۱۵۹	۰,۰۰۰	۱,۵۵	۱,۰۶	۱,۳۳
	تغییر پوشش و ظاهر مردم	۱,۴۲	۱۵۹	۰,۰۰۰	۲,۱۱	۱,۱۴	۱,۸۸

- نتایج تجارت مرزی در شاخص کالبدی روستاهای مورد مطالعه طبق آزمون T تک نمونه‌ای

نتیجه به‌دست‌آمده آماره T ۲,۲۵ است که این رقم پایین‌تر از میزان استاندارد آزمون است.

جدول ۸. نتایج آزمون T برای مؤلفه کالبدی

مقدار استاندارد آزمون=۳							
نقش تجارت مرزی در:	T	df	Sig	میانگین	انحراف استاندارد	حد پایین	حد بالا
بعد کالبدی	۲,۲۵	۱۵۹	۰,۰۰۰	۹,۷۶	۲,۷۷	۹,۰۸	۱۰,۱۱

– نتایج تجارت مرزی در شاخص‌های کالبدی روستاهای مورد مطالعه طبق آزمون T تک نمونه‌ای

بر اساس نتایج آزمون T تک نمونه‌ای برای مؤلفه‌های کالبدی، تنها متغیر نوسازی خانه‌ها از مقدار استاندارد آزمون نمره بالاتر گرفته است. بر اساس مشاهدات میدانی محقق و مصاحبه با افراد پاسخ‌دهنده در محدوده مورد مطالعه به‌موازات افزایش درآمد از تجارت مرزی ساکنین نسبت به نوسازی خانه‌ها اقدام کرده‌اند. و در منطقه مورد مطالعه نیز این نوسازی‌ها شکل جدیدی به کالبد روستا بخشیده است. متغیر ایجاد تأسیسات بارگیری کالا نمره پایین‌تر از آزمون گرفته و بدین معنا است که ایجاد تأسیسات بارگیری کالا در این نواحی صورت نگرفته و بیشتر امکانات مربوط به مرز تمرچین در شهر پیرانشهر واقع گردیده است. همچنین متغیر افزایش تردد به روستاها به دلیل نامناسب بودن وضع راه‌های ارتباطی نیز نمره پایین‌تر از مقدار استاندارد به دست آورده. متغیر ارتقای کیفیت جاده‌ها در این آزمون به دلیل ضعف زیرساخت‌های ارتباطی در مناطق روستایی کشور به‌ویژه در مناطق مرزی نمره پایینی را به دست آورده است. افزایش سردخانه‌ها و انبارهای کالا نیز به دلیل واقع شدن بیشتر آن‌ها در مرکز شهر پیرانشهر و نیز فعالیت بیشتر خدمات بیمه در مراکز شهری و عدم بازدهی آن‌ها در مناطق روستایی منجر به ورود کمتر این فعالیت در مناطق روستایی شده است و از همین رو پایین‌ترین میزان نمره را در این آزمون به دست آورده‌اند.

جدول ۹. نتایج آزمون T برای مؤلفه‌های کالبدی

مقدار استاندارد آزمون=۳								
نقش تجارت مرزی در:	T	df	Sig	میانگین	انحراف استاندارد	حد پایین	حد بالا	تک نمونه‌ای
	۲,۴۸	۱۵۹	۰۰۰,	۲,۸۳	۱,۱۱	۲,۶۰	۳,۰۵	
	۱,۴۳	۱۵۹	۰۰۰,	۱,۹۳	۱,۱۷	۱,۶۹	۲,۱۶	
	۲,۲۱	۱۵۹	۰۰۰,	۳,۱۶	۱,۱۶	۲,۹۲	۳,۳۹	
	۲,۱۵	۱۵۹	۰۰۰,	۲,۶۱	۱,۱۲	۲,۳۸	۲,۸۳	
	۲,۷۱	۱۵۹	۰۰۰,	۲,۷۶	۱,۱۶	۲,۵۲	۲,۹۹	
	۲,۰۲	۱۵۹	۰۰۰,	۲,۸۱	۱,۰۷	۲,۵۹	۳,۰۲	
	۲,۵۱	۱۵۹	۰۰۰,	۲,۱۵	۱,۰۴	۱,۹۴	۲,۳۵	
	۱,۸۷	۱۵۹	۰۰۰,	۱,۹۷	۱,۱۶	۱,۷۳	۲,۲	
	۱,۴۷	۱۵۹	۰۰۰,	۱,۹۵	۱,۱۸	۱,۷۱	۲,۱۸	

- نتایج تجارت مرزی در شاخص اقتصادی طبق آزمون T تک نمونه‌ای

بر اساس نتیجه به‌دست‌آمده از آزمون T تجارت مرزی بر مؤلفه اقتصادی در منطقه مورد مطالعه با توجه به نمره آماره T که عدد ۳,۲۹ است تأثیر مثبتی داشته است.

جدول ۱۰. نتایج آزمون T برای مؤلفه اقتصادی

مقدار استاندارد آزمون=۳							
نقش تجارت مرزی در:	T	df	Sig	میانگین	انحراف استاندارد	حد پایین	حد بالا
بعد اقتصادی	۳,۲۹	۱۵۹	۰۰۰,	۹,۱۹	۲,۷۷	۹,۰۸	۱۰,۱۱

- نتایج تجارت مرزی در شاخص اقتصادی طبق آزمون T تک نمونه‌ای

بر اساس نتایج آزمون T تک نمونه‌ای برای مؤلفه‌های اقتصادی، بیشترین تأثیر را بر میزان بیکاری داشته است به‌طوری‌که این متغیر نمره بالاتر از استاندارد آزمون گرفته و نشان از تأثیر تجارت مرزی بر کاهش بیکاری در روستاها دارد. بر کسی پوشیده نیست یکی از دلایل اصلی مهاجرت نبود منابع درآمدی کافی و بیکاری در روستاها است که در این تحقیق نشان داد که تجارت مرزی تأثیر مثبتی بر روی کاهش بیکاری داشته است. یکی دیگر از متغیرهای که تجارت مرزی بر روی آن اثرگذار بوده افزایش درآمد روستائیان است که در نتیجه کاهش بیکاری و رونق فعالیت در مرز است. تجارت مرزی در منطقه مورد مطالعه از بدو شروع توانسته بر روی میزان درآمد روستائیان داشته باشد و سبب کاهش فقر در این منطقه شود. و همین افزایش درآمد باعث بالا رفتن قیمت دارائی‌های روستائیان در این منطقه شده، به‌طوری‌که با توجه به مشاهدات میدانی محقق تجارت مرزی که هنگام طرح پرسش‌های تحقیق به دلیل مشکلات سیاسی مابین ایران و دولت کردستان عراق و کاهش شدید تجارت در مرز سبب افت قیمت دارائی‌های روستائیان و به تبع کاهش میزان درآمدهای مالی را در پی داشته و در هنگام باز بودن مرز قیمت دارائی‌ها بالاتر بوده است. از طرف دیگر در این آزمون، تجارت مرزی بر روی افزایش سرمایه‌گذاری در روستا تأثیری نداشته است و به تبع این عدم سرمایه‌گذاری مناسب سبب نبود واحدهای تولیدی در این مناطق شده است و همچنین این عدم سرمایه‌گذاری بر روی رونق کشاورزی نیز اثر گذاشته و سبب کاهش رونق کشاورزی در این محدوده بوده. یکی از عوامل توسعه در هر جامعه‌ای افزایش اشتغال زنان است که در این منطقه در حد بسیار پایینی ارزیابی شده و تجارت مرزی تأثیری بر روی افزایش این اشتغال نداشته است. با توجه به ضعف زیرساخت‌های ارتباطی در مناطق روستایی به‌خصوص در منطقه مورد مطالعه و عدم سرمایه‌گذاری مناسب در این منطقه سبب عدم رونق گردشگری باوجود تجارت مرزی شده است و در آزمون نمره پایینی به‌دست‌آمده است.

جدول ۱۱. نتایج آزمون T برای مؤلفه‌های اقتصادی

مقدار استاندارد آزمون = ۳							
نقش تجارت مرزی در:	T	df	sig	میانگین	انحراف استاندارد	حد پایین	حد بالا
افزایش درآمد روستائیان	۳,۱۲	۱۵۹	۰۰۰,	۲,۷۱	۱,۱۱	۲,۸۹	۳,۳۴
رونق کشاورزی	۱,۷۵	۱۵۹	۰۰۰,	۲,۲	۱,۲۳	۱,۹۵	۲,۴۴
افزایش سرمایه‌گذاری در روستا	۱,۳۲	۱۵۹	۰۰۰,	۲,۴۳	۱,۲۵	۲,۱۸	۲,۶۷
کاهش بیکاری	۳,۳۱	۱۵۹	۰۰۰,	۲,۹	۰,۹۸	۲,۷۶	۳,۱۱
افزایش اشتغال زنان	۱,۱۸	۱۵۹	۰۰۰,	۱,۵۸	۱,۸۱	۱,۳۸	۱,۷۷
تنوع شغلی در روستاها	۳,۰۴	۱۵۹	۰۰۰,	۲,۶۷	۱,۱۶	۲,۸	۳,۱۹
افزایش قیمت دارائی‌های روستائیان	۲,۹۶	۱۵۹	۰۰۰,	۲,۵۶	۱,۱۹	۲,۶۴	۳,۱۷
رونق واحدهای تولیدی	۱,۷۸	۱۵۹	۰۰۰,	۲,۰۸	۱,۱۶	۱,۸۴	۲,۳۱
کاهش فعالیت‌های غیررسمی	۲,۵۴	۱۵۹	۰۰۰,	۲,۳۴	۱,۱۳	۲,۱۱	۲,۵۶
افزایش ورود گردشگر	۱,۹۵	۱۵۹	۰۰۰,	۲,۸۴	۱,۴۷	۲,۵۴	۳,۱۳

بعد اقتصادی

- بررسی میزان همبستگی معیارهای تحقیق با استفاده از آزمون همبستگی اسپرمن

بررسی میزان همبستگی متغیرهای تحقیق نشان می‌دهد که مؤلفه جمعیت همبستگی قوی‌ای با مؤلفه‌های سیاسی و اقتصادی به میزان $0,823$ و $0,828$ در سطح معنی‌داری 99% دارد. همچنین بین مؤلفه‌های جمعیت با مؤلفه‌های کالبدی و اجتماعی همبستگی متوسطی را به میزان $0,668$ و $0,591$ درصد و در سطح معنی‌داری 99% داشته است. بررسی میزان همبستگی میان مؤلفه سیاسی با سایر مؤلفه‌ها، همبستگی قوی‌ای را با مؤلفه‌های اقتصادی و کالبدی به میزان $0,758$ و $0,707$ با ضریب معنی‌داری 99% داشته است. بررسی میزان همبستگی بین مؤلفه اجتماعی با مؤلفه‌های کالبدی و اقتصادی در حد قوی‌ای ارزیابی شده است، میزان همبستگی مؤلفه اجتماعی با مؤلفه اقتصادی در سطح 99% ، $0,745$ ارزیابی شده و با مؤلفه کالبدی نیز در سطح معنی‌داری 99% ، $0,721$ درصد ارزیابی شده است. بررسی میزان همبستگی بین مؤلفه‌های کالبدی و اقتصادی نشان‌دهنده ارتباط قوی این دو مؤلفه است که $0,750$ درصد در سطح معنی‌داری 99% به‌دست‌آمده است. بالاترین میزان همبستگی بین مؤلفه اقتصادی با سایر مؤلفه‌ها است، به‌گونه‌ای که ارتباط بین این مؤلفه با چهار مؤلفه دیگر، قوی ارزیابی شده و نشان‌دهنده ارتباط تنگاتنگ اقتصاد با سایر مؤلفه‌های مطرح شده است. به‌عبارت‌دیگر در اکثر مناطق مرزی، اقتصاد تأثیر بسزایی بر عوامل اجتماعی، کالبدی، جمعیتی و سیاسی دارد. بر همین اساس اقتصاد در مناطق مرزی نقش پیشرو را در توسعه این مناطق بر عهده دارد.

جدول ۱۲. نتایج آزمون همبستگی اسپیرمن

مؤلفه ها		جمعیت	سیاسی	اجتماعی	کالبدی	اقتصادی
جمعیت	همبستگی اسپیرمن	۱	۰,۸۲۳	۰,۵۹۱	۰,۶۶۸	۰,۸۲۸
	معنی داری (۰,۹۹٪)	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰
	تعداد نمونه	۱۶۰	۱۶۰	۱۶۰	۱۶۰	۱۶۰
سیاسی	همبستگی اسپیرمن	۰,۸۲۳	۱	۰,۶۷۵	۰,۷۰۷	۰,۷۵۸
	معنی داری (۰,۹۹٪)	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰
	تعداد نمونه	۱۶۰	۱۶۰	۱۶۰	۱۶۰	۱۶۰
اجتماعی	همبستگی اسپیرمن	۰,۵۹۱	۰,۶۷۵	۱	۰,۷۲۱	۰,۷۴۵
	معنی داری (۰,۹۹٪)	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰
	تعداد نمونه	۱۶۰	۱۶۰	۱۶۰	۱۶۰	۱۶۰
کالبدی	همبستگی اسپیرمن	۰,۶۶۸	۰,۷۰۷	۰,۷۲۱	۱	۰,۷۵۰
	معنی داری (۰,۹۹٪)	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰
	تعداد نمونه	۱۶۰	۱۶۰	۱۶۰	۱۶۰	۱۶۰
اقتصادی	همبستگی اسپیرمن	۰,۸۲۸	۰,۷۵۸	۰,۷۴۵	۰,۷۵۰	۱
	معنی داری (۰,۹۹٪)	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰
	تعداد نمونه	۱۶۰	۱۶۰	۱۶۰	۱۶۰	۱۶۰

۶- نتیجه گیری

نتایج به دست آمده از آزمون T تک نمونه ای نشان داد مؤلفه ی جمعیت با امتیاز ۲,۸۶ نمره کمتر از استاندارد را به دست آورده و در بین زیر مؤلفه های جمعیت نیز هیچ کدام نمره بالاتر از استاندارد آزمون را کسب ننموده اند، به عبارتی با توجه به مقایسه میانگین های به دست آمده از زیر مؤلفه های بعد جمعیتی بیشترین مقدار به دست آمده مربوط به افزایش گروه سنی فعال است، زیرا در نواحی مرزی به دلیل عدم توسعه یافتگی مناسب و وجود مشاغل با نیاز تخصصی کمتر، سبب گشته که افراد کم سن و سال نیز به فعالیت که بیشتر از نوع کوله بری می باشد، اقدام کنند. زیر مؤلفه بعدی که امتیاز بیشتری نسبت به بقیه کسب نموده، مربوط به افزایش ازدواج، به عنوان یکی از مهم ترین محرک های تشکیل خانواده و ارتباط آن با وضعیت مناسب مالی افراد می باشد که از طریق بازارچه موجود امرار معاش خود را به دست می آورند و در نتیجه وجود این بازارچه می تواند سبب بالا رفتن ازدواج شود. هر اندازه وضعیت اقتصادی و مالی مردم در مناطق روستایی بیشتر شود، سبب افزایش تمایل به فرزندآوری در مردم می شود؛ بنابراین به تبع وجود بازارچه مرزی فعال می تواند سبب افزایش فرزندآوری و در نتیجه افزایش جمعیت روستا، افزایش تراکم جمعیت روستا و افزایش جمعیت روستا گردد. یکی از دلایل اصلی مهاجرت

از مناطق روستایی به‌ویژه مناطق روستایی که در مرز واقع شده‌اند، ناشی از وضعیت نامناسب اقتصادی این مناطق است که در صورت وجود بازارهای کار دائمی و فعال در این مناطق، مهاجرت روند کندتری در پیش خواهد گرفت.

نتایج حاصل از مقایسه میانگین برای مؤلفه سیاسی در بحث تجارت مرزی نشان داد که امتیاز آن ۳,۴۳ بوده و بالاتر از حد استاندارد آزمون می‌باشد و از نظر پرسش‌دهندگان مثبت ارزیابی شده است در میان ۶ زیرمؤلفه مطرح‌شده در بخش سیاسی تنها زیرمؤلفه بالا رفتن امنیت، امتیاز بالاتر از حد استاندارد دارد که رقم ۳,۶۷ است. در دنیای امروز، اقتصاد و سیاست ارتباطات تنگاتنگی باهم دارند از این رو هرچه در مناطق مرزی اقتصاد قوی‌تری داشته باشیم موجب بالا رفتن امنیت در این مناطق می‌شود. با توجه شرایط نوسانی سیاست خارجی کشور و عدم تداوم وضعیت مناسب در مناطق مرزی، شاهد تزلزل در اعتماد عمومی به دولت در نواحی مرزی می‌باشیم.

نتایج بعد اجتماعی حاصل از مقایسه میانگین که عدد ۳ می‌باشد با استفاده از آزمون T نشان می‌دهد که امتیاز این مؤلفه کمتر از مقدار استاندارد می‌باشد. در میان زیرمؤلفه‌های مطرح‌شده در این بخش هیچ‌کدام از آن‌ها امتیاز میانگین بالاتر از ۳ را به دست نیاورده‌اند و نزدیک‌ترین زیرمؤلفه به میانگین آزمون ارتقای سطح بهداشت می‌باشد با امتیاز آماره T ۲,۲۹ و کمترین امتیاز هم مربوط به تغییر پوشش و ظاهر مردم با امتیاز آماری ۱,۴۲ است.

نتایج حاصل از مقایسه میانگین مؤلفه کالبدی با استفاده از آزمون T نشان‌دهنده امتیاز نسبتاً پایین این مؤلفه به نسبت میزان استاندارد آزمون است، امتیاز به‌دست‌آمده مؤلفه کالبدی برابر است با ۲,۲۵ و از مقدار متوسط پایین‌تر است. در میان زیرمؤلفه‌های طرح شده برای بعد کالبدی نیز هیچ یک از آن‌ها امتیازی بالاتر از میانگین آزمون که عدد ۳ است را نتوانسته‌اند به دست آورند، در این میان بالاترین امتیاز تأثیر بر روی طرح‌های توسعه با ۲,۷۱، احداث مهمانسرا و رستوران با ۲,۵۱ و افزایش تردد به روستا با ۲,۴۸ بیشترین امتیاز و ارتقای کیفیت جاده‌ها با ۱,۴۳، افزایش سطح پوشش خدمات بیمه با ۱,۴۷ و افزایش انبارها و سردخانه‌ها با ۱,۸۷ کمترین امتیاز را در این بخش داشته‌اند.

نتایج مؤلفه اقتصادی نشان می‌دهد که امتیاز به‌دست‌آمده از مقدار میانگین بالاتر بوده و امتیاز آن ۳,۲۹ بوده است. در میان زیرمؤلفه‌های بعد اقتصادی، کاهش بیکاری با ۳,۳۱، افزایش درآمد روستائیان با ۳,۱۲ و افزایش تنوع شغلی با ۳,۰۴ بیشترین امتیاز و بالاتر از حد میانگین داشته‌اند، افزایش اشتغال زنان با ۱,۱۸، افزایش سرمایه‌گذاری در روستا با ۱,۳۲ و رونق کشاورزی با ۱,۷۵ کمترین امتیاز را به دست آورده‌اند.

فرضیه اول: به نظر می‌رسد، فعالیت‌های تجاری در مناطق مرزی مورد مطالعه، تأثیر مثبت در تثبیت و رشد سکونتگاه‌های روستایی این مناطق داشته است.

با توجه به نتایج به‌دست‌آمده از آزمون T تک نمونه‌ای نشان داد که تجارت مرزی با توجه به نمره میانگین به‌دست‌آمده از مؤلفه‌های جمعیتی و کالبدی که کمتر از مقدار استاندارد بوده است؛ بنابراین با مقایسه میانگین نظرات پرسش‌دهندگان با

مقدار استاندارد آزمون مشخص می‌شود که مؤلفه‌های ذکر شده وضعیت مناسبی ندارند و در تثبیت و رشد سکونتگاه‌هایی روستایی این مناطق اثرگذار نبوده است. بدین ترتیب فرضیه تاثیر مثبت فعالیت‌های تجاری در مناطق مرزی مورد مطالعه، در تثبیت و رشد سکونتگاه‌های روستایی این مناطق رد می‌شود. محمدی یگانه و همکاران (۱۳۹۱)، محمدی و فخر فاطمی (۱۳۸۴)، موسوی (۱۳۹۲) به نتایج مشابهی دست یافتند. بر اساس نتایج به دست آمده از آزمون‌های تحقیق، تجارت مرزی بر روی مؤلفه‌های اجتماعی و سیاسی تأثیر مثبتی داشته است؛ قادری حاجت و همکاران (۱۳۸۹)، زرقانی و همکاران (۱۳۹۱)، موسوی (۱۳۹۲)، عکس این نتیجه را نشان دادند. از نظر محققان و با توجه به یافته‌ها، بحث و نتایج، پیشنهادات زیر ارائه می‌گردد:

- بهبود و ارتقاء سطح کیفی راه ارتباطی و وضعیت فیزیکی بازارچه؛
- بهسازی و نوسازی شبکه متناسب راه‌های روستایی بین بازارچه و روستاهای منطقه مورد مطالعه؛
- راه‌اندازی خدمات ارتباطی اولیه و دیگر تأسیسات و امکانات برای تسهیل در کار تجار و پيله‌وران
- حمایت اقتصادی دولت از سرمایه‌گذاران روستایی بازارچه مرزی؛
- اختصاص وام‌های کم‌بهره و قرض‌الحسنه به روستاهای نزدیکی بازارچه جهت سرمایه‌گذاری؛
- بهبود روابط سیاسی بین دو طرف مرز جهت ثبات امر تجارت برای روستائیان؛
- تقویت شرکت‌های تعاونی - تولیدی و تجاری بومی و اعطای تسهیلات ویژه زمان‌دار؛
- افزایش سقف اعتبارات مالی تخصیص یافته به بازارچه مرزی تمرچین؛
- انجام مطالعات ساختاری در خصوص شناسایی مزیت‌ها و خلق مزیت اقتصادی شهرستان و منطقه؛
- بالا بردن منافع روستائیان نزدیک به بازارچه مرزی در بازارچه جهت افزایش انگیزه ماندگاری در روستاهای پیرامونی؛
- ایجاد زمینه‌های مناسب در جهت افزایش استانداردهای آموزشی، فرهنگی، تخصص مردم و پيله‌وران روستایی؛

کتابنامه

1. Brzosko-Sermak, A., (2007). Theoretical deliberations on frontier location of cities. *Bulletin of geography. Socio-economic series*, 2(7), 73-86.
2. Feinstein, B.A., & Dajani-Daoudi, M.S., (2000). Permeable Fences Make Good Neighbors: Improving a Seemingly Intractable Border Conflict between Isrealis and Palestinians. *American University International Law Review*, 16(1), 1-176.
3. Hansent, N.M., (1975). An evaluation of growth-center theory and practice. *Environment and Planning*, 7(7), 821-832.
4. Jones, P. N., & Wild, T., (1994). Opening the frontier: recent spatial impacts in the former inner-German border zone. *Regional studies*, 28(3), 259-273.

5. Kamran, H., Parizadi, T., & Hosseini Amini, H., (2011). Spatial organization of border areas adjacent to the Iran-Pakistan border with a passive defense approach. *Research and Urban Planning*, 2(5), 109-132. [In Persian]
6. Laine, J., (2006). *Perceptions toward the Opening of The Finnish Russian border – border as a barrier among actors involved*. Master's thesis, University of Joensuu, Department of Geography,
7. Laine, J., (2007). Incommodious border? Rethinking The function of the Finnish-Russian border. *Fennia*, 185(1), 49–62.
8. Lewczuk, J., & Ustinovichius, L., (2015). The concept of multi-functional development of cross-border regions: Poland case. *Procedia Engineering*, 122, 65-70.
9. Mohammadi Saleh, R., Bukani, R., & Veisi, R., (2013). The role of cross-border trade in stabilizing the rural population (Case study: Sardasht border market sphere of influence). *Development Management Process*, 26(4), 119-133. [In Persian]
10. Mohammadi Yeganeh, B., & Mehdizadeh, E., (2012). Assessing the economic effects of Mehran border bazaar on the development of rural areas Case study: Mohsenabad district. *Journal of Applied Research in Geographical Sciences*, 12(25), 79-96. [In Persian]
11. Mohammadi, H., & Fakhr Fatemi, A.A., (2005). The role of border markets in the spatial development of border areas (Case study: Bajgiran border market). *Geopolitical Quarterly*, 1(1), 55-76. [In Persian]
12. Mohammadpour, A., Ahmadipour, Z., & Badiei, M., (2006). The role of border function evolution on the geographical space of the tax collectors on the Iran-Turkmenistan border. *Spatial Planning and Planning* (Special Issue of Geography), 147-172. [In Persian]
13. Mousavi, M.N., (2013). Evaluation of the role of common border markets in the development and welfare of border areas Case: Piranshahr Tamerchin border market. *Quarterly Journal of Geography and Development*, 11(33), 55-69. [In Persian]
14. Pena, S., (2005). Recent developments in urban marginality along Mexico's northern border. *Habitat International*, 29(2), 285-301.
15. Qaderi Hajat, M., Abdi, E., Jalili Parvaneh, Z., & Bagheri Saranjianeh, N., (2010). Explaining the Role of Border Markets in Security and Sustainable Development of Areas Around the Case Study: South Khorasan Border Markets. *Geopolitical Quarterly*, 6 (19), 121- 151. [In Persian]
16. Rafieian, M., Moloudi, J., Meshkini, A., Roknauddin Eftekhari, A., & Irandoost, K., (2014). Relationship between border function change and improving the situation around border cities (Baneh and Saqez cities). *Journal of Urban Studies*, No. 9, 58-45. [In Persian]
17. Rietveld, P., (2001). Obstacles to openness of border regions in Europe. In van Geenhuizen M & R Ratti (eds). *Gaining advantage from open borders. An active space approach to regional development* (pp. 79–96). Ashgate: Aldershot.
18. Rietveld, P., (2012). Barrier effects of borders: Implications for border-crossing infrastructures. *EJTIR*, 12 (2), 150-166.
19. Siامي, Q., & Darban Astana, M.R., (2012). Spatial-Functional Implications of Border Markets on the Economy and Security of Iran's Urban and Rural Post-Coastal Territories.

- National Conference on Border Cities and Security. *Challenges and Approaches*, Sistan and Baluchestan University, 1510-1522. (In Persian)
20. Smallbone, D., Labrianidis, L., Venesaar, U., Welter, F., & Zashev, P., (2007). *Challenges and prospects of cross border cooperation in the context of EU enlargement. Sixth Framework Programme, (Priority 7: Citizens and Governance in a Knowledge-based Society)*. London: Kingston University.
 21. Stiller, S., (2003). *Integration in the German-Polish border region – Status Quo and Current Developments*. Paper presented at 43rd Congress of the European Regional Science Association 'Peripheries, Centres and Spatial Development in the New Europe' August 27th – 30th, Jyväskylä, Finland.
 22. Taleshi, M., & Golchini, Q., (2018). Arrangement of border markets in western Iran Economic-physical model in the sustainability of small towns Case study of Siranband Baneh border market. *Journal of New Attitudes in Human Geography*, 10(3), 395-381. [In Persian].
 23. Topaloglou, L., & Petrakos, G., (2006). *The new economic geography of the Northern Greek border regions*. 46th Congress of the European Regional Science Association, 23-27, 1-30.
 24. Topaloglou, L., (2009). Obstacles in economic cross border interaction across the EU external and Northern Greek border regions. *MIBES Transactions*, 3(1),
 25. Valiqlizadeh, A., & Hosseinejad, A., (2016). Assessing the role of common border markets in the development and welfare of border areas (Case study: Siranband Baneh border market). *Journal of Border Studies*, 4(4), 21-1. [In Persian].
 26. Van den Bergh, K., Bruninx, K., & Delarue, E., (2018). Cross-border reserve markets: network constraints in cross-border reserve procurement. *Energy Policy*, 113, 193-205.
 27. Van der Veen, A., & Boot, D.L., (1995). Cross-border Cooperation and European regional Policy. In J. Anderson (ed). *Transnational Democracy: Political Spaces and Border Crossings*. (pp.75- 94). London: Routledge.
 28. Wan, W.Y., (2017). Cross-border public offering of securities in fostering an integrated ASEAN securities market: The experiences of Singapore, Malaysia and Thailand. *Capital Markets Law Journal*, 12(3), 381-411.
 29. Wasti-Walter, D., (2009). Borderlands. International encyclopedia of human geography, editors-in-chief: Kitchin, R and Thrift, N., Volume 1(pp. 332-339), Elsevier Ltd.
 30. Wilson, C. (2015). The U.S.Mexico Border Economy in Transition, Woodrow Wilson International Center for Scholars 96-3.
 31. Zarghani, H., (2019). *An Introduction to Sustainable Border and Border Security*. Iran, Tehran: Geopolitical Association Publications. [In Persian].
 32. Zarghani, S.H., Mehdizad, S., & Azami, H., (2012). Analysis of political-spatial reflections of border markets (a case study of Bashmaq Marivan border market). *Spatial Planning and Planning*, 16 (73), 1-23. [In Persian]

Assessing the Effects of Cross-Border Trade on Demographic Indicators of Rural Settlements in Tamerchin Border

Tanya Sanyar

M.A. in Geography and Land Use Planning, Faculty of Literature and Humanities, Uromia University, Urmia, Iran

Nasser Soltani¹

Associate Professor, Department of Geography, Faculty of Literature and Human Sciences, Uromia University, Urmia, Iran

Hassan Heidari

Assistant Professor, Department of Geography, Faculty of Literature and Humanities, Uromia University, Urmia, Iran

Received: 03 August 2021

Acceptance: 17 January 2022

Abstract

The economic factor is one of the most important factors of population mobility in the border areas. The purpose of this study is to investigate the impact of cross-border trade on demographic indicators in Tamerchin border settlements in Piranshahr. The research is conducted in descriptive-analytical method using a questionnaire. The results of one-sample t-test for the 5 main dimensions of the research show that the reflection of political dimensions has the greatest effect on demographic changes in the studied area with a score of 3.43. The next more important categories are economic reflections with a score of 3.29, population category with a score of 2.86, social category with a score of 2.57, and physical category with a score of 2.25, respectively. According to the results mentioned in the findings section, the development of cross-border trade in the studied rural settlements has not had a positive impact on the stabilization and population growth of these settlements. The lack of infrastructure, services and welfare is one of the most important reasons for lack of the population stabilization. But, cross-border trade has had a positive impact on the social and political components and improving the quality and mobility of life in rural areas, according to the results of research tests.

Keywords: Demographic Indices, Border Trade, Tamerchin, Piranshahr.

1. Corresponding Author Email: n.soltani@urmia.ac.ir

Cultural Components of Border Residents and its Role in Sustainable Security of Kermanshah Border Areas

Nejat Mohammadifar ¹

*Assistant professor of Political Science Department, Faculty of Humanities and Social Sciences,
Ardakan University, Ardakan, Iran*

Ali Moradi

*Associate Professor, Department of Sociology, Islamabad Gharb Branch, Islamic Azad University,
Islamabad Gharb, Iran*

Received: 02 August 2021

Acceptance: 22 February 2022

Abstract

The purpose of this study is to analyze the cultural components of the border residents and its role in sustainable security of Kermanshah border areas. According to the hypothesis, there is a significant relationship between the cultural components of the border residents and the sustainable security of the border areas. The present study was conducted by the method (quantitative and qualitative). The statistical population in the qualitative section included experts and specialists aware of the research topic. Snow ball method is the sampling method in the qualitative section, which reached a theoretical consensus with 30 elites and experts. A small part of the statistical population is included citizens of the border areas of Kermanshah province. According to initial estimates, the number of these people was 540. Semi-structured interviews and researcher-made questionnaires are used to collect data. The coding analysis method was used to identify and prioritize the cultural components and sustainable border security. Also, SPSS software was used in the quantitative part of the study. The results show that sustainable border security from the respondents' point of view has 19 semantic parts in six common categories, included "economic security", "social security", "political security", "environmental security", "military security" and "cultural security". On the other hand, the cultural dimensions of the border residents were the six dimensions of "participation and cooperation", "cultural cohesion", "two-way interaction", "insight and awareness", "ideology" and "chivalry". Correlation matrices between cultural categories and sustainable border security show that there is a significant and direct relationship between each of the components of this matrix. It can be said that the two categories of the core of sustainable border security and the six cultural components of border residents are interrelated; if a two-way interaction takes place between these components, social order will be formed in the borders and the border residents will witness a kind of sustainable security.

Keywords: Culture, Development, Security, Border Residents, Kermanshah

1. Corresponding Author Email: n.mohammadifar@ardakan.ac.ir

Security Consequences of Settlement in the West Bank over a 20-Year Period (2000-2020)

Nasser Rajabnejad

PhD student of Political Geography, Department of Geography, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Mohammad Akhbari ¹

Associate Professor of Political Geography, Department of Geography, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Ali Bijani

Assistant Professor of Political Geography, Department of Geography, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Received: 31 July 2021

Acceptance: 21 November 2021

Abstract

Zionist organizations established settlements in the West Bank with the view of defending and ensuring the security of the Israeli regime. Over the past half-century, Zionist mafia powers have expanded the geography of settlements in the West Bank along their own interests with economic rents from influential individuals and the Israeli Hebrew cabinet. As they became stronger, they intervened directly in the elections, passing laws, setting budgets and credits, and electing the prime minister and the cabinet of the Israeli regime. Continuation of this process led to the substantive inefficiency of democracy in Israel. On the other hand, during the last two decades, the nature of the settlements has become a security problem for this regime, so that the society in Israel has to pay for the security of the settlers materially and spiritually. So the question is what are the security implications of settlements in the West Bank? And how is it formulated? It can be said in response that the initial goals of establishing settlements have changed over the past 20 years, negatively affecting the Israeli regime and weakening the national security of this regime in various dimensions. This research is applied in nature and based on the descriptive-analytical method, data collecting and reviewing documents and Internet resources.

Keywords: Security, Israeli regime, West Bank, Settlement, Consequences

1. Corresponding Author Email: dr.m.akhbari@gmail.com

Analysis of the Factors Affecting Border Outpost Location Using Fuzzy Inference System (Case Study: Border Area between Khorasan Razavi Province, Iran, and Afghanistan)

Malihe Akhbari

M.A. in Political Geography, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

Seyyed Hadi Zarghani¹

Associate professor of Political Geography, Department of Geography, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

Masoud Minaei

Associate Professor of Geography, Faculty of Literature and Humanities, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

Received: 28 April 2021

Acceptance: 20 June 2022

Abstract

Border security refers to prevention of any act against the law along official borderlines of a particular state and regulation of the trans-border passage of individuals, goods, and domestic animals through legally allowed border crossings while carefully observing legal rules and obligations. Every nation tries its best to keep the borders totally blocked except for particular border crossings where trans-border passage has been allowed upon previous agreements. Many factors affect border security of a country. The plans and policies adopted by countries to appropriately and effectively control their borders are among the most important factors contributing to security performance along the borders. In this respect, careful locating of police stations and border outposts impose large contributions to efficiently control and management of borders and the establishment of security along the borderlines and within the border area. The present study aims at investigating and analyzing the factors affecting border outpost location with the help of remote sensing and geographical information system (GIS) software tools. In order to extract, examine and analyze the required information, images taken by the OLI sensor on Landsat satellite in 2018 were loaded with ENVI 5.3 software where remote sensing and GIS techniques as well as fuzzy inference system and analytic hierarchical process (AHP) were utilized. Finally, output map was classified into three classes, namely suitable, moderate, and unsuitable land uses. It should be noted that the analyses were performed using 13 criteria, namely land use, slope, border right-of-way, territory of existing outposts, right-of-way of protected zones, road access, territories of cities and villages, power transmission lines, watersheds, water channels, railways, and faults.

Keywords: Border Security, Checkpoint, Remote Sensing, Geographical Information System, RS & GIS.

1. Corresponding Author Email: h-zarghani@um.ac.ir

Philosophy of Political Geography from the Perspective of Islamic Approach

Mohsen Abedi Darcheh ¹

PhD student of Political Geography, Alborz Campus of Tehran University, Tehran, Iran,

Received: 21 April 2021

Acceptance: 07 February 2022

Abstract

Political geography is one of the branches of geography. The science of political geography is known as the first degree knowledge and the philosophy of political geography is known as second degree knowledge. The philosophy of political geography has been examined and explained from the philosophical point of view of different schools, but all the mentioned schools have acted incompletely in explaining it. In this research, the philosophy of political geography from the approach of Islam has been explained in three areas of ontology, epistemology and methodology. In the ontology of the subject, the definition, area and territory, essence and nature and legality have been discussed. In epistemology, tools include senses and experience, logical and intellectual reasoning, attention and cultivation, testimony and revelation and Sources including nature, intellect, heart and history have been discussed in the field of religious knowledge. Therefore, it is assumed, Islam has a defensible theoretical basis in all political and social fields, and such a research has been done due to eliminate the gap in the field of philosophy of political geography from the perspective of Islamic thought. Accordingly, the necessary formulation with the reasoned content of Islamic political geography has been compiled, referring to Islamic texts and sources, including the Holy Quran, narrative sources, texts of political and historical jurisprudence, as well as the works of Muslim thinkers in this regard. The present study is conducted in a descriptive-analytical method, especially content analysis, and the results show that Islamic thought in the field of social sciences, and especially in the field of political geography, is based on an approach called the approach of revelatory rationality.

Keywords: Philosophy, Political Geography, Ontology, Epistemology, Methodology

1. Corresponding Author Email: abedi.mohsen.dor@ut.ac.ir

Explaining the Foundations of Islamic Countries Divergence and the Failure of Islamic Unity Idea in the Modern Era

Hadi Veisi ¹

Associate Professor of Political Geography, Payame Noor University

Received: 02 February 2021

Acceptance: 26 January 2022

Abstract

The world of Islam with a historical brilliant civilization in the framework of a unified Islamic state has suffered fragmentation and nationalism due to the collapse of the caliphate system in the face of modernity and the nation state system in the contemporary period. In the last century, some reformers and Islamic political activists, influenced by the early history of Islam and the Qur'an teachings of the "United Ummah" or "Islamic Ummah", have proposed the unity and solidarity of the world of Islam to rebuild and revitalize Islamic civilization and to confront the dominating Western powers. Although many efforts have been made, so far no tangible achievements of unity and convergence have been observed in the world of Islam. Therefore, the main question is what are the main problem and root causes of lack of convergence and domination of divergent forces over convergent elements in the world of Islam and why the idea of Islamic unity has been failed. This research has attempted to explain the roots and fundamental causes of divergence in the world of Islam. The results show that the conceptual ambiguity of the world of Islam, economic non-complementation of Islamic countries, dependence on the world outside of world of Islam and competition and ideological contradictions of regional powers in the world of Islam have caused divergent Islamic countries.

Keywords: World of Islam, Islamic Countries, Convergence, Divergence, Islamic Ummah.

1. Corresponding Author Email: hadiveicy@pnu.ac.ir

Contents

- **Explaining the Foundations of Islamic Countries Divergence and the Failure of Islamic Unity Idea in the Modern Era.....1**
Hadi Veisi
- **Philosophy of Political Geography from the Perspective of Islamic Approach2**
Mohsen Abedi Darcheh
- **Analysis of the Factors Affecting Border Outpost Location Using Fuzzy Inference System (Case Study: Border Area between Khorasan Razavi Province, Iran, and Afghanistan).....3**
Malihe Akhbari, Seyyed Hadi Zarghani, Masoud Minaei
- **Security Consequences of Settlement in the West Bank over a 20-Year Period (2000-2020)4**
Nasser Rajabnejad, Mohammad Akhbari, Ali Bijani
- **Cultural Components of Border Residents and its Role in Sustainable Security of Kermanshah Border Areas.....5**
Nejat Mohammadifar, Ali Moradi
- **Assessing the Effects of Cross-Border Trade on Demographic Indicators of Rural Settlements in Tamerchin Border.....6**
Tanya Sanyar, Nasser Soltani, Hassan Heidari

ABSTRACTS

In the Name of Allah



Ferdowsi University of Mashhad

Research Political Geography

**Vol. 7, No.3, Autumn 2022,
Serial Number 27**

License Holder

Ferdowsi University of Mashhad

General Director

Dr.H. Azami

Editor-in-Chief

Dr.M.B. Ghalibaf

Editorial Board

Mohammad Bagher Ghalibaf
University of Tehran

Zahra Ahmadypour
Tarbiat Modares University

Hadi Azami
Ferdowsi University of Mashhad

Javad Etaat
Shahid Beheshti University

HamidReza Rabiei Dastjerdi
CeADAR centre in Dublin

Seyyed Hadi Zarghani
Ferdowsi University of Mashhad

Mohsen Khalili
Ferdowsi University of Mashhad

Executive Coordinator:

Z.Baniasadi

Assistant Editor

M.Eskandaran

Typesetting:

E.Tajvidi

Proofreading:

M.Eskandaran

Printing & Binding:

Ferdowsi University Press

Address:

Faculty of Letters & Humanities
Ferdowsi University Campus
Azadi Sq. Mashhad-Iran

Post code:

9177948883

Tel: (+98 513) 8806723

E-mail:

pg@ferdowsi.um.ac.ir

Internet Address:

<http://pg.um.ac.ir/index.php/pg/index>

RESEARCH POLITICAL GEOGRAPHY

QUARTERLY (Peer-reviewed Journal)

ISSN:2476-3136

- **Explaining the Foundations of Islamic Countries Divergence and the Failure of Islamic Unity Idea in the Modern Era1**
Hadi Veisi
- **Philosophy of Political Geography from the Perspective of Islamic Approach2**
Mohsen Abedi Darcheh
- **Analysis of the Factors Affecting Border Outpost Location Using Fuzzy Inference System (Case Study: Border Area between Khorasan Razavi Province, Iran, and Afghanistan).....3**
Malihe Akhbari, Seyyed Hadi Zarghani, Masoud Minaei
- **Security Consequences of Settlement in the West Bank over a 20-Year Period (2000-2020)4**
Nasser Rajabnejad, Mohammad Akhbari, Ali Bijani
- **Cultural Components of Border Residents and its Role in Sustainable Security of Kermanshah Border Areas5**
Nejat Mohammadifar, Ali Moradi
- **Assessing the Effects of Cross-Border Trade on Demographic Indicators of Rural Settlements in Tamerchin Border6**
Tanya Sanyar, Nasser Soltani, Hassan Heidari